



بنیاد پژوهشی اسلامی
آستان قدس نبوی
پژوهش و علوم اسلامی نبوی

حدیث علی بن ابی حمزہ عن علی بن اسحق عن الحسن بن حماد عن الطیبری عن هشام
ابن سالم عن یحییٰ بن جعفر عن ابی عبد اللہ علیہ السلام قال قال رسول
اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ من لم یحسن وصیته عند الموت کان کما فی

معنا کا بخش اصول

بازیابی و اعتبار سنجی

محمود ملکی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِنَّا لِكُمْ

بِحُشْ اَصُول

بازیابی و اعتبار سنجی



دکتر محمود ملکی

سرشناسه:	ملکی، محمود، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور:	منابع الکافی بخش اصول، بازیابی و اعتبارسنجی / محمود ملکی، ویراستار: مهدی انواری نسب
مشخصات نشر:	مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری:	۳۷۱ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۶۴۴۰۰-۲
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا.
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۳۳۷] - ۱۳۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت:	نمابه.
موضوع:	کلینی، محمد بن یعقوب، - ۳۲۹ ق. الکافی. اصول - مآخذ.
موضوع:	احادیث شیعه - قرن ۴ ق. - مآخذ.
شناسه افزوده:	بنیاد پژوهشهای اسلامی.
رده‌بندی دیوئی:	۲۹۷/۲۱۲
رده‌بندی کنگره:	BP ۱۲۹
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۹۲۳۸۵۹۵



منابع الکافی

بخش اصول، بازیابی و اعتبارسنجی

کتر محمود ملکی

ویراستار: مهدی انواری نسب

مونه خوان: سید عباس سلمان‌زاده

پروف‌نگار: علی پرهانی

اراج جلد: علیرضا وکیلی

چاپ اول: ۱۴۰۲/شمارگان: ۳۰۰ نسخه، وزیری/بها: ۳،۲۵۰،۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: صندوق پستی ۳۶۶-۹۱۷۳۵

لفظ و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۰۵۱-۳۲۲۲۳۰۸۰۳

www.astanbook.ir

info@islamic-rt.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۷	 سخن ناشر
۹	 پیشگفتار
۱۱	 مقدمه
۴۷	 فصل اول: روش و قواعد بازیابی منابع الکافی
۵۰	 منابع الکافی: کتاب‌های اساتید و اساتید اساتید
۵۹	 قاعده نخست: تبدیل سند
۶۰	 قاعده دوم: «عده من أصحابنا»
۶۹	 قاعده سوم: إضمار
۷۴	 قاعده چهارم: تعلیق
۷۸	 قاعده پنجم: حدیث ذیلی
۸۱	 قاعده ششم: ابهام راوی
۸۴	 قاعده هفتم: اهمال مروی عنه
۸۵	 قاعده هشتم: کتاب نداشتن راوی
۸۷	 قاعده نهم: کتاب نداشتن مروی عنه
۸۸	 قاعده دهم: تکرار کم
۸۹	 قاعده یازدهم: تناسب
۹۲	 قاعده دوازدهم: اخذ از کتاب موجود
۹۲	 قاعده سیزدهم: متعارف نبودن سند
۹۳	 قاعده چهاردهم: عطف
۹۴	 قاعده پانزدهم: تردید
۹۵	 همراهی و ناسازگاری قواعد
۹۶	 همراهی قواعد
۹۶	 ۱. همراهی قاعده کتاب نداشتن مروی عنه و قاعده تناسب محتوا
۹۶	 ۲. همراهی قاعده تناسب محتوا و قاعده کتاب نداشتن راوی
۹۷	 ۳. همراهی قاعده تناسب محتوا و قاعده اهمال مروی عنه
۹۷	 ۴. همراهی قاعده تناسب محتوا و قاعده شبه عده
۹۷	 ۵. همراهی قاعده اضممار و قاعده تناسب محتوا
۹۸	 ۶. همراهی قاعده حدیث ذیلی و تناسب محتوا
۹۸	 ناسازگاری قواعد

۱. ناسازگاری قاعدهٔ «عدهٔ من أصحابنا» با قاعدهٔ تعلیق ۹۸
 ۲. ناسازگاری قاعدهٔ اضممار با دو قاعدهٔ تعلیق و حدیث ذیلی ۹۹
 ۳. ناسازگاری قاعدهٔ کتاب نداشتن راوی و قاعدهٔ تناسب محتوا با قاعدهٔ اضممار ۱۰۰
 ۴. ناسازگاری قاعدهٔ ابهام راوی با قاعدهٔ تناسب محتوا ۱۰۰
 ۵. ناسازگاری ظاهری دو قاعده ۱۰۰
- فصل دوم: کتاب‌های اساتید کلینی** ۱۰۳
- کتاب احمد بن ادریس ابوعلی اشعری ۱۰۳
 - کتاب حسین بن محمد ابو عبدالله اشعری ۱۰۷
 - کتاب سعد بن عبدالله ۱۱۰
 - کتاب علی بن ابراهیم ۱۱۶
 - کتاب علی بن محمد علان کلینی ۱۲۶
 - کتاب علی بن محمد بن عبدالله ۱۳۱
 - کتاب محمد بن جعفر اسدی ۱۳۲
 - کتاب محمد بن یحیی ۱۳۵
- فصل سوم: کتاب‌های اساتید اساتید** ۱۴۱
- کتاب ابراهیم بن اسحاق احمري ۱۴۱
 - کتاب ابراهیم بن هاشم ۱۴۷
 - کتاب احمد بن اسحاق اشعری ۱۵۰
 - کتاب احمد بن محمد بن احمد عاصمی ۱۵۳
 - کتاب احمد بن محمد بن خالد برقی ۱۵۵
 - کتاب احمد بن محمد بن عیسی اشعری ۱۶۸
 - کتاب احمد بن هلال ۱۷۷
 - کتاب اسحاق بن محمد نخعی ۱۸۱
 - کتاب جعفر بن محمد بن مالک ۱۸۴
 - کتاب حسن بن علی کوفی ۱۸۸
 - کتاب حسن بن محمد بن جمهور ۱۹۲
 - کتاب سهل بن زیاد ۱۹۳
 - کتاب صالح بن ابی حقاد ۲۰۱
 - کتاب عبدالعظیم حسنی ۲۰۴
 - کتاب عبدالله بن جعفر حمیری ۲۰۸
 - کتاب عبدالله بن صلت ۲۱۱
 - کتاب علی بن محمد بن سعد ۲۱۳
 - کتاب فضل بن شاذان ۲۱۵
 - کتاب قاسم بن ربیع ۲۲۶
 - کتاب محمد بن احمد بن یحیی اشعری ۲۳۹
 - کتاب محمد بن احمد حمدان قلانسی ۲۳۴
 - کتاب محمد بن اسماعیل برمکی ۲۳۶
 - کتاب محمد بن اسماعیل بن بزيع ۲۳۸

کتاب محمد بن حسن صفار.....	۲۴۰
کتاب محمد بن الحسین بن ابی الخطاب.....	۲۴۵
کتاب محمد بن اورمه.....	۲۴۷
کتاب محمد بن عبدالحمید.....	۲۵۰
کتاب محمد بن عبدالجبار بن ابی شهبان.....	۲۵۲
کتاب محمد بن علی ابوسمینه.....	۲۵۵
کتاب محمد بن عیسی.....	۲۵۹
کتاب معلی بن محمد.....	۲۶۶
مؤلفان با دو واسطه و بیشتر.....	۲۶۹
کتاب عبدالله بن ابراهیم جعفری.....	۲۶۹
کتاب علی بن مهزیار.....	۲۷۱
کتاب محمد بن زکریا غلابی.....	۲۸۰
فصل چهارم: منابع مردّد.....	۲۸۵
کتاب احمد بن ادريس / محمد بن حشان.....	۲۸۵
کتاب محمد بن حشان.....	۲۸۵
کتاب احمد بن محمد عاصمی / علی بن حسن بن علی بن فضال.....	۲۸۷
کتاب حمید بن زیاد / حسن بن محمد بن سماعه.....	۲۹۱
کتاب حمید بن زیاد.....	۲۹۱
کتاب حسن بن محمد بن سماعه.....	۲۹۵
کتاب علی بن ابراهیم / صالح بن السندی.....	۲۹۷
کتاب علی بن ابراهیم / علی بن محمد قاسانی.....	۲۹۹
کتاب علی بن ابراهیم / عباس بن معروف.....	۳۰۰
کتاب محمد بن یحیی / احمد بن ابی زاهر.....	۳۰۲
کتاب احمد بن ابی زاهر.....	۳۰۲
کتاب حمید بن زیاد / الحسن بن موسی الخشاب.....	۳۰۴
کتاب الحسن بن موسی الخشاب.....	۳۰۴
کتاب محمد بن یحیی / سلمة بن الخطاب.....	۳۰۶
کتاب سلمة بن الخطاب.....	۳۰۶
کتاب سهل بن زیاد / حسن بن عباس بن حریش.....	۳۰۸
کتاب سلیم بن قیس / سهل بن زیاد و.....	۳۱۱
کتاب سلیم بن قیس.....	۳۱۱
سایر منابع مردّد.....	۳۱۶
کتاب احمد بن ادريس / محمد بن عبدالجبار.....	۳۱۷
کتاب محمد بن یحیی / احمد بن محمد بن عیسی.....	۳۱۷
کتاب محمد بن یحیی / احمد بن اسحاق.....	۳۱۹
کتاب الحسین بن محمد / معلی بن محمد.....	۳۱۹
کتاب احمد بن محمد الکوفی / حمدان القلاتی.....	۳۲۰
کتاب علی بن ابراهیم / ابراهیم بن هاشم.....	۳۲۰

کتاب محمد بن یحیی / محمد بن الحسین.....	۳۲۲
کتاب علی بن ابراهیم / محمد بن عیسی.....	۳۲۳
کتاب الحسین بن محمد / احمد بن اسحاق.....	۳۲۳
کتاب الحسین بن محمد / علی بن محمد بن سعد.....	۳۲۴
کتاب محمد بن ابی عبدالله / محمد بن اسماعیل.....	۳۲۴
کتاب محمد بن یحیی / سعد بن عبدالله.....	۳۲۴
کتاب علی بن محمد بن عبدالله / السیاری.....	۳۲۴
کتاب محمد بن ابی عبدالله / سهل بن زیاد.....	۳۲۴
کتاب محمد بن یحیی / الحسن بن علی الکوفی.....	۳۲۴
کتاب احمد بن ادريس / الحسن بن علی.....	۳۲۵
کتاب محمد بن یحیی / محمد بن الحسین / احمد بن محمد.....	۳۲۵
کتاب محمد بن یحیی / الحسن بن علی.....	۳۲۵
کتاب سعد بن عبدالله / احمد بن محمد بن عیسی.....	۳۲۵
کتاب محمد بن یحیی / علی بن مهزیار.....	۳۲۵
کتاب علی بن ابراهیم / ابراهیم بن هاشم / عبدالله بن الصلت.....	۳۲۶
کتاب الحسین بن محمد / محمد بن احمد النهدی.....	۳۲۶
کتاب محمد بن یحیی / محمد بن احمد بن یحیی.....	۳۲۶
کتاب احمد بن ادريس / محمد بن احمد بن یحیی.....	۳۲۶
کتاب علی بن محمد علان / سهل.....	۳۲۶
مشترک میان المحاسن احمد بن محمد بن خالد و نوادر احمد بن محمد بن عیسی.....	۳۲۶
اسناد مبهم.....	۳۲۷
اساتید نامعلوم.....	۳۲۸
اساتید و راویان مهمل یا مبهم.....	۳۲۹
اسناد وجادهای.....	۳۳۱
نتایج.....	۳۳۲
فهرست منابع.....	۳۳۷
نمایه آیات.....	۳۴۳
نمایه اشخاص.....	۳۴۴
نمایه کتاب های مفقود.....	۳۵۷
نمایه کتاب های چاپی.....	۳۶۵
نمایه قواعد.....	۳۶۸
منابع الکافی (بخش اصول)؛ بازیابی و اعتبارسنجی.....	۳۶۹
مصادر الکافی (قسم الأصول)؛ إحياء و تقییم.....	۳۷۰

سخن ناشر

عن عبدالسلام بن صالح الهروي قال: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: رَجَمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا. فَقُلْتُ لَهُ: وَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا.^۱

حمد و سپاس بی حد خداوند بزرگ و دانا را سزد که غایت آفرینش انسان را معرفت و عبودیت ذات مقدس خود قرار داد و فرمود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ».^۲ درود بر پیامبران الهی، به ویژه حضرت خاتم انبیاء، محمد مصطفی ﷺ که با تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت، زمینه ساز تحقق این هدف متعالی شدند، و سلام بر امامان معصوم ﷺ، به خصوص عالم آل محمد ﷺ، حضرت امام علی بن موسی الرضا ﷺ که ستارگان پرفروغ آسمان معرفت و عبودیت اند و راهنمایان بشر در صراط مستقیم معرفت و بندگی، و رحمت خدا بر عالمان و پژوهشگرانی که در طول تاریخ با فراگیری و نشر علوم و معارف اسلامی به احیای امر امامت و ولایت پرداخته و مردم را با زیبایی های فرهنگ اصیل اهل بیت ﷺ آشنا ساخته اند.

بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی بر اساس نگاه ژرف تولیت فقید این آستان ملک پاسبان به دستور معظم له در سال ۱۳۶۳ تأسیس شد و با الهام از منویات رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی ﷺ و دیدگاه های حکیمانه خلف صالح

۱. میون اخبار الرضا ﷺ، ج ۱، ص ۳۰۷؛ از امام رضا ﷺ شنیدم که می فرمود: خدا رحمت کند کسی که امر ما را زنده کند. عرض کردم: امر شما را چگونه زنده کند؟ فرمود: علوم ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد، که اگر مردم زیبایی های کلام ما را بدانند از ما پیروی خواهند کرد.

۲. ذاریات، ۵۶: «و جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا پرستند».

ایشان، مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، و رهنمودهای تولیت معزز، با تشکیل گروه‌های پژوهشی و استفاده از نخبگان حوزه و دانشگاه، در راستای تأمین نیازهای فرهنگی جامعه و نظام اسلامی و نسل جوان و زائران بارگاه منور رضوی، به پژوهش و نشر علوم و معارف اسلامی نبوی و سیره اهل بیت عصمت علیهم السلام پرداخته و به فضل الهی به توفیقات ارزنده‌ای دست یافته است.

مؤلف در این اثر می‌کوشد منابع مفقود ثقة الاسلام کلینی را در کتاب الکافی در بخش اصول بشناساند. روش‌های دستیابی به منابع مفقود الکافی گام نخست این اثر است. بر اساس روش‌ها، منابع استادان کلینی در سه طبقه استادان بی‌واسطه، استادان با یک واسطه و استادان با سه واسطه ارائه می‌شود. این اثر نشان می‌دهد که کلینی کتابش را بر پایه منابع مکتوب نوشته است. از این رو می‌توان به احادیث هر اثر مفقود در الکافی به طور قطع و گاه با تردید اشاره کرد. این اثر به طور خاص غنای تراث نوشتاری حدیث شیعه و فرهنگ نوشتاری مسلمانان در قرن سوم و چهارم را می‌نمایاند.

بنیاد پژوهش‌های اسلامی
آستان قدس رضوی

پیشگفتار

کتاب و نوشتار از دیر زمان، ابزار انتقال دانش بوده است. با گذشت زمان بر تعداد نوشتارها افزوده شد. نوشتارهای پایه و منبع به دلیل انتقال داده‌هایشان به کتاب‌های پسین، کمیاب شده یا بسیاری از آن‌ها از بین رفته‌اند.

در متون دینی نیز این اتفاق افتاده است. کتاب‌های اصل و منبع با جایگزینی کتاب‌های جامع و کامل‌تر از بین رفتند.

احساس نیاز انسان به آگاهی از نوشته‌های پیشین برای کشف برخی نادانسته‌ها، او را به سوی یافتن راه‌هایی برای یافتن متون از دست‌رفته جهت داد. از دغدغه‌های امروز پژوهشگران دینی دستیابی به مصادر گذشته است، تا بدانند در آن‌ها چه بوده و گویندگان آن سخنان، نویسندگان و مردمان آن زمان چه باورهایی داشته‌اند.

محققان مسلمان و خاورشناسان علاقه‌مند به تاریخ اسلام، در سده اخیر به گونه‌ای گسترده به این دست پژوهش‌ها روی آورده‌اند. این تحقیقات که بازایی یا بازسازی نام گرفته‌اند، در مورد آثار شیعی و سنی به انجام رسیده است.

پژوهش پیش رو این مهم را درباره بخش اصول کتاب الکافی، جامع‌ترین کتاب حدیثی و اصیل شیعی، بر عهده دارد.

این تحقیق در یک مقدمه و چهار فصل به سامان رسیده است. در مقدمه، ابتدا کلیات و مفاهیم پژوهش شناسانده شده است. در فصل اول پانزده قاعده بازایی با نمونه‌هایی معرفی شده است. در فصل‌های دوم و سوم منابع قطعی یا اطمینانی آمده است. با این تفاوت که فصل دوم، کتاب‌های اساتید کلینی و در فصل سوم، کتاب‌های

اساتید اساتید و مؤلفان با دو واسطه یا بیشتر ذکر شده‌اند. در فصل چهارم همین بخش منابعی که میان دو یا چند نفر مردّد بوده، بیان شده است. عمدتاً منابع در این فصل از اساتید و اساتید اساتید است. اسناد مبهم و وجاده‌ای نیز در پایان فصل چهارم گنجانده شده و سرانجام، نتایج این پژوهش با ذکر نمونه‌هایی آورده شده است.

شایسته یادآوری است که این پژوهش در بیستمین همایش کتاب سال حوزه در سال ۱۳۹۷، به عنوان اثر برگزیده، انتخاب شده است.

در پایان سپاسگزار همراهانی هستم که در این راه ناهموار همپای من بودند تا این کار به انجام رسید. سپاس ویژه از استاد گران قدردم حجت الاسلام والمسلمین محمدکاظم رحمان ستایش که هم دانش و هم اخلاق را از ایشان فراگرفتم و نیز از استاد حجت الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی که نکات و راهنمایی‌های ایشان در طول تحصیل و در این پژوهش راهگشای من بوده است و از همه اساتیدی که مرا در حدیث خوانی و حدیث دانی همراهی کردند. سزاوار است در اینجا از سه تن از اساتید بزرگوام یاد کنم: آیت الله سید احمد موسوی مددی (حفظه الله) که بسیاری از آنچه در این راه دارم از ایشان است. نیز حجت الاسلام والمسلمین سید ابوالحسن علوی لامردی که تشویق‌ها و راهنمایی‌های ایشان مرا به ادامه کار در حدیث به ویژه کتاب الکافی دلگرم کرد. همچنین از استاد حجت الاسلام والمسلمین مصطفی سمیعان که فروتنانه با شاگردش کتاب الکافی را مباحثه کرد. بایسته است از همکاران گرانمایه ام آقایان: سلمان زاده، یداللهی، بذرگری، انواری و برهانی در بهتر شدن این اثر تشکر کنم و سرانجام از خانواده‌ام و به طور خاص همسرم برای ایجاد فضایی مناسب سپاسگزارم.

محمود ملکی

مشهد مقدس بهار ۱۴۰۱

مقدمه

جامع‌ترین و اصیل‌ترین^۱ کتاب حدیثی شیعه امامیه کتاب الکافی اثر ثقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی است. جامع از این سبب که گستره‌های دینی مانند: عقاید، اخلاق و فقه و تاندازه‌ای تاریخ را در دل خود جای داده است.

دانشمندان در ستایش و فضل و دانش کلینی اتفاق نظر دارند. دانشیان شیعی وی را به ویژگی‌هایی چون «ثقة»، «عارف بالاخبار»^۲ «شیخ أصحابنا فی وقته بالزی»، «أوثق الناس فی الحديث وأثبتهم»^۳ و عالمان اهل سنت او را به «فاضل شهیر»^۴ «من فقهاء الشيعة والمصنفين علی مذهبهم»^۵ ستوده‌اند.

این کتاب سترگ در قرن چهارم، مورد توجه و مشهور بوده است، به گونه‌ای که ۱۶ راوی را برای آن برشمرده‌اند. برخی از این راویان عبارت‌اند از: محمد بن احمد بن داود قمی، هارون بن موسی تلکعبری، احمد بن ابراهیم بن ابی‌رافع انصاری صیمری، ابو غالب زراری، ابن قولویه، محمد بن محمد بن ابی‌رافع عصام کلینی.^۶

عالمان شیعی پس از تألیف کتاب الکافی، همواره به آن توجه داشته‌اند. به نظر می‌رسد نخستین ارجاع‌ها به این کتاب از آن اسحاق بن ابراهیم بن سلیمان بن وهب

۱. مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۱، ص ۳.

۲. طوسی، فهرست کتب الشيعة، ص ۳۹۳.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۷۷.

۴. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۷، ص ۵۶۶.

۵. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۵، ص ۴۲۷.

۶. بروجردی، ترتیب اسانید الکافی، ج ۱، ص ۵۱-۵۳.

کاتب (زنده در نیمه نخست قرن چهارم) در کتاب البرهان فی وجوه البیان^۱ و نیز نعمانی در الغیبه^۲ (نوشته شده در حدود ۳۳۰-۳۴۰) است. صدوق (م ۳۸۱ هـ) در کتاب من لایحضره الفقیه^۳، سید رضی (م ۴۰۶ هـ) در خصائص الانعمه^۴، شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ) در الإرشاد^۵، کراجکی (م ۴۴۸ هـ) در کنز الفوائد^۶، شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ) در تهذیب الأحکام^۷ از قدمای امامیه هستند که این کتاب را روایت کرده یا از احادیث آن در آثارشان بهره‌ها برده‌اند.

در قرن هشتم شمس الدین آملی تعبیر «اصول خمسة» را به کار برد، ولی تصریح نکرد که منظورش از این اصول چیست^۸، اما از سیاق کلامش می‌توان حدس زد^۹ که مراد او پنج کتاب: الکافی، تهذیب الأحکام، الاستبصار، کتاب من لایحضره الفقیه و مدینه العلم بوده است. در سده دهم این اصطلاح درباره این پنج کتاب با ذکر نام به کار رفت^{۱۰} و اصطلاح کتب اربعه در قرن یازدهم برای کتاب الکافی و سه کتاب دیگر حدیثی استفاده شد.^{۱۱}

پژوهش‌های بسیاری درباره این کتاب وجود دارد. گزارش این تحقیقات و در مواردی

۱. ابن وهب کاتب، البرهان فی وجوه البیان، ص ۳۹۸.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۶۰، ۹۴، ۱۳۹ و

۳. همان، ص ۱۵۷.

۴. صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۲۳، ۵۳۴.

۵. سید رضی، خصائص الانعمه، ص ۶۴.

۶. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۹۱.

۷. کراجکی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۲۲.

۸. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۲.

۹. آملی، نفائس الفنون فی عرائس العیون، ج ۱، ص ۳۹۷.

۱۰. عبارت آملی چنین است: «و از ائمه اهل البيت (علیهم السلام) احادیث بسیار غیر از آنکه در اصول خمسة ثبت است منقول است و فقهاء شیعه آن را جمع کرده‌اند و کتب بسیار در آن ساخته و ابن بابویه و علم الهدی و ابو جعفر طوسی هر یک صحیحی ترتیب داده‌اند».

۱۱. عاملی، وصول الاخبار الی اصول الاخبار (چاپ شده در رسائل فی علم الدرايه، ج ۱)، ص ۳۸۹.

۱۲. برای نمونه ببینید: ملکی، محمود، «اجازات الشيخ بهاء الدین العاملی»، کتاب شیعه، ش ۷ و ۸، بهار و تابستان

خود آن پژوهش‌ها تا سال ۱۳۸۷ ش در مجموعه آثار کنگره ثقة الاسلام کلینی، منتشر شده است.

تعداد بالای راویان الکافی، توجه عالمان به آن و نیز نقل پیوسته و همیشگی از زمان تدوین، نشان دهنده اهتمام به این کتاب جامع حدیثی است.

درباره الکافی و دیگر کتاب‌های حدیثی این پرسش مهم وجود دارد که مؤلفان این آثار، احادیث خود را از کجا آورده‌اند؟ شفاهی بودن احادیث یا مکتوب بودن آن‌ها یا هر دو، احتمالاتی است برای پاسخ به این پرسش. پیش از تدوین الکافی آثار حدیثی فراوانی وجود داشته که به نظر می‌رسد منابع الکافی بوده‌اند. شواهد بسیاری در تاریخ حدیث، کتاب‌های حدیثی و فهرست‌ها در دست است که نشان می‌دهد محدثان برای تدوین کتاب‌های خود از نوشته‌های حدیثی پیش از خود بهره می‌بردند.

اکنون غالب این منابع در دست نیست و نمی‌دانیم محدثانی مانند کلینی احادیث کتاب الکافی را از کدام منابع گرفته و چگونه در نوشتارهای خود استفاده کرده‌اند. این ابهام، نادانسته‌های بسیاری را به دنبال دارد. ناآگاهی از وجود حدیث در منبعی خاص و به تبع، اطلاع نابسنده از اعتبار و حجیت حدیث از ابهام‌های پیش‌روی حدیث‌پژوهان است.

شناخت این منابع از نظر تاریخ حدیث و اعتبارسنجی اهمیت بسیاری دارد؛ بنابراین ارزیابی تاریخی و اعتبارسنجی الکافی و احادیث آن به شناخت مصادر و اعتبارسنجی آن‌ها وابسته است. جز در موارد اندکی، کلینی به منابع خود در الکافی اشاره‌ای ندارد.

برای شناخت منابع الکافی به استفاده از روش‌ها و قاعده‌های اطمینان‌آور نیاز داریم. دستیابی به این قاعده‌ها نیازمند واکاوی است. این تحقیق به چگونگی به دست آمدن روش‌ها و قواعد می‌پردازد. قواعد و روش‌ها از قبل مطالعات کتاب‌های فهرست و لایه‌شناسی کتاب‌های حدیثی به دست آمده است. همچنین اعتبارسنجی منابع به

دست آمده بر این دو مبتنی است. اطمینان سنجی و روایی و اعتبار این قواعد به کمک شواهد به ویژه اسناد حدیثی و طرق کتاب های گزارش شده در فهرس، صورت گرفته است.

این پژوهش قواعد گفته شده در نوشته های محققان را مسلم نگرفته و با مراجعه مستقیم به طرق، اسناد و مقایسه میان آن ها و اسناد مهم ترین کتاب حدیثی به جامانده پیش از الکافی، یعنی المحاسن به انجام رسیده است.

ضرورت

بازیابی منابع الکافی می تواند نتایج پرباری به دنبال داشته باشد. آنچه به این مهم ضرورت بخشیده، ابهام هایی است که درباره کتاب الکافی و تاریخ حدیث شیعه وجود دارد. این پژوهش برای پاسخ به سؤالات و روشن کردن ابهامات و نادانسته هایی است که در ادامه فهرست شده است:

۱. با بازپژوهی منبع، بخش مفقود آن شناخته شده و با کامل کردن دیگر بخش های آن منبع، هویتی مستقل به خود خواهد گرفت. نیز با بررسی اسناد، محتوا و قرائن و شواهد می توان اعتبار آن منبع را سنجید.

۲. به تبع فایده پیشین، شناخت متن مفقود سنجه ای برای منبع استفاده کننده از این متن؛ یعنی الکافی از حیث اعتبار به شمار می رود. لازم به یادآوری است که اعتبارسنجی این منابع، اعتبار تاریخی آن ها است؛ از این رو نسبت به شهرت و شذوذ این منابع در فهرست های طوسی و نجاشی پژوهش شده است.

۳. با شناخته شدن منابع الکافی، از منبع بازیابی شده شناختی دقیق تر و جامع تر به دست می آوریم.

۴. غالب خاورشناسان بر این باورند که تاریخ اندیشه به زمان منابع مکتوب آن بازمی گردد. با شناخت منابع مکتوب کتاب، تاریخ اندیشه به زمانی جلوتر از کتاب

موجود خواهد رفت.^۱

۵. شناخت منابع مفقود، نشان دهنده تراث پربار شیعه در قرون نخستین و غنای فرهنگ شیعی است.

۶. با شناسایی منبع مفقود و مورد اعتماد، می‌توان احادیث آن منبع را بر احادیث سایر منابع ترجیح داد. این امر اختلاف نسخه‌ها و حتی اختلاف فتاوا را کم خواهد کرد.

زمینه‌ها

شناسایی منابع الکافی بر این فرض مبتنی است که احادیث این کتاب از طریق کتاب‌های پیشین به آن منتقل شده و در واقع اسناد این کتاب طریق به منابع به شمار می‌روند؛ از این رو در اینجا به این دو مبحث^۲ که زمینه‌های ورود به منبع‌یابی است، می‌پردازیم:

تصور امروز ما درباره حدیث این است که مؤلفان کتاب‌های حدیثی، روایات را از استادان و مشایخ خود و آنان نیز از اساتید خویش تا امام معصوم شنیده‌اند.

به تعبیر دیگر، هر حدیث، واحدی است مستقل که این مسیر را طی کرده است؛^۳ اما با مراجعه به کتاب‌هایی با عنوان «فهرست»، نام مؤلفان کتاب‌ها و راویان آن‌ها را می‌بینیم که با نام راویان احادیث یکسان هستند.^۴ یکسانی این دو، تصور انتقال شفاهی

۱. عمادی حائری، بازسازی متون کهن حدیث شیعه، ص ۳۸۲.

۲. از آنجا که این دو مبحث در هم تنیده است در پی هم آمده و از یکدیگر جدا نشده است.

۳. بررسی‌های سند محور بر اساس دیدگاه متأخران شیعه از این نگاه بهره می‌برد؛ هر چند ممکن است بدان تصریح نشود.

۴. برای نمونه نجاشی، طریق خود به کتاب اسماعیل بن ابی‌زیاد معروف به سکونی شَعبی را این‌گونه شناسانده است: «له کتاب قرأته علی ابی‌العباس احمد بن علی بن نوح قال: اخبرنا الشریف ابومحمد الحسن بن حمزة قال: حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابیه عن النوفلی عن اسماعیل بن ابی‌زیاد السکونی الشَّعبی بکتابه (نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶) حال سند کلینی به سکونی را ببینید: «علی بن ابراهیم عن ابیه عن النوفلی عن السکونی». این سند صدها بار در الکافی تکرار شده است.

حدیث را سست کرده، اثبات می‌کند که نقل حدیث در موارد فراوانی^۱ بر محور کتاب بوده است.

این انگاره با تصریح بزرگانی مانند شیخ صدوق قوت می‌یابد. وی در مقدمه اثر سترگ خود، کتاب من لا یحضره الفقیه، استفاده از کتاب‌های پیشین را در تصنیف این کتاب ذکر کرده است. صدوق در این مقدمه، همه کتاب خود را مستخرج از کتاب‌های مشهور مورد اعتماد و مرجع می‌داند. تعبیر «جمع ما فیہ» از صدوق در همین مقدمه از رواج استفاده از کتاب‌های حدیثی پیشین، برای تصنیفات پسین نشان دارد. صدوق در همین جا برخی کتاب‌های منبع را مانند: کتاب علی بن مهزیار، کتاب‌های حسین بن سعید و عبیدالله بن علی حلبی نام می‌برد.^۲

شیخ طوسی نیز که فهرست آثار شیعیان از قرن اول تا زمان خود را فراهم آورده، در تهذیب الأحکام منابع خود را اصول و مصنفات پیشین دانسته است.^۳

اما کلینی در الکافی جز در مواردی اندک، به منابع خود تصریح نمی‌کند. برای نمونه وی به کتاب الطلاق فضل بن شاذان دسترسی داشته و از آن نقل کرده است.^۴ هر چند نشانه‌ها و قرینه‌های فراوانی در دست است که او نیز از کتاب‌ها در تدوین الکافی بهره برده است.^۵

نگاه کتاب‌محورانه به اسناد کتاب‌های حدیثی، حضور چندین مؤلف و صاحب کتاب در این اسناد، همراه با تکرار فراوان این دسته اسناد، ما را به این نکته می‌رساند که

۱. قید «فراوانی» بدین معناست که در مواردی نقل شفاهی رخ داده، کتاب محوری همیشگی نبوده است. یکی از دلایل تکرار کم برخی اسناد و تفرد آن‌ها نقل شفاهی است.

۲. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

۳. طوسی، تهذیب الأحکام (مشیخه)، ج ۱۰، ص ۵.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱۱، ص ۵۶۲.

۵. نمونه آن نقل «عدة من اصحابنا» در آغاز بسیاری از اسناد الکافی است که نشان از اخذ از کتاب مؤلفی است که عده از او نقل می‌کنند.

کتاب‌ها، بستر انتقال و جابه‌جایی احادیث بوده است.^۱ برای نمونه، سند «احمد بن ادریس عن محمد بن عبدالجبار» ۵۹۳ بار در الکافی تکرار شده است^۲ و هر دو صاحب کتاب هستند.^۳ از سوی دیگر، احمد بن ادریس راوی کتاب محمد بن عبدالجبار دانسته شده است.^۴ این یکسانی نشان می‌دهد که رابطه‌ای معنادار میان سندها و مؤلفان وجود داشته است.

در اینجا برای روشن‌تر شدن این بحث دو نمونه از گزارش‌های فهرست‌نگاران را می‌آوریم:

نجاشی نوشته که علی بن مهزیار کتاب‌های بسیاری تصنیف کرده است. او در مصنفاتش، از کتاب‌های حسین بن سعید بهره برده و مقداری نیز بر آن افزوده است.^۵ حماد بن عیسی نیز بیشتر کتاب الزکاة خود را از حریر بن عبدالله سجستانی گرفته^۶ که خود کتابی به نام الزکاة دارد.^۷ کار حماد شبیه کار علی بن مهزیار است. حماد کتاب خود را کتاب حریر گرفته و اندکی بر آن افزود.^۸

بر پایه این گزارش‌ها، ثبت نوشتاری حدیث و سپس انتقال آن از طریق کتاب، امری رایج بوده است. فراوانی کتاب‌های قرن دوم تا پنجم و ارتباط لایه‌ای میان آن‌ها از همین امر سرچشمه می‌گیرد.

۱. برای آشنایی با این دست اسناد ببینید: حمادی، عبدالرضا، «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی»، حدیث پژوهی، ش ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.

۲. حمادی، عبدالرضا، «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی»، حدیث پژوهی، ش ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۹۲؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۱۵.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۱۵.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۵۳.

۶. همان، ص ۱۴۲.

۷. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۶۲.

۸. برای نمونه، حماد در کتاب الزکاة خود روایاتی را از حلبی استفاده کرده است. ببینید: کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۹.

این گستردگی، به ویژه در قرن دوم می‌بایست از انگیزه‌ای قوی نشئت گرفته باشد. وجود احادیثی از امام صادق علیه السلام درباره نوشتن حدیث،^۱ حفظ کتاب‌ها،^۲ نوشتن حدیث و نگهداری کتاب برای فرزندان^۳ و روایاتی از سایر امامان علیهم السلام از اهمیت دادن آن بزرگواران به نوشتن حدیث حکایت دارد. طبیعی است به پیروی از سخنان اهل بیت علیهم السلام، شیعیان به کتابت حدیث روی آورده، کتاب‌های فراوانی از احادیث امامان علیهم السلام فراهم آورند.

شایسته است در اینجا از یکسانی اسناد کتاب‌های حدیثی و طرق برخی کتاب‌ها در فهرس سخن بگوییم. این یکسانی امری اتفاقی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده نظامی منسجم در انتقال حدیث است. یکی بودن سند حدیثی در کتابی حدیثی با طریق یکی از فهرست نگاران به کتاب فردی که در سند همان حدیث قرار دارد، نشان می‌دهد که سند موجود در کتاب حدیثی، طریق مؤلف آن کتاب به منبعی است که حدیثش را نقل کرده است.

این مطلب شواهد و نمونه‌های بسیاری دارد. افزون بر این، کتاب‌محوری در شیعه خود یکی از شواهد قوی بر این شیوه است. در اینجا سه مورد را به عنوان نمونه می‌آوریم:

۱. سند «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر» صدها بار در الکافی آمده است.^۴
- از طرفی نجاشی، طریق خود به همه کتاب‌های ابن ابی عمیر را این گونه آورده است:
- «أخبرنا بسائر کتبه أحمد بن علی السیرافی، قال: حدثنا الحسن بن حمزة قال: حدثنا علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن ابی عمیر بجمیع کتبه».^۵

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۲۹، ح ۱۵۰، ۱۵۱.

۲. همان، ح ۱۵۲.

۳. همان، ح ۱۵۳.

۴. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۸۳.

۵. برای نمونه ببینید: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸، ح ۷۶؛ ص ۹۶، ح ۸۶؛ ص ۹۸، ح ۹۱ و

۶. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۲۷.

۲. سند «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد»^۱ هم از سندهای پر تکرار کتاب‌های حدیثی به ویژه الکافی است. طریق نجاشی به حسین بن سعید چنین است:

«أخبرنا أبو علي أحمد بن محمد بن يحيى العطار القمي، قال: حدثنا أبي و عبد الله بن جعفر الحميري و سعد بن عبد الله جميعاً، عن أحمد بن محمد بن عيسى»^۲.

۳. در الکافی بارها در آغاز اسناد آمده است: «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عيسى»^۳. این عده عبارت‌اند از: محمد بن یحیی، علی بن موسی کُمندانی^۴، داود بن کوره، احمد بن ادريس و علی بن ابراهيم^۵. این سند را مقایسه کنید با طریق نجاشی به کتاب‌های احمد بن محمد بن محمد بن عيسى:

«و قال لي أبو العباس أحمد بن علي بن نوح: أخبرنا بها أبو الحسن بن داود عن محمد بن يعقوب عن علي بن إبراهيم و محمد بن يحيى و علي بن موسى بن جعفر و داود بن كورة و أحمد بن إدريس عن أحمد بن محمد بن عيسى بكتبه»^۶.

می‌بینیم که در هر سه نمونه، طریق‌های نجاشی با سندهای کلینی دقیقاً یکی است.^۷

پیشینه

در اینجا درباره دو گونه پیشینه بحث می‌کنیم. در آغاز پیشینه بازایی متون مفقود و

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۰، ح ۲۴۸؛ ص ۲۶۳، ح ۲۹۸؛ ص ۳۲۴، ح ۳۴۳ و

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۵۹.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۴، ح ۱۷۲؛ ص ۱۵۶، ح ۱۹۱؛ ص ۳۲۶، ح ۳۴۶ و

۴. کمیدانی صحیح است.

۵. حلی (علامه)، خلاصة الاقوال، ص ۲۷۲.

۶. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸۲.

۷. محمد اعجاز نگری در رساله دکتری خود با عنوان «نظریه ابتناء کتب حدیثی موجود شیعه بر مکتوبات سه قرن اول هجری با تأکید بر کتاب کافی» از ص ۳۶۴ - ۵۳۴ به تفصیل شواهد این موضوع را بررسی کرده است.

سپس پیشینه اعتبارسنجی این منابع شناسانده را بررسی می‌کنیم:

پیشینه بازیابی متون مفقود

قرن یازدهم آغاز نزاعی در تعامل با حدیث است. اخباریان در نزاع با اصولیان با اعتباربخشی به احادیث به‌ویژه احادیث کتب اربعه، به دلایلی از جمله استفاده مؤلفان از منابع اصیل پیشین تصریح کردند.^۱ جز این ادعا که جوامع حدیثی قرون چهارم و پنجم مبتنی بر کتاب‌های معتبر و معتمد گذشته است، به طور دقیق منابع گذشته شناسایی نشده و به همین سخن کلی بسنده شده است. بحرانی،^۲ وحید بهبهانی^۳ و محدث نوری^۴ نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند؛ البته اندک عالمانی بودند که به این مهم اقدام کردند.^۵

در قرن چهاردهم هجری (بیستم میلادی) خاورشناسان به پژوهش‌های گسترده‌تری در منابع اسلامی روی آوردند. حدیث، به‌ویژه تاریخ آن، یا به عبارتی دقیق‌تر، تاریخ‌گذاری حدیث مورد توجه جدی آنان قرار گرفت. شاخه^۶ و نیبل^۷ بسیاری از احادیث را که چندین سند متعدد و مختلف داشته و در نسل سوم یا چهارم پس از پیامبر ﷺ به یک راوی مشترک می‌رسیدند، به دو بخش جعلی و اصیل تقسیم کردند. آنان راوی مشترک را محل اتصال دو بخش اصیل و مجعول دانستند. باور شاخه و نیبل این بود که راوی مشترک، جعل‌کننده سند پیش از خود تا پیامبر است؛ یعنی به نظر آنان راوی مشترک،

۱. استرآبادی، الفوائد المدنیه، ص ۱۳۹-۱۴۰؛ عاملی، هداية الابرار، ص ۸۲-۵۹؛ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۱۶۰-۱۶۱.

۲. بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۱، ص ۱۷-۲۱.

۳. وحید بهبهانی، فوائد الوحید علی منهج المقال (چاپ شده با منهج المقال)، ج ۱، ص ۸۹.

۴. نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۸۳.

۵. ببینید: مجلسی، روضة المتقین، ج ۱، ص ۴۵۴؛ ج ۲، ص ۲۲۳؛ مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۴۸.

6. Joseph Franz Schach.

7. Gautier H. A. Juynboll.

هم سند حدیث و هم متن آن را جعل کرده و در میان طبقه پس از خود نشر داده است.^۱ این تردید تا دهه ۱۹۷۰ م در میان محققان غربی رایج بود تا اینکه پژوهش‌های شوئلر^۲ و موتسکی^۳ بر اساس تحلیل سند و متن، اسناد و متون را به طور نسبی اصیل دانستند.^۴

با انتشار آثار فؤاد سزگین درباره جوامع حدیثی، این نوع تحلیل به حوزه حدیث پژوهی راه یافت. این شیوه اندکی قبل در باب برخی آثار به کار گرفته شده بود، هر چند شهرت به کارگیری آن مدیون سزگین است. اما وی در باب دستیابی به منابع جوامع حدیثی به اسناد بسنده کرد. موتسکی به اصلاح روش او پرداخت و با پژوهشی درباره کتاب المصنّف عبدالرزاق منابع و منابع منابع آن را شناسایی کرد.^۵ در میان اهل سنت نیز حکمت بشیر یاسین در سال ۱۴۱۲ ق به نام القواعد المنهجية في التقييد عن المفقود من الكتب و الاجزاء التراثية^۶ به قواعد بازیابی پرداخت.

اما در شیعه نخستین گام‌ها در آغاز دهه هشتاد شمسی برداشته شد. احمد پاکتچی نخستین فردی بود که در سال ۱۳۸۰ به ضرورت بازیابی و بازسازی متون حدیثی اشاره کرد.^۷ سید حسین مدرسی طباطبایی یک سال بعد دفتر اول میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری را با هدف بازیابی متون شیعی در این سه قرن^۸ منتشر کرد. وی در حدود یک صفحه روش خود را در کتابش باز گفت.^۹ در این دهه درس‌های استاد سید احمد موسوی مددی پُر از این مباحث بود و معمولاً ایشان در درس خارج فقه به بازیابی متون

۱. موتسکی، حدیث اسلامی، ص ۴۸-۴۹.

2. Gregor Shoeler.
3. Harald Motzki.

۴. همان، ص ۶۴.

۵. همان، ص ۶۶.

۶. این کتاب در سال ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۳ م در مکتبه المؤید ریاض به چاپ رسیده است. او در سال ۱۴۲۴ هـ مین کتاب را

با عنوان کتب التراث بین الحوادث والایمات توسط انتشارات دار ابن جوزی در دمام منتشر کرد.

۷. پاکتچی، احمد، «روش بازشناسی متون کهن حدیثی»، پیام صادق، ش ۳۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۰.

۸. تاکنون تنها دفتر نخست چاپ شده است.

۹. مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۵-۱۶.

حدیثی و روش آن می‌پرداخت. با نشر کتاب بازسازی متون کهن حدیث شیعه در سال ۸۸، اولین کتاب در موضوع روش بازیابی و نمونه‌هایی از آثار بازیابی شده ارائه شد. این کتاب شامل مقالاتی از نویسنده، مصاحبه با استاد مددی و مقالاتی از نویسندگان خاورشناس و شیعی از جمله مقاله «منابع نعمانی در الغیبة نعمانی» از سید محمد جواد شبیری است.

در این میان، هر یک منابع الکافی را مورد توجه قرار دادند؛ هر چند آثاری که پس از این معرفی خواهیم کرد به طور ویژه به شناسایی منابع الکافی اهتمام دارند. ثامر هاشم عمیدی، نویسنده معاصر عراقی با پژوهشی درباره فروع الکافی که در سال ۱۳۷۳ منتشر شده، به منابع اندکی از بخش فروع که کلینی بدان‌ها تصریح کرده، اشاره کرده است.^۱

در نرم‌افزار «درایة النور» که در سال ۱۳۸۲ تولید شده، در بخش معرفی آن، منابعی از الکافی شناسانده شده است. این نوشتار در سال ۱۳۸۷ با عنوان «پژوهشی جدید در کتاب کافی» به قلم سید محمد جواد شبیری بازنشر شد.^۲

احسان سرخه‌ای در سال ۱۳۸۸ با نوشتن مقاله «کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی»^۳ با روش بازیابی، چگونگی دستیابی کلینی به کتاب حلبی را شناساند و محمدرضا جدیدی‌نژاد مقاله «روش دستیابی به منابع الکافی» را در سال ۱۳۸۹ منتشر کرد.^۴

در مقاله «اعتبارسنجی منابع کتاب الکافی» نیز بخشی از منابع الکافی شناسانده

۱. عمیدی، الشیخ کلینی البغدادی و کتابه الکافی (الفروع)، ص ۲۳۹.

۲. شبیری، سید محمد جواد، «پژوهشی جدید در کتاب الکافی» (چاپ شده در شناختنامه کلینی و الکافی، ج ۱)، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۷.

۳. سرخه‌ای، احسان، «کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی»، علوم حدیث، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۸.

۴. جدیدی‌نژاد، محمدرضا، «روش دستیابی به منابع الکافی»، آینه پژوهش، شماره ۱۲۳، مرداد و شهریور ۱۳۸۹.

شده است.^۱

مقاله «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی» از عبدالرضا حمادی نیز گامی در ساحت شناخت منابع الکافی بود.^۲

محمد قربانی در مقاله «اسناد پر تکرار نشانی از منابع مکتوب الکافی» با نشان دادن برخی اسناد پر تکرار الکافی، برخی منابع را بر اساس این قاعده شناسایی کرده است.^۳ رضا قربانی زرین هم در پایان نامه ارشد خود با عنوان «بازشناسی منابع الکافی و تأثیر آن بر اعتبار سندی روایات»^۴ به بازیابی منابع الکافی پرداخته است.

پیشینه اعتبارسنجی منابع مفقود

نخستین مباحث درباره اعتبارسنجی حدیث و شمارش قرائن و شواهد در قرن یازدهم مطرح شده است. شیخ بهایی (م ۱۰۳۰هـ)،^۵ شاگردش، مولی محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۱هـ)،^۶ و فیض کاشانی (م ۱۰۹۱هـ)^۷ قرائن را احصا کردند. حر عاملی (م ۱۱۰۴هـ) نیز قرائن خود را در انجام وسائل برشمرد^۸ و علامه مجلسی (م ۱۱۱۰هـ) همین قرائن را بیان کرده است.^۹ در ادامه محقق بحرانی (م ۱۱۸۶هـ)،^{۱۰} وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵هـ)،^{۱۱} محدث نوری (م ۱۳۲۰هـ)^{۱۲} به

۱. فرزند وحی، جمال و مینا یعقوبی، «اعتبارسنجی منابع کتاب الکافی»، سراج منیر، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۱.

۲. حمادی، عبدالرضا، «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی»، حدیث پژوهی، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.

۳. قربانی، محمد، «اسناد پر تکرار نشانی از منابع مکتوب الکافی»، حدیث حوزه، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۴.

۴. این پایان نامه در سال ۱۳۸۸ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دفاع شده است.

۵. بهائی، مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، ص ۲۶.

۶. مجلسی، روضة المقنین، ج ۱، ص ۱۸.

۷. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۲۲.

۸. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ص ۱۹۸.

۹. مجلسی، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخیار، ج ۱، ص ۲۳.

۱۰. بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۱۵.

۱۱. وحید بهبهانی، فوائد الوحید علی منهج المقال (چاپ شده با منهج المقال)، ج ۱ ص ۱۴۱-۱۶۷.

۱۲. نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۷.

شمارش و بازشناسی قرائن اعتبار حدیث پرداختند. موارد پیش گفته بیشتر بر اعتبار حدیث متمرکز بودند تا بر منابع کتاب‌هایی مانند الکافی.

اما در دوره معاصر درباره اعتبار منابع، نوشته‌های اندکی نشر یافت. حمید باقری در مقاله «منبع معتبر و نشانه‌های آن نزد محدثان متقدم امامی» به نشانه‌های اعتبار اثر نزد قدما پرداخت.^۱ مقاله «جایگاه نقد محتوایی در اعتبارسنجی احادیث شیعه» از سید علیرضا حسینی و عبدالرضا حمادی نیز برخی از نشانه‌های اعتبار منابع نزد قدما را برشمرده است.^۲ تنها مقاله‌ای که به طور ویژه به این مبحث پرداخته، «اعتبارسنجی منابع کتاب الکافی» است که نویسندگان با برشمردن منابعی از الکافی به اعتبارسنجی آن‌ها اهتمام ورزیده‌اند.^۳

پایان‌نامه علی‌شاه حسینی با عنوان «معیار اعتبارسنجی روایات از منظر قدما» نیز نه‌قرینه را برشمرده است.^۴ همچنین محمد مهدی احسانی‌فر در پایان‌نامه خود با نام «ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه» به ملاک‌هایی چون شهرت، قدمت و روشن بودن هویت کتاب پرداخته است.^۵ احسان سرخه‌ای هم در رساله «اعتبارسنجی روایات شیعه بر پایه ارزیابی منابع مکتوب تا قرن پنجم هجری»^۶ به این مهم پرداخته است. به طور کلی هر سه پژوهش اخیر به منابع به طور عام پرداخته‌اند و بر کتاب الکافی متمرکز نبوده‌اند.

می‌بینیم که در هر دو زمینه ارزیابی منابع و اعتبارسنجی کاری با تمرکز بر همه اسناد

۱. باقری، حمید، «منبع معتبر و نشانه‌های آن نزد محدثان متقدم امامی»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۷، شماره ۱، ۱۳۹۳.

۲. حمادی عبدالرضا و سید علیرضا حسینی، «جایگاه نقد محتوایی در اعتبارسنجی احادیث شیعه»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۷، شماره ۱، سال ۱۳۹۳.

۳. فرزند وحی، جمال و مینا یعقوبی، «اعتبارسنجی منابع کتاب الکافی»، سراج منیر، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۱.

۴. این پایان‌نامه در تیر ماه ۱۳۸۹ در دانشکده علوم حدیث قم دفاع شده است.

۵. این پایان‌نامه در آذر ماه ۱۳۸۹ در دانشکده علوم حدیث قم دفاع شده است.

۶. رساله مذکور در سال ۱۳۹۳ در حوزه علمیه قم دفاع شده است.

و یافتن منابع آن‌ها صورت نگرفته است. در اینجا بیان تفاوت کارهای پیشین با رساله حاضر ضرورت دارد و ما این تفاوت را در دو بخش منابع و اعتبارسنجی ذکر می‌کنیم:

روش در کتاب میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری از مدرسی طباطبایی بر تحلیل متن و سند و بر اساس قواعدی چون تکرار سند و استفاده از حلقه مشترک استوار شده است. ایشان به تفصیل قواعد را به بحث گذاشته و به همه منابع حدیثی نظر داشته‌اند.

استاد سید احمد موسوی مددی نیز در درس خارج فقه به تناسب منابع الکافی را یادآور شده، چگونگی دستیابی به آن منبع را تبیین می‌کنند؛ ولی به دلیل اینکه بر اساس ترتیب فقه دروس را پیش می‌برند، فرصت پرداختن به همه روایات به‌ویژه روایات غیرفقهی پیش نمی‌آید.

عمادی حائری نیز در کتاب بازسازی متون کهن حدیث شیعه به قواعد بازیابی پرداخته است. این کتاب که مجموعه‌ای از مقالات است، روش و تعدادی قواعد و حتی برخی منابع را باز گفته است؛ اما بر کتابی حدیثی مانند الکافی تمرکز نیافته است؛ البته برخی مقالات آن به برخی منابع الکافی اختصاص دارد که در حد همان یک منبع است، نه بیشتر.

مقاله شبیری در این کتاب در باب منابع نعمانی در الغیبه درخور توجه است. وی قواعدی را شناسایی کرده که به دیگر کتاب‌های حدیثی نیز به کار می‌آید. ایشان در این مقاله قواعد تناسب محتوا و تکرار سند را تبیین کرده است. این کار ویژه کتاب الغیبه است و به طور طبیعی در مورد الکافی به دلیل برخی تفاوت‌ها در اسناد و اختلاف محتوایی با الغیبه می‌بایست به دنبال قواعد و منابع دیگری بود.

ثامر هاشم عمیدی صرفاً به چند کتاب که کلینی بدان‌ها در بخش فروع تصریح کرده، اشاره دارد و روشی برای چگونگی دستیابی به منابع الکافی ارائه نداده است.

شبیری در مقاله «پژوهشی جدید در کتاب کافی» با شناسایی منابعی از الکافی، روش

دستیابی را در مواردی تبیین کرده است. ایشان بر اساس تبدیل سند، حدیث ذیلی و برخی قواعد دیگر منابعی را معرفی کرده است؛ اما این کار به بررسی یکایک اسناد و دستیابی به همه قواعد و منابع الکافی نظر ندارد؛ در حالی که پژوهش حاضر همه اسناد را در بخش اصول بررسی شده، همه قواعد را به تفصیل شناسانده و درباره کارایی و اعتبار هر یک سخن گفته است.

در مقاله «کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی» نیز یک منبع با روش حلقه مشترک بازیابی شده است.

نوشتار «روش دستیابی به منابع الکافی» نیز در حد مقاله به سه قاعده با ذکر نمونه‌هایی پرداخته است.

در مقاله «اعتبارسنجی منابع کتاب الکافی» نیز منابعی بر اساس حلقه مشترک شناسانده شده است. این مقاله به همه قواعد پرداخته و منابع اندکی را معرفی کرده است.

در مقاله «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی» بر اساس مقایسه میان اسناد الکافی و وجود آن‌ها در فهرست‌ها، طریق کلینی به منابع شناسایی شده است. این مقاله در روش‌شناسی، قواعد را نکاویده است. نیز در معرفی منابع پس از شناسایی پربسامدترین اسناد، اخذ هر مؤلف از مؤلف دیگر (استاد از استاد) را گزارش کرده است؛ اما گاه در مواردی، مانند حمید بن زیاد و ابن سماعه بدون اینکه منبع را حتی به صورت مردّد بیان کند، تنها به اینکه «این افراد کتاب دارند» بسنده می‌کند.

محمد قربانی در مقاله «اسناد پر تکرار نشانی از منابع مکتوب الکافی» با نشان دادن برخی اسناد پر تکرار الکافی، برخی منابع را بر اساس این قاعده شناسایی کرده است؛ اما می‌دانیم که قواعد دیگری هم برای بازیابی وجود دارند که این مقاله عهده‌دار آن‌ها نبوده است. نیز این قاعده در مواردی در شناسایی منابع با خطا همراه است و می‌بایست نسبت‌سنجی و اعتبار آن با قواعد دیگری آزموده شود.

قربانی زرین نیز در پایان نامه خود با روش‌ها و فرضیه‌هایی به بازبینی منابع ورود کرده است که از نظر مبنا با کار پیش‌رو متفاوت است. مهم‌ترین منبع موجود کتاب الکافی، المحاسن برقی است و چگونگی اخذ کلینی از المحاسن قواعد مهمی را به دست خواهد داد که در کار آقای قربانی زرین اساساً از آن هیچ استفاده‌ای نشده و المحاسن حتی به عنوان منبع نیز معرفی نشده است.

در بخش اعتبارسنجی نیز جز مقاله «اعتبارسنجی منابع کتاب الکافی» که ویژه اعتبارسنجی است، سایر نوشتارها به منابع حدیثی به طور عام پرداخته‌اند. مقاله مذکور نیز در منبع‌یابی اشتباهاتی دارد؛ هر چند برخی نشانه‌های اعتبار منابع در این مقاله درست است؛ اما به بررسی طرق قدما به منابع الکافی اهتمامی ندارد. به هر حال، این کار هم از لحاظ روشی و هم از حیث جامعیت ایراداتی دارد.

همه این پژوهش‌ها شناسایی منابع الکافی و اعتبارسنجی آن‌ها را به طور تفصیلی ضروری می‌دانند.

روش، ابزار و مراحل

پژوهش حاضر، تاریخی و روش آن، توصیفی - تحلیلی است.

در ابتدا اسناد الکافی دسته‌بندی شده و در روش مربوط به آن دسته قرار می‌گیرد، سپس با مراجعه به معیارهای اعتبارسنجی هر منبع سنجیده می‌شود. لازم به ذکر است که در اعتبارسنجی منابع، بیشترین تمرکز بر ارزیابی طرق بوده است؛ هر چند فهرست‌نگارانی که این طرق را ذکر کرده‌اند، پس از کلینی آمده‌اند؛ زیرا چنان‌که پیش از این گفته شد مراد از اعتبارسنجی منابع، اعتبار تاریخی آن‌هاست. در اعتبارسنجی معیارهای ذیل مد نظر قرار گرفته است:

مدح مشایخ کلینی: نجاشی، کلینی را «أوثق الناس فی الحديث و أثبتهم»^۱ دانسته

است و مصداق روشن «اوثق و اثبت بودن» کلینی، مدح مشایخ اوست؛ چراکه اگر کلینی بدون اعتماد بر مشایخ، از آن‌ها نقل کند، توصیف نجاشی ناصواب می‌شود. قرائنی همچون ترحم کلینی^۱ بر برخی مشایخ مانند: حسن بن حسین^۲ و احمد بن مهران^۳ نیز می‌تواند اطمینان به این گونه مشایخ را بیشتر کند. البته در مورد احمد بن مهران، قرینه نقل بسیار کلینی از وی هم مطرح است؛ زیرا کلینی ۵۲ بار در الکافی از وی روایت کرده است.^۴ کلام شیخ مفید در وصف الکافی به «أجل كتب الشيعة وأكثرها فائدة»^۵ نیز شاهد دیگری است که هر چند به خودی خود نمی‌تواند درباره مدح مشایخ گزاره‌ای را اثبات کند؛ اما به ضمیمه دو قرینه دیگر یعنی کلام نجاشی و فراوانی نقل، سبب افزایش اطمینان به مشایخ کلینی می‌شود. با توجه به اینکه احادیث کلینی صحیح قدمایی است، ذکر این نکته لازم است که در مواردی که بدین گزاره نیاز بوده، با احتمال از آن یاد کرده‌ایم.

وثائق مشایخ اجازه: شیخ اجازه از اسباب حسن سند به شمار می‌رود؛ بلکه برخی به وثائق مشایخ اجازه باورمندند.^۶

وثائق مشایخ نجاشی: بر پایه برخی گزارش‌ها عالمان رجالی، مشایخ نجاشی را توثیق کرده‌اند. این نظر اجمالاً مورد قبول عالمان است.^۷ با توجه به اینکه نجاشی به‌طور مستقیم از ضعیفا نقل نمی‌کند،^۸ در مواردی که نجاشی از استادی بی‌واسطه نقل می‌کند، از توثیق

۱. در این باره و چگونگی دلالت این گونه عبارات بر مدح یا وثاقت ببینید: وحید بهبهانی، فوائد الوحید علی منهج

المقال (چاپ شده با منهج المقال)، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۱۳، ح ۱۲۶۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۹۳، ح ۱۱۴۷؛ ص ۴۹۰، ح ۱۲۴۶.

۴. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۱۴۰.

۵. مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۷۰.

۶. وحید بهبهانی، فوائد الوحید علی منهج المقال (چاپ شده با منهج المقال)، ج ۱، ص ۱۴۱.

۷. رحمان ستایش و جدیدی نژاد، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۱۱۳-۱۲۱.

۸. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۷۴، ۸۵، ۳۹۶.

آن استاد استفاده می‌شود.

وثاقت مشایخ ابن قولویه: آیت‌الله خویی در مقطعی همه راویان واقع در اسناد کامل الزیارات را به استناد کلام ابن قولویه در مقدمه کتابش، ثقه می‌دانستند؛^۱ اما در اواخر عمر از این نظر عدول کرده، وثاقت را فقط در مورد مشایخ بدون واسطه ابن قولویه پذیرفتند.^۲ عبارت ابن قولویه^۳ نیز در همین نظر اخیر آیت‌الله خویی ظهور دارد.

وثاقت مؤلف: از آنجا که «ثقه» در لغت به معنای اعتماد در نقل است،^۴ آثار مؤلفی که به وثاقت توصیف شده از جهت نقل دقیق و ضبط، اعتبار پیدا می‌کند. وثاقت وکیل: برخی وکالت امام معصوم را دلیل بر وثاقت دانسته‌اند؛ چراکه امامان، فاسقان را به عنوان وکیل خود انتخاب نمی‌کردند.^۵

نقل عده/جماعت: هرگاه در طبقه اساتید شیخ طوسی یا نجاشی چند نفر حضور داشته باشند، همین چند نفر باعث شهرت اثری می‌شوند که اینان در طریق آن قرار گرفته‌اند.

مراحل و روش

روش گردآوری، اطلاعات کتابخانه‌ای است و از نرم‌افزارهای رجالی مانند «درایة النور» نیز استفاده شده است. در اینجا، پیش از یافتن راهکاری برای کشف منابع یادآوری می‌کنیم که مکتوب بودن منابع را مسلم گرفته‌ایم. این بحث در عنوان «زمینه‌ها» آمده است.

این پژوهش برای رسیدن به نتیجه دو مسیر را پیموده است. مسیر نخست، شناسایی

۱. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۵۰.

۲. داوری، اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۱، ص ۳۲۳.

۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۴.

۴. کلیاسی، الرسائل الرجالیة، ج ۱، ص ۶۹.

۵. استرآبادی، منهج المقال، ج ۱، ص ۲۸۰.

راویان دارای تألیف است. پس از این شناسایی، راویان کم تکرار در اسناد حذف شدند و بر اساس قواعدی مانند، اضممار و تعلیق، با یاری گرفتن از اسناد تحویلی و پر تکرار، منابعی به دست آمد؛ اما مشکل اینجا بود که به عنوان نمونه، گاه بر اساس اسنادی مانند اسناد تحویلی، منبعی به دست می‌آمد، در عین حال همان سند در جایی به صورت تعلیق آمده و بر اساس قاعده تعلیق، منبع دیگری شناسایی می‌شد. این موارد بسیار بود که در ذیل آمده است:

۱. اجتماع «عده من أصحابنا» با مؤلف کتابی مشهور و مورد عمل در یک سند

چنان‌که خواهیم گفت،^۱ هرگاه پس از «عده من أصحابنا» نام صاحب کتابی بیاید، کتاب او منبع الکافی است؛ اما در سندهایی مانند سند «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن ابن محبوب و علی بن الحکم عن معاوية بن وهب»^۲ که حسن بن محبوب حضور دارد، امکان منبع بودن کتاب حسن بن محبوب وجود دارد؛ زیرا کتاب او معتمد^۳ و مشهور بوده^۴ و امکان اخذ کلینی از آن منطقی است؛ ولی در اینجا کتاب او منبع نیست؛ زیرا همین روایت در المحاسن با همین سند آمده است.^۵ نکته جالب اینکه در الکافی حدیث در باب «الخير والشر» و در برخی نسخه‌ها در باب «خلق الخير والشر» و در المحاسن در باب «خلق الخير والشر» آمده است؛ بنابراین منبع بودن المحاسن با وجود این دو قرینه قابل قبول است و شواهد بیشتری دارد.

سند «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن الحسن بن محبوب عن أبي الصباح الكناني» در الکافی^۶ نیز همین‌گونه است. دقیقاً این سند که در باب «أن

۱. در قاعده «عده من أصحابنا» ص ۶۰ خواهد آمد. این قاعده از قاعده‌های مهم و محوری به شمار می‌آید.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۳۹۸.

۳. ابن ادریس، مستطرفات السرائر، ص ۶۰۰.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۲۲.

۵. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۳.

۶. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۵۱۴.

الإيمان يشرك الإسلام و الإسلام لا يشرك الإيمان» الكافي است در المحاسن^۱ از حسن بن محبوب به بعد در باب «الإسلام و الإيمان» آمده است. متن حدیث در هر دو کتاب یکی است.^۲

۲. اجتماع «عده من أصحابنا» با تحویل در سند

هرگاه در سندی «عده من أصحابنا» و تحویل با هم رخ دهد، احتمال منبع بودن کتاب راوی پس از «عده» و راوی پس از تحویل وجود دارد. نمونه‌های ذیل را ببینید:

۱-۲. «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عمرو بن عثمان و علی بن ابراهیم عن ابیه جمیعاً عن عبدالله بن المغیره عن ابن مسکان».

یکسانی سند المحاسن با این سند الكافی و تشابه در عنوان باب‌های دو کتاب،^۳ اخذ کلینی از کتاب المحاسن را اثبات می‌کند؛ بنابراین کلینی این حدیث را از المحاسن گرفته است، نه کتاب ابن المغیره؛ هر چند وی صاحب کتاب‌های سی‌گانه بوده و بسیاری از اصحاب آن‌ها را روایت کرده‌اند.^۴

۲-۲. «عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن أبیه؛ و محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسین بن سعید و محمد بن خالد جمیعاً، عن فضالة بن أيوب، عن محمد بن عماره».^۵

سند حدیث مذکور با متن آن در المحاسن^۶ آمده و روشن است که کلینی در اینجا حدیث را از المحاسن گرفته است، نه از کتاب فضالة بن ایوب.

۱. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۴۲۵.

۲. نمونه دیگر: الكافی، ج ۳، ص ۳۲۲، ح ۱۸۷۷ باب الحب فی الله و البغض فی الله که عیناً در المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۳۳۰ باب الحب و البغض فی الله آمده است.

۳. کلینی، الكافی، ج ۴، ص ۴۱۰، ح ۳۲۶۶، باب من قال لا اله الا الله وحده لا شریک له عشاء: المحاسن، ج ۱، ص ۳۰، ح ۱۸، باب ثواب قول لا اله الا الله وحده لا شریک له.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۱۵.

۵. کلینی، الكافی، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۳۸۵.

۶. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۲۳۶.

۲-۳. «علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن أحمد بن محمد بن محمد بن أبي نصر؛ وعدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن إبراهيم بن محمد الثقفي، عن محمد بن مروان جميعاً، عن أبان بن عثمان، عمّن ذكره»^۱.

بر اساس اسناد تحویلی کتاب ابان، مصدر کلینی است و محتوای حدیث با محتوای کتاب ابان که درباره سیره رسول الله ﷺ بوده، تناسب دارد؛ اما این حدیث در المحاسن^۲ وجود دارد و کلینی آن را از المحاسن گرفته است. جالب اینکه حدیث در هر دو کتاب الکافی و المحاسن در باب «الشرائع» است.

۲-۴. «عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن عيسى وأحمد بن محمد بن خالد؛ وعلی بن ابراهیم، عن أبيه و سهل بن زیاد جميعاً، عن ابن محبوب، عن علی بن رثاب، عن أبي عبيدة الحذاء»^۳.

این حدیث در المحاسن^۴ و در الکافی هر دو در ذیل همان باب «الحب و البغض فی الله» آمده است. سند حدیث در المحاسن از ابن محبوب به بعد دقیقاً با سند الکافی یکی است و این نشان می‌دهد که کلینی حدیث را از المحاسن گرفته است، نه از کتاب حسن بن محبوب.

۳. اجتماع «سند دارای ضمیر» و مؤلف کتابی مشهور و مورد عمل در یک سند بر اساس پژوهش پیشی رو ضمیر در آغاز سند به مؤلف بازمی‌گردد؛ حال اگر نویسنده کتابی مشهور و مورد اعتنای اصحاب در این سند باشد، احتمال گرفتن حدیث از کتاب او وجود دارد. سند ذیل را ببینید:

«عنه، عن أبيه، عن يونس بن عبد الرحمن رفعه»^۵.

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸، ح ۱۴۸۸.

۲. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۱۴۸۸.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۲۲، ح ۱۸۷۷.

۴. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۳۳۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱۵، ص ۵۵۱.

مرجع ضمیر در این سند به سند قبل بر می‌گردد که احمد بن محمد بن خالد برقی است. این حدیث با همین سند در المحاسن آمده است؛^۱ بنابراین در اینجا مصدر کلینی کتاب المحاسن است، نه کتاب یونس بن عبدالرحمن که معتمد اصحاب بوده است.^۲

۴. اجتماع تعلیق و راوی دارای کتاب مشهور

بر اساس اسناد تعلیقی، راوی آغازگر سند معلق، صاحب کتاب است؛ اما در مقایسه صورت گرفته میان الکافی و المحاسن، چنین ادعایی کمینه به گونه مطلق صحیح به نظر نمی‌رسد. مقایسه میان دو باب «الحب فی الله و البغض فی الله» در الکافی و باب «البغض و الحب فی الله» در المحاسن نشان می‌دهد که کلینی از احادیث این باب بهره برده است. مواردی در این ابواب وجود دارد که سند معلق با حسن بن محبوب، راوی و مؤلف مشهور و محوری در حدیث شیعه آغاز می‌شود و روشن است که حدیث را کلینی از المحاسن گرفته است، نه کتاب حسن بن محبوب.

این مقایسه را در جدول ذیل ببینید:

المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۳، باب الحب و البغض فی الله	الکافی، ج ۳، ص ۳۲۲-۳۲۳، باب الحب فی الله و البغض فی الله
عنه عن الحسن بن محبوب عن علی بن رثاب عن أبی عبیده الحذاء عن أبی عبدالله عليه السلام قال: «من أحب لله و أبغض لله و أعطى لله و منع لله فهو ممن كمل إيمانه».	عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن عیسی و أحمد بن محمد بن خالد؛ و علی بن إبراهیم، عن أبیه و سهل بن زیاد جمیعاً، عن ابن محبوب، عن علی بن رثاب، عن أبی عبیده الحذاء: عن أبی عبدالله عليه السلام ، قال: «من أحب لله و أبغض لله و أعطى لله، فهو ممن كمل إيمانه».

۱. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۵۵۱.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۵۱۱.

الکافی ج ۳، ص ۳۲۲-۳۲۳، باب الحب فی الله والبغض فی الله	الکافی ج ۳، ص ۳۲۲-۳۲۳، باب الحب فی الله والبغض فی الله
ابن محبوب عن مالک بن عطية، عن سعيد الأعرج: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «من أوثق عرى الإيمان أن تحب في الله، وتبغض في الله، وتعطي في الله وتمنع في الله».	عنه عن ابن محبوب عن مالك بن عطية عن سعيد الأعرج عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «من أوثق عرى الإيمان أن تحب في الله وتبغض في الله وتعطي في الله وتمنع في الله».
ابن محبوب، عن أبي جعفر - محمد بن النعمان الأحول صاحب الطاق - عن سلام بن المستنير: عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ود المؤمن للمؤمن في الله من أعظم شعب الإيمان، ألا ومن أحب في الله وأبغض في الله وأعطى في الله ومنع في الله فهو من أصفياء الله».	عنه عن الحسن بن محبوب عن أبي جعفر الأحول صاحب الطاق - عن سلام بن مستنير عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ود المؤمن للمؤمن في الله من أعظم شعب الإيمان، ألا ومن أحب في الله وأبغض في الله وأعطى في الله ومنع في الله فهو من أصفياء الله».

پاسخ به یک سؤال

در اینجا و در قاعده «عده من أصحابنا» چه بسا در مواردی که عده یا دو نفر از یک مؤلف نقل می‌کنند و راوی مؤلفی پس از او قرار دارد، شخصی قرار گرفته پس از عده یا پس از دو نفر، راوی کتاب استاد خود باشد، نه اینکه کتاب او مانند المحاسن منبع باشد و در واقع، عده یا دو نفر و استاد آن‌ها طریق هستند. حتی ممکن است «عده من أصحابنا» در اجازه‌های فاقد منبع نیز رخ داده باشد. برای نمونه، در همین جدول مذکور، احتمال دارد بگوئیم این روایات در کتاب ابن محبوب بوده و کلینی به کتاب ابن محبوب چهار طریق داشته است؛ بدین شرح:

۱. «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن ابن محبوب».

۲. «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن محبوب».

۳. «عده من أصحابنا عن سهل بن زياد عن ابن محبوب».

۴. «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن محبوب».

شاید این احتمال درست به نظر برسد؛ اما بر طبق قرائنی کلینی حدیث را از کتابی

که پس از «عَدَّة من أصحابنا» قرار گرفته، دریافت کرده است؛ چنان که گفتیم بهترین منبع برای چگونگی اخذ کلینی از منابع پیشین، المحاسن است. در اینجا نیز بر همین اساس به این پرسش پاسخ می‌دهیم:

۱. نجاشی^۱ و طوسی^۲ در ترجمه احمد بن محمد بن خالد برقی، از اعتماد وی بر مراسیل سخن گفته‌اند. می‌بینیم که احادیثی که کلینی از برقی به واسطه «عَدَّة» نقل کرده و پس از برقی در سند ارسال است، با همین احادیث در المحاسن مطابقت دارد. این یکسانی و نقل مراسیل که از ویژگی‌های احادیث برقی است، دو قرینه می‌شود بر اینکه کلینی احادیث خود را از المحاسن گرفته است و بعید به نظر می‌رسد که کلینی در اخذ حدیثی که در سند آن راوی مشهور با کتاب معتمد است و اخذ حدیثی که پس از برقی مرسل است، دو گونه عمل کرده باشد. به عبارت دیگر، اگر بخواهیم به احتمال تعدد طرقی که گفته شد ترتیب اثر دهیم، باید بگوییم که کلینی در اخذ از کتاب ابن محبوب دقیقاً مانند اخذ از المحاسن عمل کرده و همان طریق خود به برقی را در طریقه‌اش به ابن محبوب آورده و حتی تعبیرها را هم تغییر نداده است؛ بنابراین هر جا کلینی «عَدَّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد» می‌آورد از المحاسن نقل کرده است، نه از کتاب راوی مشهور و دارای کتاب مورد اعتماد که استاد برقی یا استاد استاد وی هستند. در ادامه نمونه‌ای از این تطابق می‌آید:

المحاسن	الکافی
عنه عن بعض أصحابنا رفعه، قال: قال رسول الله ﷺ: «ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل...» (ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۱۱، باب العقل).	عَدَّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن بعض أصحابه رفعه، قال: قال رسول الله ﷺ: «ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل...» (ج ۱، ص ۲۹، ح ۱۱، کتاب العقل).

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۷۶.

۲. طوسی، فهرست کتب الشيعة، ص ۵۲.

المحاسن	الکافی
عنه عن بعض أصحابنا عن صالح بن عقبة عن قيس بن سميان عن أبي زبيحة [زبيحة] مولى رسول الله ﷺ، رفعه قال: سئل أمير المؤمنين ﷺ بما عرفت ... (ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۲۱۷، باب جوامع من التوحيد).	عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن بعض أصحابنا، عن علي بن عقبة بن قيس بن سميان بن أبي زبيحة مولى رسول الله ﷺ، قال: سئل أمير المؤمنين ﷺ: «بم عرفت ربك؟»... (ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۲۳۰، باب أنه لا يعرف إلا به).
عنه عن بعض أصحابنا عن حسين بن مياح عن أبيه قال سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: «من نظر في الله كيف هو، هلك» (ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۲۰۸، باب جوامع من التوحيد).	عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن بعض أصحابنا، عن الحسين بن مياح، عن أبيه، قال: سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: «من نظر في الله: كيف هو، هلك» (ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۲۵۵، باب النهي عن الكلام في الكيفية).
عنه عن بعض أصحابنا عن محمد بن الكوفي أخى يحيى قال سمعت مرزوم بن حكيم يقول: سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: «ما تنبأ نبي قط حتى يقرّ بخمسة: بالبداء، والمشية، والسجود، والعبودية، والطاعة» (ج ۱، ص ۲۳۴، ح ۱۹۰، باب ما لا يسمع الناس جهله).	عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن بعض أصحابنا، عن محمد بن عمرو الكوفي أخى يحيى، عن مرزوم بن حكيم، قال: سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: «ما تنبأ نبي قط حتى يقرّ الله بخمس خصال: بالبداء، والمشية، والسجود، والعبودية، والطاعة» (ج ۱، ص ۳۶۲، ح ۳۸۱، باب البداء).

۲. دلیل دیگر بر اینکه کلینی از کتاب پس از «عده» احادیث خود را دریافت کرده، سندهای مشترکی است میان الکافی و المحاسن که در این میان، صرفاً برقی صاحب کتاب است و سایر راویان یا کتاب ندارند یا کتابشان شهرت ندارد. چگونگی دریافت کلینی از المحاسن با سندهای این چنینی با نقل وی از طریق برقی به سندهایی که راویان مشهور و دارای کتاب مورد اعتماد دارند هیچ تفاوتی ندارد. مقایسه میان این دو کتاب را در جدول ذیل می بینید:

المجانبين	المجانبين
عنه عن إدريس بن الحسن عن مصباح بن هلقام عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام : قال سمعته يقول: «أتينا رجلاً من أصحابنا استعان به رجل من إخوانه في حاجة» (ج ۱، ص ۹۸، ح ۶۵، باب ۲۸ عقاب من مشى في حاجة المؤمن ولم ينصحه).	عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد؛ و أبو علي الأشعري، عن محمد بن حسان جميعاً، عن إدريس بن الحسن، عن مصباح بن هلقام، قال: أخبرنا أبو بصير، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «أما رجل من أصحابنا استعان به رجل من إخوانه في حاجة...» (ج ۴، ص ۹۵، ح ۲۷۸۲، باب من لم ينصحه أخاه المؤمن).
عنه عن إبراهيم بن عقبة عن محمد بن ميسر عن أبيه عن أبي جعفر أو عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله تعالى: «فلينظر أيها أركى طعاماً فليأتكم برزق منه» قال: «أركى طعاماً التمر» (ج ۲، ص ۵۳۱، ح ۷۷۹، باب التمر).	عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن إبراهيم بن عقبة، عن ميسر، عن محمد بن عبد العزيز، عن أبيه: عن أبي جعفر أو أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: «فلينظر أيها أركى طعاماً فليأتكم برزق منه»، قال: «أركى طعاماً التمر» (ج ۱۲، ص ۵۲۵، ح ۲۷۸۲، باب التمر).
عنه عن محمد بن عبد الله عن عمرو المتطبب عن أبي يحيى الصنعاني عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «كان علي بن الحسين عليه السلام إذا وضع الطعام بين يديه» (ج ۲، ص ۴۳۳، ح ۲۶۳، باب القول قبل الطعام و بعده).	عده من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن محمد بن عبد الله، عن عمرو المتطبب، عن أبي يحيى الصنعاني: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «كان علي بن الحسين عليه السلام إذا وضع الطعام بين يديه» (ج ۱۲، ص ۳۶۹، ح ۱۱۶۸۳، باب التسمية والتحميد والدعاء على الطعام).

۱. عمر بن توبه، ابویحیی صنعانی است. نجاشی «کتاب فضل انا انزلناه» را به وی نسبت داده است. طریق نجاشی به وی چنین است: «اخبارنا الحسن بن جعفر قال: حدثنا احمد بن جعفر قال: حدثنا احمد بن إدريس قال: حدثنا محمد بن عبد الجبار عن كامل بن افلح عن عمر بن توبه» (نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۸۴) اما این حدیث مورد استشهد در المعاصن و الکافی از کتاب صنعانی نیست؛ زیرا محتوای حدیث با عنوان کتاب صنعانی متفاوت است و دیگر اینکه طریق نجاشی هم با این سند یکسان نیست. سوم اینکه کلینی دو حدیث را از وی نقل کرده است. یک حدیث همین حدیث مورد بحث است. سند و متن حدیث دوم چنین است: «حدثني أحمد بن إدريس القمي و محمد بن يحيى، عن الحسن بن علي الكوفي، عن موسى بن سعدان، عن عبد الله بن أيوب، عن أبي يحيى الصنعاني: عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قال لي: «يا أبا يحيى، إن لنا في ليالي الجمعة لشأناً من الشأن». قال: قلت: جعلت فداك، و ما ذاك الشأن؟ قال: «يؤذن لأرواح الأنبياء الموتى عليهم السلام، و أرواح الأوصياء الموتى، و روح الوصي الذي بين ظهرانيكم يخرج بها إلى السماء حتى توافي عرش ربها، فتطوف به أسبوعاً...» (كليني، الکافي، ج ۱، ص ۶۲۹، ح ۶۵۴) با توجه به نبودن قرینه ای بر اخذ کلینی از کتاب عمر بن توبه به ویژه عدم تکرار سند و تفاوت دو سند های دو حدیث، کلینی از این کتاب اخذ نکرده است.

المحاسن	الکافی
عنه عن نوح النسابوري عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله عليه السلام إذا أكل السمك: وقال اللهم بارك لنا فيه وأبدلنا به خيراً منه. (ج ۲، ص ۴۷۵، ح ۴۸۱، باب الحيتان و السمك).	عده من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن نوح بن شعيب، عن بعض أصحابنا: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله عليه السلام إذا أكل السمك، قال: اللهم بارك لنا فيه، وأبدلنا به خيراً منه. (ج ۱۲، ص ۴۶۰، ح ۱۱۸۴۸، باب السمك).
عنه عن أبي الخزرج الحسين بن الزبيرقان عن فضيل بن عثمان قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «اتخذوا في أشتانكم السعد فإنه يطيب الفم» ويزيد في الجماع. (ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲۳۲).	عده من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبي الخزرج الحسن بن الزبيرقان الأنصاري، عن الفضل بن عثمان، عن أبي عزيز المرادي، قال وهو خال أمي: قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «اتخذوا في أشتانكم السعد؛ فإنه يطيب الفم، ويزيد في الجماع» (ج ۱۲، ص ۶۱۸، ح ۲۱۵۶، باب الأشتان و السعد).
عنه عن نوح بن شعيب عن سليمان بن راشد عن أبيه عن بشر قال سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول: «العيش السعة في المنزل و الفضل في الخادم». (ج ۲، ص ۶۱۱، ح ۲۵، باب سعة المنزل).	عده من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن نوح بن شعيب، عن سليمان بن رشيد، عن أبيه، عن بشير، قال: سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول: «العيش: السعة في المنازل، و الفضل في الخدم» (ج ۱۳، ص ۲۲۷، ح ۱۲۹۲۵، باب سعة المنزل).

می بینیم که کلینی در نقل روایت هایی که از طریق «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد» نقل می کند؛ میان سندهایی که راوی مشهوری در میان آنهاست یا سندهایی که راویان غیر مشهور و حتی بدون کتاب در آنها حضور دارند، به یک گونه برخورد کرده است و هیچ دوگانگی در تعبیرهای وی وجود ندارد و این نشان می دهد که این احادیث از المحاسن گرفته شده است، نه از کتاب راوی مشهوری که در سند کلینی حضور دارد.

۱. وی کتاب دارد، اما کتاب وی مشهور نیست. (نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۵۰؛ طوسی، فهرست کتب الشيعة، ص ۱۵۲) احادیث نقل شده از او کمتر از ده حدیث است. (کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۲۳۳، ح ۶۰۴۴؛ ج ۹، ص ۵۲۵، ح ۸۳۶۲؛ ج ۱۲، ص ۶۱۸، ح ۱۲۱۵۶؛ ج ۱۳، ص ۶۹، ح ۱۲۵۵۵؛ ج ۱۴، ص ۳۴۰، ح ۱۱۴۱۸۹؛ ص ۱۸۶، ح ۱۴۳۸۶؛ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۳۸۵) سایر احادیث در کتاب های دیگر تکراری است.
۲. این حدیث در «باب الوضوء قبل الطعام و بعده» آمده است که ظاهراً سهوی رخ داده است.

این‌ها سبب شد تا این مسیر با تردید مواجه شود و آنچه در منبع‌یابی مسلم گرفته شده بود با تردید مواجه شود. البته ذکر این نکته لازم است که آنچه بدان رسیده‌ایم این است که منبع بودن برخی از منابع بر اساس اسناد معلق، اسناد پر تکرار و تحویلی به عنوان منبع الکافی پذیرفته نیست، وگرنه منبع‌یابی بر اساس این گونه اسناد به عنوان منابع کتاب الکافی امری است موجه و قابل دفاع.

بر اساس موارد نقض پیش گفته، مسیر دوم؛ یعنی مقایسه دو متن الکافی و المحاسن مبنای کار قرار گرفت. در این مرحله از برخی اسناد تحویلی، پر تکرار و ... یاری گرفتم، اما بنای پژوهش بر قواعد به دست آمده از مقایسه میان اسناد الکافی و المحاسن بوده است. مراحل طی شده در این پژوهش چنین بوده است:

۱. بر اساس نرم‌افزار «جامع الأحادیث ۳/۵» بخش مقایسه احادیث، همه کتاب المحاسن موجود با الکافی مقایسه شد. از این مقایسه که از جهت متن و سند صورت گرفت، منبع بودن المحاسن اثبات شد. دستاورد این اثبات، دستیابی به کیفیت اخذ کلینی از المحاسن بود. از این رهگذر چندین قاعده از جمله «قاعده عدّة من أصحابنا» به دست آمد.

۲. پس از این، قواعد به دست آمده از مقایسه مذکور به مواردی که کتاب مفقود بود، تعمیم داده شد.

۳. در سندهایی که طریق کلینی به المحاسن برقی منتهی نمی‌شد، اما تنها تفاوت میان سند المحاسن و سند الکافی در دو نفر اول سند بود، این گمان تقویت می‌شود که کتاب‌های هم طبقه با المحاسن، منبع الکافی بوده است.^۱

۴. در برخی سندها تشخیص منبع به طور دقیق مشکل بود؛ بنابراین از آن‌ها به عنوان منابع مردّد یاد شده است و گفته شده که حدیث میان کتاب نفر اول و دوم سند؛ یعنی طبقه اساتید و اساتید اساتید مردّد است.

۱. این مطلب را در فصل دوم همین بخش به تفصیل بازگفته‌ایم.

۵. برخی اساتید را ذیل عنوان «اساتید نامعلوم» آورده‌ایم. نام این اساتید در برخی موارد با شواهدی موّجه همراه است؛ هر چند در برخی موارد همچنان نامعلوم هستند.
۶. اسنادی که راویان آن‌ها کتابی نداشتند در زمره اسناد مبهم جای گرفتند.
۷. اسنادی بودند که در آن‌ها طریق کلینی به مؤلفان موجود افتادگی داشت؛ از این رو این دسته را ذیل اسناد وجاده‌ای آورده‌ایم.
۸. جدول‌هایی در پایان هر عنوان آمده که وجود هر روایت (با ذکر شماره آن) در یکی از کتاب‌های مؤلف نشان داده شده است. در مواردی که عنوان دقیق کتاب معلوم نبود، به همان عنوان کلی «کتاب» بسنده شده است.
۹. در مواردی به دلیل تکرار در صفحات پیشین از بازگویی وثاقت برخی راویان یا مشایخ پرهیز شده است.

مفاهیم اختصاصی

- در اینجا لازم است مفاهیم کلیدی به کار رفته در نوشته پیش‌رو را تعریف کنیم:
- بازسازی:** جمع‌آوری روایات پراکنده کتابی از روی مصادر واسطه و بازگردان آن به صورت نخستین تألیف و تدوین را بازسازی گویند.^۱
- بازیابی:** فرایند کشف و شناسایی متون و روایات یک اثر مفقود از میان منابع پسین را بازیابی گویند.^۲

اعتبار: این واژه را نخستین بار محدثان به کار برده‌اند. محدثان در بررسی حدیث به دنبال متابع و شاهد هستند. متابع؛ یافتن سندی دیگر برای حدیث مورد بررسی است. شاهد؛ یافتن متنی نظیر معنای متن حدیث مورد بررسی است؛ بنابراین اعتبار، حاصل

۱. عمادی حائری، بازسازی متون کهن حدیث شیعه، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۲. مردانی، کتاب زید بن وهب جهنی، ص ۲۰.

یافتن متابع و شاهد است.^۱ اعتبار به دنبال شواهد و قرائن است و از آنجا که این مصطلح نزد اهل سنت رایج بوده، طبیعی است که اعتبار حدیث منظور آنان بوده، نه اعتبار کتاب‌های حدیثی. مراد ما در اینجا اعتبار کتاب‌های حدیثی است؛ ولی با توجه به آنچه درباره اعتبار در حدیث گفته شد و تعریف اعتبار به تجمیع نظائر و لوازم مسئله، اعتبار تاریخی حدیث هم به دنبال همین مطلب است؛ چراکه حدیث خود امری تاریخی است و اعتبار در تاریخ و حدیث یک آبشخور دارد.^۲ بنابراین، اعتبار به معنای تجمیع قرائن، نظائر و لوازم یک مسئله از حیث تاریخی است و اعتبارسنجی طرق به منابع در نوشتار پیش‌رو به همین منظور صورت گرفته است.

اعتبارسنجی قدما؛ قدما یا متقدمان، شیخ طوسی و عالمان پیش از ایشان را شامل می‌شود. ابن ادریس و دانشیان پس از او را متأخران می‌دانند.^۳ این تقسیم کارکردی است و در اعتبارسنجی حدیث اثرگذار است. تفاوت این دو، در اعتبارسنجی حدیث است. قدما اعتبار و صحت حدیث را بر اساس قرائن دال بر صدق خبر می‌سنجیدند و مراد آنان از صحت، ثبوت یا صدق خبر بود؛ اما حدیث نزد متأخران به‌ویژه عالمان حلی مانند ابن طاووس و پس از وی، علامه^۴ و حتی تاکنون غالباً، بر اساس سند حدیث اعتبارسنجی می‌شود. آنچه در این نوشتار مدنظر است، اعتبارسنجی به روش قدماست. درباره قرائن و شواهد قدما دسته و گریخته در بیان خود آنان کلماتی یافت می‌شود، جز شیخ طوسی که در این باره به تفصیل سخن گفته است. وی قرائن صحت مضمون اخبار را که علم‌آور است و صحت مضمون را اثبات می‌کند. چهار مورد برشمرده است: موافقت با دلایل عقلی، موافقت با نص کتاب‌الله، موافقت با سنت قطعی و اجماع امامیه.

۱. ابن صلاح، عثمان بن عبد الرحمن. علوم الحديث، ج ۳، ص ۸۲-۸۴.

۲. عکبری، نظرية الاعتبار في العلوم الاسلاميه، ص ۵۷۰-۵۷۱.

۳. نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۰.

۴. ابن زین الدین، حسن. متقی الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان، ج ۱، ص ۱۴-۱۵.

این دلایل صرفاً صحت مضمون را اثبات می‌کند، نه صحت نفس خبر را.^۱

شیخ در صورت تعارض دو خبر، راه حل آن را به ترتیب این گونه بیان می‌کند:^۲

همراهی خبر با هر یک از این چهار قرینه، همراهی خبری با فتوایی موافق، عدالت راوی، کثرت راویان، دورتر بودن خبر از قول عامه، تأویل و طرح و تخییر.^۳

پس از این شیخ به تعریف عدالت پرداخته است؛ اما بسیاری از راویان عامی و شیعیان غیر امامی در اسناد هستند که عادل نیستند. شیخ از این دسته هم یاد کرده، چرایی و چگونگی پذیرش از آن‌ها را بیان می‌کند.

نکته نخست طوسی، چگونگی تعامل با احادیث غالبان، متهمان و ضعفاست. طبق بیان وی احادیث ایشان در حالت استقامت پذیرفته می‌شود.

در اینجا طوسی سبب توقف مشایخ و روایت نکردن و استثنای برخی روایات اینان از تصنیفات آن‌ها را نداشتن شاهد و معاضد، و به تعبیری، تفرد روایات آن‌ها ذکر می‌کند.^۴

این نکته در اعتبارسنجی برخی آثار که بعضی روایاتشان از گردونه اعتبار خارج شده و فهرست نگاران و دانشیان در تعامل با این گونه کتاب‌ها بعضی روایاتشان را مستثنا می‌کرده‌اند، کارساز خواهد بود.

شیخ صدوق در بحث از منابع کتاب من لا یحضره الفقیه، آن‌ها را کتاب‌هایی مشهور با دو ویژگی «علیها المعول» و «إلیها المرجع» دانسته است.^۵ به نظر می‌رسد شهرت برای وی محوری‌ترین ملاک اعتبار است؛ البته اعتماد وی به ابن الولید از قرائن به شمار می‌رود.^۶

۱. طوسی، العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۵.

۲. این ترتیب ترتبی است و اگر یکی از این قرینه‌ها نبود، به قرینه بعد نوبت می‌رسد.

۳. این سه مورد در یک عنوان می‌گنجند.

۴. طوسی، العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۵۱.

۵. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

۶. همان، ج ۲، ص ۹۰-۹۱.

کلینی نیز در مقدمه الکافی اشاراتی دارد که روشن‌ترین آن عبارت «السنن القائمة التي عليها العمل» است؛ چراکه عمل را معیاری برای سنن دانسته است.^۱ نجاشی کتاب‌های حسن و حسین بن سعید را با همین ملاک سنجیده است: «کتب ابني سعید کتب حسنة معمول علیها».^۲

برخی بر این باورند که غالب توثیقات و تضعیفات به راویانی مربوط است که صاحب اثری مکتوب هستند؛ بنابراین تعبیر «ثقه» یا «ضعیف» به کتاب راوی برمی‌گردد و قرینه‌ای بسیار روشن و نزدیک به واقع برای سنجش اعتبار کتاب او به شمار می‌رود.^۳ منبع: منبع آن است که اساسی، معتبر و مربوط به موضوع باشد و از آن برای تهیه سایر آثار نوشتاری استفاده شود.^۴

الکافی: این کتاب، اثر ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی^۵ (م ۳۲۸/۶-۳۲۹/۷) معروف به ثقة الاسلام^۶ است. او این کتاب را در مدت بیست سال تصنیف کرد.^۷ وی در بغداد از دنیا رفت و همان‌جا در درب السلسله واقع در باب الکوفه به خاک سپرده شد.^۸

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۵۸.

۳. حسینی، سید علیرضا، «مفهوم شناسی توثیق و تضعیف»، تاجتهد، پیش شماره ۵ و ۶، سال دوم، زمستان ۹۱ و بهار ۹۲.

۴. صبا، شیوه بهره‌گیری از کتابخانه‌ها و منابع اطلاعاتی، ص ۱۲۰.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۷۷.

۶. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۳۹۵؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ص ۱۲۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۶، ص ۲۹۷.

۷. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۷۷.

۸. لقب «ثقة الاسلام» از قرن یازدهم به بعد برای کلینی به کارفته است. ببینید: عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۵۳؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۰ و

۹. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۷۷.

۱۰. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۷۷-۳۷۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۶، ص ۲۹۸.

کلینی سبب تألیف الکافی را درخواست برادری دانسته که از اتفاق اهل روزگار خویش بر نادانی و تباه کردن دانش و اهل آن گله کرده است.^۱ همو نیز بیان کرده که درک برخی امور دینی به دلیل اختلاف روایت در آن‌ها برایش مشکل شده است. او تصریح می‌کند که منشأ اختلاف روایت را اختلاف علل و اسباب آن می‌داند؛ اما عالمی که به علم او اطمینان داشته، نیافته تا در این موضوعات با وی مذاکره کند. او در خواسته‌اش از کلینی اظهار کرده است که دوست دارد کتابی داشته باشد، دارای همه دانش‌های دینی تا دانش آموز بدان بسنده و جوینده هدایت به آن مراجعه کند. کسی که دانش دین، عمل به آثار صحیح امامان معصوم علیهم‌السلام و سنت‌های پایداری که بر اساسشان عمل می‌شود را می‌خواهد، کتاب را بگیرد و با این آثار و سنن، واجب الهی و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم را ادا کند.^۲ ثقه الاسلام در مقدمه، خطاب به آن برادر تألیف کتابی را که خواسته بدو اطلاع داده، اظهار امیدواری کرده که آن چنان باشد که او درخواست کرده است.^۳

طوسی الکافی را شامل ۳۰ کتاب دانسته، سپس همه را نام برده است.^۴ نجاشی تعداد را ذکر نکرده، اما ۳۱ کتاب را ذکر می‌کند.^۵ در چاپ، الکافی به ۳۵ کتاب تقسیم شده است. منشأ اختلاف این است که گاه دو کتاب، یکی حساب شده^۶ و گاه یک کتاب، دو تا شمرده شده است.^۷

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۰.

۲. همان، ص ۱۶.

۳. همان، ص ۱۷.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۳۹۳-۳۹۴.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۷۷.

۶. برای نمونه کتاب العقل و فضل العلم در فهرست کتب الشیعه طوسی یک کتاب و در فهرست اسماء مصنفی الشیعه نجاشی و الکافی موجود دو کتاب است.

۷. الصید و الذبائح در فهرست اسماء مصنفی الشیعه و فهرست طوسی یک کتاب است؛ اما در الکافی موجود دو کتاب است.

۸. این اختلاف اسباب دیگری هم دارد که پرداختن به آن مجال دیگری می‌طلبد.

در سده های اخیر الکافی را به سه بخش کلی شامل: اصول، فروع و روضه تقسیم کرده اند.^۱ کتاب های العقل، العلم، الحجه، التوحید، الایمان و الکفر، الدعاء، فضل القرآن و العشره در بخش اصول قرار دارند. سایر کتاب ها جز روضه که خود یک کتاب است، در قسم فروع قرار گرفته اند.

شمار احادیث آن بر اساس آخرین چاپ تحقیق شده، ۱۵۴۱۳ حدیث است. از این تعداد ۳۸۰۱ حدیث در اصول، ۱۱۰۱۴ حدیث در فروع و ۵۹۸ حدیث در روضه است.^۲ اخباریان همه احادیث الکافی را صحیح می دانند؛^۳ اما اصولیان همه احادیث الکافی را به چهار قسم: صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می کنند.^۴

کلینی بر خلاف صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و طوسی در تهذیب الأحکام و الاستبصار، اسناد را کامل نقل می کند. اسناد معلق او هم معمولاً با اسناد پیشین گره خورده اند که این اسناد هم قابل بررسی هستند.^۵

کلینی مشایخ قابل توجهی داشته است. علی بن ابراهیم قمی، محمد بن یحیی عطار قمی، حسین بن محمد ابوعبدالله اشعری، احمد بن ادریس ابوعلی اشعری، حمید بن زیاد، علی بن محمد علّان کلینی از مشایخ کلینی در کتاب الکافی و در زمره دانشیان در امر حدیث هستند.^۶

در حال حاضر، چاپ های مورد مراجعه دو چاپ انتشارات اسلامی و دار الحدیث است. چاپ دار الحدیث که آخرین چاپ الکافی است، با تصحیح متن و سند و حواشی توضیحی همراه است و برای پژوهش، پرفایده و سودمند است. در پژوهش

۱. شبیری، سید محمد جواد، «پژوهشی جدید در کتاب کافی»، شناختنامه کلینی و الکافی، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲. تعداد را برخی عالمان بیشتر یا کمتر گفته اند. برای آگاهی از سایر شمارش ها و سبب اختلاف ببینید: حجت، جوامع حدیثی شیعه، ص ۶۵-۶۶.

۳. استرآبادی، الفوائد المدنیه، ص ۳۷۱.

۴. حلی (علامه)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱، ص ۹-۱۰.

۵. شبیری در کتاب توضیح الاسناد المشکله فی الکتب الأریهه درباره اسناد معلق الکافی به تفصیل سخن گفته اند.

۶. مجموع مشایخ وی ۳۴ نفرند. ببینید: بروجردی، ترتیب اسانید الکافی، ج ۱، ص ۴۷.

حاضر از این چاپ استفاده‌های فراوانی شده و شماره‌های احادیث بر اساس همین چاپ است.

حلقه مشترک: حلقه مشترک، آن راوی‌ای است که پس از او سلسله سندها به شاخه‌های متعدد منشعب می‌شود. این اصطلاح را یوزف شاخت (م ۱۹۶۹ م) برای تاریخ‌گذاری حدیث ابداع کرد.^۱

روش: روش،^۲ نظام دادن به قواعدی است که پژوهشی علمی را سامان داده و این پژوهش را به گونه‌ای تنظیم کرده که در عمل، مشکل معرفتی پایداری را حل می‌کند.^۳

روش دستیابی به منابع: مقصود کاربرست قواعدی است برای یافتن منابع مفقود کتاب.

قاعده: مقصود از قاعده در این پژوهش، تجمیع قرینه‌هایی است برای یافتن منبع مفقود، نه قاعده به معنای ضابطه‌ای کلی. مجموع قواعد، در روش دستیابی به منابع به کار می‌روند.

۱. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث، ص ۳۳۴.

۲. معادل عربی آن منهج و انگلیسی آن method.

۳. انصاری، ابجدیات البحث فی العلوم الشرعیه، ص ۱۹۳.

فصل اول: روش و قواعد بازیابی منابع الکافی

روش بازیابی منابع، نظامی فرایندی است که در آن قواعدی برای یافتن منبع مفقود به کار گرفته می‌شود. هر یک از این قاعده‌ها در درون این نظام، چگونگی دستیابی به منابع را نشان می‌دهد.

در آغاز اثبات کردیم که شیوه غالب بر کتاب‌های حدیثی قرون نخستین، به‌ویژه جوامعی مانند الکافی در نقل احادیث، نقل از کتاب‌های پیشین بوده است. نیز در همین جا دستیابی به قواعدی برای چگونگی این اخذ را نشان خواهیم داد. حال در اینجا شایسته است که به دو اصل حاکم توجه کرد:

نخست، در جایی که مواردی متعدد به واحد می‌رسد، نشانگر این است که منبع همان واحد است. در قاعده «عَدَّة من أصحابنا» و در مباحث آغازین همین فصل شواهد این امر را ذکر کرده‌ایم.

دیگر اینکه، اگر در یک سند چند راوی دارای کتاب باشند، کتاب آخرین نفر منبع است؛ به‌ویژه در مواردی که استاد دارای کتابی با عنوانی متناسب با محتوای حدیث است. شواهد این دو مطلب در عنوان «منابع کلینی: کتاب‌های اساتید و اساتید اساتید» ذکر شده است. تفصیل این نکته در ادامه خواهد آمد.

در بازیابی منابع، نقش بنیادین، در مرحله نخست بر عهده اسناد کتاب حدیثی و طرق مذکور در فهرس و در مرحله دوم بر عهده محتوای احادیث است.

نسبت سنجی میان اسناد کتاب الکافی و طرق فهرست‌های شیعی به‌ویژه نجاشی و طوسی هماهنگی میان این دورا اثبات می‌کند و این رهگذری مطمئن و موجه برای

یافتن منابع الکافی است.

هماهنگ بودن محتوای احادیث با عنوان‌های کتاب‌های راویان اسناد الکافی نیز شاهدی دیگر برای این مهم است. از این رو بر اساس این دو محور به کشف و تبیین قواعد بازیابی منابع الکافی می‌پردازیم. قواعدی که در تشخیص منابع به طور مستقیم و در مرحله بعد، زمینه‌ساز اعتبارسنجی منابع الکافی و کتاب الکافی خواهند بود.

پیش از پرداختن به مبحث قواعد بازیابی لازم است، درباره‌ی اینکه اصولاً در منابع کلینی کدام یک از راویان در سند، مؤلف هستند، قدری سخن بگوییم.

ابتدا المحاسن را به عنوان جامعی حدیثی پیش از الکافی با آن مقایسه کردیم. دلیل اینکه المحاسن متن اصلی انتخاب شد این بود که پیش از الکافی تدوین شده و اکنون حجم قابل توجهی از آن در دسترس است. نیز اسناد متضمن «عده من أصحابنا»، اسناد معلق، اسنادی که با ضمیر آغاز شده و در الکافی وجود دارند، از مواردی بود که در المحاسن وجود داشت.

با توجه به مقایسه میان این اسناد، متون احادیث آن‌ها و عنوان‌های ابواب در دو کتاب الکافی و المحاسن، چگونگی اخذ کلینی از المحاسن به دست آمد. برای نمونه، اسناد متضمن «عده من أصحابنا» طریق کلینی به کتاب المحاسن است. این چگونگی اسناد راهی است برای شناخت دیگر منابعی که در دسترس نبودند. به تعبیر دیگر، کلینی در دیگر منابع هم از اسناد متضمن «عده من أصحابنا»، اسناد معلق و اسناد دارای ضمیر استفاده کرده است؛ چراکه با وجود در دسترس نبودن آن منابع در زمان ما بسیار بعید به نظر می‌رسد که یک مؤلف در کتاب خود از دو شیوه دریافت از منابع استفاده کرده باشد. از این رو، قواعدی که بر اساس مقایسه میان الکافی و المحاسن به دست آمده است به سایر موارد هم تعمیم داده شد.

شایسته ذکر است که از آثاری مانند التفسیر قمی و قرب الإسناد حمیری نمی‌توانستیم

چنین بهره بریم؛^۱ زیرا اسناد کلینی به این منابع عادی بود و استنباط قاعده از آن‌ها ممکن نبود و صرفاً از مقایسه میان الکافی با المحاسن چنین استفاده‌ای ممکن بود. البته در مورد بصائر الدرجات به دلیل اینکه در برخی طرق کلینی به آن سند عطفی وجود داشت و در این وجه مانند طریق کلینی به المحاسن بود، به عنوان تأیید اصل نظریه استفاده کردیم.^۲ چگونگی این مقایسه بدین گونه است:

از امکان برگه حدیث در نرم افزار «جامع الأحادیث ۳/۵» تولید مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در قم استفاده شد. در برگه حدیث این نرم افزار، برگه‌ای با عنوان «احادیث مشابه» وجود دارد که با فعال کردن آن می‌توان حدیث یا احادیث مشابه حدیث مدنظر جستجوگر را مشاهده کرد. با انتخاب حدیث در پنجره سمت راست، تمام احادیث مشابه آن در پنجره سمت چپ فهرست می‌شود. این کار با مقایسه دو کتاب حدیثی المحاسن و الکافی صورت گرفت. همه احادیث المحاسن را به عنوان متن اصلی در پنجره راست با الکافی در پنجره چپ مقایسه کردیم. در عکس پیشی رو نمونه‌ای از این کار را می‌بینیم:

۱. کتابی که اکنون با عنوان کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی اشعری در دسترس است، بخش مهمی از آن کتاب حسین بن سعید است. از این رو در اینجا از این کتاب استفاده نکردیم. شبیری در مقاله «نوادر احمد بن محمد بن عیسی» یا کتاب حسین بن سعید در نشریه آینه پژوهش شماره ۲۶ در انتساب کتاب مذکور به اشعری تردید کرده است.

۲. قرائن مربوط به اخذ کلینی از کتاب بصائر الدرجات را در ذیل قاعده «عده من اصحابنا» ص ۶۶ آورده‌ایم.

المحاسن	الکافی
عنه ^۱ عن موسى بن القاسم عن صفوان بن يحيى عن كليب الصيداوى عن أبى عبد الله عليه السلام قال: «إن الرجل المسلم إذا أراد أن يطعم طعاماً فاهوى بيده وقال بسم الله والحمد لله رب العالمين، غفر الله له قبل أن يصير اللقمة الى فيه» (ج ۲، ص ۴۳۵، ح ۲۷۳، باب القول قبل الطعام وبعده).	أبوعلی الأشعری عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان عن كليب الأسدي عن أبى عبد الله عليه السلام قال: «إن الرجل المسلم إذا أراد أن يطعم طعاماً فاهوى بيده فقال بسم الله والحمد لله رب العالمين، غفر الله عز وجل له قبل أن تصل اللقمة الى فيه» (ج ۱۲، ص ۳۶۶، ح ۱۱۶۷۸، باب التسمية والتحميد والدعاء على الطعام).
عنه عن أبيه عن أحمد بن النضر عن عمرو بن شمر عن جابر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام : «البصل يذهب بالنصب ويشد العصب ويزيد فى الماء والخطأ يذهب بالحمى» (ج ۲، ص ۵۲۲، ح ۷۳۷، باب البصل).	أبوعلی الأشعری عن محمد بن سالم عن أحمد بن النضر عن عمرو بن شمر عن جابر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام : «البصل يذهب بالنصب ويشد العصب ويزيد فى الخطى ويزيد فى الماء ويذهب بالحمى» (ج ۱۲، ص ۶۰۴، ح ۱۲۱۲۸، باب البصل).
عنه عن أبيه عن يونس بن عبد الرحمن عن هشام بن الحكم عن زرارة قال: رأيت رابة [دابة] أبى الحسن عليه السلام تلقمه الأرز وتضربه عليه فغمنى ذلك فدخلت على أبى عبد الله عليه السلام فقال: «إنى أحسبك غمك الذى رأيت من رابة أبى الحسن قلت: نعم جعلت فداك، فقال لى: نعم، نعم، الطعام الأرز يوسع الأمعاء ويقطع البواسير وإنا لنغبط لعراق أهل العراق بأكلهم الأرز والبسر فإنهما يوسعان الأمعاء ويقطعان البواسير» (ج ۲، ص ۵۰۳، ح ۶۳۶، باب الارز).	على بن إبراهيم، عن أبيه، عن إسماعيل بن مزار وغيره، عن يونس، عن هشام بن الحكم، عن زرارة، قال: رأيت دابة أبى الحسن موسى عليه السلام تلقمه الأرز، وتضربه عليه، فغمنى ما رأيت، فدخلت على أبى عبد الله عليه السلام فقال لى: «أحسبك غمك ما رأيت من دابة أبى الحسن موسى عليه السلام ؟ قلت له: نعم، جعلت فداك. فقال لى: نعم الطعام الأرز، يوسع الأمعاء، ويقطع البواسير، وإنا لنغبط أهل العراق بأكلهم الأرز والبسر؛ فإنهما يوسعان الأمعاء، و يقطعان البواسير» (ج ۱۲، ص ۵۱۴، ح ۱۱۹۵۲، باب الأرز).

سخن را از حدیث آخر ادامه می دهیم. حدیث در «باب الارز» است. این باب هم در الکافی^۲ و هم در المحاسن^۳ باب اول «ابواب الحبوب» است. ترتیب ابواب دو کتاب بسیار به همدیگر نزدیک است. ببینید:

۱. ضمیر در ابتدای احادیث المحاسن به مؤلف کتاب بر می گردد.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱۲، ص ۵۱۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۰۲.

المحاسن		الكافي	
باب الأرز	أبواب الحبوب	باب الأرز	أبواب الحبوب
باب العدس		باب الحمص	
باب الحمص		باب العدس	
باب الباقلاء		باب الباقلي واللوبياء	

این یکسانی اسناد با احادیثشان و همچنین ابواب میان این دو کتاب مشهود است. جالب است که این یکسان بودن در عناوین ابواب دو کتاب نیز رخ داده است. نمونه‌های دیگری از شباهت و نیز در بسیاری موارد عینیت ابواب این دو کتاب را در ادامه می‌آوریم. این ابواب از جای‌های مختلف این دو کتاب گزیده شده است:

المحاسن	الكافي
باب الاطعام، ج ۲، ص ۳۸۷.	باب فضل إطعام الطعام، ج ۷، ص ۳۳۱.
باب الاطعام، ج ۲، ص ۳۹۰.	باب اطعام المؤمن، ج ۳ ص ۵۱۵.
باب لا سرف فی الطعام، ج ۲، ص ۳۹۹.	فی التقدير وأن الطعام لا حساب له، ج ۱۲، ص ۳۲۱.
باب الهريسه، ج ۲، ص ۴۰۳.	باب الهريسه، ج ۱۲، ص ۴۵۰.
عقاب من مشى فى حاجة المؤمن ولم يناصحه (ج ۱، ص ۹۸).	باب من لم يناصح أخاه المؤمن (ج ۴، ص ۹۵).
دو باب: فرض طلب العلم و باب الحث على طلب العلم، ج ۱، ص ۲۲۵ و ۲۲۶.	باب فرض العلم وجوب طلبه و الحث عليه (ج ۱، ص ۷۱).
دو باب: البدع، والرأى والمقائيس، ج ۱، ص ۲۰۷ و ۲۰۹.	باب البدع والرأى والمقائيس، ج ۱، ص ۱۳۴.
النهى عن القول و الفتيا بغير علم، ج ۱، ص ۲۰۴.	باب النهى عن القول بغير علم، ج ۱، ص ۱۰۱.
باب اللحم، ج ۲، ص ۴۵۹.	باب القدید، ج ۶، ص ۳۱۴.
عقاب من ترك الزكاة، ج ۱، ص ۸۸.	باب من تحل له الزكاة فيمتنع من أخذها، ج ۷، ص ۱۹۰.
ثواب دخول الكعبة، ج ۱، ص ۷۰.	دخول الكعبة، ج ۴، ص ۵۲۷.
ثواب قول لا إله إلا الله وحده لا شريك له، ج ۱، ص ۳۰.	باب من قال: لا إله إلا الله وحده لا شريك له عشرًا، ج ۴، ص ۴۱۰.

المحاسن	الکافی
باب العرض علی أخیک، ج ۲، ص ۴۱۶.	باب العرض، ج ۱۲، ص ۳۰۹.
باب أکل الرجل فی بیت أخیه بغیر إذنه، ج ۲، ص ۴۱۵.	باب أکل الرجل فی منزل أخیه بغیر إذنه، ج ۱۲، ص ۳۱۳.
باب عقاب من منع مومنأ شیئاً من أو من عند غیره، ج ۱، ص ۱۰۰.	باب من منع مومنأ شیئاً من عنده أو من عند غیره، ج ۴، ص ۱۰۴.
باب الغنم، ج ۲، ص ۴۶۰.	باب الغنم، ج ۱۳، ص ۲۸۳.
باب اللحم، ج ۲، ص ۴۵۹.	باب فضل اللحم، ج ۱۲، ص ۴۱۵.
باب السعادة و الشقاء، ج ۱، ص ۳۷۲.	باب السعادة و الشقاء، ج ۱، ص ۲۷۹.

اکنون در مقام اثبات این امر هستیم که ثقة الاسلام کلینی، غالباً احادیث الکافی را از کتاب های اساتید یا اساتید اساتید خود گرفته است:

۱. این یکسانی در احادیث و ابواب دو کتاب تصادفی نیست و تابع قاعده مشخصی است. از آنجا که المحاسن منبع الکافی است، پرسش این است که چرا مرحوم کلینی این احادیث را از المحاسن نگرفته است با اینکه برخی از احادیث همین ابواب را از المحاسن دریافت کرده، اما بعضی دیگر را وا گذاشته و با اسنادی متفاوت در کتاب خود آورده است. شبیری پاسخ این پرسش را قاعده «تبدیل اسناد»^۱ همراه با شواهدی می داند.^۲ براساس این قاعده، مؤلفان جوامع حدیثی به دلیل دسترسی به مصنفات نویسندگان معاصر یا نزدیک به عصر خود و با مقایسه میان احادیث کتاب های حدیثی، سند را به سند دیگری تبدیل می کردند. در واقع، آنان چینش ابواب و حتی احادیث یک باب را از یک کتاب حدیثی گرفته، سپس اسناد موجود کتاب های دیگر را که واسطه کمتری داشت به جای آن قرار می دادند. این امر بدین معنا نیست که آن کتاب دیگر، منبع نیست؛ بلکه بدین معناست که چینش از یک کتاب گرفته شده، اما سند حدیث کتاب دیگر که در دسترس بوده، به جای سند کتاب نخست قرار داده می شد.

۱. این قاعده را در همین فصل، ص ۵۹ به تفصیل بررسی خواهیم کرد.

۲. شبیری، «پژوهشی جدید در کتاب الکافی»، شناخته نامه کلینی و الکافی، ج ۱، ص ۳۱۹.

البته در مورد مذکور این احتمال مطرح است که این چیدمان در نوادر احمد بن محمد بن عیسی اشعری بوده و کلینی احادیث باب خود را از آنجا گرفته باشد.

این احتمال در حال حاضر شاهی ندارد؛ زیرا نخست اینکه نوادر در دسترس نیست تا شاهی بر صحت این احتمال باشد؛ دیگر آنکه اگر در کتاب نوادر اشعری هم چنین باشد، باز هم مشکلی پیش نمی آید؛ زیرا باز همین سخنی که درباره المحاسن گفتیم، در مورد نوادر هم صدق می کند؛ یعنی کلینی چیدمان را از نوادر گرفته و روایاتی را از المحاسن در این میان جای داده است.

برای اثبات این مطلب میان دو باب از این دو کتاب مقایسه شده است:

المحاسن، باب أكل الرجل في بيت أخيه بغير إذنه، ج ۲، ص ۴۱۵.	الکافی، باب أكل الرجل في منزل أخيه بغير إذنه، ج ۱۲، ص ۳۱۳.
۱۷۱. عنه عن أبيه عن حماد بن عیسی عن حسین بن المختار عن أبي أسامة عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله عز وجل: «وليس عليكم جناح...» الآية قال: «بإذن و بغیر إذن».	۱. أبو علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان بن يحيى، عن عبد الله بن مسكان، عن محمد الحلبي، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن هذه الآية: «ولا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت آبائكم» إلى آخر الآية، قلت: ما يعني بقوله: «أو صدقكم؟» قال: «هو - والله - الرجل يدخل بيت صديقه، فيأكل بغیر إذن».
۱۷۲. عنه عن ابن سنان و صفوان بن يحيى عن عبد الله بن سنان أو ابن مسكان عن محمد الحلبي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن هذه الآية «وليس عليكم جناح أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت آبائكم» إلى آخر الآية قلت: ما يعني بقوله «أو صدقكم؟» قال: «هو والله الرجل يدخل بيت صديقه فيأكل بغیر إذن».	۲. عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن أبيه، عن صفوان، عن موسى بن بكر، عن زرارة، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: «أو ما ملكتم مفاتيحه أو صدقكم؟» قال: «هؤلاء الذين سمى الله - عز وجل - في هذه الآية تأكل بغیر إذنهم من التمر و المادوم، وكذلك تطعم المرأة من منزل زوجها بغیر إذن» فاما ما خلا ذلك من الطعام، فلا.
۱۷۳. عنه عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن حماد بن عثمان عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام قال: سأته عما يحل للرجل من بيت أخيه من الطعام؟ قال: «المأدوم و التمر و كذلك يحل للمرأة من بيت زوجها».	۳. عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن جميل بن دراج، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «للمرأة أن تأكل و أن تصدق، و
۱۷۴. عنه عن أحمد بن محمد بن جميل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «للمرأة أن تأكل و تصدق و للصدیق أن يأكل من منزل أخيه و تصدق».	

المحاسن، باب أكل الرجل في بيت أخيه بغير إذنه، ج ۲، ص ۴۱۵.	الکافی، باب أكل الرجل في منزل أخيه بغير إذنه، ج ۱۲، ص ۳۱۳.
۱۷۵. عنه «عن أبيه عن صفوان بن يحيى عن موسى بن بكر عن زرارة عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله تبارك وتعالى ﴿أَوْ مَا مَلَكَتْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقَكُمْ﴾؟ فقال: «هؤلاء الذين سمى الله في هذه الآية يأكل بغير إذنهم من التمر والمأدوم وكذلك تطعم المرأة بغير إذن زوجها فأما ما خلا ذلك من الطعام فلا». ۱۷۶. عنه عن أبيه عن القاسم بن عروة عن عبد الله بن بكير عن زرارة قال: سألت أحدهما عن هذه الآية ليس عليكم جناح ﴿أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بَيْوتِكُمْ أَوْ بَيْوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بَيْوتِ أَهْلَائِكُمْ﴾ الآية؟ قال: ليس عليكم جناح فيما طعمت أو أكلت مما ملكت مفاتيحه ما لم تفسده». ۱۷۷. عنه عن أبيه عن ابن أبي عمير عن ذكره عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى ﴿أَوْ مَا مَلَكَتْ مَفَاتِحَهُ﴾؟ قال: «الرجل يكون له وكيل يقوم في ماله فيأكل بغير إذنه».	للسيد أن يأكل من منزل أخيه ويتصدق». ۴. محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن خالد، عن القاسم بن عروة، عن عبد الله بن بكير، عن زرارة، قال: سألت أحدهما عليهما السلام عن هذه الآية: ليس عليكم جناح ﴿أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بَيْوتِكُمْ أَوْ بَيْوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بَيْوتِ أَهْلَائِكُمْ﴾ الآية؟ قال: ليس عليكم جناح فيما طعمت أو أكلت مما ملكت مفاتيحه ما لم تفسده». ۵. على بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن ذكره عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل ﴿أَوْ مَا مَلَكَتْ مَفَاتِحَهُ﴾ قال: «الرجل يكون له وكيل يقوم في ماله، فيأكل بغير إذن».

می بینیم که عنوان باب با اندک تفاوتی در هر دو کتاب یکی است. این باب در المحاسن، هفت حدیث و در الکافی، پنج حدیث دارد. مضمون این دو حدیث در احادیث دیگر وجود دارد؛ از این رو کلینی این دو را حذف کرده است. پنج حدیث دیگر در متن با هم یکی هستند. حدیث دوم باب عیناً با المحاسن یکی است. در چهار حدیث دیگر در بخشی از سند که به کلینی منتهی می شود، برقی حضور ندارد، اما به گونه ای آشکار نشانگر این است که کلینی حدیث را از کتاب های اساتید یا اساتید اساتیدش گرفته است. نمونه بارز آن حدیث سوم باب است که کلینی به واسطه «عده من أصحابنا» از سهل بن زیاد روایت می کند و این شیوه دقیقاً با حدیث دوم که کلینی از برقی نقل می کند، یکسان است؛ بنابراین کلینی این حدیث را از کتاب سهل بن زیاد

گرفته است که در طبقه اساتید اساتید کلینی است.

۲. بسیاری از احادیث الکافی با سندهای «عده من أصحابنا عن سهل بن زیاد/ احمد بن محمد بن عیسی» در باب‌هایی هستند که تشابه بسیاری میان احادیث ابواب و عنوان آن‌ها و المحاسن وجود دارد. این نشان می‌دهد که کلینی این احادیث را از کتاب‌های سهل و احمد بن محمد بن عیسی گرفته، هر چند بر اساس چینش المحاسن کتاب خود را سامان داده است. بر اساس آمار بیش از ۲۱ درصد احادیث الکافی با «عده من أصحابنا» آغاز می‌شود^۱ و این دلیل روشنی است بر دریافت فراوان کلینی از آثار اساتید اساتید.

نمونه‌های ذیل گویای این نکته است:

الکافی	المحاسن
عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن إسماعیل، عن أبي إسماعیل السراج، عن ابن مسکان، عن ثابت أبي سعید، قال: قال أبو عبدالله عليه السلام (ج ۱، ص ۴۰۰، باب الهدایة أنھا من الله عز و جل).	عنه عن محمد بن إسماعیل عن أبي إسماعیل السراج عن ابن مسکان عن ثابت أبي سعید قال: قال أبو عبدالله عليه السلام (ج ۱، ص ۲۰۰، باب الهدایة من الله عز و جل).
عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسين بن سعید، عن فضالة بن أيوب، عن داود بن فرقد، قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول (ج ۱۴، ص ۱۳، باب التحدید).	عنه عن أبيه عن فضالة بن أيوب عن داود بن فرقد قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول (ج ۱، ص ۲۷۴، باب التحدید).
عده من أصحابنا، عن سهل بن زیاد، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن صفوان الجمال، قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام (ج ۸، ص ۴۰۲، باب المحرم يشد على وسطه الهميان والمنطقة).	عنه عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن صفوان الجمال قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام (ج ۲، ص ۳۵۸، باب حفظ النفقة في السفر).

۳. اسناد آغازشونده با ضمیر به گونه‌ای غالبی نشانگر اخذ کلینی در الکافی از منابع

است. قاعدهٔ اضممار را در همین فصل به تفصیل بحث خواهیم کرد. جالب این است که ضمائر در آغاز اسناد الکافی به نحو گسترده‌ای به طبقه اساتید یا اساتیدِ اساتید بر می‌گردد. نمونه‌هایی از اسنادی که ضمیر در آغاز آن‌ها به احمد بن محمد بن خالد برقی برمی‌گردد، در همین قاعدهٔ اضممار آورده‌ایم. در آنجا منبع، کتاب المحاسن شمرده شده است. از این دست اسنادِ دارای ضمیر در الکافی فراوان است که چند نمونه را ذکر می‌کنیم:

۱. «محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین عن ابن اُبی عمیر»،

«عنه عن محمد بن الحسین»^۱

۲. «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم»،

«عنه عن أحمد بن محمد بن عیسی»^۲

۳. «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی عن ابن محبوب»،

«عنه عن ابن محبوب»^۳

۴. «علی بن ابراهیم عن اُبیهِ عن حمّاد بن عیسی»،

«عنه عن اُبیهِ عن حمّاد»^۴

می‌بینیم که ضمیرها به استاد یا استادِ استاد کلینی بر می‌گردد که تعداد این‌گونه اسناد ۱۱۵۲ سند است و این حجم گسترده نشانگر استفاده کلینی از دو طبقه اساتید و اساتیدِ اساتید است.

۴. اسنادی عادی هستند که اگر آن‌ها را به دو بخش اساتید و اساتیدِ اساتید کلینی، و طبقه سوم تا امام معصوم تقسیم کنیم، می‌بینیم که در بسیاری از موارد، بخش دوم سند و متن حدیث و حتی عنوان باب الکافی و المحاسن یکسان یا مشابه هم هستند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۱۴۴ و ۱۴۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۰۳، ح ۱۸۴۲ و ۱۸۴۳.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۰۷-۳۰۸، ح ۱۸۵۰ و ۱۸۵۱.

۴. همان، ج ۳، ص ۵۱۳، ح ۲۱۷۷ و ۲۱۷۸.

این امر با توجه به قرینه‌های بالا نشان می‌دهد که کلینی از کتاب‌های دو طبقه اساتید و اساتید اساتیدش بهره برده است. نمونه‌های ذیل را ببینید:

الکافی	المحاسن
حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد بن سماعة عن وهيب بن حفص عن أبي بصير. (ج ۱۲، ص ۲۹۰، ح ۱۱۵۵۴، باب کراهیه کثرة الأکل).	عنه عن محمد بن علی عن وهيب بن حفص عن أبي بصير. (ج ۲، ص ۴۴۶، ح ۳۳۷، باب النهی عن کثرة الطعام و کثرة الأکل).
علی بن ابراهیم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم عن سليمان بن خالد. (ج ۱۲، ص ۴۸۰، باب الخل).	عنه عن محمد بن علی عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم عن سليمان بن خالد. (ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۵۳۷، باب الخل).
محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن سنان عن عمار بن مروان. (ج ۱۲، ص ۲۷۰، ح ۱۱۵۲۲، باب طعام أهل الذقة و مؤاکلتهم و آتیتهم).	عنه عن أبيه عن محمد بن سنان عن عمار بن مروان عن سماعة بن مهران. (ج ۲، ص ۴۵۵، ح ۳۸۰، باب مؤاکلة أهل الذقة و آتیتهم و أكل طعامهم).

۵. عموماً اساتید و اساتید اساتید کلینی دارای نوشتار هستند. دریافت حدیث از کتاب استادی که عنوانش با حدیث نقل شده از وی تناسب دارد، امری موجه است. برای نمونه، علان کلینی کتاب اخبار القائم دارد و کلینی احادیث بسیاری را متناسب با موضوع کتاب از وی نقل کرده است. همچنین در مورد اساتیدی که کتاب‌هایی با عنوان نوادر دارند، چون کتاب‌های نوادر مجموعه‌ای از احادیث متنوع را شامل می‌شوند، دریافت حدیث از آثارشان امری پذیرفتنی است. این قرینه به همراه قرینه‌های ذکر شده می‌تواند دریافت احادیث کلینی از آثار دو طبقه اساتید و اساتید اساتید را اثبات کند.

اکنون بر اساس همین مبنا که بیشتر منابع الکافی، آثار اساتید یا اساتید اساتید وی هستند، قواعد بازایی را برمی‌شمیریم و این نکته را می‌بایست در هر قاعده‌ای به عنوان یک قرینه در نظر گرفت، همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، منظور از قاعده در اینجا مجموع قرائن است، نه قاعده به معنای ضابطه‌ای کلی.

قاعده نخست: تبدیل سند

به حذف بخشی از سند منتهی به یک راوی مشهور و شناخته شده و قرار دادن سندی دیگر به جای قسمت حذف شده، تبدیل سند گفته می‌شود. این روش با روش «تعویض سند» در نزد متأخران شباهت دارد؛ چراکه در تعویض سند هم بخشی از سند جایگزین قسمتی دیگر می‌شود. تفاوت در این است که با تعویض سند، ضعف سند برطرف شده و حدیث ضعیف، صحیح می‌شود؛ اما در «تبدیل سند» محدث به دنبال اعتبار حدیث نیست؛ زیرا حدیث او اعتبار دارد؛ اما از آنجا که می‌خواهد سند او واسطه یا واسطه‌های کمتری داشته باشد، یا به عبارتی در پی «علو سند» است، به تبدیل سند دست می‌زند.

مؤلفان جوامع به دلیل دسترسی به کتاب‌های نویسندگان معاصر یا نزدیک به عصر خود و با مقایسه میان احادیث کتاب‌های حدیثی، سند را به سند دیگری تبدیل می‌کردند. در واقع، آنان چینش ابواب و حتی احادیث یک باب را از یک کتاب حدیثی گرفته، سپس اسناد موجود کتاب‌های دیگر را که واسطه کمتری داشت، به جای آن قرار می‌دادند.

شایسته یادآوری است که این کار بدین معنا نیست که به طور کامل اسناد کتاب اصلی را کنار گذاشته، روش تبدیل سند را در همه اسناد جاری کنند؛ زیرا این کار سبب می‌شود اثری از آن کتاب نماند که کاری شایسته نبود. دیگر اینکه در برخی احادیث که متفرد است، چنین کاری امکان‌پذیر نیست. شبیری نمونه‌هایی را به دست آورده که یکی از آن‌ها را نقل می‌کنیم:

ایشان پس از مقایسه باب التمر از کتاب الأطعمه الکافی با باب التمر از کتاب المآكل المعاصن برقی ارتباط این دو را این‌گونه گزارش کرده است که حدیث یکم تا ششم^۱ این باب الکافی با احادیث همین باب در المعاصن به شماره‌های ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۴، ۷۸۵ و ۷۹۴ در ترتیب و متن یکسان است؛ هر چند تنها در دو حدیث اول الکافی

۱. ایشان ششم نوشته‌اند، صحیح آن پنجم است.

نام أحمد بن محمد بن خالد آمده است.^۱

این قاعده، قرینه‌ای قوی بر استفاده کلینی از کتاب‌های مؤلفان نزدیک به عصرش به شمار می‌رود. شواهد دیگری نیز در همین فصل در اثبات اینکه منابع کلینی از اساتید یا اساتید اساتید بوده به تفصیل گذشت. این قاعده منابعی را مشخص می‌کند که مؤلفان آن‌ها اساتید یا اساتید اساتید کلینی هستند و در ابواب مشابه یا یکسان المحاسن و الکافی نامشان آمده است.

قاعده دوم: «عده من أصحابنا»

بسیاری از احادیث الکافی با «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد/ أحمد بن محمد البرقی» آغاز می‌شود. بر اساس این اسناد بسیار^۲، المحاسن یکی از منابع الکافی است؛ بنابراین یکی از قواعد دستیابی به منابع الکافی بهره جستن از این گونه اسناد است. این چگونگی را «قاعده عده من أصحابنا» نام می‌نهم؛ اما از این پس به اختصار از آن به «قاعده عده» تعبیر می‌کنیم.

قابل ذکر است که گاه به جای «عده من أصحابنا»، «جماعة من أصحابنا» آمده است^۳ که ظاهراً فرقی بین این دو نیست.

مواردی از این گونه احادیث در المحاسن وجود دارد^۴ که اسنادشان با کتاب الکافی یکی است. این احادیث با المحاسن مقایسه شدند که از آن میان سه حدیث را برای نمونه ذکر می‌کنیم:

۱. شبیری، پژوهشی جدید در کتاب کافی، شناختنامه کلینی و الکافی، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. همه این موارد را در فهرستی گردآورده‌ام و از آنجا که مواردش بسیار است به نمونه‌هایی بسنده می‌شود.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱، ح ۱۵.

۴. اینکه همه احادیث در المحاسن نیست؛ بدین دلیل است که همه المحاسن به دست ما نرسیده و المحاسن کنونی ناقص است.

المحاسن	الکافی
عنه عن سعدان بن مسلم عن الحسين بن أنس عن أبي جعفر عليه السلام قال: «من بخل بمعونة أخيه المسلم والقيام في حاجته ابتلى بمعونة من يأثم عليه ولا يؤجر» (ج ۱، ص ۹۹، ح ۶۹).	عَدَّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد؛ وأبو علي الأشعري، عن محمد بن حسان، عن محمد بن علي، عن سعدان، عن حسين بن أمين ^۱ ؛ عن أبي جعفر عليه السلام ، قال: «من بخل بمعونة أخيه المسلم والقيام له في حاجته، ابتلى بمعونة من يأثم عليه ولا يؤجر» (ج ۴، ص ۱۰۱، ح ۲۷۹۲).
عنه عن الحسن بن علي بن يقطين عن محمد بن سنان عن أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام قال: «إنما يداق الله العباد في الحساب يوم القيامة على قدر ما آتاهم من العقول في الدنيا» (ج ۱، ص ۱۹۵، ح ۱۶).	عَدَّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن الحسن بن علي بن يقطين، عن محمد بن سنان، عن أبي الجارود؛ عن أبي جعفر عليه السلام ، قال: «إنما يداق الله العباد في الحساب يوم القيامة على قدر ما آتاهم من العقول في الدنيا» (ج ۱، ص ۲۷، ح ۷).
عنه عن علي بن عبد الله عن عبد الرحمن بن محمد عن أبي خديجة ^۲ عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «لعن رسول الله صلى الله عليه وآله المتشبهين من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال قال: وهم المختنون واللاتي ينكح بعضهن بعضاً وإنما أهلك الله قوم لوط حين عمل النساء مثل ما عمل الرجال يأتي بعضهم بعضاً» (ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۱۰۸).	عَدَّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن محمد بن علي، عن علي بن عبد الله و عبد الرحمن بن محمد، عن أبي خديجة؛ عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال: «لعن رسول الله صلى الله عليه وآله المتشبهين من الرجال بالنساء، والمتشبهات من النساء بالرجال» قال: «وهم المختنون واللاتي ينكحن بعضهن بعضاً» (ج ۱۱، ص ۲۶۶، ح ۱۰۳۳۲).

ذکر این نکته شایسته است که کلینی برای نشان دادن اتفاق نسخه های المحاسن از طرق راویان متفاوت، از تعبیر «عَدَّة من أصحابنا» استفاده کرده است. به همین منظور، گاه از یک طریق به المحاسن نام می برد و این در مواردی است که نسخه المحاسن روایت شده از طریق این راوی با سایر نسخه ها متفاوت است.

حلقه مشترک و ارتباط آن با قاعده عَدَّة من أصحابنا

یوزف شاخست (م ۱۹۶۹ م) اصطلاح «حلقه مشترک» را برای تاریخ گذاری حدیث

۱. الحسین بن امین یا الحسین بن انس تصحیف شده است.

۲. ظاهراً در این سند خللی وجود دارد. ببینید: کلینی، الکافی، ج ۱۱، ص ۲۶۶، پاورقی ذیل سند حدیث ۱۰۳۳۲.

انتخاب کرد. این مصطلح با «قاعدهٔ عدّه» در ارتباط است. حلقه مشترک، راوی ای است که پس از او سلسله سندها به شاخه‌های متعدد منشعب می‌شود. بینل نیز در این مورد از شاخه پیروی می‌کند.^۱ سرگین نیز از این شیوه، برای بازسازی منابع کهن بهره برد. او راوی مشترک واقع در سند را مؤلف منبع می‌داند. اگر پس از نخستین راوی (شیخ صاحب کتاب) نام‌های راویان مختلف شد، همان راوی نخست مؤلف منبع است؛ ولی اگر نام‌ها تا طبقات بعد مشترک شد، این نام‌ها، راویان هستند و آخرین راوی مشترک، مؤلف منبع است.^۲ موتسکی، روش سرگین را اصلاح کرد.^۳ روش سرگین صرفاً بر سند مبتنی است. موتسکی روش تحلیل سندی سرگین برای بازسازی منبع را با روش تحلیل متنی ترکیب کرد. او با این روش ترکیبی منابعی از کتاب المصنف عبدالرزاق را بازیابی کرد.^۴

دقیقاً حلقه مشترک در اینجا کارایی دارد. کارکرد «قاعدهٔ عدّه من أصحابنا» با حلقه مشترک در بازسازی منبع یکسان است؛ چراکه برای نمونه احمد بن محمد بن خالد برقی، راوی مشترکی است که پس از وی سلسله سند منشعب شده و چندین نفر از او نقل می‌کنند.

نکته قابل ذکر دیگر این است که همیشه حلقه یا راوی مشترک، مؤلف منبع نیست؛ بلکه اولاً، باید اثبات شود او کتابی داشته و امکان اخذ از آن کتاب در کتاب بعد ممکن بوده است؛ ثانیاً، گاه از راوی اول تا راوی از امام، همه مشترک هستند که بر اساس حلقه مشترک راوی از امام باید مؤلف منبع باشد؛ اما این گونه نیست و در مورد جوامع حدیثی مانند الکافی اخذ از کتاب‌های متأخر، منطقی‌تر به نظر می‌رسد.^۵ سرگین در مورد الجوامع

۱. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث، ص ۳۳۴.

۲. سرگین، تاریخ التراث العربی، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳. موتسکی، حدیث اسلامی، ص ۶۶.

۴. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث، ص ۷۵-۷۶؛ موتسکی، حدیث اسلامی، ص ۲۵۷-۲۹۵.

۵. در آغاز این بحث در این باره سخن گفتیم.

الصحيح محمد بن اسماعيل بخارى نیز بر اساس حلقه مشترك بر اين باور است كه ۹۰ درصد منابع آن، مشايخ بخارى هستند.^۱

تعميم قاعده

در آغاز بسيارى از اسناد الكافى سه دسته راوى داريم كه با «عده من اصحابنا» از آن ها ياد مى شود. از يك مورد كه «عده برقى» است سخن گفتيم. دو عده ديگر هم داريم كه عبارت است از: عده احمد بن محمد بن عيسى و عده سهل بن زياد. بر اساس «قاعده عده» كتاب هاى سهل بن زياد و احمد بن محمد بن عيسى اشعري هم از منابع الكافى هستند. افراد اين سه «عده» معلوم هستند^۲؛ اما در هفت دسته سند الكافى اين تعبير وجود دارد كه افرادشان معلوم نيست. در پنج سند از اين هفت تا پس از «عده من اصحابنا» نام مؤلفى آمده است. اين پنج سند عبارت اند از:

۱. «عده من اصحابنا، عن جعفر بن محمد».^۳

دو سند داريم كه مى تواند به تعيين اين عده كمك كند:

۱-۱. «محمد بن يحيى و الحسين بن محمد عن جعفر بن محمد».^۴

۲-۱. «الحسين بن محمد و غيره عن جعفر بن محمد».^۵

به نظر مى رسد محمد بن يحيى و حسين بن محمد جزء اين عده هستند.

۲. «عده من اصحابنا، عن سعد بن عبدالله».^۶

۱. سزگين، تاريخ التراث العربى، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲. نام هاى اين افراد در جاى خود خواهد آمد.

۳. كلينى، الكافى، ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۸۸۶.

۴. همان، ج ۱، ص ۶۹۷، ح ۷۴۲؛ ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۸۹۱؛ ص ۱۵۳، ح ۹۰۱؛ ص ۲۴۶، ح ۹۴۹؛ ص ۲۴۷، ح ۹۵۰؛ ج ۱۵، ص ۸۳۴، ح ۱۵۳۹۲.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۹۱۶.

۶. مجلسى، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۲۳ و حر عاملى، تفصيل وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۳۱۸ به جاى «عده من اصحابنا»، «بعض اصحابنا» آمده است؛ كه باز هم بنابر قاعده ابهام مى توان راوى پس از بعض را مؤلف دانست.

۷. كلينى، الكافى، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۹۱۳؛ ص ۱۶۳، ح ۹۱۵.

بنابر سند «محمد بن یحیی و غیره عن سعد»^۱ محمد بن یحیی یکی از این عده محسوب می شود. کلینی در اسناد دیگری نیز با واسطه محمد بن یحیی از سعد نقل می کند.^۲

۳. «عده من أصحابنا، عن إبراهيم بن إسحاق الأحمر»^۳.

ما سه سند داریم که به نظر می رسد بتوانیم این «عده» را از مجهول بودن در آوریم:
۱-۳. «الحسين بن الحسن الحسني^۴ و علی بن محمد بن عبدالله جميعاً عن إبراهيم بن إسحاق الأحمر»^۵.

۲-۳. «محمد بن الحسن و علی بن محمد بن بندار عن إبراهيم بن إسحاق»^۶.

۳-۳. «علی بن محمد بن بندار و غیره عن إبراهيم بن إسحاق»^۷.

بر اساس این سه سند بعید نیست، علی بن محمد و محمد بن حسن را به احتمال زیاد^۸ و حسین بن حسن حسنی به احتمال موجه داخل در عدهٔ ابراهیم بن إسحاق بدانیم؛ بنابراین کتاب ابراهیم بن اسحاق احمر هم از منابع الکافی است.

۴. «عده من أصحابنا، عن صالح بن أبي حماد»^۹.

سندی در الکافی^{۱۰} داریم بدین صورت: «محمد بن ابی عبدالله و محمد بن الحسن

۱. همان، ج ۲، ص ۱۱۶، ح ۸۵۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۹۶؛ ج ۲، ص ۴۵۲، ح ۱۲۰۹؛ ج ۲، ص ۴۵۶، ح ۱۲۱۲؛ ج ۲، ص ۴۶۱، ح ۱۲۱۸.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۳۱، ح ۴۰۰۲.

۴. همان، ج ۲، ص ۵۱۳، ح ۱۲۶۹.

۵. همان، ج ۲، ص ۶۱۵، ح ۲۳۲۲؛ ج ۱۲، ص ۷۳۶، ح ۱۲۳۲۶؛ ج ۱۳، ص ۱۱۴، ح ۱۲۶۶۷؛ ص ۱۸۷، ح ۱۲۸۳۱؛ ص ۱۶۵، ح ۱۲۷۸۴.

۶. همان، ج ۷، ص ۶۰۷، ح ۶۶۰.

۷. در الکافی کلینی هشت بار با واسطه محمد بن حسن طائی (ج ۲، ص ۳۷، ح ۷۸۰؛ ج ۳، ص ۶۱۵، ح ۲۳۲۲ و ...) و ۲۰ بار به واسطه علی بن محمد (ج ۱، ص ۲۷، ح ۸؛ ص ۵۲۹، ح ۵۵۹؛ ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۱۰۴۶ و ...) از ابراهیم بن اسحاق نقل کرده است.

۸. همان، ج ۱۵، ص ۳۷۵، ح ۱۴۹۶۴.

۹. همان، ص ۳۷۸، ح ۱۴۹۶۸.

عن صالح بن أبي حماد» و این قرینه‌ای است بر اینکه یکی از این دو؛ یعنی محمد بن جعفر و محمد بن حسن طائی داخل در عده هستند؛ البته ممکن است با توجه به اینکه علی بن محمد از صالح بن اُبی حماد هفتاد بار روایت کرده است،^۱ وی هم داخل در عده باشد.

۵. «عده من أصحابنا، عن محمد بن عیسی»^۲.

با توجه به اینکه تنها راوی واسطه میان کلینی و محمد بن عیسی در اسناد چندصدتایی الکافی علی بن ابراهیم است،^۳ حدس قریب به اطمینان این است که علی بن ابراهیم جزء این عده است.

تعمیم قاعده «عده من أصحابنا» به «شبه عده»

در اسناد بسیاری اتفاق می‌افتد که دو نفر مشخص یا گاه یکی معلوم و دیگری مبهم با هم، در صدر اسناد الکافی از یک نفر روایت می‌کنند. بر اساس قاعده «عده» - که فرد پس از «عده» مؤلف کتاب شمرده می‌شد - اگر چند نفر بدون اینکه از آن‌ها با تعبیر خاصی مانند «عده من أصحابنا» یاد و نام آن‌ها برده شود، معمولاً اولین نفر که این افراد از او روایت می‌کنند، صاحب کتاب است و این کتاب، منبع کلینی است؛ بنابراین لازم نیست حتماً تعبیری مشترک مانند «عده من أصحابنا» برای یافتن منبع به کار رفته باشد؛ بلکه به صرف نام بردن از چند نفر، منبع را می‌توان یافت. ظاهراً مراد کلینی از این گونه اسناد این است که نسخه‌های منبع که این دو یا چند نفر راوی آن هستند در این حدیث اتفاق دارند. ما این گونه اسناد را «شبه عده» نام نهاده‌ایم. سه نمونه را در اینجا بیان می‌کنیم:

۱. همان، ج ۱، ص ۲۷۳؛ ج ۳۸؛ ص ۳۳۶؛ ج ۲۵۱؛ ج ۲، ص ۳۱۸؛ ج ۱۰۳۹؛ ج ۳، ص ۱۷، ح ۱۴۵۵ و
 ۲. همان، ج ۷، ص ۶۶۰؛ ح ۶۶۵۸. البته در چاپ اسلامی «عده من أصحابنا» آمده است و در سایر نسخه‌ها و طوسی، الاستیصار، ج ۲، ص ۴۹؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۰، ص ۲۵۷؛ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۴۱؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۸۳؛ بعضی اصحابنا آمده است. بنابراین نسخه‌ها منبع همان کتاب محمد بن عیسی است.

۳. کلینی، همان، ج ۱، ص ۷۳؛ ح ۳۹؛ ص ۸۲؛ ح ۶۰؛ ص ۸۶؛ ح ۶۸؛ ص ۹۴؛ ح ۸۱ و

۱. «محمد بن یحیی و علی بن ابراهیم عن أحمد بن محمد»^۱.

احمد بن محمد در این سند، احمد بن محمد بن عیسی است. گفتیم «عده من أصحابنا» از احمد روایت می کنند. در سند مذکور، محمد بن یحیی و علی بن ابراهیم که هر دو جزء عده احمد بن محمد بن عیسی هستند، نیز همان حکم «عده من أصحابنا» را دارند.

۲. «محمد بن یحیی و أحمد بن ادريس عن محمد بن عبد الجبار»^۲.

در این طریق محمد بن عبد الجبار، عده ندارد، اما همین نقل نشان می دهد که کتاب او منبع است.

۳. «علی بن محمد بن بندار و غيره عن أحمد بن أبي عبد الله»^۳.

گفتیم که این افراد و مشایخ آغاز سند ممکن است ترکیبی از افراد مبهم و معلوم باشند که مثالش همین سند است؛ هر چند تشخیص «غیره» در این سند با وجود «عده برقی» ممکن است.

بهترین قرینه در این بحث، مقایسه میان الکافی و بصائر الدرجات است. این مقایسه را در جدول ذیل آورده ایم. می بینیم که کارکرد نقل دو نفر از صاحب اثر در تعیین منبع، همان کارکرد نقل «عده من أصحابنا» از یک مؤلف است و هر دو می توانند منبع را تعیین کنند.^۴

۱. همان، ج ۱، ص ۳۹۱، ح ۴۱۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۸، ح ۸۰۹.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۴۱۶، ح ۱۱۷۶۶.

۴. احادیث دیگری با اسناد این گونه ای هستند که برای پرنیز از طولانی شدن مقایسه، به ذکر نشانی آن ها بسنده می کنیم: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۷۵، ح ۷۱۳ و صفار، بصائر الدرجات، ص ۳۱۹، ح ۱؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۱۷، ح ۱۰۳۸ و صفار، بصائر الدرجات، ص ۹۷، ح ۷؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۰۱، ح ۱۲۵۷ و صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۵۶، ح ۱۰؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۰۵، ح ۱۴۰۷ و صفار، بصائر الدرجات، ص ۳۱۹، ح ۲.

بصائر الدرجات	الکافی
حدثنا أحمد بن الحسن بن علي بن فضال عن علي بن يعقوب الهاشمي عن هارون بن مسلم^۱ عن يزيد عن أبي جعفر^{عليه السلام} وأبي عبد الله^{عليه السلام} في قوله ﴿و ما أرسلنا من قبلك من رسول ولا نبى﴾ (و لا محدث) قلت: جعلت فداك ليس هذه قراءة فما الرسول والنبى والمحدث؟ قال الرسول الذى يظهر له الملك فيكلمه، والنبى يرى فى المنام وربما اجتمعت النبوة والرسالة لواحد والمحدث الذى يسمع الصوت ولا يرى الصورة. قال قلت أصلحك الله كيف يعلم أن الذى رأى فى المنام هو الحق وأنه من الملك قال يوقع علم ذلك حتى يعرفه (ص ۳۷۱، ح ۱۱، باب فى الفرق بين الأنبياء والرسل والأنمة^{عليهم السلام} ومعرفتهم وصفتهم وأمر الحديث).	أحمد بن محمد و محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن علي بن حسان^۱، عن ابن فضال^۲ عن علي بن يعقوب الهاشمي، عن مروان بن مسلم، عن يزيد: عن أبي جعفر وأبي عبد الله^{عليه السلام} في قوله عز وجل: ﴿و ما أرسلنا من قبلك من رسول ولا نبى﴾ (و لا محدث) قلت: جعلت فداك، ليست هذه قراءة تنسا، فما الرسول والنبى والمحدث؟ قال: «الرسول: الذى يظهر له الملك، فيكلمه؛ والنبى هو الذى يرى فى منامه، وربما اجتمعت النبوة والرسالة لواحد؛ والمحدث: الذى يسمع الصوت، ولا يرى الصورة». قال قلت: أصلحك الله، كيف يعلم أن الذى رأى فى النوم حق، وأنه من الملك؟ قال: يوفق لذلك حتى يعرفه، لقد ختم الله بكتابتكم الكتب، وختم بنبيتكم الأنبياء (ج ۱، ص ۴۳۰، ح ۴۴۶، باب الفرق بين الرسول والنبى والمحدث).
حدثنا علي بن حسان قال حدثني أبو عبد الله^{عليه السلام} الرياحي عن أبي الصامت الحلواني عن أبي جعفر^{عليه السلام} قال: «فضل أمير المؤمنين^{عليه السلام} ما جاء أخذه وما	محمد بن يحيى وأحمد بن محمد جميعاً، عن محمد بن الحسن، عن علي بن حسان، قال: حدثني أبو عبد الله^{عليه السلام} الرياحي، عن أبي الصامت

۱. علی بن حسان در سند بصائر نیست. از آنجا که علی بن حسان در سند حدیثی جلوتر در بصائر است احتمالاً از روی سهو نام وی به حدیث بعدی بصائر وارد شده و نهایتاً به الکافی راه یافته است. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۰ (پاورقی).

۲. محمد بن الحسن در این گونه اسناد، مُصَنَّف محمد الحسن مؤلف کتاب بصائر الدرجات است.

۳. مروان بن مسلم صحیح است، نه هارون.

الکافی	بصائر الدرجات
الحلوانی: عن أبی جعفر علیه السلام ، قال: «فضل أمير المؤمنين علیه السلام ما جاء به أخذ به، و ما نهی عنه أنتهی عنه، جرى له من الطاعة بعد رسول الله صلی الله علیه و آله ما لرسول الله صلی الله علیه و آله و الفضل لمحمد صلی الله علیه و آله ...» (ج ۱، ص ۴۸۶، ح ۵۲۶، باب أن الأئمة علیهم السلام هم أركان الأرض).	نهی عنه أنتهی عنه و جرى له من الطاعة بعد رسول الله صلی الله علیه و آله مثل الذي جرى لرسول الله و الفضل لمحمد صلی الله علیه و آله . (ص ۱۹۹، ح ۱، باب فی الأئمة علیهم السلام أنه جرى لهم ما جرى لرسول الله ...).
أحمد بن محمد و محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسين، عن إبراهيم بن إسحاق الأحمر، عن عبد الله بن حماد، عن سيف التمار، قال: «كنا مع أبی عبد الله علیه السلام جماعة من الشيعة فی الحجر فقال علينا عین فالتفتنا یمنه و یسرة فلم نر أحداً فقلنا لیس علينا عین...» (ص ۱۲۹، ح ۱، باب فی الأئمة علیهم السلام أنهم أعطوا علم ما مضی و ما بقی إلى يوم القيامة).	حدثنا أحمد بن إسحاق عن عبد الله بن حماد عن سيف التمار قال: «كنا مع أبی عبد الله علیه السلام جماعة من الشيعة فی الحجر فقال علينا عین فالتفتنا یمنه و یسرة فلم نر أحداً فقلنا لیس علينا عین...» (ص ۱۲۹، ح ۱، باب فی الأئمة علیهم السلام أنهم أعطوا علم ما مضی و ما بقی إلى يوم القيامة).

جمع بندی

هرگاه عده ای بیش از یک یا دو نفر در طبقه اساتید کلینی روایتی را نقل کنند و این امر تکرار شود، معلوم می شود که این چند نفر کتاب شیخ خود را روایت کرده اند. این چگونگی در الکافی به صورت «عده من أصحابنا عن» اتفاق می افتد. همین قاعده در مواردی که چند نفر مشخص از مشایخ کلینی با ذکر نام از فردی روایت می کنند، صادق است؛ چرا که او مؤلف منبع است. نام این مورد اخیر «شبه عده» است.

قاعده سوم: اضمار

یکی از شیوه‌های کلینی در اسناد الکافی، آغاز کردن سند با ضمیر است. معمولاً مرجع ضمیر در سند قبل موجود است و با تشخیص آن، سند قابل بررسی است. سؤال این است که این اضمار آیا جز اختصارنویسی فایده دیگری هم دارد؟

پس از مقایسهٔ المحاسن با الکافی روشن شد که بسیاری از اسناد متضمن ضمیر که پس از اسناد «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد» می‌آیند، در المحاسن وجود دارد؛ بنابراین مرجع ضمیر، مؤلف منبع است. این شیوه را که در الکافی بسیار آمده، «قاعده اضمار» نامیده‌ایم. این قاعده، به موارد دیگر هم تعمیم داده شده است و با استفاده از آن منابع دیگری بازیابی می‌شوند. حال ممکن است ضمیر پس از سند مشتمل بر «عده من أصحابنا» قرار گیرد یا پس از اسناد عادی. در اینجا برای روشن شدن این بحث نمونه‌هایی از مقایسه میان المحاسن و الکافی می‌آوریم:

الکافی	المحاسن
عنه عن علی بن الحکم، عن أبان بن عثمان، عن فضیل بن یسار، قال: قلت لأبی جعفر علیه السلام : «قول الله - عزّ و جلّ - فی کتابه: ﴿و من أحياءها فکأنّما أحياء الناس﴾ جميعاً؟ قال: من حرق أو غرق. قلت: فمن أخرجها من ضلال إلى هدی؟ قال: ذلك تأويلها الأعظم» (ج ۳، ص ۵۳۵، ح ۲۲۲۳).	عنه عن علی بن الحکم عن أبان بن عثمان عن فضیل بن یسار قال: قلت لأبی جعفر علیه السلام : «قول الله فی کتابه: ﴿و من أحياءها فکأنّما أحياء الناس﴾ جميعاً؟ قال: من حرق أو غرق. قلت: فمن أخرجها من ضلال إلى هدی؟ فقال: ذلك تأويلها الأعظم» (ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۱۸۲).
عنه، عن عثمان بن عیسی، عن محمد بن عجلان: عن أبی عبد الله علیه السلام ، قال: «إنّ الله - عزّ و جلّ - غیر قوماً بالإذاعة، فقال: ﴿و إذا جاءهم أمر من الأمن أو الخوف أذاعوا به﴾ فبایاکم أذاعوا به فبایاکم و الإذاعة» (ج ۴، ص ۱۱۴، ح ۲۸۱۳).	عنه عن عثمان بن عیسی عن محمد بن عجلان قال قال أبو عبد الله علیه السلام : «إنّ الله غیر قوماً بالإذاعة فقال: ﴿و إذا جاءهم أمر من الأمن أو الخوف أذاعوا به﴾ فبایاکم و الإذاعة» (ج ۱، ص ۲۵۶، ح ۲۹۳).

المطایب	الکافی
عنه عن ابن فضال عن عنبسة بن هشام عن عبد الكريم بن عمرو الجعفی عن الحكم بن محمد بن القاسم أنه سمع عبدالله بن عطاء يقول: قال لي أبو جعفر عليه السلام: «قم فأسرج دابتين: حماراً وبغلاً فأسرجت حماراً وبغلاً فقدمت إليه البغل، ورأيت أنه أحبهما إليه، فقال: «من أمرك أن تقدم إلى هذا البغل؟» قلت: اخترته لك، قال: «وأمرك أن تختار لي؟» ثم قال: «إن أحب المطايا إلى الحمرة.» فقال: قدمت إليه الحمارة وأمسكت له بالركاب، فركب فقال: «الحمد لله الذي هدانا للإسلام وعلّمنا القرآن، ومن علينا بمحمد ﷺ، والحمد لله الذي سخر لنا هذا، وما كنا له مقرنين، وإنا إلى ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمين...» (ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۴۱).	عنه، عن ابن فضال، عن عبيس بن هشام، عن عبد الكريم بن عمرو، عن الحكم بن محمد بن القاسم أنه سمع عبدالله بن عطاء يقول: قال أبو جعفر عليه السلام: «قم، فأسرج دابتين: حماراً وبغلاً، فأسرجت حماراً وبغلاً فقدمت إليه البغل، ورأيت أنه أحبهما إليه، فقال: «من أمرك أن تقدم إلى هذا البغل؟» قلت: اخترته لك، قال: «وأمرك أن تختار لي؟» ثم قال: «إن أحب المطايا إلى الحمرة.» فقال: قدمت إليه الحمارة، وأمسكت له بالركاب، فركب فقال: «الحمد لله الذي هدانا للإسلام وعلّمنا القرآن، ومن علينا بمحمد ﷺ، والحمد لله الذي سخر لنا هذا، وما كنا له مقرنين، وإنا إلى ربنا لمنقلبون، والحمد لله رب العالمين...» (ج ۱۵، ص ۶۲۸، ح ۱۵۲۳۲).

می بینیم که مرجع ضمایر به برقی برمی گردد و حدیث هم در المحاسن موجود است. این قاعده در مواردی که اصل منبع موجود نیست، کاربرد دارد. نیز می توان این قاعده را به سایر موارد تعمیم داد؛ مانند نمونه پیش رو:

«محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن محبوب».

«عنه عن ابن محبوب»^۱.

اگر صرفاً سند «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن محبوب» در دست ما می بود، می بایست منبع کلینی را نوادر محمد بن یحیی یا کتاب احمد بن محمد بن عيسى می دانستیم؛ اما به سبب وجود ضمیر در سند بعد، کتاب احمد بن محمد بن عيسى منبع است.

در اینجا شایسته است اشاره کنیم که تحویل سند می تواند نشانه منبع بودن باشد؛ اما نه منبع بی واسطه برای کتاب الکافی؛ بلکه منبع منبع الکافی. برای مثال به این سند

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۰۷، ح ۱۸۵۰-۱۸۵۱.

که با ضمیر آغاز شده دقت کنید:

«محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن العباس بن موسی الوراق؛
«عنه، عن أحمد بن محمد؛ و علی بن إبراهیم، عن أبيه جميعاً، عن ابن أبي عمیر»^۱.
یکی از دو منبع این سند بر اساس قاعده اضممار نوادر محمد بن یحیی است؛ اما بر
اساس تحویل سند، کتاب ابن ابی عمیر منبع است. حال کدام یک را باید منبع دانست،
به گمان ما قاعده اضممار از قواعد اطمینانی است و قاعده تحویل سند را یارای تعارض با
آن نیست. نیز این نکته را در تعلیق سند با شاهی دیگر، یادآور خواهیم شد.

اسم اشاره

کلینی در برخی اسناد الکافی پس از آوردن سند کامل در سند پسین، بخشی از سند
را انداخته و به تعبیر «بهذا الإسناد» بسنده می‌کند. «هذا الإسناد» به بخش حذف شده
سند اشاره دارد. برای نمونه این دو حدیث را ببینید:

«عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن أبيه رفعه، قال: اجتمعت
اليهود إلى رأس الجالوت، فقالوا له: إن هذا الرجل عالم»^۲؛

«و بهذا الإسناد عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن أبي الحسن الموصلي: عن أبي
عبدالله عليه السلام، قال: جاء خبر من الأخبار إلى أمير المؤمنين عليه السلام...»^۳.

«هذا الإسناد» به «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد» اشاره دارد و از
آنجا که حدیث اول بر اساس «قاعده عده» از المحاسن گرفته شده، این حدیث نیز از
المحاسن گرفته شده است. هر چند این حدیث در المحاسن موجود نیست؛ اما بر اساس
سندی که شیخ صدوق گزارش کرده، حدیث از المحاسن گرفته شده است. سند صدوق

۱. همان، ج ۵، ص ۱۲۵، ح ۳۹۹۲؛ ج ۴، ص ۲۵۳، ح ۳۰۰۳.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۲۴۱.

۳. همان، ص ۲۲۵، ح ۲۴۲.

به این حدیث با طریق وی به برقی^۱ یکسان است:

«حدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَوْصَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَ جَبْرٌ مِنَ الْأَحْبَارِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ...»^۲.

ذکر این نکته لازم است که همیشه اسم اشاره به «عده» و «مروئ عنه عده» اشاره ندارد. به عبارت دیگر، اشاره همواره به «عده من أصحابنا عن أحمد» بر نمی‌گردد؛ بلکه گاه به خود عده اشاره دارد. مثال آن سند «بهذا الإسناد، عن أحمد بن محمد»^۳ است که «هذا» به عده من أصحابنا اشاره دارد، نه به مجموع عده و مروئ عنه.

اسم اشاره در اسنادی که «عده» ندارد نیز موجود است و گاه بر خلاف قاعده، به منبع منبع اشاره دارد. از این رو، در استفاده از این دست اسناد برای تعیین منبع باید احتیاط کرد. به عنوان مثال، اسناد سه حدیث پیاپی چنین است:

«محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن یعقوب بن شعیب»؛

«و بهذا الإسناد عن یعقوب بن شعیب»؛

«عنه عن محمد بن سنان، عن یعقوب بن شعیب»^۴.

بر اساس قاعده اضممار در حدیث سوم که در حدیث اول به احمد بن محمد اشاره دارد، کتاب احمد بن محمد بن عیسی، منبع است؛ با توجه به اینکه حدیث اول و سوم از کتاب احمد گرفته شده، طبیعی است که حدیث میانی هم از همان کتاب گرفته شده باشد؛ هر چند این سند با اسنادی که منبع بودن کتابی را ثابت می‌کند، متفاوت است.

۱. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۸.

۲. صدوق، التوحید، ص ۱۷۴.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۴۹۰؛ ص ۶۵۹، ح ۶۹۳.

۴. همان، ج ۴، ص ۵۶۹-۵۷۰، ح ۳۴۶۵ - ۳۴۶۷.

معنای «یاسناد» در آغاز اسناد

تعبیر «یاسناد» در آغاز اسناد الکافی به معنای «بهذا الإسناد» است. قرینه‌هایی چون ظاهر سیاق و مصادر دیگری که حدیث را نقل کرده‌اند، این هم‌معنایی را اثبات می‌کند.^۱ البته این ترادف بدین معنا نیست که با این تعبیر بتوان به منبع الکافی دست یافت؛ چنان‌که در «بهذا الإسناد» هم یادآور شدیم که در استفاده از آن باید احتیاط کرد؛ مثال استفاده کلینی از این تعبیر را در ذیل می‌بینیم:

«عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد و سهل بن زیاد جميعاً، عن ابن محبوب، عن جميل بن صالح، عن الفضيل بن يسار: عن أبي عبد الله عليه السلام؛
«و یاسنادہ عن اُبی عبد اللہ عليه السلام»^۲.

بر اساس قاعده عده، منبع در حدیث اول کتاب‌های سهل و احمد بن محمد است. اگر سند حدیث دوم به سند حدیث اول وابسته نبود، تعیین مصدر به خودی خود شدنی نبود.

البته «یاسناد» در میانه سند می‌تواند به یافتن منبع کمک کند. در «قاعده حدیث ذیلی» با ذکر نمونه به این مبحث خواهیم پرداخت.

جمع‌بندی

قاعده اضممار از قواعد بازیابی است که در یافتن منبع حدیث کمک بسزایی می‌کند. دو سبک سندی دیگر؛ یعنی آغاز شدن سند به اسم اشاره «بهذا الإسناد» و «یاسناد» نیز به این قاعده ملحق می‌شود. «یاسناد» در میانه سند نیز به تعیین منبع کمک می‌کند. البته در استفاده از «یاسناد» می‌بایست به دیگر قواعد هم نظر داشت و نباید به این قاعده بسنده کرد.

۱. شبیری، توضیح الاسناد المشکله، ج ۱، ص ۳۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۰۵-۶۰۶، ح ۳۴۸۸، ۳۴۸۹.

قاعده چهارم: تعلیق

به حدیثی که از آغاز سندش، یک یا چند نفر پیایی حذف شده و حدیث به راوی پس از راوی یا راویان حذف شده منتسب می‌شود، حدیث معلق و حذف شدن راوی از آغاز سند را «تعلیق» گویند.^۱ محدثان بنامی به این سبک اسنادی دست زده‌اند. بخاری نمونه‌ای از این محدثان است.^۲ حذف یک یا چند راوی از آغاز برخی اسناد صحیح بخاری، صحیح بودن کتاب را با چالش جدی مواجه کرده است. از این رو، عالمان سنی برای حل این معضل آثاری ویژه نوشته‌اند.^۳ در میان محدثان شیعی نیز کلینی اسناد بسیاری را تعلیق کرده است.^۴ کلینی بر اساس سند پیشین حدیث معلق، بدین کار دست می‌زند. به عبارت دیگر، اسناد معلق کتاب الکافی بر اسناد کامل پیش از خود استوار هستند که سبب می‌شود سند از حالت ارسال به اسناد ارتقا یابد.

تعلیق در یافتن منابع کلینی هم کارایی دارد. شبیری این نکته را یادآور شده است که غالباً منشأ وقوع تعلیق در اسناد الکافی اخذ از کتاب است^۵ و کسی که در اول اسناد معلق واقع است، مؤلف کتاب منبع است.^۶

اکنون برگردیم به نتایج حاصل از مقایسه پیش گفته میان المحاسن و الکافی و اینکه اخذ کلینی از المحاسن با اسناد معلق چه ارتباطی دارد. بر اساس اسناد تعلیقی که مبتنی بر سند «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد خالده» هستند، منبع همان فردی است که آغازگر سند تعلیقی است. دو سند ذیل را ببینید:

«عده من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبدالله، عن أبيه، عن سعدان بن مسلم ...»؛

۱. ابن صلاح، علوم الحديث، ج ۱، ص ۲۲۳.

۲. قاسمی، قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، ص ۱۲۴.

۳. برای نمونه ببینید کتاب تغلیق التعلیق از ابن حجر عسقلانی و هدی الساری مقدمه فتح الباری، نیز از ابن حجر فصل چهارم، ص ۱۷.

۴. نمونه‌هایی از تعلیقات کلینی در صفحات بعد خواهد آمد.

۵. شبیری، توضیح الاسناد المشکله، ج ۱، ص ۲۹۸.

۶. شبیری، پژوهشی جدید در کتاب الکافی، شناختنامه کلینی و الکافی، ج ۱، ص ۳۰۳.

«أحمد عن محمد بن علي»^۱.

هر دو حدیث در المحاسن موجود است.^۲

این سند قرینه خوبی است بر اینکه در اسناد معلق، نام آغازین، نام مؤلف منبع الکافی است. البته اکنون این حرف را در مورد اسنادی می‌گوییم که با «عده من أصحابنا» آغاز می‌شود؛ زیرا مسلم است که در چنین اسنادی به هیچ وجه نمی‌توان «عده» را منبع دانست و منبع بودن کتاب راوی پس از عده، امری روشن است. حال اگر تعلیق در مورد دیگری که سند با «عده من أصحابنا» آغاز نشده رخ داد، آیا می‌توانیم نخستین راوی در سند را مؤلف منبع بدانیم؟

به نظر می‌رسد در مورد قاعده تعلیق باید قائل به تفکیک شد. در مواردی که عده من أصحابنا عن فلان است، «فلان» مؤلف منبع است؛ چرا که منبع بودن «عده» با توجه به اینکه برخی افراد این «عده‌ها» مهمل هستند و برخی کتابی ندارند، بی‌معناست.

البته در مورد اسنادی که بر اسناد عادی تعلیق شده‌اند، اگر راوی صاحب کتابی از راوی واقع شده در آغاز سند معلق نقل می‌کند و نامش در سند پیشین هست، منبع کتاب، اوست. برای نمونه اگر دو سند پی‌درپی چنین بودند:

«محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد»؛

«أحمد بن محمد».

منبع، نوادر محمد بن یحیی است؛ زیرا سند دوم معلق بر سند نخست است و محمد بن یحیی از احمد بن محمد روایت می‌کند و صاحب کتاب نیز هست.

شاید دلیل کسانی که شخص آغازکننده سند را مؤلف منبع می‌دانند، روش شیخ طوسی در التهذیب است که نام مؤلف را در آغاز سند می‌آورد؛^۳ هر چند به گمان ما

۱. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۸۷، ح ۶۲۷۷ و ۶۲۷۸.

۲. حدیث ۶۲۷۷، ج ۲، ص ۳۹۶، ح ۱۶۶؛ حدیث ۶۲۷۸ در همان، ح ۶۷.

۳. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۴.

استناد به شیخ طوسی در اینجا نادرست است؛ زیرا نخست اینکه اسناد شیخ طوسی معلق بر مشیخه وی در انجام تہذیب الأحکام است، نه معلق بر اسناد قبل. دوم آنکه بر اساس شواہدی کہ خواهد آمد، کلینی چنین نکرده و راہی دیگر در پیش گرفته است. چرا اولین نام در سند معلق، نام مؤلف منبع نیست و کتاب راوی از او منبع است؟ شواہدی در دست است کہ منبع بودن کتاب راوی را تأیید می‌کند:

قرینہ نخست: در آغاز این بحث ثابت شد کہ عمدہ منابع الکافی، مشایخ کلینی یا مشایخ مشایخ کلینی است. بر این اساس، غالباً در منبع‌یابی بایست بہ دنبال این دو طبقہ بود.

قرینہ دوم: اجتماع اسناد عدہ، مضمّر و تحویلی است.

در اسنادی کہ ہم مضمّرند و ہم در آن‌ها تحویل رخ داده، منبع حدیث کتاب راوی‌ای است کہ ضمیر بہ وی برمی‌گردد و از مشایخ کلینی است یا کتاب راوی‌ای کہ پس از تحویل سند قرار دارد. نیز اسنادی در الکافی شامل «عدّہ من أصحابنا» و تحویل در سند آمده است. برای روشن شدن بحث، این قرینہ را با ذکر مثالی پی می‌گیریم:

«عدّہ من أصحابنا، عن أحمد بن محمد و سهل بن زیاد جميعاً، عن ابن محبوب، عن ذکره»؛

«ابن محبوب، عن عبد الله بن سنان»^۱.

در سند اول ہم «عدّہ من أصحابنا» هست و ہم تحویل در سند داده است. براساس «قاعدہ عدہ» کتاب‌های احمد بن محمد و سهل بن زیاد منبع است؛ اما اگر بخواہیم در سند دوم کتاب ابن محبوب را منبع بدانیم، ناچاریم «قاعدہ عدہ» را رها کنیم، حال آنکہ این قاعدہ بر اساس مقایسہ پیش‌گفتہ، قاعدہ‌ای اطمینانی است کہ حتی یک مورد خلاف آن یافت نشده است؛ بنابراین منبع، همان دو کتاب نامبرده

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۷۶۶، ح ۳۷۷۹ و ۳۷۸۰؛ نیز ببینید: همان، ج ۳، ص ۳۲۲-۳۲۳، ح ۱۸۸۸، ج ۴، ص ۱۰۴-۱۰۵، ح ۲۷۹۶، ۲۷۹۷، ج ۹، ص ۱۴۶، ح ۷۹۲۰، ۷۹۲۱، ج ۹، ص ۷۳۹-۷۴۰، ح ۸۶۴۹، ۸۶۵۰، ج ۱۰، ص ۶۹-۷۰، ح ۸۷۷۷، ۸۷۷۸، ص ۲۱۷، ح ۸۹۶۰، ۸۹۶۱، ص ۲۶۳-۲۶۵، ح ۹۰۲۶، ۹۰۲۷.

هستند. در واقع کلینی هنگام نقل از کتاب منبع به جای اینکه نام مؤلف آن کتاب را ذکر کند، نام راوی ای را ذکر کرده که در آغاز سند آن کتاب قرار گرفته است. امروز هم اگر بخواهیم از یک کتاب حدیثی چند حدیث نقل کنیم، نخستین بار نام مؤلف یا نام کتاب حدیثی را ذکر می‌کنیم؛ اما در حدیث دوم و سوم و ... نام راوی اول را می‌آوریم و ذکر نام راوی اول بدین معنا نیست که منبع نقل ما کتاب او بوده است؛ بلکه بدین معناست که ما دقیقاً آنچه را در کتاب حدیثی دیده‌ایم، نقل کرده‌ایم.

اسناد و جاده‌ای

اسنادی را که معلق هستند، ولی نه به سند پیش از خود، اسناد و جاده‌ای نام نهاده‌ایم. در این اسناد تعیین مؤلف با تردید همراه است. اولین نام، صاحب کتاب است یا کسی که می‌تواند از این فرد اول روایت کند. باید در این موارد با تردید سخن گفت. دو مورد از این اسناد را در ذیل می‌بینید:^۱

«علی بن ابی حمزه عن بعض أصحابه»^۲؛

«ابن محبوب عن عبدالله بن سنان»^۳.

جمع‌بندی

بر اساس «قاعده تعلیق» می‌توان منبع را بدین صورت بازبایی کرد: اگر سند معلق پس از سندی بیاید که «عده من أصحابنا» دارد، اولین راوی، مؤلف است؛ اما اگر سند معلق پس از سند عادی باشد - یا به عبارتی پس از سندی بیاید که متضمن «عده» نیست، راوی «معلق علیه» که نامش در سند قبل آمده، مؤلف منبع است. سندهای و جاده‌ای نیز به اسناد معلق، ملحق شده و نام آغاز سند، نام نویسنده منبع است.

۱. سایر موارد در ص ۳۳۱ خواهد آمد.

۲. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۸۴، ح ۳۴۷۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۷۱، ح ۱۲۳۱.

قاعده پنجم: حدیث ذیلی

در برخی موارد در الکافی پس از نقل سند کامل با حدیث آن، تعبیر «فی حدیث آخر» آمده است. کلینی حدیثی را نقل می‌کند؛ ولی هیچ سندی ارائه نمی‌کند. تعیین منبع بدون سند کاری شبیه به محال است. از مقایسه میان احادیث المحاسن و الکافی روشن شد که هرگاه تعبیر «فی حدیث آخر» پس از سند «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد» بیاید بدین معناست که حدیث مذکور از المحاسن گرفته شده است.^۱ برای مثال، به این دو حدیث بنگرید:

الکافی	المحاسن
عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقي، عن يعقوب بن يزيد، عن أبي عبد الله - رجل من أصحابنا رفعه، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام : «طلب العلم رسول الله صلى الله عليه وآله : «طلب العلم فريضة» (ج ۱، ص ۷۳، ح ۴۱).	عنه عن يعقوب بن يزيد عن أبي عبد الله رجل من أصحابنا رفعه قال: قال أبو عبد الله عليه السلام : «طلب العلم فريضة» (ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۱۴۶).
وفی حدیث آخر، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «طلب العلم فريضة على كل مسلم، ألا وإن الله يحب بغاة العلم» (ج ۱، ص ۷۳، ح ۴۲).	وفی حدیث آخر قال قال أبو عبد الله عليه السلام : «طلب العلم فريضة على كل مسلم ألا وإن الله يحب بغاة العلم» (ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۱۴۶).

موارد مشابه و همسان

تعبیرهایی در الکافی به کار رفته است که کارکرد آن‌ها برای منبع یابی با تعبیر «فی حدیث آخر» یکسان است. این تعبیرها عبارت‌اند از:

۱. تعبیر فی روایة أُخری

به نظر می‌رسد تعبیرهای «فی روایة أُخری» هم همان معنا را دارد. در الکافی در اسناد بسیاری که با «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد» شروع شده، بلافاصله

۱. برای نمونه‌های بیشتر ببینید: شبیری، توضیح الاسناد المشکلة فی الكتب الأربعة، ج ۱، ص ۲۴۴.

پس از اتمام حدیث تعبیر «فی رواية أخرى» آمده است؛ مانند:

«عَدَّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن هشام بن سالم: عن أبي عبد الله عليه السلام: ...»؛
«و فی رواية أخرى: أبان، عمّن أخبره، عن أبي عبد الله عليه السلام: ...»^۱.

۲. فعل «روی»

این فعل هم اگر پس از حدیثی با سند «عَدَّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد» قرار گیرد، بدین معناست که حدیث از المحاسن اخذ شده است؛ مانند:

المحاسن	الکافی
عنه عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن عبد الله بن سنان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن بسم الله الرحمن الرحيم فقال: «الباء بهاء الله والسين سناء الله والميم مجد الله وقال بعضهم ملك الله والله إله كل شيء والرحمن بجميع خلقه والرحيم بالمؤمنين خاصة» (ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۲۱۳).	عَدَّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن راشد عن عبد الله بن سنان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن تفسير بسم الله الرحمن الرحيم فقال: «الباء بهاء الله والسين سناء الله والميم مجد الله وروى بعضهم الميم ملك الله والله إله كل شيء الرحمن بجميع خلقه والرحيم بالمؤمنين خاصة» (ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۳۱۲).

۳. فعل «رواه»

کاربست فعل «رواه» پس از اسناد «عَدَّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد»، نشانگر اخذ حدیث از المحاسن است. تصریح کلینی در موردی به اینکه حدیث را احمد روایت کرده، قرینه‌ای بر اخذ است. به این مثال توجه کنید:

«علی بن ابراهیم عن ابيه و عَدَّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد جميعاً عن محمد بن خالد عن خلف بن حماد و رواه أحمد أيضاً عن محمد بن أسلم عن خلف بن حماد الكوفي قال ...»^۲.

۱. کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۲۷۶، ح ۸۱۳۱.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۵۹، ح ۴۱۹۰.

اگر این قرینه را تعمیم دهیم، برخی منابع قابل بازیابی هستند. برای نمونه، سند «رواه محمد بن الحسین»^۱ منبع بودن کتاب محمد بن الحسین بن ابی الخطاب را اثبات می‌کند.

۴. افعال «قالوا»، «قال»، «قال: حدثنی» «رفعه» در اسناد

در اسناد کتاب الکافی از افعال «قال»، «قالوا»، «رفعه» و «قال حدثنی» استفاده شده است. این افعال از قرینه‌های دریافت از کتابِ قائل است. برای نمونه، کلینی بارها در الکافی، حتی گاه بدون اینکه از استادش محمد بن اسماعیل نام ببرد، از فضل بن شاذان با تعبیر «قال الفضل» نقل می‌کند. این اتفاق در بخش فروع افتاده است. در کتاب الطلاق الکافی، کلینی از کتاب الطلاق فضل بدین صورت نقل می‌کند: «وقال الفضل بن شاذان فی جواب أجباب به أبا عبيد فی کتاب الطلاق».^۲ در بحث ارث نیز این‌گونه نقل کرده است: «قال الفضل بن شاذان فی هذه المسألة».^۳ این نوع کاربرد فعل دسترسی کلینی به نوشتارهای فضل را نشان می‌دهد.

فعل «قالوا» هم همین کارکرد را دارد. برای مثال، در سند «الحسین بن محمد و محمد بن یحیی و غیرهما قالوا کان أحمد بن عبیدالله بن خاقان»^۴ حسین بن محمد أبو عبدالله أشعری و محمد بن یحیی عطار قمی صاحبان کتاب‌های منبع هستند. قرینه دیگری هم مؤید دریافت از کتاب است و آن اینکه چون پس از این مؤلفان هیچ راوی‌ای وجود ندارد، گرفتن حدیث از کتاب آن‌ها محرز است.

«قال حدثنی» نیز همین‌گونه است. سند ذیل مثال این مورد است:

۱. همان، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۳۵۵.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۵۶۲.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۵۷۳.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۱۳، ح ۱۳۳۰.

«الحسین بن محمد الأشعری قال: قال: حدثني شيخ من أصحابنا يقال له عبد الله بن رزین»^۱.

در این مورد عبدالله بن رزین مهمل است و بر اساس «قاعده اهمال مروی عنه» حسین بن محمد صاحب منبع است و نمی توان کسی را که بدون کتاب است، مؤلف دانست؛ هر چند ضمیر قال به همو برگردد.

فعل «رفعه» نیز در شمار همین افعال است. برای نمونه در مثالی: «علی بن ابراهیم: رفعه إلی أبي عبد الله عليه السلام، قال: ...»^۲ کتاب علی بن ابراهیم منبع است.

نمونه دیگر سند «علی بن ابراهیم رفعه، قال ...»^۳ است که دریافت آن از علی بن ابراهیم با توجه به وجود روایت در التفسیر قمی محرز است.^۴

جمع بندی

قاعده «حدیث ذیلی» شامل مواردی است که پس از ذکر حدیثی با سند کامل تعبیر «فی حدیث آخر» ذکر می شود و مقصود اخذ از همان منبعی است که حدیث قبل از آن اخذ شده است. تعبیرهای مشابه «فی رواية أخرى»، و افعال «روی»، «رواه»، «قالوا»، «قال»، «قال: حدثني» و «رفعه» نیز ذیل همین قاعده می گنجند.

قاعده ششم: ابهام راوی

در صورتی که اولین راوی مبهم باشد و کلینی از او با تعبیری مانند: «بعض أصحابنا» یاد کند و نخستین فرد پس از او دارای کتاب باشد، کتاب همو منبع الکافی است؛ زیرا

۱. همان، ص ۵۸۵، ح ۱۳۱۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۱۳۲.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۶۲، ح ۳۰۱۴.

۴. قمی، التفسیر، ج ۲، ص ۲۷۷.

راوی مبهم، صاحب کتاب نبوده و مؤلف منبع قاعدتاً می‌بایست معلوم باشد. دیگر اینکه بر این پایه که منابع الکافی، آثار اساتید یا اساتید اساتید کلینی است و فرد صاحب کتاب هم استاد استاد است، کتابش منبع است. مثال این قاعده سند پیش‌رو است: «بعض أصحابنا عن عبد‌العظیم بن عبد‌الله الحسنی»^۱.

در اینجا استاد کلینی نامعلوم و عبد‌العظیم هم دارای کتاب است.^۲

مثال دیگر این سند است: «بعض أصحابنا عن محمد بن علی»^۳. در این سند استاد

کلینی معلوم نیست و کتاب محمد بن علی صیرفی منبع است.

البته در مورد سند «بعض أصحابنا عن محمد بن حسان عن موسی بن زنجویه عن عبد‌الله بن الحکم الأرمی عن عبد‌الله بن ابراهیم بن محمد الجعفری»^۴ این قاعده صدق نمی‌کند؛ زیرا بر اساس تناسب محتوا و تحلیل سند، کتاب عبد‌الله بن ابراهیم منبع است.^۵

شایسته یادآوری است که احتمالی هرچند ضعیف وجود دارد که کلینی از منبعی با مؤلفی ناشناخته استفاده کرده باشد.

بجاست در اینجا چنین اسنادی را بررسی کنیم. البته در این بررسی به دنبال منبع نیستیم؛ هرچند در بعضی موارد حدس‌هایی زده می‌شود، اما تلاش شده است «بعض أصحابنا» هر چند به صورت احتمال، شناسایی شود:

۱. «بعض أصحابنا عن علی بن الحسن»^۶

به نظر می‌رسد، مراد کلینی از علی بن الحسن، ابن فضال است؛ زیرا کلینی در

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۹۸۱.

۲. درباره این سند در بخش اسناد مبهم بحث شده است.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۰، ح ۸۳۷، ص ۳۱۳، ۱۰۳۳؛ ص ۶۱۱، ح ۱۳۲۹.

۴. همان، ص ۲۱۰، ح ۹۳۸.

۵. این سه سند را در ادامه بررسی خواهیم کرد.

۶. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۴، ح ۲۹۰۳؛ ج ۱۰، ص ۷۱۲، ح ۹۶۳۳.

حدیث‌های ۹۶۲۰ و ۱۰۷۹۷ همین‌گونه از ابن فضال نقل می‌کند.

مراد کلینی از این بعض چیست؟ به احتمال قوی «احمد بن محمد عاصمی» است که ۷۵ بار از ابن فضال نقل می‌کند، هرچند علی بن محمد علّان کلینی شش بار و محمد بن یحیی ۱۶ بار واسطه میان کلینی و ابن فضال هستند.^۱

احتمال دیگر، افتادگی دو واسطه است؛ چراکه در برخی اسناد الکافی آمده است: «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی عن ابن فضال»^۲؛ و این دو میان کلینی و ابن فضال در الکافی واسطه می‌شوند.^۳

۲. «بعض أصحابنا عن محمد بن حسان عن موسى بن زنجويه عن عبدالله بن الحكم الأرمي عن عبدالله بن إبراهيم بن محمد الجعفري...»^۴.

با توجه به اینکه در الکافی تنها واسطه میان کلینی و محمد حسان، احمد بن ادریس است، گمان نزدیک به اطمینان این است که مراد کلینی از این بعض، احمد بن ادریس باشد.^۵

۳. «بعض أصحابنا عن محمد بن علي»^۶.

این سند با سه بار تکرار در کتاب الحجه قرار گرفته است. در کتاب الحجه معمولاً واسطه میان کلینی و محمد بن علی صیرفی، احمد بن مهران است؛^۷ از این رو، حدس

۱. این آمارها از نرم افزار درایة النور گرفته شده است.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۱۰۲۸؛ ج ۳، ص ۲۸۱، ح ۱۷۹۶ و

۳. این اتفاق در سند دیگری هم افتاده است. ببینید: صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۹۹ مقایسه شود با کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۳۰، ح ۴۴۲۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۰-۲۳۶، ح ۹۳۸-۹۴۰.

۵. نیز طریق نجاشی به کتاب عبدالله بن الحكم مؤید دیگری است: اخیرنا علي بن أحمد قال: حدثنا محمد بن الحسن، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن حسان عن أبي عمران موسى بن رنجويه الأرمي عنه بكتابه (نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۲۵).

۶. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۰، ح ۸۳۷؛ ص ۳۱۳، ح ۱۰۳۳؛ ص ۶۱۱، ح ۱۳۲۹.

۷. جز در مواردی نادر که علی بن ابراهیم واسطه است.

قوی زده می شود که مراد از «بعض أصحابنا» احمد بن مهران است. به هر حال، منبع کلینی، کتاب محمد بن علی است.

۴. «بعض أصحابنا عن عبد العظیم بن عبد الله الحسنی»^۱.

واسطه میان کلینی و عبد العظیم حسنی در کتاب الحجّه، احمد بن مهران است؛^۲ از این رو، به احتمال قوی مراد کلینی از این «بعض»، همان احمد بن مهران است و کتاب عبد العظیم حسنی منبع است.

۵. «بعض أصحابنا عن ابن جمهور»^۳.

با توجه به اینکه این دو حدیث در کتاب الحجّه هستند و در کتاب الحجّه، واسطه میان کلینی و ابن جمهور، علی بن محمد علّان کلینی است.^۴ بعید نیست در اینجا منظور از «بعض أصحابنا» علّان کلینی باشد.

جمع بندی

در این قاعده راویانی که پس از «بعض أصحابنا» می آیند، مؤلف منبع به شمار می روند. پس از بررسی قاعده، اسنادی که با «بعض أصحابنا» آغاز شده بود، فهرست و تلاش شد تا حد امکان این راویان مبهم، شناسانده شوند.

قاعده هفتم: اهمال مروی عنه

اگر پس از استاد کلینی، اولین راوی که «مروی عنه» است، مهمل باشد و هیچ آگاهی و اطلاعی درباره او نداشته باشیم، کتاب همان استاد کلینی، منبع الکافی شمرده می شود. نمونه های ذیل مصداق این قاعده است:

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۹۸۱.

۲. همان، ص ۳۹۱-۳۹۴، ح ۱۱۴۳-۱۱۵۱.

۳. همان، ص ۴۵۷، ح ۱۲۱۵؛ ص ۵۲۹، ح ۱۲۸۲.

۴. همان، ص ۲۶۳، ح ۹۷۷؛ ص ۵۶۹، ح ۱۳۰۱.

برخی مشایخ علی بن ابراهیم مهمل هستند و دربارهٔ توثیق یا تضعیف آن‌ها در کتاب‌های رجال گزاری وجود ندارد. این راویان عبارت‌اند از: موسی بن ابراهیم محاربی،^۱ محمد بن اسحاق خفاف،^۲ مختار بن محمد،^۳ حسن بن محمد،^۴ حسین بن حسن؛^۵ بنابراین منبع کلینی در همهٔ این موارد، کتاب علی بن ابراهیم است.

گاه در مورد حسین بن محمد و احمد بن ادریس هم همین اتفاق افتاده است. برای مثال، در اسناد «الحسین بن محمد عن محمد بن یحیی الفارسی»^۶ و «احمد بن ادریس عن الحسین بن الحسن»^۷ کتاب‌های حسین بن محمد و احمد بن ادریس منبع الکافی به شمار می‌رود.

قاعدهٔ هشتم: کتاب نداشتن راوی

اگر استاد کلینی که همان راوی اول است، کتابی نداشته باشد و «مروئ عنه» او صاحب کتاب باشد، همان کتاب، منبع الکافی خواهد بود. این قاعده در مورد اساتید کلینی که کتاب ندارند، صادق است. علی بن موسی کمیدانی، محمد بن حسن طایی، احمد بن مهران، حسین بن علی علوی، محمد بن اسماعیل، حسین بن احمد مالکی، محمد بن جعفر بزاز و محمد بن احمد بن علی بن الصلت از مشایخ کلینی هستند که کتابی ندارند. در سندهای پیش‌رو، منبع الکافی با همین قاعده مشخص شده است:

۱. «علی بن موسی عن أحمد بن محمد»^۸

۱. همان، ج ۱، ص ۶۳، ح ۳۱.

۲. همان، ص ۱۹۵، ح ۲۱۹.

۳. همان، ص ۲۱۵، ح ۲۳۲؛ ص ۲۹۱، ح ۳۲۴؛ ص ۳۳۷، ح ۳۵۲؛ ص ۳۶۹، ح ۳۹۰.

۴. همان، ص ۳۹۰، ح ۴۱۵.

۵. همان، ج ۳، ص ۴۴۶، ح ۲۰۶۹.

۶. همان، ج ۲، ص ۴۷۳، ح ۱۲۳۳.

۷. همان، ج ۳، ص ۴۲۶، ح ۲۰۴۸.

۸. همان، ج ۱، ص ۴۷۴، ح ۵۱۱.

در اینجا منبع الکافی کتاب احمد بن محمد بن عیسی است.

۲. «احمد بن مهران عن محمد بن علی»^۱،

بر اساس این سند، منبع کلینی در الکافی کتاب محمد بن علی صیرفی است.

۳. «محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان»^۲،

بر اساس این سند، کتاب فضل بن شاذان از منابع الکافی است.

۴. «محمد بن الحسن عن سهل»^۳،

کتاب سهل بن زیاد منبع است. بر اساس قاعده تعلیق در بحث از کتاب سهل بن زیاد نیز ثابت می شود که طریق به کتاب سهل، محمد بن حسن است. در سه سند ذیل هم هیچ یک از راویان کتاب ندارند؛ از این رو، نفر بعد که صاحب کتاب است، مؤلف منبع است.

«الحسین بن أحمد عن أحمد بن هلال»^۴؛

«محمد بن جعفر عن محمد بن عبد الحمید»^۵؛

«محمد بن أحمد عن عمه عبدالله بن الصلت»^۶.

سه سند الحاقی

دو سند در دست است که تنها راوی نخست صاحب کتاب نیست؛ بلکه در یک سند، دو راوی نخست کتاب ندارند و نفر سوم کتاب دارد.

سند نخست عبارت است از: «الحسین بن علی العلوی عن سهل بن جمهور عن

۱. همان، ج ۲، ص ۶۷، ح ۸۰۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۷۵، ح ۴۵؛ ص ۷۷، ح ۵۰؛ ص ۸۸، ح ۷۰؛ ص ۹۵، ح ۸۴ و

۳. همان، ج ۲، ص ۵۷، ح ۷۹۱.

۴. همان، ص ۱۶۶، ح ۹۱۹.

۵. همان، ج ۳، ص ۷۵۹، ح ۲۵۷۳.

۶. همان، ج ۲، ص ۵۱۸، ح ۱۲۷۳.

عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی^۱. بنابر همین معیار که در کتاب نداشتن راوی گفتیم، اگر دو راوی هم کتاب نداشته باشند، باز همان معیار حاکم است و نفر سوم که در اینجا عبدالعظیم حسنی است، مؤلف منبع است.

در سند دیگر؛ یعنی سند «غیر واحد عن الحسن بن الحسين عن محمد بن اورمه»، راوی اول مبهم است. راوی دوم کتاب ندارد و سومی صاحب کتاب است. اگر نفر دوم؛ یعنی حسن بن حسین کتاب داشت، بنابر قاعده ابهام کتاب وی منبع می‌بود؛ اما او کتاب ندارد، پس با همان معیاری که در کتاب نداشتن راوی مطرح است، نفر سوم؛ یعنی محمد بن اورمه صاحب کتاب منبع است.

در سند سوم، طبقه اول شبه عده، طبقه دوم کتاب ندارد و راوی سوم کتاب دارد. در این موارد بر اساس قاعده «شبه عده» طبقه اول مؤلف منبع نیستند، دومی هم راوی کتاب‌های سومی است، هر چند کتاب داشته باشد؛ اما راوی بودن او مدنظر است؛^۲ مثلاً در سند «عبدالله بن جعفر و سعد بن عبدالله جمیعاً عن ابراهیم بن مهزیار عن علی بن مهزیار عن الحسن بن سعید/الحسن بن محبوب»^۳ می‌بایست کتاب ابراهیم منبع باشد؛ چون پس از شبه عده قرار گرفته است؛ اما با توجه به اینکه ابراهیم بن مهزیار راوی کتاب‌های برادرش، علی است و نیز با توجه به دلیلی که در مورد روایت علی بن مهزیار از حسن بن محبوب خواهد آمد، این احادیث از کتاب علی بن مهزیار گرفته شده است.

قاعدهٔ نهم: کتاب نداشتن مروی عنه

هرگاه راوی نخست سند؛ یعنی استاد کلینی کتاب داشته باشد، اما راوی یا راویان

۱. همان، ص ۲۵۲، ح ۹۵۹.

۲. با توجه به قرآنی که در ص ۲۷۷-۲۷۸ ذکر کرده‌ایم حیث کتاب داشتن او در این سند اثری ندارد و صرفاً حیث راوی بودن او در این اسناد مهم است.

۳. کلینی، الکافی، ص ۴۸۸، ح ۱۲۴۳؛ ص ۵۰۰، ح ۱۲۵۵؛ ص ۵۰۵، ح ۱۲۶۰؛ ص ۵۱۹، ح ۱۲۷۴؛ ص ۵۲۸، ح ۱۲۸۰؛ ص ۵۳۷، ح ۱۲۸۷؛ ص ۵۶۵، ح ۱۲۹۷؛ ص ۵۸۲، ح ۱۳۰۸؛ ص ۵۹۶، ح ۱۳۲۰.

بعد کتاب نداشته باشند، کتاب همان استاد منبع است. نمونه‌های یافت شده از این دست اسناد در الکافی عبارت است از:

۱. «ابو علی الأشعری عن محمد بن سالم عن أحمد بن النضر»^۱،

کتاب اشعری منبع است.

۲. «محمد بن یحیی عن محمد بن صندل عن یاسر عن یسع بن حمزه»^۲

محمد بن صندل ناشناخته است. البته در این سند، دیگر راویان نیز کتابی ندارند و تنها مؤلف در این سند محمد بن یحیی است.

۳. «محمد بن یحیی عن علی بن الحسین الدقاق»^۳،

علی بن الحسین و راوی بعد از او هر دو بدون کتاب هستند.

۴. «علی بن محمد قال: حدثنی محمد و الحسن ابنا علی بن ابراهیم»^۴،

محمد و حسن هیچ یک کتاب ندارند؛ از این رو کتاب علی بن محمد علان کلینی منبع است. شاهد دیگر در مورد همین سند، جریان قاعده تناسب محتواسـت؛ زیرا این حدیث در باب مولد الصاحب علیه السلام است و کتاب علان کلینی، اخبار القائم نام دارد.

قاعدهٔ دهم: تکرار کم

هرگاه سندی بسیار تکرار شود، می‌تواند قرینهٔ دریافت از کتاب باشد. برای مثال، تکرار سند «علی بن ابراهیم عن أبیه»، قرینه‌ای است بر دریافت حدیث از کتاب ابراهیم بن هاشم؛^۵ اما اگر سندی به ندرت نقل شود، بر دریافت حدیث از کتاب راوی نخستین

۱. همان، ج ۳، ص ۱۳۳، ح ۱۵۴۵.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۲۱، ح ۲۹۵۶.

۳. همان، ح ۲۹۵۴.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۱۳۵۸. بر اساس این حدیث مردی فارسی حضرت حجت علیه السلام را در خانه امام عسکری علیه السلام دیده است.

۵. البته این در صورتی است که قرائن دیگری مانند اضممار و تعلیق دال بر منبع بودن کتاب ابراهیم در دست نباشد.

دلالت می‌کند؛ هرچند مروی عنه کتاب داشته باشد. برای فهم بهتر قاعده به این مثال توجه کنید:

سند «علی بن ابراهیم عن محمد بن الحسین بن أبی الخطاب»^۱ یک بار در الکافی آمده است. همین نشان می‌دهد که کتاب علی بن ابراهیم منبع است. سند «الحسین بن محمد عن أحمد بن محمد السیاری»^۲ نیز ۱۱ بار در الکافی آمده است؛ بنابراین کتاب حسین بن محمد ابو عبدالله اشعری منبع است.

سند «محمد بن یحیی عن محمد بن عبد الجبار» دو بار در الکافی آمده است^۳ و این نشان می‌دهد که کتاب محمد بن یحیی منبع است، نه کتاب محمد بن عبد الجبار.

قاعده یازدهم: تناسب

تناسب از قرائن بازیابی منابع الکافی به شمار می‌رود. منظور از تناسب؛ تناسب محتوایی و سندی است. در ادامه هر دو را شناسانده و نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم:

تناسب محتوا: هرگاه یکی از فهرست‌نگاران، بیشتر طوسی و نجاشی، به جای عنوان‌های کلی نوشتارها، عمدتاً عنوان کتاب، از عناوین خاص استفاده کنند و محتوای حدیثی که از صاحب کتاب با عنوان خاص روایت شده با عنوان خاص هم موضوع باشد، تناسب محتوایی میان محتوای حدیث و نوشتار با عنوان خاص رخ داده است. مثال‌های زیر را ببینید:

۱. الحسین بن محمد، عن جعفر بن محمد، عن القاسم بن إسماعیل الأنباری، عن یحیی بن المثنی، عن عبدالله بن بکیر، عن عبید بن زرارۃ: عن أبی عبدالله علیه السلام، قال: «للقائم علیه السلام غیبتان، یشهد فی إحداهما المواسم، یری الناس، ولا یرونه»^۴.

۱. کلینی، الکافی، ص ۱۴۷، ح ۸۹۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۵۴، ح ۲۰؛ ج ۱۰، ص ۲۲۳؛ ح ۸۹۷؛ ص ۶۰۱، ح ۹۴۹۲ و ...

۳. همان، ص ۱۵۶، ح ۱۹۰؛ ص ۵۵۹، ح ۶۰۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۹۰۲.

۲. الحسين بن محمد، عن جعفر بن محمد، عن القاسم بن إسماعيل الأنباري، عن الحسن بن علي، عن إبراهيم بن مهزم، عن أبيه: عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: ذكرنا عنده ملوك آل فلان، فقال: إنما هلك الناس من استعجالهم لهذا الأمر؛ إن الله لا يعجل لعجلة العباد؛ إن لهذا الأمر غاية ينتهي إليها، فلو قد بلغوها لم يستقدموا ساعة، ولم يستأخروا.^۱

محتوای دو حدیث با کتاب اخبار الأئمة و موالیدهم از جعفر بن محمد بن مالک فزاری تناسب دارد.

۳. محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الوشاء؛ والحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن أحمد بن عائد، عن أبي خديجة: عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: «لما حملت فاطمة عليها السلام بالحسين عليه السلام، جاء جبرئيل إلى رسول الله صلى الله عليه وآله، فقال: إن فاطمة ستلد غلاماً تقتله أمتك من بعدك...»^۲

۴. محمد بن یحیی، عن علی بن إسماعيل، عن محمد بن عمرو الزيات، عن رجل من أصحابنا: عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: «إن جبرئيل عليه السلام نزل على محمد صلى الله عليه وآله، فقال له: يا محمد، إن الله يبشرك بمولود يولد من فاطمة تقتله أمتك من بعدك...»^۳.

محتوای احادیث ۳ و ۴ با نام کتاب محمد بن یحیی؛ یعنی مقتل الحسين متناسب است.

۱. حدیثی از محمد بن ابی عبد الله در باب الجبر و القدر آمده است؛ بدین صورت:
«محمد بن ابی عبد الله، عن حسين بن محمد، عن محمد بن یحیی، عن عمّن حدّثه: عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: لا جبر ولا تفويض...»^۴.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۹۴۷.

۲. همان، ص ۵۰۶، ح ۱۲۶۲.

۳. همان، ح ۱۲۶۳.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۸۹، ح ۴۱۳.

این حدیث با عنوان کتاب وی؛ یعنی الجبر والاستطاعه^۱ / الرد علی أهل الاستطاعه^۲ سازگار است.

۲. سهل کتابی دارد به نام التوحید^۳ و برخی روایات وی هم در بخش توحید الکافی وجود دارد. برای نمونه این حدیث را که در کتاب التوحید آمده ببینید:

«محمد بن الحسن، عن سهل بن زیاد، عن حمزة بن محمد، قال: کتبت إلى أبي الحسن عليه السلام أسأله عن الجسم والصورة، فكتب: سبحانه من ليس كمثله شيء، لا جسم ولا صورة»^۴.

۳. تنها کتابی که از علی بن محمد علّان کلینی شناخته شده، اخبار القائم است.^۵ کلینی از او در ابواب «الإشارة والنص إلى صاحب الدار»^۶، «مولد الصاحب»^۷، «فی الغیبه»^۸، «تسمیة من رآه»^۹، «النهی عن الاسم»^{۱۰} و ابواب دیگر روایت کرده است. محتوای همه این احادیثی با عنوان «اخبار القائم» سازگار است.

تناسب سند: منظور از تناسب سند، همخوانی سند با عنوان کتاب است. سند پر تکراری که مورد مناسبی برای این قاعده است، سند «علی بن ابراهیم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة» است. این سند بارها در الکافی تکرار شده است.^{۱۱} علو سند در این سند روشن است و به حدس قوی علی بن ابراهیم احادیثی را که با دو واسطه

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۷۳.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۲۵.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۸۵.

۴. کلینی، الکافی، ص ۱، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۲۸۶.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۱.

۶. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲.

۷. همان، ص ۶۴۵.

۸. همان، ص ۱۴۴.

۹. همان، ص ۱۲۵.

۱۰. همان، ص ۱۳۵.

۱۱. همان، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۱۶۶؛ ص ۱۴۶، ح ۱۷۷؛ ج ۳، ص ۳۴، ح ۱۸۴۵؛ ص ۳۱۲، ح ۱۸۶۳ و

به امام معصوم می‌رسیده در کتاب قرب الإسناد^۱ خود آورده است؛ بنابراین تناسب عنوان قرب الإسناد با سند مذکور معلوم است.

این سند هم مصداق مناسبی است برای این قاعده:

«علی بن إبراهیم، عن أبيه، قال: قال علی بن حسان لأبي جعفر عليه السلام»^۲.

قاعده دوازدهم: اخذ از کتاب موجود

در قاعده تبدیل سند درباره اخذ از کتاب المحاسن سخن گفتیم؛ اما در اینجا به دلیل اینکه برخی کتاب‌ها مانند التفسیر، موضوعشان تفسیری است و با موضوع الکافی یکسان نیست، اثبات دریافت کلینی از آن جز با مقایسه معلوم نمی‌شود. به نمونه ذیل دقت کنید:

تفسیر قمی	الکافی
و حدثني أبي عن النوفلي عن السكوني عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام : «من السحت ثمن الميتة، و ثمن الكلب، و مهر البغي، و الرشوة في الحكم، و أجر الكاهن» (ج ۱، ص ۱۷۰).	علی بن إبراهیم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني: عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال: «السحت: ثمن الميتة، و ثمن الكلب، و ثمن الخمر» ^۳ و مهر البغي و الرشوة في الحكم، و أجر الكاهن» (ج ۹، ص ۶۸۷، ح ۸۵۸۸).

این قاعده در مورد دریافت کلینی از کتاب بصائر الدرجات صفار هم صادق است که در ذیل محمد بن حسن صفار از آن بحث خواهیم کرد.

قاعده سیزدهم: متعارف نبودن سند

در صورت تکرار سندی در جوامع حدیثی و در بسیاری از مواقع وجود آن در کتاب‌های فهرست، بازایی کتاب منبع با قرینه مهمی همراه است؛ برای نمونه، تکرار

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۰؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۶۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۰۰۲.

۳. در تفسیر قمی «ثمن الخمر» نیست.

سند «علی بن ابراهیم عن أبيه عن النوفلي» در کتاب الکافی و وجود آن در فهرس در واقع نشانگر طریق به کتاب سکونی است. حال ممکن است کتاب سکونی را منبع یا منبع منیع بدانیم؛ اما اگر سندی کم تکرار باشد، احتمال منبع بودن افراد میانی سند کم می شود. به عنوان مثال، سند «علی بن ابراهیم عن أحمد بن محمد» هجده بار در الکافی نقل شده و جالب این است که هیچ یک از این موارد با سند احادیث الکافی که از المحاسن گرفته شده یکی نیست. بنابراین، این گمان تقویت می شود که منبع، تفسیر یا سایر کتاب های علی بن ابراهیم است؛ زیرا نه حدیث آن^۱ تفسیری یا مرتبط با قرآن است. یک بار هم این طریق در الغیه نعمانی آمده است که حدیثی تفسیری است^۲ و این طریق از طرق متعارف به المحاسن نیست.

قاعده چهاردهم: عطف

عطف در اسناد دو گونه است. عطف عادی که دو راوی در یک طبقه به همدیگری عطف می شوند. عطف غیر عادی که دو راوی از دو طبقه بر دو راوی از دو طبقه عطف می شود، این عطف را تحویل می نامند.^۳ آنچه در قواعد منظور ماست، همان عطف عادی است؛ هرچند تحویل (عطف غیر عادی) هم کارایی خودش را دارد. در آغاز این فصل ضمن شواهدی استفاده کلینی از کتاب های مشایخ خود یا مشایخ مشایخ را آوردیم و نیز در قاعده اضممار درباره سند تحویلی اندکی گفتگو کردیم.

در سند «علی بن ابراهیم عن أبيه و عن أحمد بن محمد بن خالد عن النوفلي عن السكوني» عطف عادی رخ داده است. به دلیل متعارف نبودن این سند^۴ به کتاب المحاسن برقی و تفسیری بودن ده حدیث از هجده حدیثی که همین سند را دارد، کتاب

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴ و

۲. نعمانی، الغیه، ص ۵۴.

۳. عاملی، وصول الاخبار الى اصول الاخبار (چاپ شده در رسائل فی رواية الحديث، ج ۱، ص ۴۹۹).

۴. یا به تعبیر دقیق تر: طریق به المحاسن.

علی بن ابراهیم^۱ منبع است. با کمک دو قرینه متعارف نبودن سند و تناسب محتوایی در حدود نصف احادیث و اثبات منبع بودن کتاب علی، عطف هم نشانگر آن است که کتاب علی منبع است؛ زیرا عطف در اینجا دو معنا دارد: یا بدین معناست که کتاب برقی منبع است یا بر منبع بودن کتاب ابراهیم بن هاشم دلالت می‌کند. کتاب برقی منبع نیست. کتاب ابراهیم بن هاشم هم نمی‌تواند منبع باشد؛ چراکه در ذیل بحث از علی بن ابراهیم خواهیم گفت که «علی بن ابراهیم عن أبیه عن النوفلی عن السکونی» طریق کلینی به سکونی نیست؛ بلکه کلینی احادیث سکونی را از کتاب علی بن ابراهیم روایت می‌کند؛ بنابراین کتاب علی منبع است و عطف در این موارد قرینه‌ای است بر اینکه ثابت کند کتاب راوی نخست و دو نفری که بر هم عطف شده‌اند، منبع است. البته در مورد اعتماد بر این قاعده به نحو کلی می‌بایست احتیاط کرد.

قاعده پانزدهم: تردید

اگر راوی نخست؛ یعنی استاد کلینی کتاب داشته باشد، ولی راوی دوم میان دو نفر مردّد باشد یا نام او به صورت گمانه مطرح شود، کتاب همان راوی نخست منبع است. نمونه‌های ذیل را ببینید:

۱. «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد أو غیره».^۲ در این سند در راوی دوم تردید است که احمد بن محمد است یا دیگری. بنابراین، کتاب محمد بن یحیی منبع است.
۲. «علی بن ابراهیم عن أيوب بن نوح أو بعض أصحابه عن أيوب بن صفوان».^۳ می‌بینیم که در اینجا راوی مردّد است میان ایوب و بعض. همین تردید منبع بودن کتاب علی را ثابت می‌کند.

۱. درباره این ده حدیث ببینید: مدخل علی بن ابراهیم، ص ۱۱۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۹۳۱.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۵۸، ح ۳۰۱۰.

۳. «علی بن ابراهیم عن محمد بن إسحاق الخفاف أو عن أبيه عن محمد بن إسحاق» در اینجا هم کتاب علی بر اساس همین قاعده منبع الکافی است.

۴. «علی بن محمد بن عبدالله عن بعض أصحابنا أظنه السیاری»^۱، بر اساس «قاعده تردید»، کتاب علی بن محمد منبع است؛ زیرا تعیین نام مروی عنه در حد گمان است.

اگر راوی دوم با الفاظ مبهمی چون «بعض أصحابنا» به کار رود و راوی نخست هم دارای کتاب باشد، کتاب راوی اول منبع است. به عنوان مثال، در سند «علی بن محمد عن بعض أصحابه»^۲، کتاب محمد بن علی منبع است. تعبیری مانند «بعض أصحابنا» مردّد نیست و در شمار تعبیرهای مبهم است؛ اما از آنجا که معیار این نوع سند با سندهای مردّد یکی است، این مورد را در ذیل همین قاعده بحث کردیم.

الفاظی مانند «عَمَّن ذَکَرَهُ» نیز همین کارکرد را دارند. نمونه آن این سند است: «محمد بن أبی عبدالله عَمَّن ذَکَرَهُ»^۳.

همراهی و ناسازگاری قواعد

پس از دستیابی به قواعد بازیابی و اعمال آن‌ها، روشن شد که گاه دو یا بیش از دو قاعده با هم در یک مورد به کار می‌آید. بنابراین، بررسی موارد همراهی این قواعد در مبحثی جداگانه نیاز بود؛ چراکه این همراهی می‌تواند اطمینان به کشف منابع را بالا ببرد. این همراهی را «همراهی قواعد» نام نهاده‌ایم.

در مقابل با توجه به اختلاف میان برخی قواعد، می‌بایست موارد اختلافی بررسی و برای حل این ناسازگاری راه حلی اندیشیده شود چرا که ناسازگاری سبب می‌شود در

۱. همان، ج ۲، ص ۷۲۵، ح ۱۴۲۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۶۶، ح ۳۶؛ همان، ج ۴، ص ۶۶۷، ح ۳۵۸۵.

۳. همان، ص ۲۵۷، ح ۲۸۸.

دست‌آورد هر قاعده تردید شده، دستیابی به منبع مردّد باشد. این اختلاف را «ناسازگاری قواعد» نامیده‌ایم. در این مبحث اختلاف قاعده‌ای با قاعده دیگر، چگونگی ترجیح برخی قواعد بر بعض دیگر نشان داده شده است.

همراهی قواعد

مقصود از همراهی این است که بیش از یک قاعده در موردی جریان دارد. همراهی دو یا چند قاعده اطمینان به یافتن منبع را بالاتر می‌برد؛ چراکه این‌گونه مباحث از سنخ مباحث ناظر به واقع است که هر چه قرائن بیشتر شود، اطمینان بالاتر می‌رود. جالب این است که قاعده تناسب محتوا در موارد بسیاری با قواعد دیگر همراه است. این بحث را با نمونه‌های عینی ادامه می‌دهیم:

۱. همراهی قاعده کتاب نداشتن مروئ عنه و قاعده تناسب محتوا

بر اساس قاعده کتاب نداشتن در سند «علی بن محمد قال: حدثنی محمد و الحسن ابنا علی بن إبراهیم»^۱ منبع کتاب علّان کلینی است. این حدیث چون در باب «مولد الصاحب علیه السلام» است با قاعده تناسب محتوا منبع‌یابی می‌شود؛ چراکه علّان، کتاب اخبار القائم دارد؛ ولی قاعده کتاب نداشتن مروئ عنه نیز می‌تواند به تنهایی در اینجا به ما کمک کند.

۲. همراهی قاعده تناسب محتوا و قاعده کتاب نداشتن راوی

در سند «أحمد بن مهران عن محمد بن علی» احمد بن مهران کتابی ندارد و این روایت با الدلائل^۲ محمد بن علی تناسب محتوایی دارد. در اینجا قاعده کتاب نداشتن

۱. همان، ج ۲، ص ۶۴۶. ح ۱۳۸۸

۲. کتاب‌هایی مانند دلائل الاثمه (نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۱۷، ص ۳۵۲) و محتوای کتاب‌هایی مانند الدلائل حمیری (ببینید: اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۷، ص ۱۰۹) نشان می‌دهد که این دست کتاب‌ها با هدف نشان دادن اثبات حقانیت و امامت امامان نوشته شده‌اند.

برای تشخیص منبع بودن کافی است؛ هرچند نمی‌تواند عنوان را تعیین کند، ولی به کمک قاعدهٔ تناسب محتوا عنوان منبع هم قابل تشخیص است.

۳. همراهی قاعدهٔ تناسب محتوا و قاعدهٔ اهمال مروی عنه

حدیثی از محمد بن جعفر در باب الجبر و القدر آمده است^۱ که با عنوان کتاب وی؛ یعنی «الجبر والاستطاعة»^۲ یا «الرد علی اهل الاستطاعة»^۳ متناسب است. البته با توجه به اهمال مروی عنه، این مورد ذیل قاعدهٔ اهمال قرار می‌گیرد.

۴. همراهی قاعدهٔ تناسب محتوا و قاعدهٔ شبه عده

در سند «محمد بن یحیی و أحمد بن ادريس عن محمد بن احمد»^۴ قاعدهٔ شبه عده جریان دارد. نیز روایت مذکور در «باب کراهية التوقيت» آمده، با دو عنوان از کتاب‌های محمد بن أحمد، یعنی الإمامة و الملاحم متناسب است.

۵. همراهی قاعدهٔ اضمار و قاعدهٔ تناسب محتوا

بر اساس اسناد زیر؛ یعنی

«علی بن محمد عن جعفر بن محمد»،

«عنه عن بشار»؛

«و عنه عن موسى بن جعفر»^۵.

قاعدهٔ اضمار، منبع بودن کتاب جعفر بن محمد را اثبات می‌کند. نیز محتوای هر سه حدیث با اخبار الأئمة از جعفر بن محمد بن مالک فزاری تناسب دارد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۸۹، ح ۴۱۳.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۷۳.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۲۵.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۹۴۶.

۵. همان، ص ۱۱۳-۱۱۴، ح ۸۵۱-۸۵۳.

۶. همراهی قاعده حدیث ذیلی و تناسب محتوا

تعبیر «رواه محمد بن الحسین»^۱ دسترسی مستقیم کلینی به کتاب محمد بن الحسین بن ابی الخطاب را بر اساس قاعده حدیث ذیلی اثبات می‌کند. با توجه به اینکه روایت مورد بحث در مورد توحید است، به احتمال زیاد این حدیث از کتاب التوحید^۲ محمد بن الحسین گرفته شده است.

ناسازگاری قواعد

ناسازگاری یا به عبارتی اختلاف، در نتیجه اعمال قواعد بازیابی در منابع الکافی رخ می‌دهد. در اینجا راهکارهایی برای حل این گونه اختلافات ارائه می‌شود.

۱. ناسازگاری قاعده «عده من أصحابنا» با قاعده تعلیق

بر اساس قاعده «عده من أصحابنا» راوی پس از عده، مؤلف منبع است. حال اگر سندی بر این عده، معلق شد، باز کتاب همان راوی منبع است. برای نمونه در دو سند ذیل:

«عده من أصحابنا عن سهل بن زیاد»؛

«سهل بن زیاد»^۳،

کتاب سهل در هر دو حدیث منبع است؛ اما آیا همه جا می‌توان در اسناد معلق، اولین فرد را مؤلف منبع دانست؟

در قاعده تعلیق به تفصیل گفته شده که همیشه اولین فرد در سند معلق صاحب منبع نیست و راوی از او، مؤلف منبع است. بنابراین در دو سند زیر؛ یعنی «عده من أصحابنا عن سهل بن زیاد عن ابن محبوب»^۴؛

۱. همان، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۳۵۵.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۴.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۶۳۱، ح ۲۳۴۹، ج ۴، ص ۶۳۳، ح ۳۵۳۳، ۳۵۳۴.

۴. البته این سند عطفی است بدین صورت: «عده من أصحابنا عن احمد بن محمد و سهل بن زیاد و علی بن ابراهیم عن ابیه جمیعاً عن ابن محبوب».

«ابن محبوب عن...»^۱.

کتاب سهل منبع است، نه کتاب ابن محبوب.

۲. ناسازگاری قاعده اضمار با دو قاعده تعلیق و حدیث ذیلی

چندین سند پیاپی در الکافی این گونه آمده است: ابتدا سند «علی بن ابراهیم عن أبیه عن محمد بن عیسی عن یونس» و سند حدیث های بعد به ترتیب چنین است: «یونس...»، «یونس...»، «قد روی»، «یونس»، «عنه...»، «یونس...»^۲.

بر اساس قاعده تعلیق و حدیث ذیلی، کتاب محمد بن عیسی منبع است؛ اما میان این احادیث، سندی با ضمیر آغاز می شود که ضمیرش به یونس بن عبدالرحمان برمی گردد و بنابر قاعده اضمار منبع، کتاب یونس است. در اینجا دو احتمال مطرح است. احتمال نخست اینکه این حدیث در کتاب محمد بن عیسی بوده و خود محمد از یونس با تعبیر «عنه» نقل کرده است. این احتمال با قاعده اضمار مخالف است؛ اما نمی توان پذیرفت که از هفت حدیث، حدیث ششم از کتاب دیگری گرفته شده است. در واقع، حدیث پنجم و هفتم از قاعده تعلیق تبعیت می کند و منبع کتاب، محمد بن عیسی است؛ ولی حدیث ششم از قاعده اضمار پیروی کرده و منبع کتاب، یونس است؛ و این امری غیر عادی است. قاعده حدیث ذیلی که با «روی» بعد از حدیث سوم آمده، دریافت حدیث از همان منبع حدیث سوم را تأیید می کند.

البته در برخی موارد قاعده اضمار بر تعلیق مقدم می شود؛ مانند بحثی که در ذیل کتاب علی بن ابراهیم خواهد آمد. در سند «علی بن ابراهیم عن أبیه عن النوفلی عن السکونی» گفته خواهد شد که بر اساس قاعده اضمار در سند «عنه عن أبیه عن النوفلی عن السکونی» کتاب علی، منبع است؛ اما بر اساس سند «النوفلی عن السکونی» که

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۲۰، ح ۳۵۱۲، ۳۵۱۳.

۲. ضمیر به یونس بر می گردد.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۶۸۵-۶۸۷، ح ۲۴۴۴-۲۴۴۹.

معلق بر سند «علی بن ابراهیم عن النوفلی عن السکونی» است، کتاب ابراهیم بن هاشم منبع است.

۳. ناسازگاری قاعده کتاب نداشتن راوی و قاعده تناسب محتوا با قاعده اضمار

در سندی چنین آمده است: «أحمد عن محمد بن علی» و بلافاصله سند بعد با ضمیر می‌آید؛ بدین نحو: «عنه عن محمد بن علی».^۱ بر اساس قاعده اضمار می‌بایست کتاب احمد بن مهران منبع باشد؛ اما از احمد کتابی گزارش نشده است. علاوه بر این، محتوای این روایات همه با کتاب الدلائل محمد بن علی سازگار است. از این رو، در اینجا قاعده تناسب محتوا و قاعده کتاب نداشتن راوی بر قاعده اضمار مقدم است.

۴. ناسازگاری قاعده ابهام راوی با قاعده تناسب محتوا

در قاعده ابهام راوی گفتیم اگر مروی عنه کتاب داشته باشد، همو مؤلف منبع است؛ مانند سند «بعض أصحابنا عن عبد العظیم»؛ اما این قاعده در برخی موارد جاری نمی‌شود؛ آن هم جایی است که با قاعده تناسب محتوا سازگار نباشد. مورد ذیل نمونه‌ای از این ناسازگاری است:

در سند «بعض أصحابنا عن محمد بن حسان عن موسی بن زنجویه عن عبدالله بن الحکم الأرمنی عن عبدالله بن ابراهیم بن محمد الجعفری» قاعده ابهام راوی تطبیق نمی‌کند؛ زیرا قاعده تناسب محتوا کتاب عبدالله بن ابراهیم را منبع می‌داند.

۵. ناسازگاری ظاهری دو قاعده

طبق قاعده شبه عده در سندهایی مانند: «محمد بن الحسن و علی بن محمد عن سهل»،^۲ کتاب سهل منبع است؛ اما با توجه به قاعده «تناسب محتوا» روایت از کتاب

۱. همان، ج ۱، ص ۵۳۰-۵۳۱، ۵۶۱-۵۶۳؛ ج ۲، ص ۱۰۰-۱۰۲، ح ۸۳۸-۸۴۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۹۴۱.

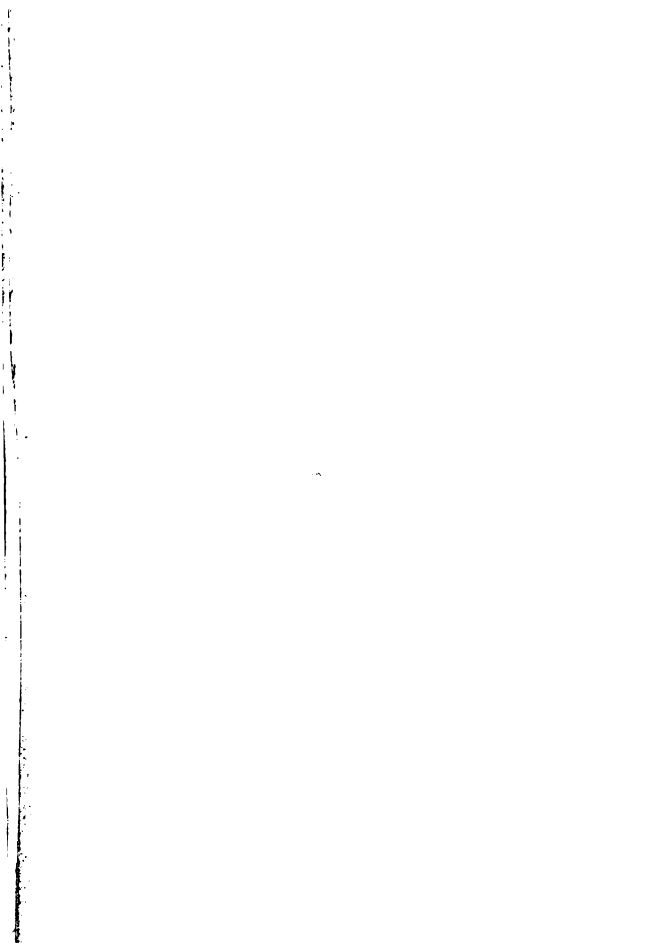
أخبار القائم علی بن محمد علّان کلینی گرفته شده است. به نظر می‌رسد اینجا اختلافی واقعی وجود ندارد و حدیث در دو منبع وجود دارد: هم در کتاب أخبار القائم و هم در کتاب سهل بن زیاد.

جمع‌بندی

در این فصل، ۱۵ قاعده را بررسی کردیم که عبارت بودند از: «تبدیل سند»، «قاعده «عده من أصحابنا»، «اضمار»، «تعلیق»، «حدیث ذیلی»، «ابهام راوی»، «اهمال مروی عنه»، «کتاب نداشتن راوی»، «کتاب نداشتن مروی عنه»، «تکرار کم»، «تناسب»، «گرفتن حدیث از کتاب موجود»، «متعارف نبودن طریق»، «عطف و تردید».

در همراهی قواعد، همراهی شش قاعده بررسی شد. در این میان، نکته جالب توجه این است که قاعده تناسب محتوا در هر شش مورد حضور دارد که علاوه بر دستیابی به منبع می‌تواند در تعیین دقیق عنوان منبع هم کمک کند.

در بررسی ناسازگاری قواعد، پنج ناسازگاری بررسی شده است. در چهار مورد ناسازگاری، یکی از قواعد بر دیگری به دلیل شواهد بیشتر ترجیح داده شد؛ اما در یک مورد، دو قاعده ناسازگاری ظاهری داشتند که با تبیین حل شد.



فصل دوم: کتاب‌های اساتید کلینی

در این فصل منابعی که بر اساس قواعد بازیابی به گونه قطعی منبع کافی و مؤلفان آن‌ها از مشایخ و اساتید کلینی هستند، گزارش می‌شود. منابعی که در این بخش از آن‌ها نام می‌بریم، منابعی است که اخذ کلینی از آن‌ها بر اساس قواعد بازیابی اطمینانی است و ذیل عنوان قطعی ذکر کرده‌ایم. مقصود ما از قطع در اینجا قطع منطقی نیست؛ بلکه منظور همان اطمینان عرفی است که در مباحث تاریخی برای درک واقع بسنده است و تعداد این منابع هشت تاست. پس از این، سایر منابع در فصل‌های چهارم و پنجم خواهد آمد. ترتیب این فصل بر اساس ترتیب الفبایی اسامی اساتید کلینی است. لازم به یادآوری است که مقصود از اعتبارسنجی این منابع، اعتبار تاریخی آن‌هاست؛ از این رو، به شهرت و شدوذ این منابع در فهرست‌های طوسی و نجاشی پرداخته شده است.

کتاب احمد بن ادريس ابو علي اشعري

احمد بن ادريس ابو علي اشعري قمی (م ۳۰۶ هـ) را ثقه، کثیر الحدیث، صحیح الروایه و فقیه دانسته‌اند. کتاب النوادر که طوسی آن را پرفایده شمرده است، از اوست.^۱

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق فهرست‌نگاران به نوادر احمد یکسان است.

طریق نجاشی: نجاشی این طریق را ذکر کرده است: «أخبرني عدة من أصحابنا إجازة

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۹۲؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۶۴.

عن أحمد بن جعفر بن سفیان عنه^۱.

مقصود نجاشی از «عده من أصحابنا»، أحمد بن علی بن نوح سیرافی و حسین بن عبیدالله غضائری است.^۲

حسین بن عبیدالله غضائری، استاد نجاشی است.^۳ ابن نوح نیز از اساتید نجاشی است که در اجازه‌ای کتبی، بسیاری از کتاب‌ها را به نجاشی اجازه داده است.^۴ بر اساس وثاقت مشایخ نجاشی هر دو ثقه هستند.

احمد بن جعفر از مشایخ اجازه و ثقه است. اعتماد ابن نوح بر وی در این سند و نقل‌های فراوان حسین بن عبیدالله غضائری^۵ و اعتماد نجاشی بر طریق مذکور نشان از وثاقت وی کمینه در این طریق دارد؛ بنابراین این طریق معتبر است.

طریق طوسی: طوسی نیز طریقتش را این‌گونه آورده است: «أخبرنا بسائر رواياته الحسين بن عبید الله، عن أحمد بن محمد بن جعفر بن سفیان بن البزوفری، عن أحمد بن إدريس».^۶

طوسی در مشیخه التهذیب^۷ و الاستبصار^۸، شیخ مفید را به حسین بن عبیدالله عطف کرده است. به نظر می‌رسد طریق شیخ در التهذیب و الاستبصار و فهرست یکی باشد، جز اینکه در فهرست نام شیخ مفید را ذکر نکرده است. شیخ بر پایه آنچه در التهذیب و الاستبصار آورده، از طریق کلینی هم به احمد طریق دارد؛ هرچند این طریق، طریق به

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۹۲.

۲. رحمان ستایش، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۶۲.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۹.

۴. همان، ص ۶۷، ص ۱۱۸.

۵. همان، ص ۴۴۵، ۴۶۲ و

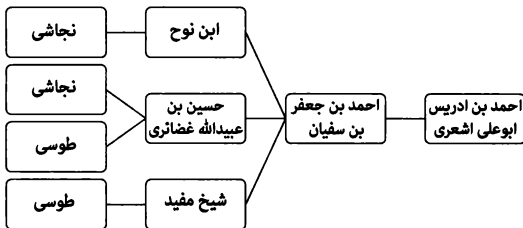
۶. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۶۴.

۷. کلینی، الکافی، ج ۱۰، ص ۳۴-۳۵.

۸. همان، ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۲.

الکافی است؛ چراکه شیخ در آغاز مشیخه التهذیب، ابتدا طریق خود به کلینی را آورده^۱، سپس در یکی از طرق خود به علی بن ابراهیم^۲، محمد بن یحیی^۳ و ... این گونه تعبیر کرده است: «رویه بهذه الأسانید عن محمد بن یعقوب عن ...». تکرار این تعبیر و پژوهش شبیری در منابع التهذیب^۴ ثابت می‌کند که طوسی به واسطه الکافی از آن‌ها نقل می‌کند. طریق طوسی هم به دلیل یکسانی با طریق نجاشی همان اعتبار را دارد.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قاعدهٔ تعلیق: در دو سند ذیل ابتدا احمد از حسین نقل می‌کند، سپس کلینی، سند دوم را تعلیق کرده و به ذکر نام حسین بسنده کرده است:

«احمد بن ادريس عن الحسين بن عبیدالله الصغیر؛
«الحسین»^۵.

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۵-۲۹.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. همان، ص ۳۳.

۴. شبیری، «مصادر الشیخ الطوسی فی کتابه تهذیب الاحکام»، علوم الحدیث، شماره ۶.

۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۴۱-۴۴۲، ح ۱۲۰۰، ۱۲۰۱.

قاعدهٔ تکرار کم: ابوعلی اشعری، احمد بن ادريس به ندرت از احمد بن محمد نقل می‌کند و همین نشانگر منبع بودن کتاب احمد بن ادريس است: «أبو علی الأشعری عن أحمد بن محمد بن عیسی»^۱.

قاعدهٔ اهمال: در سند ذیل حسین بن حسن، مهمل است و رجالیان در مدح یا جرح وی سخنی نگفته‌اند:

«أحمد بن إدريس عن الحسين بن الحسن»^۲.

قاعدهٔ تردید: در سند پیش‌رو «بعض أصحاب» معلوم نیست چه کسی است و میان مشایخ اشعری مردّد است: «أبو علی الأشعری عن بعض أصحابه»^۳.

قاعدهٔ اضممار: در دو سند ذیل پس از ذکر سند اول، سند دوم با ضمیر آمده و ضمیر به اشعری برمی‌گردد:

«أبو علی الأشعری عن محمد بن عبد الجبار»؛

«عنه عن محمد بن عبد الجبار»^۴.

قاعدهٔ نداشتن طریق متعارف: طریق متعارف کلینی به احمد بن ابی عبدالله برقی «عدهٔ من أصحابنا» یا «علی بن محمد» است و طریق احمد بن ادريس از برقی شناخته شده نیست: «أبو علی الأشعری عن أحمد بن أبی عبدالله عن أبيه»^۵.

قاعدهٔ کتاب نداشتن مروی عنه: در سند مورد بحث، از محمد بن سالم کتابی گزارش نشده است:

«أبو علی الأشعری عن محمد بن سالم عن أحمد بن النضر»^۶.

۱. همان، ج ۳، ص ۲۲۶، ح ۱۶۹۱؛ ج ۴، ص ۶۷، ح ۲۷۳۱.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۲۶، ح ۲۰۴۸.

۳. همان، ج ۴، ص ۵۹۹، ح ۳۴۸۰.

۴. همان، ص ۷۶۰، ح ۳۷۶۸.

۵. همان، ج ۳، ص ۱۸۸، ح ۱۶۲۲.

۶. همان، ص ۱۸۸، ح ۱۵۴۵.

قاعده حدیث ذیلی: اگر پس از سندی کامل «فی روایة أخرى» یا «قال» بیاید، سند حدیث دوم با حدیث اول یکی بوده، هر دو از یک منبع اخذ شده‌اند. دو نمونه ذیل را ببینید:

۱. «أبو علی الأشعری عن محمد بن سالم عن أحمد بن النضر»؛
«و فی روایة أخرى»^۱.

۲. با توجه به قاعده کتاب نداشتن مروی عنه، در سند «أبو علی الأشعری عن محمد بن سالم عن أحمد بن النضر» کتاب اشعری منبع است؛ اما در روایت بعد که این‌گونه شروع می‌شود: «قال: کان أبو عبد الله عليه السلام» منبع چه کتابی است؟
برخی این قائل را با تعبیر «الظاهر» کلینی دانسته‌اند؛^۲ ولی به نظر می‌رسد قائل، ابوعلی اشعری است؛ چراکه حدیث پیشین در واقع از کتاب نوادر اوست و حدیث بعد که بلافاصله با تعبیر «قال» آمده قاعدتاً باید از همو باشد.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
نوادر	۲۰۴۸، ۳۷۶۸، ۳۷۶۹، ۱۲، ۳۴۸۰، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۶۹۱، ۲۷۳۱، ۶۲۰، ۱۰۵۴، ۱۷۰۱، ۱۸۱۹، ۱۶۲۲، ۱۵۴۵، ۱۷۷۶، ۲۰۱۶، ۲۰۶۶، ۲۴۷۱، ۲۶۲۲، ۲۷۷۲، ۳۴۳۴، ۳۴۸۳، ۳۵۷۸، ۳۶۶۲، ۳۶۸۶، ۳۶۹۳، ۱۶۱۹، ۱۷۲۹، ۲۴۳۰، ۲۶۲۳، ۳۴۳۵، ۳۰۹، ۳۱۰، ۵۲۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۲۱۲، ۱۴۰۱.

کتاب حسین بن محمد ابوعبدالله اشعری

حسین بن محمد ابوعبدالله اشعری قمی ثقه و مؤلف کتاب النوادر است. وی استاد کلینی است.^۳ کلینی بیش از ۸۰۰ بار از وی روایت کرده است.^۴

۱. همان، ج ۴، ص ۹، ح ۲۶۲۲، ۲۶۲۳.

۲. همان، ص ۵۳۵.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۶.

۴. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۷۹.

دو طریق به وی وجود دارد. طریق اول طریق نجاشی است. طریق دوم را شیخ طوسی در مشیخه التهذیب آورده است: «و ما ذکرته عن الحسین بن محمد فقد رویته بهذه الأسانید عن محمد بن یعقوب عن الحسین بن محمد».^۱

این طریق، طریق شیخ به الکافی است؛^۲ از این رو، این طریق را بررسی نکرده، تنها طریق نجاشی بررسی می شود.

طریق و اعتبارسنجی آن

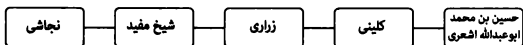
طریق نجاشی: در طریق نجاشی به نوادر وی کلینی نیز حضور دارد: «أخبرنا محمد بن محمد، عن أبي غالب الزراري، عن محمد بن يعقوب عنه».^۳

احمد بن محمد بن محمد بن سلیمان ابوغالب زراری (م ۳۶۸ هـ) بزرگ شیعیان و شیخ آنان بوده است.^۴ وی شاگرد کلینی^۵ و شیخ بزرگانی مانند مفید بوده است.^۶

محمد بن محمد بن نعمان، ابن المعلم، معروف به شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ) از علمای بزرگ امامیه در عصر خود بوده است.^۷

بنابراین، طریق دارای اعتبار به النوادر حسین بن محمد است و نیز نقل بزرگانی مانند شیخ مفید اعتبار آن را بالاتر می برد.

نمودار طریق



۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۳۵-۳۷.
۲. ابن مطلب در ص ۱۰۴-۱۰۵ اثبات شده است.
۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۶.
۴. همان، ص ۸۴.
۵. زراری، رساله ابی غالب الزراری، ص ۱۷۶-۱۷۷.
۶. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸۴.
۷. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۴۴-۴۴۵.

قواعد بازیابی

تنها کتاب گزارش شده از اشعری؛ یعنی النوادر را به همراه نمونه‌ها بررسی می‌کنیم:
قاعده اضمار: در سند مورد نظر، ضمیر به حسین بن محمد در سند قبل برمی‌گردد؛
 بنابراین کتاب حسین بن محمد، منبع است:

«الحسین بن محمد عن معلى»؛

«عنه عن معلى»^۱.

قاعده اهمال: در سند ذیل محمد بن یحیی، مهمل و کتاب حسین منبع است:
 «الحسین بن محمد عن محمد بن یحیی الفارسی»^۲.

قاعده کتاب نداشتن مروی عنه: در سند زیر محمد بن عمران کتابی ندارد؛ بنابراین کتاب حسین منبع است: «الحسین بن محمد عن محمد بن عمران بن الحجاج السبعی»^۳.

قاعده حدیث ذیلی: در دو سند زیر به دلیل به کار رفتن افعال «قال» و «رفعه» کتاب حسین منبع است: «الحسین بن محمد الأشعری قال: ورد ...»^۴.
 «الحسین بن محمد بن عامر یا سنده رفعه»^۵.

قاعده تکرار کم: نقل حسین از سیاری بسیار کم است؛ بنابراین کتاب سیاری نمی‌تواند منبع باشد و کتاب اشعری منبع الکافی به شمار می‌رود: «الحسین بن محمد عن أحمد بن محمد السیاری»^۶.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۶، ح ۵۱۵، ۵۱۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۷۳، ح ۱۲۳۳.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۳۰، ح ۱۸۹۲؛ ج ۴، ص ۲۱۹، ح ۲۹۵۱.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۱۳۸۰.

۵. همان، ص ۷۱۱، ح ۱۴۱۴.

۶. همان، ج ۱، ص ۵۴، ح ۲۰.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
النوادر	۱۳۱۰، ۱۳۸۰، ۱۴۱۴، ۳۰۸۵، ۱۳۳۰، ۵۱۶، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۵۰۲، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۲۲۳۴، ۲۲۳۵، ۲۶۳۱، ۲۶۳۲، ۱۸۹۲، ۲۹۵۱، ۱۳۱۰، ۱۲۳۳، ۱۹۴۳، ۸۴۵، ۴۸، ۱۰۰۰، ۱۲۳۶، ۲۰

کتاب سعد بن عبدالله

ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱/۲۹۹ هـ) از دانشیان امامی است که تألیفات بسیاری از خود به جا گذاشت. او بزرگ، فقیه و وجه شیعیان زمان خویش بود. در جستجوی حدیث سفرها رفت و از عالمان اهل سنت نیز بسیار حدیث شنید. محمد بن قولویه و ابن الولید از وی روایت کرده‌اند.^۱

نکته قابل ذکر این است که هرچند سعد بن عبدالله استاد کلینی است؛ اما در مواردی که وی به عنوان صاحب اثر است، کلینی با واسطه از او نقل می‌کند. از این رو، طریق کلینی به وی بررسی می‌شود.

آثار سعد بن عبدالله

سعد بن عبدالله آثار بسیاری درباره دانش‌های دینی نوشت که فهرست آن‌ها در ادامه می‌آید.

ابتدا در اینجا کتاب‌هایی که نام آن‌ها میان فهرست‌نگاران مشترک است، ذکر شده، سپس نام‌هایی که یک فهرست‌نگار ذکر کرده، آورده می‌شود:

نجاشی، طوسی، زراری: المتخبات.

نجاشی، طوسی: الرحمة، بصائر الدرجات، الضیاء فی الرد علی المحمدیة و الجعفریة^۲،

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة، ص ۱۷۷؛ طوسی، فهرست کتب الشیعة، ص ۲۱۵؛ طوسی، الرجال، ص ۴۲۷.

۲. در طوسی، فهرست کتب الشیعة، «الضیاء فی الامامة» آمده است، ولی به نظر می‌رسد این اسم، نام دو کتاب است: الضیاء فی الرد علی المحمدیه و الجعفریه، و کتاب الامامة؛ چرا که همین دو اسم در نجاشی هم موجود است. اصل نقل به صفحه بعد ←

الإمامه، فرق الشيعة (طوسی: مقالات الإمامیه)، جوامع الحج، مناقب رواة الحديث، فضل قم و الكوفة، فضل أبي طالب و عبد المطلب و أبي النبي ﷺ.

نجاشی: الردّ علی الغلاة، ناسخ القرآن و منسوخه و محكمه و متشابهه، فضل الدعاء و الذكر، مثالب رواة الحديث، المتعة، الردّ علی علی بن ابراهيم بن هاشم فی معنی هشام و یونس، قیام اللیل، الردّ علی المجبرة، فضل العرب، فضل النبی ﷺ، الدعاء، الاستطاعة، احتجاج الشيعة علی زید بن ثابت فی الفرائض، النوادر، المزار، مثالب هشام و یونس، مناقب الشيعة. طوسی: فهرست کتب ما رواه.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

ابو غالب زراری به المتخبات سعد دسترسی داشته و هنگام شمارش برخی آثار خود در رساله می‌نویسد: «جزء بخطی فی ظهور و فی أوله أحادیث جمعتها فی الحج و فی آخره أشياء اخترتها من كتاب بصائر الدرجات لسعد بن عبدالله»^۱. ظاهر عبارت زراری نشان می‌دهد که وی از انتساب این کتاب به سعد اطمینان داشته و به این کتاب طریق داشته است؛ هرچند واسطه آن برای ما ناشناخته است.

دو طریق نجاشی

نجاشی دو طریق به کتاب‌های سعد دارد. یک بار به المتخبات و بار دیگر به سایر کتاب‌ها.

۱. «رواه حمزة بن القاسم»^۲.

حمزة بن القاسم المتخبات را روایت کرده است. نجاشی در این طریق از ذکر سایر

عبارت چنین بوده است: کتاب الضیاء فی الرد علی محمدیه و الجعفریه و کتاب الامامه، و ناسخ به اشتباه چشمش از عبارت الرد علی محمدیه و الجعفریه به الامامه منتقل شده و آن را نام یک کتاب پنداشته است؛ از این رو دو کتاب به شمار آورده ایم.

۱. زراری، رسالة ابی غالب الزراری، ص ۱۸۰.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۱۷۷.

راویان خودداری کرده یا بدان‌ها دسترسی نداشته است. به هر حال این طریق، وجاده‌ای است؛ اما با توجه به اینکه نجاشی از طریق «الحسین بن عبیدالله عن علی بن محمد القلانسی»^۱ از حمزه روایت می‌کند، بعید نیست نجاشی با اتکا به همین طریق از ذکر دوباره آن در این مورد پرهیز کرده است.

درباره قلانسی جز همین طرق، هیچ آگاهی نداریم. البته تکرار چند باره نام وی در فهرست اسماء مصطفی الشیعه و عدم اظهار تردید نجاشی در طرق می‌تواند به وثاقت وی اشعار داشته باشد.

۲. «أخبرنا محمد بن محمد و الحسين بن عبید الله و الحسين بن موسى قالوا: حدثنا جعفر بن محمد قال: حدثنا أبي وأخی قالوا: حدثنا سعد بكتبة كلها»^۲.
جعفر بن محمد همان ابن قولویه (م ۳۶۸ هـ) است.^۳ نجاشی وی را از هر ویژگی که وصف شود، برتر می‌داند.^۴

محمد بن قولویه، پدر جعفر از مشایخ اوست^۵ و بر اساس وثاقت مشایخ ابن قولویه در کامل الزیارات ثقه است.

علی بن محمد بن قولویه نام برادر جعفر است که در کامل الزیارات به نام وی تصریح می‌کند.^۶

حسین بن موسی همان حسین بن احمد بن موسی بن هدی و^۷ از مشایخ نجاشی است.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصطفی الشیعه، ص ۱۴۰، ۱۳۰، ۱۸۶، ۲۲۲، ۳۱۳، ۳۴۲، ۳۴۸.

۲. همان، ص ۱۷۷.

۳. طوسی، الرجال، ص ۴۱۸.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصطفی الشیعه، ص ۱۲۳.

۵. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۷.

۶. همان، ص ۲۹.

۷. رحمان ستایش، بازنشاسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۴۶-۴۷.

بنابر وثاقت مشایخ نجاشی و وثاقت مشایخ ابن قولویه در کامل‌الزیارات این طریق معتبر است.

طرق شیخ طوسی

شیخ طوسی دو طریق به کتاب‌های سعد دارد؛ بدین صورت:

۱. طوسی به کتاب‌های سعد به استثنای المنتخبات چنین است: «أخبرنا بجميع كتبه وروایاته عدّة من أصحابنا، عن محمد بن علی بن الحسین (بن بابویه) عن أبيه و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبدالله، عن رجاله قال محمد بن علی بن الحسین: إلی کتاب المنتخبات فإتی لم أروها عن محمد بن الحسن إلا أجزاء قرأتها علیه و أعلمت علی الأحادیث التی رواها محمد بن موسی الهمدانی، و قد رویت عنه کل ما فی کتب المنتخبات ممّا أعرف طریقہ من الرجال الثقاۃ»^۱.

در این طریق جز استثنایی که در مورد محمد بن موسی آمده، سایر موارد که از ثقات هستند از نظر شیخ صدوق و ابن الولید معتبر است. البته شیخ صدوق در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه، کتاب الرحمه سعد بن عبدالله را از منابعی شمرده که مشهورند، بر آن‌ها اعتماد شده و مرجع هستند.^۲ البته این سخن صدوق بدین معنا نیست که به طور کامل بر کتاب الرحمه اعتماد دارد؛ چرا که در کتاب الرحمه هم به آرای رجالی استادش ابن الولید نظر دارد. برای نمونه در عیون اخبار الرضا حدیثی از کتاب الرحمه روایت می‌کند که راوی آن، محمد بن عبدالله مسمعی است.^۳ صدوق می‌داند که استادش مسمعی را قبول ندارد؛ اما از آنجا که کتاب الرحمه را بر ابن الولید قرائت کرده و او این حدیث را انکار نکرده؛ بلکه روایت کرده و در کتاب عیون آورده است.^۴

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۱۵.

۲. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

۳. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰.

۴. همان، ص ۲۱.

مراد از عده‌ای که شیخ طوسی با واسطه آن‌ها از شیخ صدوق روایت می‌کند، شیخ مفید،^۱ ابن غضائری،^۲ ابن حسکه قمی و ابو زکریا محمد بن سلیمان حرانی هستند؛^۳ بنابراین این طبقه در بالاترین درجات وثاقت هستند.

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، پدر شیخ صدوق (م ۳۲۹ هـ)، بزرگ، پیشوا و فقیه قمیان در زمان خود بوده است.^۴

محمد بن حسن بن ولید از ناقدان احادیث و استاد مورد اعتماد شیخ صدوق است.^۵ بنابراین این طریق دارای اعتبار بالایی است.

۲. طریق طوسی به نوشتارهای سعد بدون استثنا چنین است: «و أخبرنا الحسين بن عبيد الله و ابن أبي جید، عن أحمد بن محمد بن يحيى، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله».^۶ حسین بن عبيد الله همان ابن غضائری و ثقة است.^۷

ابن ابی جید، علی بن احمد قمی، از مشایخ نجاشی^۸ و ثقة است.

احمد بن محمد بن یحیی از مشایخ اجازه است.^۹

درباره محمد بن یحیی و وثاقت او هم سخن خواهیم گفت.

بنابراین این طریق معتبر است.

طریق شیخ صدوق: طریق صدوق؛ یعنی طریق ذیل همان طریقی است که طوسی در فهرست آورده است: «و ما كان فيه عن سعد بن عبد الله فقد رويته عن أبي و محمد بن

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۴۴-۴۴۵.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۹.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۴۴.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۱؛ و نیز ببینید: طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۷۳.

۵. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۰.

۶. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۱۵.

۷. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۹.

۸. همان، ص ۱۲۲.

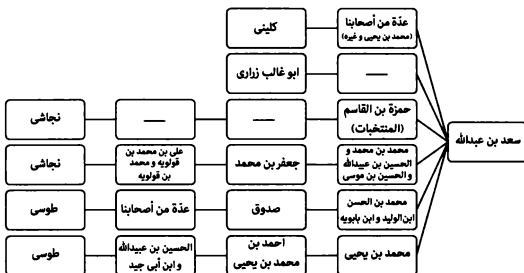
۹. طوسی، الرجال، ص ۴۱۰.

الحسن عليه السلام عن سعد بن عبدالله بن أبي خلف^۱.

پس این طریق هم معتبر است.

طریق کلینی: طریق به سعد در الکافی به دو گونه است: «عده من أصحابنا عن سعد» و «محمد بن یحیی و غیره عن سعد». اگر محمد بن یحیی را جزء عده بدانیم، طریق عده و طریقی که محمد بن یحیی در آن است، هر دو معتبر هستند.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قواعد عده، شبه عده و تناسب محتوا در اینجا کارآمد هستند. قاعده تناسب محتوا با دو قاعده دیگر همراه است.

قواعد تناسب محتوا و عده: دو بار در الکافی «عده من أصحابنا عن سعد بن عبدالله» آمده است.^۲ هر دوی این روایت در «باب فی الغیبه» از «کتاب الحجه» آمده است. این محتوا با عنوان الإمامه از آثار سعد تناسب دارد و به حدس قوی، کلینی این دو روایت را

۱. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۹۱۳؛ ص ۱۶۳، ح ۹۱۵.

از آن کتاب گرفته است.

قواعد تناسب محتوا و شبه عده: کلینی یک بار با این طریق از سعد روایت می‌کند. «محمد بن یحیی و غیره عن سعد».^۱ این طریق به احتمال قوی با طریق «عده» یکی است، اما به دلیل تفاوت در ظاهر از آن جدا کردیم. این روایت در باب «الإشارة والنص علی ابی محمد علیه السلام»؛ یعنی امام عسکری علیه السلام آمده است که با عنوان الإمامه از نوشتارهای سعد تناسب دارد.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
الإمامه	۸۵۷، ۹۱۳، ۹۱۵

کتاب علی بن ابراهیم

علی بن ابراهیم بن هاشم قمی استاد کلینی است که نام او در بیش از ۵۰۰۰ حدیث الکافی دیده می‌شود.^۲ غالب این احادیث را از پدرش ابراهیم روایت کرده است. در ویژگی او ثقه، ثبت، معتمد و صحیح المذهب گفته‌اند.^۳

آثار علی بن ابراهیم

علی بن ابراهیم دارای آثاری است که بر اساس فهرست‌های نجاشی و شیخ طوسی در ابتدا نام کتاب‌های مشترک، سپس کتاب‌هایی را که هر یک جداگانه نام برده‌اند، ذکر می‌کنیم:

طوسی^۴ و نجاشی: التفسیر، الناسخ و المنسوخ، قرب الإسناد، الشرائع، فضائل

۱. همان، ص ۱۱۶، ح ۸۵۷.

۲. این آمار بر اساس نرم افزار درایة النور است.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۰.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۶۶.

أمیرالمومنین علیه السلام، المناقب (نقل شیخ از ابن ندیم).

نجاشی: الحیض، التوحید و الشرک، المغازی، الأنبیاء، رسالة فی معنی هشام و یونس، المشذر: جوابات مسائل سأله عنها محمد بن بلال.^۱

طوسی: إختیار القرائات و روایاته (نقل از ابن ندیم).

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی: طریق نجاشی چنین است: «أخبرنا محمد بن محمد و غیره، عن الحسن بن حمزة بن علی بن عبدالله قال: كتب إلى علی بن إبراهيم بإجازة سائر حدیثه و کتبه».^۲

به نظر می‌رسد استادان نجاشی با شیخ مفید که بدان تصریح کرده، ابن نوح و حسین بن عبیدالله غضائری هستند.^۳ اساتید نجاشی بر اساس قاعده وثاقت مشایخ وی، همه ثقه هستند.

حسن بن حمزة ابو محمد طبری از بزرگان و فقیهان شیعی است.^۴

طریق طوسی: شیخ طوسی دو طریق به آثار قمی دارد؛ بدین گونه:

۱. «أخبرنا بجمیعها جماعة، عن أبي محمد الحسن بن حمزة العلوی الطبری، عن علی بن إبراهيم».^۵

طوسی جماعتی را که از آن‌ها نقل می‌کند، در التهذیب و الاستبصار چنین آورده است: شیخ مفید، حسین بن عبیدالله غضائری و ابن عبدون.^۶

۱. نجاشی پس از ذکر این کتاب تردید خود در انتساب این کتاب به قمی را چنین بیان کرده است: «و الله أعلم أنه مضاف إليه».

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۰.

۳. رحمان ستایش، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۶۴.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۵۰.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۶۶.

۶. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۳۲؛ طوسی، الاستبصار، ج ۴، ص ۳۱۰.

این طریق همان طریق نجاشی و معتبر است.

۲. «و أخبرنا محمد بن محمد بن النعمان، عن محمد بن علی بن الحسین، عن أبيه و محمد بن الحسن و حمزة بن محمد العلوی و محمد بن علی ماجیلویه، عن علی بن ابراهیم، إلا حديثاً واحداً استثناه من كتاب الشرائع فی تحریم لحم العیر، و قال: لا أرویه».

شیخ مفید از مشاهیر بزرگان است.^۱ وی از صدوق نقل می‌کند. و نیز از بزرگان شیعه است.^۲

در طبقه اساتید صدوق چهار نفر حضور دارند که راویان از علی بن ابراهیم هستند: ابن بابویه پدر شیخ صدوق از عالمان بنام شیعه،^۳ محمد بن حسن بن ولید از ناقدان احادیث و استاد مورد اعتماد شیخ صدوق،^۴ حمزة بن محمد علوی قزوینی از مشایخ اجازه^۵ و محمد بن علی معروف به ماجیلویه از مشایخ صدوق.^۶ از این رو، این طبقه در حد بالایی از اعتبار است.

طوسی نیز سندی بدین گونه دارد: «و روی أيضاً حديث تزويج المأمون أم الفضل من محمد بن علی عليه السلام، و رویناه بالإسناد الأول».^۷

این سند به نظر می‌رسد طریقی به تفصیلی از این ازدواج باشد که در دفترچه‌ای نوشته شده و به دست طوسی رسیده است.

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۴۴-۴۴۵.

۲. همان، ص ۴۴۲.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۱؛ و نیز ببینید: طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۷۳.

۴. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۰.

۵. طوسی، الرجال، ص ۴۲۴. نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۳۰.

۶. صدوق، التوحید، ص ۴۸.

۷. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۶۷.

طوسی دو طریق را در التهذیب^۱ و الاستبصار^۲ نقل کرده است. طریق دوم همان است که در الفهرست آورده است. در واقع طریق اول هم طریق طوسی به الکافی است که پیش از این در این باره سخن گفتیم.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

در اینجا قواعد بازیابی منابع الکافی مرتبط با آثار علی بن ابراهیم را بررسی می‌کنیم:
قاعدهٔ اضممار: از طریق این قاعده برخی آثار علی بن ابراهیم در الکافی به دست می‌آید؛ برای نمونه در سند این‌گونه آمده است:

«علی بن ابراهیم عن أبيه عن التوفلي عن السكوني»،

بلافاصله در سند بعد حدیث بدین صورت آمده است:

«عنه عن أبيه عن ابن أبي عمير»^۳.

در مورد علی بن ابراهیم در یک سند با ابهام مواجه هستیم. سند «علی بن ابراهیم عن أبيه عن السكوني» با قاعدهٔ اضممار اخذ از کتاب علی بن ابراهیم، با قاعدهٔ تعلیق و تردید اخذ از کتاب ابراهیم بن هاشم اثبات می‌شود.

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۲۹-۳۲؛ و ما ذکرته عن علي بن ابراهيم بن هاشم فقد رويته هذه الاسانيد عن محمد بن يعقوب عن علي بن ابراهيم؛ و اخبرني أيضا برواياته الشيخ ابو عبد الله محمد بن النعمان والحسين بن عبيد الله واحمد بن عبدون كلهم عن ابي محمد الحسن بن حمزة العلوي الطبري عن علي بن ابراهيم بن هاشم.

۲. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۳۱۰.

۳. همان، ج ۳، ص ۶۶۹، ح ۲۴۱۵، ۲۴۱۶.

سند ۲۴۱۵ که در ذیل قاعده اضممار گذشت، منبع بودن علی را اثبات می‌کند.

موارد دیگر که از مصادیق قاعده اضممار است عبارت‌اند از:

«علی بن ابراهیم عن أبیه عن ابن أبی عمیر»،

«عنه عن أبیه عن النوفلی عن السکونی»؛^۱

«علی بن ابراهیم عن أبیه عن النوفلی عن السکونی»؛

«عنه عن محمد بن عیسی».^۲

این دو مورد می‌تواند منبع بودن کتاب علی بن ابراهیم را اثبات کند؛ اما به نظر می‌رسد سندی که در ادامه از آن بحث خواهیم کرد، این نظر را روشن‌تر کند. دو سند یکسان به نوفلی می‌رسد؛ بدین ترتیب:

«علی بن ابراهیم عن أبیه عن النوفلی عن السکونی»؛

«عنه عن أبیه عن النوفلی عن السکونی».^۳

اگر در اینجا کتاب ابراهیم بن هاشم منبع بود، می‌بایست سند «عنه عن النوفلی» یا «معلق بر نوفلی» می‌شد. این بحث را در قاعده بعد ادامه می‌دهیم.

قاعده اخذ از کتاب موجود: مستند دیگر منبع بودن کتاب قمی در سند «علی بن ابراهیم عن أبیه عن النوفلی عن السکونی» است؛ چراکه قمی در تفسیرش حدیثی را با سند به سکونی نقل کرده و این حدیث در الکافی با همین سند آمده است. حدیث و سند در این دو کتاب این‌گونه است:

الکافی: «علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن النوفلی، عن السکونی: عن أبی عبد الله علیه السلام،

قال: السحت: ثمن المیته، و ثمن الکلب، و ثمن الخمر^۴، و مهر البغی، و الرشوة فی

۱. همان، ج ۴، ص ۳۴۸، ح ۳۱۶۴، ۳۱۶۵.

۲. همان، ص ۱۵، ح ۲۶۳۴، ۲۶۳۵.

۳. همان، ص ۷۴۴، ح ۳۷۳۱، ۳۷۳۲.

۴. در تفسیر قمی «ثمن الخمر» نیست.

الحکم، وأجر الكاهن».^۱

التفسیر قمی: «و حدثنی أبی عن النوفلی عن السکونی عن أبی عبد الله علیه السلام قال قال أمير المؤمنين علیه السلام من السحت ثمن الميتة، و ثمن الكلب، و مهر البغی، و الرشوة فی الحكم، و أجر الكاهن».^۲

با قاعده عطف نیز می‌توان منبع بودن کتاب علی را اثبات کرد که در ادامه بدان می‌پردازیم.

قاعده عطف: شاهد دیگر بر اخذ از کتاب علی بن ابراهیم این سند است:

«علی بن ابراهیم عن أبیه و عن أحمد بن محمد بن خالد عن النوفلی عن السکونی». سند «علی بن ابراهیم عن أحمد بن محمد»، هجده بار در الکافی نقل شده و جالب این است که هیچ یک از این موارد با طریق کلینی به المحاسن برقی یکسان نیست؛ بنابراین این گمان تقویت می‌شود که منبع، التفسیر یا سایر کتاب‌های علی بن ابراهیم است؛ زیرا نه حدیث^۳ تفسیری یا مرتبط با قرآن است؛ و این طریق از طرق متعارف به المحاسن نیست. حاصل سخن اینکه کتاب علی بن ابراهیم منبع است، نه کتاب پدرش ابراهیم. پس در اینجا طریق دیگر که سکونی در آن است و ابراهیم بن هاشم بر احمد عطف شده نیز همین گونه تحلیل می‌شود.

قواعد تعلیق و تردید: اما دو قاعده دیگر منبع بودن کتاب ابراهیم بن هاشم را در این اسناد اثبات می‌کند: قاعده تعلیق و قاعده تردید.

بر اساس قاعده تعلیق در سند ذیل می‌بایست منبع، کتاب ابراهیم باشد:

«علی بن ابراهیم عن أبیه عن النوفلی عن السکونی»؛

۱. کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۶۸۷، ح ۸۵۸۸.

۲. قمی، التفسیر، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵، ح ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ص ۳۸۷، ح ۱۱۳۴، ص ۳۸۹، ح ۱۱۳۸، ج ۳، ص ۲۱، ح ۵۷۳۶، ج ۱۴، ص ۴۸، ح ۱۱۳۷۱۳، ج ۱۵، ص ۴۳۴، ح ۱۵۰۲۳؛ ص ۴۳۶، ح ۱۵۰۲۶؛ ص ۴۷۵، ح ۱۵۰۶۵؛ ص ۶۵۴، ح ۱۵۲۵۲.

«النوفلی عن السکونی»^۱.

بر اساس قاعده تردید در سند «علی عن أبیه عن النوفلی أو غیره عن السکونی» کتاب ابراهیم منبع است. البته با توجه به اینکه در برخی نسخ به جای «او»، «واو» آمده است، تردید بر طرف شده و سند فوق ذیل این قاعده نمی‌گنجد.^۲

بنابراین سه قاعده اضممار، اخذ از کتاب موجود و قاعده عطف با قاعده تعلیق تعارض دارد. با توجه به اینکه قاعده اخذ از کتاب موجود که یقینی است و قاعده عطف که اطمینان آور است، بر قاعده تعلیق ترجیح دارد، منبع همان کتاب علی بن ابراهیم است.

قاعده تکرار کم: بر اساس این قاعده سندی که در ذیل می‌آوریم، در واقع منبع بودن کتاب قمی را اثبات می‌کند:

«علی بن ابراهیم عن محمد بن الحسین بن أبی الخطاب»^۳.
این سند تنها یک بار در الکافی آمده است.

قاعده اهمال مروی عنه: در برخی مشایخ علی بن ابراهیم، راویانی مهمل بوده و درباره توثیق یا تضعیف آن‌ها در کتاب‌های رجالی گزارشی وجود ندارد. این راویان عبارت‌اند از: موسی بن ابراهیم محاربی،^۴ محمد بن اسحاق خفاف،^۵ مختار بن محمد،^۶ حسن بن محمد،^۷ حسین بن حسن.^۸

۱. همان، ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۱۹۳۲، ۱۹۳۳؛ ج ۱۴، ص ۵۲۸، ح ۱۴۴۴۶، ص ۵۲۹، ح ۱۴۴۴۷.

۲. همان، ج ۴، ص ۷۲۵، ح ۳۶۹۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۸۹۴.

۴. همان، ج ۱، ص ۶۱، ح ۳۱.

۵. همان، ص ۱۹۵، ح ۲۱۹. البته این حدیث ذیل قاعده تردید هم می‌گنجد؛ زیرا سند چنین است: «عن محمد بن اسحاق الخفاف او عن أبیه».

۶. همان، ص ۲۱۵، ح ۲۳۲، ص ۲۹۱، ح ۳۲۴، ص ۳۳۷، ح ۳۵۲، ص ۳۶۹، ح ۳۹۰.

۷. همان، ص ۳۹۰، ح ۴۱۵.

۸. همان، ج ۳، ص ۴۴۶، ح ۲۰۶۹.

قاعده تردید: در سند «علی بن ابراهیم، عن ایوب بن نوح أو بعض أصحابه عن أيوب عن صفوان» مروی عنه مردّد بیان شده است. معلوم نیست علی بن ابراهیم مستقیم از ایوب نقل می‌کند یا به واسطه «بعض أصحابه». این تردید منبع بودن کتاب علی بن ابراهیم را ثابت می‌کند.^۱

در برخی اسناد پس از علی بن ابراهیم «عن بعض أصحابه ذكره عن محمد بن سنان» آمده است. این تعبیر نشان می‌دهد که در کتاب علی بن ابراهیم نام این «بعض» بوده، اما کلینی آن را حذف کرده است.

دو قاعده تناسب محتوا و متعارف نبودن طریق: مثال‌های این دو قاعده در ذیل قاعده عطف ذکر شد. سند «علی بن ابراهیم عن أحمد بن محمد»^۲ از طرق متعارف المحاسن برقی نیست و محتوای ده حدیث از هجده حدیث آن با عنوان التفسیر قمی تناسب دارد.

قاعده تناسب سند: «علی بن ابراهیم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة» بارها در الکافی تکرار شده است.^۳ علی بن ابراهیم نیز کتابی دارد با عنوان قرب الإسناد که با سند مذکور تناسب دارد. البته ممکن است این سؤال پیش آید که مسعدة کتابی دارد که در آن خطب امیرالمؤمنین (علیه السلام) را گرد آورده است و محتوای احادیثی با این اسناد نیز همین را ثابت می‌کند؛ از این رو، چرا این موارد را از کتاب مسعدة ندانیم؟ شواهدی در دست است که اخذ از قرب الإسناد را تأیید می‌کند. این شواهد دو دسته است. دسته اول از الکافی است: قاعده تعلیق در سند «هارون بن مسلم عن مسعدة» که معلق بر سند «علی بن ابراهیم عن هارون بن مسلم عن مسعدة» است،^۴ و قاعده اضممار نیز در سند این را

۱. همان، ج ۴، ص ۲۸۸، ح ۳۰۱۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۰۵، ح ۱۸۴۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۸۴، ح ۶۳؛ ص ۱۰۴، ح ۱۰۴، ص ۳۹۲، ح ۴۱۷ و

۴. همان، ص ۱۳۷، ح ۱۶۶؛ ص ۱۴۶، ح ۱۷۷، ج ۳، ص ۳۰۴، ح ۱۸۴۵ و

۵. همان، ج ۴، ص ۱۴۲، ح ۲۸۵۱، ۲۸۵۲.

اثبات می‌کند.^۱

قاعده حدیث ذیلی: طبق این قاعده مواردی را می‌توان جزء آثار قمی دانست. تعبیرهای «رفعه»،^۲ «یا سناده»^۳ و «حدثنی»^۴ حدیث ذیلی را اثبات می‌کند. در پایان شایسته است یکی از فواید باز یابی کتاب قرب الإسناد علی بن ابراهیم را ذکر کنیم:

با شناسایی منبع مفقود و مورد اعتماد می‌توان احادیث آن منبع را بر احادیث سایر منابع ترجیح داد تا مشکل اختلاف الحدیث به حداقل برسد؛ برای نمونه حدیث زیر را ببینید:

حدیثی در نهج البلاغه چنین آمده است:

«إِنَّهُ سَيَأْمُرُكُمْ سَبْتِي وَ الْبَرَاءَةَ مَتَى فَأَمَّا السَّبُّ فَمَنْ سَبَّ بَنِي فَاتَّهَ لِي زَكَاةٌ وَلَكُمْ نَجَاةٌ وَأَمَّا الْبَرَاءَةُ فَلَا تَتَّبِعُوا مَتَى فَإِنِّي وَلَدْتُ عَلَى الْفُطْرَةِ وَ سَبَقْتُ إِلَى الْإِيمَانِ وَ الْهَجْرَةِ».^۵

منبع سید رضی برای ما معلوم نیست. این حدیث را در الکافی ببینید:

«علی بن ابراهیم، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة، قال: قيل لأبي عبد الله عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ يَرْوُونَ أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام قَالَ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّكُمْ سَتَدْعُونَ إِلَى سَبْتِي، فَسَبِّتُونِي، ثُمَّ تَدْعُونَ إِلَى الْبَرَاءَةِ مَتَى، فَلَا تَبْرَوْا مَتَى؟» فَقَالَ: «مَا أَكْثَرَ مَا يَكْذِبُ النَّاسُ عَلَى عَلِيٍّ عليه السلام!» ثُمَّ قَالَ: «إِنَّمَا قَالَ: إِنَّكُمْ سَتَدْعُونَ إِلَى سَبْتِي، فَسَبِّتُونِي، ثُمَّ سَتَدْعُونَ إِلَى الْبَرَاءَةِ مَتَى، وَإِنِّي لَعَلِّي دِينَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله، وَلَمْ يَقُلْ: لَا تَبْرَوْا مَتَى».^۶

بر اساس قاعده تناسب سند، کلینی این حدیث را از کتاب قرب الإسناد علی بن

۱. همان، ج ۱۵، ص ۳۵۶، ح ۱۴۹۴۳؛ ص ۳۵۹، ح ۱۴۹۴۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۱۳۲؛ ج ۴، ص ۲۶۲، ح ۳۰۱۴ با تعبیر «رفعه». مقایسه کنید با قمی، التفسیر، ج ۲، ص ۲۷۷.

برای مورد دیگر تعبیر «رفعه»: ج ۳، ص ۳۱۰، ح ۱۸۵۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۵۱۹. ببینید: قمی، التفسیر، ج ۱، ص ۲۴۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۷۳، ح ۱۳۰۴.

۵. رضی، نهج البلاغه، خطبه ۵۷، ص ۹۲.

۶. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۵۳، ح ۲۲۵۰.

ابراهیم گرفته است. البته منبع علی بن ابراهیم، کتاب خطب امیرالمؤمنین علیه السلام از مسعدة بن صدقه است. به نظر می‌رسد با توجه به شهرت کتاب مسعدة و اعتنا و اعتماد بزرگانی چون علی بن ابراهیم به آن ترجیح متون نقل شده از کتاب مسعدة بر متون مشابه، منطقی و موجّه باشد.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
التفسیر	۲۲۳۱، ۲۲۳۲، ۲۶۹۰، ۲۷۰۰، ۲۵۲۹، ۲۵۳۰، ۲۵۳۱، ۲۵۳۲، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۳۴، ۱۱۳۸، ۲۰۳، ۱۵۵۴، ۳۴۷۹، ۳۴۹۷، ۳۵۴۳، ۳۰۶۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۱۳۲، ۵۱۹، ۱۸۵۶، ۳۰۱۴
الناسخ و المنسوخ	۲۰۰، ۲۰۱
قرب الإسناد	۱۶۶، ۱۷۷، ۱۸۴۵، ۱۸۶۳، ۲۰۵۳، ۲۲۵۰، ۲۳۷۷، ۲۴۵۲، ۲۵۱۹، ۲۵۲۰، ۲۵۲۱، ۲۵۸۱، ۲۸۵۲، ۳۴۱۸، ۳۶۸۰، ۳۶۹۷، ۳۷۷۸، ۱۰۰۲، ۲۶۳۵
کتاب	۲۶۳۵، ۲۸۰۷، ۲۸۰۹، ۲۸۱۰، ۲۸۱۱، ۸۹۵، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۶۴، ۱۷۶۶، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۲۱۷۷، ۲۱۷۸، ۲۱۸۲، ۲۱۸۳، ۲۴۱۶، ۲۵۸۷، ۲۵۸۸، ۲۵۹۸، ۲۵۹۹، ۲۷۵۳، ۲۷۵۴، ۲۹۷۴، ۲۹۷۵، ۳۰۷۶، ۳۰۷۷، ۳۰۷۸، ۳۱۱۶، ۳۱۱۷، ۳۱۶۴، ۳۶۸۸، ۳۶۸۹، ۳۷۴۳، ۳۷۴۴، ۳۷۴۵، ۳۷۷۲، ۳۷۷۳، ۲۳۲۹، ۲۳۳۰، ۹، ۱۲۲، ۲۱۴، ۱۵۵۵، ۱۵۶۴، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۵۶، ۱۶۶۰، ۱۶۷۳، ۱۶۷۶، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۵۰، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۴۱، ۱۸۵۸، ۱۸۶۱، ۱۸۶۸، ۱۹۳۲، ۱۹۳۳، ۱۹۵۳، ۱۹۸۹، ۲۰۲۲، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۳۳، ۲۰۷۱، ۲۰۹۱، ۲۱۰۹، ۲۱۷۰، ۲۱۸۰، ۲۲۱۳، ۲۲۹۴، ۲۳۹۴، ۲۲۹۵، ۲۴۱۵، ۲۴۹۵، ۲۴۷۴، ۲۴۷۸، ۲۴۹۳، ۲۵۰۰، ۲۴۹۴، ۲۵۳۱، ۲۵۴۹، ۲۵۵۵، ۲۶۱۰، ۲۶۳۴، ۲۶۳۸، ۲۶۴۲، ۲۶۴۵، ۲۶۴۶، ۲۶۴۹، ۲۶۵۷، ۲۶۶۹، ۲۶۷۸، ۲۶۷۹، ۲۷۲۰، ۲۷۲۶، ۲۷۵۷، ۲۷۶۸، ۲۸۱۸

کتاب	حدیث
	۲۸۲۲، ۳۱۱۵، ۳۱۵۳، ۳۱۶۵، ۳۱۹۱، ۳۲۱۳، ۳۲۲۱، ۳۲۲۹، ۳۲۳۱، ۳۲۴۱، ۳۲۴۵، ۳۲۴۶، ۳۳۳۴، ۳۴۷۴، ۳۶۲۷، ۳۶۲۸، ۳۶۳۴، ۳۶۳۵، ۳۶۳۶، ۳۶۴۸، ۳۶۹۰، ۳۷۰۲، ۳۷۰۳، ۳۷۰۷، ۳۷۰۸، ۳۷۱۳، ۳۷۱۵، ۳۷۲۱، ۳۷۲۹، ۳۷۳۱، ۳۷۴۲، ۳۷۴۳، ۳۷۷۶، ۳۷۸۳، ۳۸۰۰، ۳۱، ۶۳، ۶۴، ۱۰۴، ۱۴۹، ۱۶۰۶، ۲۳۳۰، ۳۰۱۰، ۱۸۴۶، ۲۰۶۹، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۳۲۲۳.
التوحید و الشریک	۲۱۹، ۲۳۲، ۳۲۴، ۳۵۲، ۳۹۰، ۴۱۵، ۲۲۰، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۷۲، ۳۰۰، ۳۰۶، ۴۳۴، ۲۹۳.
فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام)	۱۰۱۶، ۱۰۸۷.
الانبیاء	۸۹۴.

کتاب علی بن محمد علان کلینی

ابوالحسن علی بن محمد، معروف به علان کلینی (زنده در نیمه دوم قرن سوم) از اساتید کلینی است. او را به دو ویژگی «ثقه» و «عین» ستوده‌اند. او در راه حج کشته شد. تنها کتابی که از او دانسته شده اخبار القائم (علیه السلام) است.^۱ براساس اسناد الکافی کلینی برخی احادیث را فقط از طریق او و با موضوعی غیر از امامت و تاریخ حضرت قائم (علیه السلام) روایت کرده است که احتمال داشتن کتابی دیگر یا نقل شفاهی در این موارد وجود دارد.

طریق به علان و اعتبارسنجی آن

طریق نجاشی: طریق نجاشی این گونه است: «أخبرنا محمد قال: حدثنا جعفر بن محمد قال: حدثنا علی بن محمد».^۲

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۰.

۲. همان.

مشکل این طریق این است که جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۸ هـ)^۱ از راویان الکافی است^۲ و علّان کلینی استاد کلینی است. در طریق نجاشی به نوادر سهل بن زیاد نیز میان ابن قولویه و علی بن محمد، محمد بن یعقوب کلینی واسطه است؛^۳ بنابراین در طریق نجاشی به اخبار القائم علیه السلام علّان یک واسطه افتاده است که احتمال دارد محمد بن یعقوب باشد.

بر فرض که واسطه‌ای افتاده باشد این طریق مرسل است؛ اما اگر واسطه افتاده را کلینی بدانیم، طریق معتبر است؛ چراکه محمد همان شیخ مفید است^۴ و سایر راویان هم ثقه هستند.^۵

نمودار طریق



قواعد بازایی

بر اساس اسناد علّان در کتاب الکافی، مسلم است که کتاب أخبار القائم علیه السلام از مصادر کلینی است. بر اساس اعمال برخی قواعد در بعض احادیث کتابی دیگر از علّان یا نقل شفاهی کلینی از علّان به دست می‌آید.

در اینجا از قواعد بحث کرده، سپس در جدولی احادیث علّان را که خود او (کتاب یا نقل شفاهی) منبع است، معرفی می‌کنیم.

قاعدهٔ تناسب محتوا: قاعدهٔ تناسب محتوا در اینجا کارایی بالایی دارد. تنها کتابی که

۱. طوسی، الرجال، ص ۴۱۸.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۷۷.

۳. همان، ص ۱۸۵؛ «آخریناه محمد بن محمد قال: حدثنا جعفر بن محمد، عن محمد بن یعقوب قال: حدثنا علی بن محمد، عن سهل بن زیاد».

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۴۴-۴۴۵.

۵. طوسی، الرجال، ص ۴۱۸.

از علان دانسته شده، أخبار القائم است و کلینی از او در ابواب «الإشارة والنص الی صاحب الدار»،^۱ «مولد الصاحب»،^۲ «فی الغیبه»،^۳ «تسمیة من رآه»،^۴ «النهی عن الاسم»^۵ و ابواب دیگر نقل کرده است. همه احادیثی که محتوای آن‌ها با عنوان «أخبار القائم» سازگار بوده، از کتاب دانسته شده است. احادیثی که در ابواب مربوط به سایر امامان است دو دسته‌اند: آن‌هایی که به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه مرتبط است، جزء موارد قطعی این کتاب آورده‌ایم؛ اما احادیثی که در کتاب الحجة آمده و درباره مباحث کلی امامت یا در ابواب مربوط به سایر امامان است، ذیل بخش احادیث حدسی این کتاب قرار داده‌ایم. طبق قاعده شبه عده، سندهایی مانند: «محمد بن الحسن و علی بن محمد عن سهل»، و «علی بن محمد و غیره عن سهل» از کتاب سهل گرفته شده است؛ اما با توجه به قاعده تناسب محتوا و قاعده دیگر، منبع بودن کتاب سهل به تنهایی مورد تردید است.

در اینجا به دلیل اهمیت این مورد یکایک اسناد را بررسی می‌کنیم:

«محمد بن الحسن و علی بن محمد عن سهل»: این سند هشت بار در کتاب الحجة آمده است. بار اول در «باب کراهیة التوقیت»،^۶ دوباره در «باب التمخیص»،^۷ و مرتبه سوم در «باب ما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم علیه السلام»،^۸ و پنج بار دیگر در مبحث خمس در انجام کتاب الحجة.^۹

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲. همان، ص ۶۴۵.

۳. همان، ص ۱۴۴.

۴. همان، ص ۱۲۵.

۵. همان، ص ۱۳۵.

۶. همان، ص ۲۴۱، ح ۹۴۱.

۷. همان، ص ۲۴۹، ح ۹۵۳.

۸. همان، ص ۷۴، ح ۱۴۰۶.

۹. همان، ص ۷۳۵-۷۳۸، ح ۴۴۲-۱۴۴۶.

بر اساس قاعده تناسب محتوا این سه حدیث از کتاب اخبار القائم علان است و این سخن با قاعده شبه عده تعارض دارد؛ اما با اعمال قاعده تناسب محتوا قاعده شبه عده نقض نشده است؛ زیرا بر اساس قاعده شبه عده، کلینی این روایات را از کتاب سهل هم گرفته است. در واقع کلینی دو منبع دارد: کتاب اخبار القائم علان و کتاب سهل بن زیاد. «علی بن محمد و غیره عن سهل»: بر اساس قاعده شبه عده این روایات هم باید از کتاب سهل اخذ شده باشد؛ اما بر اساس آنچه در بالا گفتیم، این روایات هم از کتاب علان^۱ و هم از کتاب سهل گرفته شده است؛ بنابراین قاعده تناسب محتوا و قاعده شبه عده همدیگر را نفی نمی‌کنند.

قاعده کتاب نداشتن مروی عنه: بر اساس این قاعده منبع برخی روایات علان کلینی است. سند «علی بن محمد قال: حدثني محمد و الحسن ابنا علی بن إبراهيم»^۲ از این دست است. البته این حدیث چون در باب مولد الصاحب عليه السلام است، با قاعده تناسب محتوا منبع‌یابی می‌شود، ولی قاعده کتاب نداشتن مروی عنه نیز می‌تواند در اینجا به ما کمک کند.

قاعده تردید: برخی احادیث است که منبع آن‌ها از طریق قاعده تردید یافت شده‌اند؛ مانند «علی بن محمد عن بعض أصحابه»^۳. در این ابواب احادیثی هستند که به موضوع کتاب علان ارتباطی ندارد؛ زیرا یکی در کتاب العقل آمده و دیگری در باب نوادر از کتاب فضل القرآن و بعید نیست علان کتاب دیگری داشته یا کلینی شفاهاً از او حدیث را روایت کرده است.

۱. حدس می‌زنیم علان روایات مربوط به سایر ائمه و کلیات امامت را در اخبار القائم آورده باشد. نشانی این روایات عبارت است از: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۴۰، ح ۶۶۹، باب أن الأئمة عليهم السلام إذا شأوا أن يعلموا؛ همان، ج ۲، ص ۲۸۲-۲۸۳، ح ۹۹۸-۹۹۹، باب حالات الأئمة عليهم السلام في السن؛ همان، ص ۴۰۸، ح ۱۱۷۲، باب فيه نكت و نشف من التنزيل في الولایه؛ همان، ص ۴۴۳، ح ۱۲۰۲، باب مولد النبی عليه السلام و وفاته؛ همان، ص ۴۹۸، ح ۱۲۵۲، باب مولد الزهراء فاطمه عليها السلام.

۲. همان، ص ۶۴۶، ح ۱۳۵۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۶۶، ح ۳۶؛ ج ۴، ص ۶۶۷، ح ۳۵۸۵.

قاعده اهمال مروی عنه: اسنادی مانند: «علی بن محمد عن علی بن العباس»^۱ مصداق این قاعده است؛ زیرا علی بن العباس مهمل است و حدیث هم بر اساس قاعده تناسب محتوا با عنوان اخبار القائم سازگار نیست؛ بنابراین از کتابی دیگر یا نقل شفاهی است.

موارد مردّد

«علی بن محمد عن صالح بن ابی حماد»: این سند دوبار در کتاب التوحید الکافی آمده است.^۲ در موضوع توحید از علی بن محمد روایت داریم^۳ و ممکن است این روایات از کتابی غیر از اخبار القائم باشد. البته امکان اخذ روایت از کتاب نوادر صالح بن ابی حماد هم بعید نیست.

نیز این سند چهار بار در کتاب الإیمان و الکفر،^۴ یک بار در کتاب فضل القرآن^۵ و یک بار در کتاب العشره^۶ آمده است که همین احتمال؛ یعنی وجود روایات در کتابی غیر از اخبار القائم یا نوادر صالح بن ابی حماد در این موارد هم مطرح است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
اخبار القائم	۸۶۳، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۸، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶

۱. همان، ج ۴، ص ۵۸۹، ح ۳۴۷۳.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۳۰۸، باب حدوث الاسماء؛ ص ۳۳۶، ح ۳۵۱، باب جوامع التوحید.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۲۴۴، باب الکون و المكان.

۴. همان، ج ۳، ص ۴۰۱، ح ۲۰۰۳، باب صلة الرحم؛ ص ۶۷۰، ح ۲۴۱۹، باب الذنوب؛ ج ۴، ص ۶۸، ح ۲۷۳۴، باب الانتفاء؛ ص ۱۶۷، ح ۲۸۸۰، باب الشرک.

۵. همان، ج ۴، ص ۶۷۰، ح ۳۵۸۹، باب النوادر.

۶. همان، ص ۷۲۲، ح ۳۶۸۴، باب العطاس و التسمیت.

۱۳۷۸، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۷، ۸۹۲، ۸۹۷، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۱۲، ۹۱۴، ۸۷۰، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۹۰، ۱۱۷۸، ۹۵۶، ۹۶۰، ۱۰۰۶، ۱۰۱۳، ۹۲۴، ۱۰۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۸۵۶، ۷۰۳، ۸۱۶، ۹۳۶، ۲۲۹، ۱۲۴۱، ۹۴۱، ۹۵۳، ۱۴۰۶، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۶۶۹، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۱۷۲، ۱۲۰۲، ۱۲۵۲، ۸۱۳.	
کتاب ۳۲۳۶، ۳۴۷۳، ۳۶، ۳۲۱۶، ۲۴۴، ۲۸۹، ۳۹۶، ۳۲۵، ۱۵۱۸، ۳۵۸۵، ۱۶۳۵، ۲۵۹۳، ۲۵۹۴، ۳۵۰۸، ۳۵۷۴، ۳۵۲۶، ۳۰۸، ۳۵۴، ۲۰۰۳، ۲۴۱۹، ۲۷۳۴، ۲۸۸۰، ۳۵۸۹، ۳۶۸۴، ۴۰۱، ۱۴۱۳، ۴۶، ۵۷، ۷۹، ۲۸۴.	

کتاب علی بن محمد بن عبدالله

علی بن محمد بن عبدالله همان علی بن محمد بن بندار است. وی علی بن محمد بن ابی القاسم عبدالله بن عمران برقی، نوۀ دختری برقی است که دانش را از او فراگرفت. از اوصاف اوست: ثقه، فاضل، ادیب و فقیه. وی کتاب‌هایی را تصنیف کرد که از نام‌های آن‌ها آگاهی نداریم.^۱ کلینی بارها از طریق وی از برقی روایت می‌کند.^۲

قواعد بازیابی

قاعده کتاب نداشتن مروی عنه: در سند «علی بن محمد بن عبدالله و محمد بن یحیی عن محمد بن عبدالله رفعه»،^۳ محمد بن عبدالله کتاب ندارد؛ از این رو، کتاب علی بن محمد بن عبدالله منیع است.

قاعده تردید: در سند «علی بن محمد بن عبدالله عن بعض أصحابنا أظنه السیاری»

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۱. نجاشی درباره کتاب‌های وی آورده است: «صنف کتبا، منها»، ولی پس از «منها» هیچ نامی نیامده است و این نشان می‌دهد که نام‌های کتاب‌ها از نسخه موجود نجاشی افتاده است.

۲. ببینید: ذیل کتاب احمد بن محمد بن خالد برقی در فصل دوم، بخش دوم.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۵، ح ۱۲۲۳.

بر اساس مردّد بودن «بعض أصحابنا» کتاب علی بن محمد منبع است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب علی بن محمد بن عبدالله	۱۲۲۳، ۱۴۲۵

کتاب محمد بن جعفر اسدی

محمد بن جعفر ابو عبدالله بن عون اسدی، ابوالحسین کوفی (م ۳۱۲ هـ) را ثقه و صحیح الحدیث دانسته اند؛ هرچند در نقد وی روایت او از ضعفا بوده است. وی به جبر و تشبیه نیز باور داشته است. او کتاب الجبر و الاستطاعه نوشته است.^۲ به نظر می رسد این کتاب همان است که طوسی به نام کتاب الرد علی أهل الاستطاعه شناسانده است.^۳

طرق و اعتبارسنجی آنها

طرق نجاشی: نجاشی دو طریق به اسدی دارد:

۱. «أخبرنا أبو العباس بن نوح قال: حدّثنا الحسن بن حمزة قال: حدّثنا محمد بن جعفر الأسدي بجميع كتبه».^۴

نجاشی در این طریق با تعبیر «أخبرنا» و در طریق دوم با «قال» از ابن نوح نقل می کند. ممکن است این طریق دارای ضعفی باشد که نجاشی تعبیر را تغییر داده است. با چشم پوشی از این اشکال احتمالی، این طریق معتبر است و ابن نوح و حسن بن حمزه، ثقه و از عالمان بنام هستند.

۲. «و قال ابن نوح: حدّثنا أبو الحسن بن داود قال: حدّثنا أحمد بن حمدان القزويني

۱. همان، ص ۷۲۵، ح ۱۴۲۵.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۷۳.

۳. طوسی، فهرست كتب الشيعة، ص ۴۲۶.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۷۳.

عنه بجمع کتبه».^۱

تنها آگاهی ما از احمد بن حمدان قزوینی این طریق و کلام طوسی است. شیخ طوسی در الرجال، سال سماع ابن نوح از وی را ۳۴۲ هـ دانسته است.^۲

ابن داود^۳ و ابن نوح^۴ از بزرگان هستند. این طریق با چشم‌پوشی از عبارت نجاشی، با اهمال احمد بن حمدان مواجه است؛ اما حضور ابن داود و ابن نوح می‌تواند تا حدی این اهمال را جبران کند.

طریق طوسی: شیخ طوسی یک طریق دارد که عبارت است از: «أخبرنا جماعة، عن التلعكبري، عن محمد بن جعفر الأسدي».^۵

جماعت عبارت‌اند از: حسین بن عبیدالله غضائری، شیخ مفید، احمد بن عبدون و دیگر اساتید وی.^۶

مراد از تلعکبری، هارون بن موسی (م ۳۸۵ هـ) است. وی ثقه، جلیل‌القدر و بی‌نظیر دانسته شده است؛^۷ بنابراین طریق طوسی با وجود این بزرگان اعتبار بالایی دارد.

طریق صدوق: شیخ صدوق هم در مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه طریقی را چنین گزارش می‌کند:

«و ما كان فيه عن أبي الحسين محمد بن جعفر الأسدي رحمته الله فقد روته عن علي بن أحمد بن موسى؛ و محمد بن أحمد السناني، و الحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المؤدب رحمته الله عن أبي الحسين محمد بن جعفر الأسدي الكوفي رحمته الله».^۸

۱. همان.

۲. طوسی، الرجال، ص ۴۱۳.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۸۴.

۴. طوسی، الرجال، ص ۶۷، ص ۱۱۸.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۲۶.

۶. همان، ص ۱۰۹.

۷. طوسی، الرجال، ص ۴۴۹؛ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۴۳۹.

۸. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۷۶.

در این طریق علی بن احمد بن موسی دقاق و محمد بن احمد سنانی و حسین بن ابراهیم هر سه از مشایخ اجازه هستند؛ بنابراین در کتاب‌های اصلی رجال، نامی از این سه نیست؛ اما شیخ صدوق بارها از این سه روایت کرده است و عبارت «رضی الله عنهم» را برایشان به کار برده است.^۱ وثاقت این سه مبتنی بر اثبات وثاقت مشایخ اجازه است؛ هرچند حضور سه شیخ اجازه در یک طبقه، آن هم کسانی که استادان صدوق هستند، می‌تواند سبب اعتبار این طریق باشد.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

اکنون قواعد بازیابی کتاب‌های محمد بن جعفر اسدی را بررسی می‌کنیم:

قاعده حدیث ذیلی: در سند «محمد بن ابی عبدالله رفعه»^۲ به دلیل فعل «رفعه» پس از نام محمد، قاعده حدیث ذیلی جریان دارد.

قاعده تردید: در سند «محمد بن ابی عبدالله عمن ذکره»^۳ معلوم نیست «من ذکره» چه کسی است و میان مشایخ محمد، مردّد است؛ از این رو، کتاب او منیع است.

۱. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۹، ۴۴۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۰، ح ۲۴۹. این حدیث در عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۳۳ با سند کامل آمده است.

محمد بن ابی عبدالله از محمد بن اسماعیل نقل می‌کند که کتاب التوحید داشته است؛ بنابراین حدیث از کتاب التوحید محمد بن اسماعیل به کتاب محمد بن ابی عبدالله راه یافته است.

۳. کلینی، الکافی، ص ۲۵۷، ح ۲۸۸.

قاعدهٔ تناسب محتوا: حدیثی از محمد بن جعفر در باب الجبر و القدر آمده است که با عنوان کتاب وی، یعنی الجبر و الاستطاعه / الرّده علی أهل الاستطاعه سازگار است.^۱ البته با توجه به اهمال مروی عنه این مورد ذیل قاعدهٔ اهمال نیز می‌آید.

قاعدهٔ اهمال: در سند ذیل، نسائی مهمل است؛ از این رو، کتاب محمد، منبع به شمار می‌رود: محمد بن ابی عبدالله عن أبی عبدالله النسائی.^۲

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
الجبر و الاستطاعه / الرّده علی أهل الاستطاعه	۴۱۳، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۹۱، ۳۰۲، ۳۵۰، ۲۴۹، ۲۵۸، ۳۱۸، ۲۷۱، ۳۵۳، ۱۷۰، ۲۸۸، ۲۶۱.
کتاب	۱۳۶۲.

کتاب محمد بن یحیی

محمد بن یحیی ابو جعفر عطار قمی از قمیان عالم، ثقه، پر حدیث و استاد کلینی است. نجاشی وی را دارای کتبی دانسته، ولی تنها از دو کتاب وی نام برده است: مقتل الحسین و نوادر.^۳

شیخ طوسی نیز وی را پر روایت دانسته است.^۴

طریق محمد بن یحیی

طریق نجاشی: طریق نجاشی به آثار محمد بن یحیی چنین است: «أخبرني عدّة من أصحابنا عن ابنه أحمد عن أبيه بكتبه»^۵.

۱. همان، ص ۳۸۹، ح ۴۱۳.

۲. همان، ح ۲، ص ۶۵۷، ح ۱۳۶۲.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۵۳.

۴. طوسی، الرجال، ص ۳۲۹.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۵۳.

مراد از عده در طریق نامبرده، ابن نوح، ابن غضائری و ابن شاذان است که هر سه از مشایخ نجاشی^۱ و ثقه هستند.

طرق طوسی: طرق شیخ به کلینی در مشیخه التهذیب دوتا است:

۱. «و ما ذکرته عن محمد بن یحیی العطار فقد رویته بهذه الأسانید عن محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی العطار».^۲

به نظر می‌رسد این طریق، طریق شیخ به الکافی است؛ چراکه شیخ در آغاز مشیخه التهذیب، ابتدا طریق خود به کلینی را آورده،^۳ سپس در یکی از طرق خود به علی بن ابراهیم،^۴ محمد بن یحیی^۵ و ... چنین تعبیری آورده است: «رویته بهذه الأسانید عن محمد بن یعقوب عن» تکرار این تعبیر و پژوهش شبیری در منابع التهذیب^۶ ثابت می‌کند که طوسی به واسطه الکافی از آن‌ها نقل می‌کند؛ از این رو، این گونه طرق را بررسی نمی‌کنیم و طرق دیگر بررسی می‌شود.

۲. «اخبرنی به ایضا الحسن بن عبید الله و أبو الحسن بن أبی جید القمی جمیعاً عن أحمد بن محمد بن یحیی عن أبیه محمد بن یحیی العطار».^۷

راویان پیش‌تر همه بررسی شده‌اند و این طریق هم معتبر است.

۱. رحمان ستایش، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۶۳.

۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۳۳.

۳. همان، ص ۵-۲۹.

۴. همان، ص ۳۲.

۵. همان، ص ۳۳.

۶. شبیری، «مصادر الشیخ الطوسی فی کتابه تهذیب الاحکام»، علوم الحدیث، شماره ۶.

۷. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۴.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

محمد بن یحیی استاد کلینی است؛ از این رو، طریق کلینی به وی بی‌معناست. در اینجا تنها به چگونگی کشف منبع بودن کتاب‌های وی می‌پردازیم:

قاعدهٔ اضممار: بر اساس این قاعده در سندهایی مانند: «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد» و سند بعدی «عنه عن أحمد» منبع کتاب محمد بن یحیی است.^۱

قاعدهٔ تعلیق: این قاعده نیز در برخی موارد منبع بودن کتاب محمد بن یحیی را کشف کرده است. سندهایی مانند «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد» و بلافاصله سند بعدی آن که با «أحمد بن محمد» آغاز می‌شود، نشان می‌دهد که کتاب محمد منبع است.^۲

قاعدهٔ کتاب نداشتن مروی عنه: کتاب نداشتن مروی عنه و گاه ناشناخته بودن و آگاهی نداشتن از او نشان‌دهندهٔ منبع بودن اولین راوی است. برای نمونه، در سند «محمد بن یحیی عن محمد بن صندل عن یاسر عن الیسع بن حمزه»^۳ محمد بن صندل ناشناخته است؛ البته در این سند، دیگر راویان نیز کتابی ندارند و تنها مؤلف در این سند محمد بن یحیی است. سند «محمد بن یحیی عن علی بن الحسین الدقاق»^۴ نیز به همین منوال است. علی بن الحسین و راوی بعد از او هر دو بدون کتاب هستند.

۱. ببینید: کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۸۰، ح ۱۶۰۷ و ۱۶۰۸.

۲. برای نمونه ببینید: همان، ص ۲۹، ح ۱۴۶۲؛ ص ۳۰، ح ۱۴۶۳.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۲۱، ح ۲۹۵۶.

۴. همان، ص ۲۲۱، ح ۲۹۵۴.

قواعد تردید و حدیث ذیلی: تعبیرهایی مانند: «بعض اصحابنا»^۱ من ذکره،^۲ بعض اصحابه^۳ و فعل‌هایی مانند: «رفعه و رفعاه»^۴ نشان از ابهام پس از محمد دارد و این ابهام منبع بودن کتاب محمد بن یحیی را اثبات می‌کند.

در سندی آمده است: «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد او غیره»^۵ که از منبع بودن کتاب محمد بن یحیی حکایت دارد.

قاعده تکرار کم سند: سند «محمد بن یحیی عن محمد بن عبد الجبار» بیشتر از دوبار در الکافی نیامده است^۶ و این نشان می‌دهد که کتاب محمد بن یحیی منبع است؛ نه کتاب محمد بن عبد الجبار، هرچند ابن عبد الجبار خود کتاب دارد؛ اما کلینی به کتاب او طریق مشهوری دارد که در جای خود خواهد آمد.

قاعده حدیث ذیلی: در سندهایی که تنها یک طبقه، آن هم در طبقه مشایخ کلینی معلوم هستند، همان طبقه، مؤلف است؛ مانند: «الحسین بن محمد و محمد بن یحیی و غیرهما قالوا»^۷

قاعده تناسب محتوا: محتوای دو روایت محمد بن یحیی با نام کتاب وی؛ یعنی مقتل الحسین متناسب است. این دو روایت در الکافی چنین است:

۱. «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الوشاء؛ والحسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن أحمد بن عائذ، عن أبي خديجة: عن أبي عبد الله عليه السلام،

۱. همان، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۱۰۶۵؛ ص ۶۰۷، ح ۱۳۲۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۴۰، ح ۴۶۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۱۶۶؛ ص ۱۵۳، ح ۱۸۹؛ ج ۴، ص ۵۱۹، ح ۳۴۰۷ و ۳۴۰۸ (در سند این حدیث که «عنه عن محمد بن عیسی» است، ضمیر به «بعض اصحابه» بر می‌گردد و از آنجا که بعض نمی‌تواند مؤلف کتاب باشد باز محمد بن یحیی صاحب کتاب دانسته شده است).

۴. در اسنادی که راوی دیگری به محمد بن یحیی عطف شده؛ مانند: همان، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۳۵۰.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۹۳۱.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۵۶، ح ۱۹۰؛ ص ۵۵۹، ح ۶۰۵.

۷. همان، ج ۲، ص ۶۱۳، ح ۱۳۳۰.

جمع‌بندی

در این فصل هشت نفر از اساتید کلینی که کتاب‌هایشان منابع الکافی هستند، شناسایی شده‌اند. این اساتید عبارت‌اند از: احمد بن ادریس، حسین بن محمد اشعری، سعد بن عبدالله، علی بن ابراهیم، علّان کلینی، علی بن محمد بن عبدالله، محمد بن جعفر اسدی و محمد بن یحیی. در هر مورد پس از ذکر نام آثار، طرق فهارس به کتاب‌های ایشان معرفی و اعتبارسنجی شده‌اند. قواعد ویژه بازایی هر منبع و تعلق هر حدیث به کتاب نیز در انجام هر عنوان ذکر شده است.

فصل سوم: کتاب‌های اساتید اساتید

این فصل به تعیین منابع کتاب الکافی در طبقه اساتید اساتید وی اختصاص دارد. این فصل به دلیل بالا بودن تعداد منابع، بیشترین حجم را در میان سایر فصل‌ها دارد. این منابع مانند منابع فصل پیش، قطعی/اطمینانی هستند. ترتیب نام منابع بر اساس نام مؤلفان و الفبایی است.

کتاب ابراهیم بن اسحاق احمری

ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی (زنده در ۲۹۵هـ)^۱ را همه رجالیان به اتفاق ضعیف دانسته‌اند. نجاشی او را متهم^۲ و در حدیث ضعیف^۳ دانسته است. همین عبارت را طوسی تکرار کرده؛ هرچند طوسی کتاب‌های احمری را «قریبة من السداد» دانسته است.^۴ ابن غضائری علاوه بر ضعف در حدیث، «ارتفاع در مذهب» را به وی نسبت داده است. او به این انتساب بسنده نکرده و در ادامه در توصیف او گفته: «یروی الصحيح و السقیم، و أمره مختلط».^۵

۱. طوسی، الامالی، ص ۴۰۵.

۲. در متن: متهم است. طوسی «کان ... متهماً فی دینه» گفته است.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۹.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۶. نیز ببینید: طوسی، الرجال، ص ۴۱۴.

۵. طوسی، الرجال، ص ۳۹.

آثار احمري

نوشتارهای احمري در دو فهرست طوسی و نجاشی بدین شرح است:

نجاشی، طوسی: الصيام، المتعه، الدواجن، جواهر الاسرار، النوادر، الغیبه، مقتل الحسين علیه السلام

نجاشی: المآكل، الجنائز، العدد، نفی ابی ذر

طرق و اعتبارسنجی آنها

طرق نجاشی: طرق نجاشی دوتا است:

۱. «أخبرنا بها أبو القاسم علي بن شبل بن أسد قال: حدثنا أبو منصور ظفر بن حمدون

البادرائی بها قال: حدثنا أبو إسحاق إبراهيم بن إسحاق الأحمري بها»^۱.

ضمير «بها» به «بادرایا» ناحیه ای در نهروان، بر می گردد.^۲

علی بن شبل از مشایخ نجاشی است. ظفر بن حمدون از امامیه است. کتاب اخبار

ابی ذر او را نجاشی بر علی بن شبل قرائت کرده است.^۳ وی در سال ۳۴۷ هـ زنده بوده

است.^۴ طریق فی الجمله معتبر است.

۲. «قال أبو عبد الله بن شاذان: حدثنا علي بن حاتم قال: أطلق لي

أبو أحمد القاسم بن محمد الهمداني عن إبراهيم بن إسحاق، وسمع منه سنة تسع و

ستين و مائتين».

علی بن ابی سهل حاتم ثقه دانسته شده؛ هرچند از ضعفها هم نقل می کند.^۵ قاسم بن

محمد همدانی وکیل ناحیه بوده است.^۶ بر اساس وثاقت وکلا، طریق فی الجمله معتبر

است.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۹.

۲. حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۱۶.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۱۰.

۴. طوسی، الامالی، ص ۴۰۵.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۳.

۶. همان، ص ۳۴۴.

طریق طوسی: طوسی سه طریق را گزارش کرده است:

۱. «أخبرني بكتبه و رواياته أبو القاسم علي بن شبل بن أسد الوكيل، قال: أخبرنا بها أبو منصور ظفر بن حمدون بن شداد البادراني، قال: حدثنا إبراهيم بن إسحاق»^۱.
این طریق بررسی شد.

۲. «و أخبرنا بها أيضا الحسين بن عبيد الله، عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري، قال: حدثنا أبو سليمان أحمد بن نصر بن سعيد الباهلي المعروف بابن أبي هراسه، قال: حدثنا إبراهيم بجميع كتبه»^۲.

احمد بن نصر (م ۳۳۳ هـ) تلعلکبری از او سماع کرده و اجازه ای هم از وی دریافت کرده است. لقب پدر وی هوذه است.^۳ پیش‌تر سایر راویان هم بررسی شده‌اند. بنا بر وثاقت مشایخ اجازه، این طریق معتبر است.

۳. «و أخبرنا أبو الحسين ابن أبي جيد القمي، عن محمد بن الحسن ابن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن إبراهيم، بمقتل الحسين عليه السلام خاصة»^۴.

محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید (م ۳۴۳ هـ) شیخ، متقدم و وجه قمیان شمرده شده و در وصف او «ثقة ثقة مسكون إليه» آمده است.^۵
ابن ابی‌جید نیز از مشایخ نجاشی و ثقة است.

وثاقت محمد بن حسن صفار در ذیل نام خودش خواهد آمد.

پس همه راویان این طریق ثقة و این طریق معتبر است.

طریق مشیخه: «و ما ذكرته عن إبراهيم بن إسحاق الأحمری فقد أخبرني به الشيخ أبو عبد الله و الحسين بن عبيد الله عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري عن محمد

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۶.

۲. همان.

۳. طوسی، الرجال، ص ۴۰۹-۴۱۰.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۶.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۸۳؛ و ببینید: طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۴۲.

۶. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۲۲.

بن هوذة عن ابراهيم بن إسحاق الأحمري^۱.

گفته شد که هوذة، پدر احمد، معروف به ابن ابی هراسه است. با توجه به طریق دوم در الفهرست طوسی، نام وی در این طریق تصحیف شده و صحیح آن «احمد بن هوذة» است. به نظر می‌رسد این طریق با طریق شیخ در فهرست یکی است.

طرق کلینی: کلینی چهار طریق به کتاب/کتاب‌های احمري دارد. البته ممکن است برخی از طرق با بعضی یکسان باشند.

«الحسين بن الحسن الحسنی رفعه و محمد بن الحسن عن إبراهيم بن إسحاق الأحمري رفعه»^۲.

با توجه به طریق بعد که حسین بن حسن از ابراهيم نقل می‌کند، به نظر می‌رسد در این سند هم حسین بن حسن از ابراهيم نقل می‌کند. تنها مشکلی که باقی می‌ماند این است که فعل «رفعه» با نقل از ابراهيم نمی‌سازد. به نظر می‌رسد در این سند «رفعه» صحیح نیست و مصحف «رحمه» بوده است. در واقع، اصل این عبارت «رحمه الله» بوده، ولی ناسخ «الله» را ندیده و «رحمه» را «رفعه» خوانده است.

هیچ یک از دو نفری که از اسحاق روایت می‌کنند، در کتاب‌های رجالی نام برده نشده‌اند. بنابر ممدوح بودن مشایخ کلینی طریق معتبر است؛ ولی اگر این مبنا را نپذیریم نمی‌توان طریق را معتبر دانست. مشکل دیگر این است که این طریق با هیچ یک از طرق فهارس همخوان نیست.

«الحسين بن الحسن الحسنی^۳ و علی بن محمد بن عبدالله جميعاً عن إبراهيم بن إسحاق الأحمري»^۴.

علی بن محمد بن عبدالله بندار پیش از این بررسی شد و دانستیم که ثقة است؛ بنابراین این طریق معتبر است.

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ص ۷۹-۸۰.

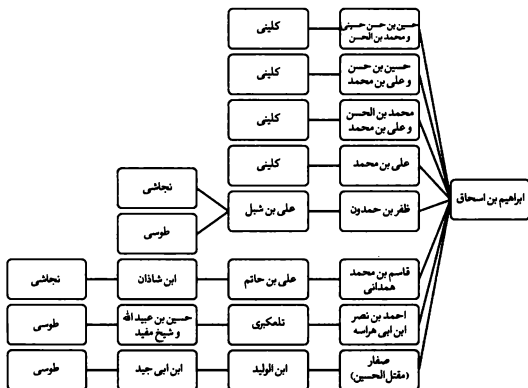
۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۷، ح ۷۸۰.

۳. همان، ص ۵۱۳، ح ۱۲۶۹.

«محمد بن الحسن و علی بن محمد بن بندار عن إبراهيم بن إسحاق»^۱ این طریق به دلیل حضور علی بن محمد معتبر است.

سند «علی بن محمد بن عبدالله عن إبراهيم بن إسحاق الأحمر» در واقع طریق به کتاب ابراهیم و معتبر است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قواعد کتاب نداشتن راوی و شبه عده: در سند «الحسین بن الحسن الحسنی رفعه و محمد بن الحسن عن ابراهیم إسحاق الأحمری رفعه»^۲ حسین بن حسن و محمد بن

۱. همان، ج ۳، ص ۶۱۲، ح ۲۳۱۸، ص ۶۱۵، ح ۲۳۲۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۷، ح ۷۸۰.

حسن طائی کتاب ندارند. افزون بر این، عطف این دو بر همدیگر سبب جریان قاعده «شبه عدّه» و دستیابی به منبع الکافی؛ یعنی کتاب احمری می‌شود.

قاعده شبه عدّه: با توجه به عطف علی بر حسین، قاعده شبه عدّه در دو سند ذیل جاری می‌شود:

۱. «الحسین بن الحسن الحسنی علیه السلام و علی بن محمد بن عبدالله جمیعاً عن ابراهیم بن إسحاق الأحمري».^۱

۲. «محمد بن الحسن و علی بن محمد بن بendar عن ابراهیم بن إسحاق».^۲

قاعده تناسب محتوا: سند «علی بن محمد بن عبدالله عن ابراهیم بن إسحاق الأحمر» که در واقع طریق به کتاب است، در یک مورد با مقتل الحسین تناسب محتوایی دارد؛^۳ البته به احتمال بسیار در سه حدیث دیگر^۴ هم کتاب ابراهیم منبع است؛ چراکه علی بن محمد در اسناد الکافی طریقی یکی از طرق به المحاسن است. در سایر جاها هم حتی برای یک بار هم دلیلی بر اخذ کلینی از کتاب وی یافت نشده است. در مورد سند مذکور هم با توجه به اینکه در یک مورد منبع مقتل الحسین است، به نظر می‌رسد بتوان سایر موارد را هم از کتاب ابراهیم شمرد.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
مقتل الحسین علیه السلام	۳۴۰۰، ۱۰۴۶، ۱۲۶۹
النوادر	۵۵۹، ۲۳۲۲، ۲۳۱۸، ۷۸۰، ۸

۱. همان، ص ۵۱۳، ۱۲۶۹.

۲. همان، ج ۳، ص ۶۱۲، ح ۲۳۱۸؛ ص ۶۱۵، ح ۲۳۲۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۱۰۴۶.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۸، ح ۸؛ ص ۵۲۹، ح ۵۵۹؛ ج ۴، ص ۵۱۲، ح ۳۴۰۰.

کتاب ابراهیم بن هاشم

ابواسحاق ابراهیم بن هاشم از راویان محوری در حدیث شیعه به‌ویژه در قم به شمار می‌رود. برخی وی را شاگرد یونس بن عبدالرحمان دانسته‌اند. این نظر مخالف هم دارد. گفته شده که او نخستین کسی است که احادیث کوفیان را در قم نشر داد.^۱ در ممدوح بودن و نداشتن جرح وی اتفاق وجود دارد و کم نیستند عالمانی که به وثاقت او و صحت احادیثش تصریح کرده‌اند.^۲ نجاشی و طوسی دو کتاب النوادر و قضایا امیرالمؤمنین (ع) را از او دانسته‌اند؛ هرچند کتاب‌های دیگری نیز داشته است؛^۳ اما نام آن‌ها معلوم نیست.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

عالمان شیعی پنج طریق به کتاب علی بن ابراهیم دارند که در ذیل درباره هر طریق و اعتبارسنجی آن‌ها سخن می‌گوییم:

طریق نجاشی: «أخبرنا محمد بن محمد بن محمد قال: حَدَّثَنَا الحسن بن حمزة الطبري قال: حَدَّثَنَا علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه إبراهيم».^۴
محمد بن محمد یا همان شیخ مفید^۵ و حسن بن حمزه^۶ و علی بن ابراهیم^۷ ثقه هستند؛ از این رو، طریق معتبر است.

طریق طوسی: «جماعة من أصحابنا، منهم الشيخ أبو عبد الله محمد بن محمد بن

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۶؛ طوسی فهرست کتب الشیعه، ص ۱۲. حسینی شیرازی در کتاب خود با عنوان ابراهیم بن هاشم این سخن را پس از بررسی تفصیلی نپذیرفته است.

۲. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۵، ص ۸۳-۹۵.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۲.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۶.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۴۴-۴۴۵.

۶. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۵۰.

۷. همان، ص ۲۶۰.

النعمان و أحمد بن عبدون و الحسين بن عبيد الله كلهم، عن الحسن بن حمزة بن علي بن عبد الله العلوي، عن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه^۱.
این طریق با طریق نجاشی تفاوتی ندارد، جز اینکه نجاشی شیخ مفید را در طبقه اساتید خود آورده، اما طوسی، شیخ مفید و سایر اساتید را ذکر کرده است؛ بنابراین طریق معتبر است.

طریق شیخ صدوق

۱. «رويته عن أبي؛ و محمد بن الحسن عليه السلام عن سعد بن عبد الله؛ و عبد الله بن جعفر الحميري جميعاً عن إبراهيم بن هاشم»^۲.
پیش از این همه راویان بررسی شده و ثقة هستند، جز حمیری که وثاقتش خواهد آمد، پس طریق معتبر است.

۲. «رويته عن محمد بن موسى بن المتوكل عليه السلام عن علي بن إبراهيم، عن أبيه إبراهيم بن هاشم»^۳.

محمد بن موسی بن المتوکل چنان که می دانیم از اساتید صدوق است که در روایت بر او بسیار اعتماد کرده است.^۴ اعتماد صدوق بر وی اماره وثاقت است؛ بنابراین طریق معتبر است.

طریق کلینی: «علی بن ابراهیم عن ابیه ابراهیم». این طریق هم معتبر است.

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۲.

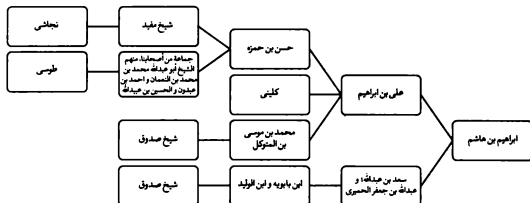
۲. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۲۱.

۳. همان.

۴. برای نمونه ببینید: صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۷، ص ۴۳۲، ص ۴۳۴ و ...؛ صدوق، الخصال.

ج ۲، ص ۵۳۱، ۶۵۰ و ...

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قواعد بازیابی کتاب ابراهیم بن هاشم بر اساس دو قاعده تعلیق و اضممار است.

قاعده تعلیق: در دو سند ذیل، سند دوم بر سند نخست تعلیق شده و کتاب ابراهیم

منبع است:

«علی بن ابراهیم عن أبيه عن ابن أبي عمير»؛

«ابن أبي عمير عن...»^۱.

قاعده اضممار: در سند دوم ذیل ضمیر به ابراهیم در سند نخست بر می‌گردد؛

از این رو، کتاب او منبع است:

«علی بن ابراهیم عن أبيه عن ابن أبي عمير»؛

«عنه عن ابن أبي عمير عن...»^۲.

باتوجه به اینکه ما جز نام دو کتاب ابراهیم از عنوان سایر کتاب‌های وی بی‌اطلاعییم. احتمالاً این احادیث از کتاب النوادر ابراهیم اخذ شده است؛ زیرا کتاب‌های نوادر احادیث متنوعی از جمله احادیث اخلاقی و مرتبط با قرآن را دربر می‌گرفته است و جالب اینکه احادیثی که با دو قاعده مذکور به دست آمده است، همه در کتاب الایمان

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۰۷-۲۰۸، ح ۱۶۵۴، ۱۶۵۵.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۰۳-۵۰۴، ح ۳۳۸۸، ۳۳۸۹.

و الکفر و کتاب فضل القرآن کتاب الکافی هستند.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
النوادر	۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۲۲۴۱، ۲۲۴۲، ۲۴۶۳، ۲۴۶۴، ۲۶۸۵، ۲۶۵۹، ۲۹۴۳، ۲۹۴۴، ۳۱۳۳، ۳۱۳۴، ۳۱۳۵، ۳۱۵۷، ۳۱۵۸، ۳۱۵۹، ۳۱۶۰، ۳۱۷۵، ۳۳۸۸، ۳۱۷۶، ۳۳۸۹، ۳۵۰۲، ۳۵۰۳، ۱۹۵۵، ۱۹۵۴، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۱۹۶۱، ۳۴۶۸، ۳۴۶۹.

کتاب احمد بن اسحاق اشعری

ابو علی، احمد بن اسحاق اشعری، بزرگ و پیشوای قمی ها و فردی ثقه بود. او از امام جواد و امام هادی علیه السلام روایت می کرد و از خاصان امام حسن عسکری علیه السلام بود. وی به دیدار امام عصر علیه السلام نیز نایل آمد^۱ و از جانب آن حضرت توقیعی در وثاقت احمد صادر شد.^۲

باید توجه داشت که احمد بن اسحاق دیگری هم وجود دارد که به رازی شناخته شده و سهل بن زیاد یک بار در الکافی از وی روایت کرده است.^۳

آثار احمد بن اسحاق

نجاشی و شیخ طوسی دو کتاب برای احمد بن اسحاق یاد کرده اند. هر دو مسائل الرجال لابی الحسن الثالث علیه السلام را نام برده اند؛ اما نجاشی نام کتاب دیگر را علل الصوم و شیخ علل الصلاة گفته است. به نظر می رسد در واقع این دو کتاب یکی باشند و یکی از

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۹۱؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۶۳؛ طوسی، الرجال، ص ۳۷۳ و ۳۹۷ و برای آگاهی از شرح حال وی ببینید: طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۷-۵۵۸؛ برقی، الرجال، ص ۵۶، ۵۹، ۶۰؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۴.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۴۱۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۷۱، ح ۳.

این دو نام مصحف دیگری باشد؛ چراکه صلاة در رسم الخط قدیم که همان خط کوفی است به صورت «صلوة» نوشت می‌شد؛ ازاین‌رو، به سبب شباهت صوم و صلوة احتمال تصحیف بعید نیست. مؤید دیگر برای اینکه این دو یکی هستند، نه دو کتاب، وصف «کبیر» است که در کلام شیخ و نجاشی برای هر دو کتاب آمده است.

ابن شهر آشوب در معالم العلماء - که در حقیقت فهرست شیخ را بدون ذکر طرق دربردارد، به همراه زیادتیه‌هایی از ابن شهر آشوب - از این کتاب به علل الصلاة یاد کرده است.^۱

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

در مجموع چهار طریق به احمد بن اسحاق داریم. دو طریق نجاشی، طریق شیخ طوسی و طریق کلینی.

ابتدا نجاشی گفته است که ابو الحسن علی بن عبد الواحد خمیری و احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری کتاب علل الصوم وی را دیده‌اند. سپس به کتاب‌های وی دو طریق را، که یکی اجازه‌ای است، ارائه می‌دهد:

۱. «قال أبو العباس أحمد بن علی بن نوح السیرافی، أخبرنا أحمد بن محمد بن یحیی العطار قال: حدّثنا سعد عنه».^۲

ابن نوح از مشایخ نجاشی^۳ و احمد بن محمد از مشایخ اجازه است.^۴ سعد هم ثقه است؛^۵ بنابراین طریق معتبر است.

۱. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۴.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۹۱.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۷، ص ۱۱۸.

۴. طوسی، الرجال، ص ۴۱۰.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۱۷۷، طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۱۵.

۲. «و أخبرنی إجازة أبو عبد الله القزوينی عن أحمد بن محمد بن یحیی عن سعد عنه بکتابه».^۱

ابوعبدالله محمد بن علی بن شاذان قزوینی از مشایخ نجاشی است. سایر راویان، احمد بن محمد بن یحیی^۲ و سعد بن عبدالله^۳ هم ثقة هستند؛ بنابراین طریق معتبر است.

طریق طوسی: شیخ طوسی نیز طریقی چنین ذکر می‌کند: «أخبرنا بهما الحسين بن عبيد الله و ابن أبي جید، عن أحمد بن محمد بن یحیی العطار [عن أبيه]، عن سعد بن عبدالله، عنه».^۴

در این طریق دو نکته قابل ذکر است: نخست اینکه «عن أبيه» که در برخی نسخه‌های فهرست شیخ آمده، اضافه است؛ چراکه احمد بن محمد بن یحیی بدون واسطه از سعد نقل می‌کند.^۵ دوم این که، بخش دوم این طریق با هر دو طریق نجاشی مشترک است. پیش از این همه راویان این طریق بررسی شده و ثقة هستند؛ بنابراین طریقی معتبر به شمار می‌رود.

طریق کلینی: طریق کلینی به احمد این گونه است: «الحسين بن محمد و محمد بن یحیی جميعاً عن أحمد بن إسحاق» و دانستیم که حسین بن محمد اشعری^۶ و محمد بن یحیی عطار^۷ هر دو ثقة هستند؛ پس طریق صحیح است و معتبر.

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۶۳.

۲. طوسی، الرجال، ص ۴۱۰.

۳. فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۷۷؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۱۵.

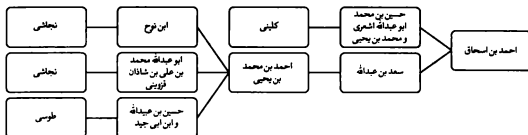
۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۶۳.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۹، ۹۱، ۱۴۹.

۶. همان، ص ۶۶.

۷. همان، ص ۳۵۳.

نمودار طرق



قاعدهٔ بازیابی

قاعدهٔ شبه عده: دو سند در بخش اصول الکافی داریم که بنابر قاعدهٔ شبه عده، منبع این دو کتاب احمد بن اسحاق است:

«الحسین بن محمد و محمد بن یحیی جمیعاً عن أحمد بن إسحاق»^۱

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
علل الصلاة / علل الصوم	۳۶۰
کتاب	۱۲۲۰

کتاب احمد بن محمد بن احمد عاصمی

ابو عبدالله احمد بن محمد کوفی عاصمی (زنده در نیمه دوم قرن سوم) در حدیث ثقه بوده است. کتاب‌هایی از جمله النجوم و موالید الأئمه و أعمارهم داشته است.^۲

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی: طریق نجاشی به کتاب‌های او این‌گونه است:

«أخبرنا أحمد بن علی بن نوح قال: حدّثنا الحسين بن علی بن سفیان عن العاصمی».^۳

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۳۶۰؛ ج ۲، ص ۴۶۲، ح ۱۲۲۰.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۹۳؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۶۷.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۹۳.

ابن نوح از مشایخ نجاشی است. حسین بن علی بن سفیان هم ثقة است؛^۱ بنابراین طریق نجاشی معتبر است.

طریق طوسی بدین نحو است: «أخبرنا به الشيخ أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان رحمته الله وأحمد بن عبدون، عن محمد بن أحمد بن الجنيد أبي علي، قال: حدثني العاصمي أحمد بن محمد».^۲

طریق طوسی هم معتبر است؛ زیرا اساتید طوسی، شیخ مفید^۳ و ابن عبدون، از بزرگان هستند. گفته شده که محمد بن احمد بن جنید اسکافی به قیاس قائل بوده است؛^۴ اما ثقة شمرده شده است.^۵

نمودار طرق



قاعده بازیابی

قاعده اهمال: در سند «أحمد بن محمد الكوفي عن ابراهيم بن الحسين»^۶ ابراهیم بن الحسین از نظر رجالی، مدح و ذمی ندارد؛ بنابراین کتاب احمد منبع است.

۱. همان، ص ۶۸.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۶۷.

۳. همان، ص ۴۴۴-۴۴۵.

۴. همان، ص ۳۹۲.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۸۵.

۶. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۳، ح ۲۶۷۰.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب	۲۶۷۰

کتاب احمد بن محمد بن خالد برقی

نسب احمد چنین است: احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی. یوسف بن عمر، محمد بن علی را کشت و عبدالرحمان همراه با خالد خردسال کوفه را ترک کرده، در برقرود قم مأوی گزید.^۱ به طور طبیعی محمد بن خالد و فرزندش احمد هر دو به قم رفت‌وآمد داشته و در این شهر دانش اندوختند. اخراج احمد از قم به وسیله احمد بن محمد بن عیسی^۲ و قمی دانسته شدن برقی^۳ از شواهد سکونت وی در شهر قم است. او در سال ۲۷۴ هـ / ۲۸۰ هـ درگذشت.

احمد حدیث را از پدرش، عثمان بن عیسی، محمد بن علی صیرفی، حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال و دیگر راویان فراگرفت. بعضی از آنان که از وی حدیث فراگرفتند، عبارت‌اند از: سعد بن عبدالله، علی بن حسین سعد آبادی، سهل بن زیاد و علی بن ابراهیم.^۴

رجالیان وی را ثقه دانسته، هرچند کثرت روایت از ضعف‌ها و اعتماد بر مراسیل را از ضعف‌های او برشمرده‌اند.^۵

آثار احمد

در عداد تألیفات وی المحاسن را نام برده‌اند. از تعبیر طوسی و نجاشی داشتن

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۷۶؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۵۱.

۲. حلی، خلاصة الاقوال، ص ۱۴.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۷.

۴. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۵۴-۵۶.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۵۱-۵۲؛ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۷۶-۷۷.

كتاب های دیگری غیر از المحاسن هم به صراحت استفاده می شود؛ اما هر دو کتاب های المحاسن را به تفصیل با برخی اختلافات نام برده اند. در فهرست ذیل عناوین کتاب های المحاسن را که زراری، نجاشی و طوسی در آثارشان ذکر کرده اند، می آوریم:

زراری، نجاشی، طوسی: السفر

زراری، طوسی: المکاسب

نجاشی و طوسی: التبلیغ و الرسالة (طوسی: الابلاغ)، التراحم و التعاطف، التبصره، الرفاهیه، الزی، الزینه، المرافق، المرشد، الصیانه، الفراهه، الحقائق، الإخوان، الخصائص، المأكل، مصابیح الظلم، المحبوبات، المكروهات، العویص (طوسی: التفویض (العویص/التعویص))، الثواب، العقاب، المعیشه، النساء، الطیب، العقوبات، أدب النفس، الطب، الطبقات (طوسی: طبقات الرجال)، المواعظ (طوسی: الزهد و المواعظ)، التحذیر، التهذیب، التحریف (طوسی: التخویف)، التسلیه، أدب المعاشره، مکارم الأخلاق، مذام الأخلاق، مذام الأفعال، المواهب (طوسی: المواهب و الحظوظ)، الحیاه (طوسی: الحیاه و هو کتاب النور و الرحمه)، الصفوه، علل الحدیث (طوسی: العلل)، معانی الحدیث و التحریف (طوسی: المعانی و التحریف)، تفسیر الحدیث (طوسی: تفسیر الأحادیث و أحكامه)، الفروق، الغرائب، العجائب، المنافع، الواجن و الرواجن، الشعر و الشعراء، التجوم، تعبیر الرؤیا (طوسی: التعمیر)، الزجر و الفال، السماء (خلق السماوات و الأرض)، الدعاء، ذکر الکعبه، الأجناس و الحیوان، أحادیث الجن و الإبلیس (طوسی: بدء خلق ابلیس و الجن)، فضل القرآن، کتاب الأوامر و الزواجر (طوسی: الزواجر)، کتاب ما خاطب الله به خلقه، الجمل، جداول الحکمه، الأشکال و القرائن، الریاضه، الأمثال، الأوائل، التاریخ، النحو، الأفانین، النوادر.

نجاشی: النجاه، المشارب، أفاضل الأعمال، أخص الأعمال، المساجد الأربعه، الرجال، الهدایه، المواعظ، مکارم الأفعال، الاحتجاج، اللطائف، المصالح، صوم الأيام، الأرضین، البلدان و المساحه، الأزاهیر، أحكام الأنبیاء و الرسل، الأنساب، أنساب الأمم، الأمثال، الأصفی، الروایه.

طوسی: المأثر و الأنساب، مغازی النبی ﷺ، المعارض، الشواهد من کتاب الله، السوم

(الشوم)، الأركان، اختلاف الحديث، الماء، الفهم، العقل، غريب كتب المحاسن، التأويل (دوبار آمده)، الإمتحان، العین، العیافه و القیافه، الطیر (طیره)، الحیل، ثواب القرآن، المتتخبات، الدعابة و المزاج (ظاهرا المزاج)، الترغیب، کتاب بنات النبی ﷺ و أزواجه، التیان، التهانى، التعازى.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طرق نجاشی: نجاشی دو طریق به المحاسن دارد:

۱. یک بار پس از ذکر کتاب‌های المحاسن فهرست این نام‌ها را به ابن بطه منتسب می‌کند؛ از این رو، طریق برقی به این کتاب‌ها فهرست ابن بطه بوده است.^۱ وی طریق خود به ابن بطه را ذکر نکرده؛ اما نجاشی در ترجمه ابن بطه دو طریق خود به او را چنین شناسانده است:

یک. «أخبرنا أبو العباس أحمد بن علی بن نوح قال: حدّثنا الحسن بن حمزة العلوی الطبری».

ابن نوح از اساتید نجاشی است که در اجازه‌ای کتبی، بسیاری از کتاب‌ها را به نجاشی اجازه داده است.^۲

حسن بن حمزه (م ۳۵۸ هـ) از بزرگان و فقیهان شیعه در عصر خود به شمار می‌رفته است.^۳

طریق نامبرده مورد اعتماد است.

دو. «قال أبو المفضل محمد بن عبدالله بن المظلب: حدّثنا محمد بن جعفر بن بطة».^۴

طوسی، ابوالفضل شیبانی، محمد بن عبدالله را پر روایت و خوش حافظه دانسته

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۷۶.

۲. همان، ص ۶۷، ص ۱۱۸.

۳. همان، ص ۶۵.

۴. همان، ص ۳۷۳.

است.^۱ او ابتدا «ثبت» بوده، سپس به «تخلیط» روی آورده است. بسیاری از بزرگان وی را تضعیف کرده‌اند. او آثار بسیاری دارد. نجاشی از روایت کردن از او پرهیز کرده است،^۲ مگر با واسطه ظاهراً دلیل اینکه در اینجا و برخی موارد دیگر^۳ فعل «قال» را به کار برده، همین است.

ابن بطه را در قم دارای مرتبتی بزرگ دانسته‌اند که ادب و فضل و دانشی بسیار داشته است. او در حدیث آسان‌گیر بوده و اسناد را با اجازات در هم می‌آمیخته است. ابن الولید وی را ضعیف و در آنچه اسناد می‌داده، مخلط شمرده است.^۴

این طریق به تنهایی با توجه به ایراد وارد به ابوالفضل و ابن بطه قابل اعتماد نیست. نجاشی سپس طریق دیگری را چنین آورده است:

«أخبرنا بجميع كتبه الحسين بن عبيد الله قال: حدثنا أحمد بن محمد أبو غالب الزراري، قال: حدثنا مؤدب علي بن الحسين السعدآبادي أبو الحسن القمي، قال: حدثنا أحمد بن أبي عبد الله بها».^۵

این طریق همان طریق ابوغالب زراری به دو کتاب السفر و المكاسب المحاسن است.^۶ نیز کلینی از طریق سعدآبادی روایت کرده؛ چراکه او در شمار عدّه کلینی از برقی است. این طریق معتبر است. بررسی و دلیل اعتبار آن به دلیل اشتراک با طرق دیگر خواهد آمد.

طرق طوسی: طرق چهارگانه طوسی به المحاسن چنین است:

۱. «أخبرني بهذه الكتب كلها، وجميع رواياته عدّة من أصحابنا، منهم:

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۱.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۹۶.

۳. همان، ص ۳۳۶، ۳۸۲، ۴۳۹.

۴. همان، ص ۳۷۳-۳۷۴.

۵. همان، ص ۷۷.

۶. زراری، رسالة ابی غالب الزراری، ص ۱۶۲.

الشیخ أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان و أبو عبدالله الحسين بن عبيد الله و أحمد بن عبدون و غیرهم، عن أحمد بن محمد بن سليمان الزراری، قال: حَدَّثَنَا مُؤَدَّبِي: علي بن الحسين السعدآبادی أبو الحسن القمي، قال: حَدَّثَنَا أحمد بن أبي عبدالله^۱. این طریق همان طریق ابو غالب زراری است که نجاشی نیز به واسطه ابن غضائری نقل کرده است.

شیخ مفید^۲، ابن غضائری، ابن عبدون هر سه از بزرگان شیعه در بغداد هستند. دو راوی دیگر؛ یعنی زراری^۳ و سعدآبادی هم ثقة هستند؛^۴ بنابراین این طریق، دارای اعتبار بالایی است.

۲. «و أخبرنا هؤلاء الثلاثة، عن الحسن بن حمزة العلوی الطبري، قال: حَدَّثَنَا أحمد بن عبدالله ابن بنت البرقي، قال: حَدَّثَنَا جدی أحمد بن محمد»^۵. این طریق با طریق کلینی به احمد یکی است.

شیخ مفید^۶، ابن غضائری و ابن عبدون از مشایخ بنام شیعه هستند. حسن بن حمزه علوی (م ۳۵۸ هـ) نیز از بزرگان و فقیهان شیعه و دارای آثار بسیاری است.^۷ این طریق نیز با توجه به حضور بزرگان، طریقی معتبر و مورد اعتناست.

۳. «و أخبرنا هؤلاء - إلا الشيخ أبا عبدالله - و غیرهم، عن أبي المفضل الشيباني، عن محمد بن جعفر بن بطة، عن أحمد بن أبي عبدالله، بجميع كتبه و رواياته»^۸. علی القاعده این طریق با طریق نجاشی به ابن بطه یکی است. راویان این طریق

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۴۴۴-۴۴۵.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸۴.

۴. در ص ۱۶۲ شواهد و مناقش خواهد آمد.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۵۴.

۶. همان، ص ۴۴۴-۴۴۵.

۷. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۴؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۳۵.

۸. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۵۴.

بررسی شدند؛ و ابوالفضل و ابن بطه هر دو سبب کاهش اعتبار این طریق هستند؛ البته همراهی طرق دیگر با این طریق می‌تواند این ضعف را جبران کند.

۴. «و أخبرنا بها ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن بن الوليد، عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن أبي عبدالله، بجميع كتبه و رواياته».^۱

ابن ابی جید، علی بن احمد قمی، از مشایخ اجازه نجاشی است. با توجه به وثاقت اساتید نجاشی می‌توان وی را ثقة دانست.

محمد بن الحسن بن احمد بن الولید (م ۳۴۳ هـ) شیخ، متقدم و وجه قمیان شمرده شده و در وصف او «ثقة ثقة مسكون اليه» آمده است.^۲

سعد بن عبدالله (م ۳۰۱ هـ/ ۲۹۹ هـ) فقیه، شیخ، وجه شیعیان،^۳ ثقة و جلیل‌القدر دانسته شده است. این طریق، از طرق پذیرفته شده نزد قمیان است که بغدادیان نیز بدان اعتنا کرده‌اند.

طریق صدوق: طریق صدوق به برقی هم چنین است: «و ما كان فيه عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي فقد رويته عن أبي؛ و محمد بن موسى بن المتوكل عليه السلام عن علي بن الحسين السعدآبادي، عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي».^۵

در این طریق، سعدآبادی راوی المحاسن است که در یکی از طرق نجاشی و طوسی نیز وی راوی المحاسن است.

ابن بابویه، پدر شیخ صدوق، از بزرگان شیعه است. محمد بن موسی بن المتوکل چنان‌که می‌دانیم از اساتید صدوق است که در روایت

۱. همان.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۸۳؛ ببینید: طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۴۲.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۷۷.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۱۵.

۵. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۸.

بر او بسیار اعتماد کرده است.^۱ دلیل نیامدن نام وی در فهرست کتب الشیعه و فهرست اسماء مصنفی الشیعه نداشتن کتاب است. اعتماد صدوق بر وی اماره وثاقت است. درباره وثاقت سعدآبادی سخن خواهیم گفت.

طریق صدوق به المحاسن از طرق قابل اعتماد است. این نکته نیز شایسته یادآوری است که صدوق در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه، المحاسن را از کتاب‌هایی می‌داند که دارای ویژگی «علیها المعول و إلیها المرجع» هستند.^۲

طریق زراری: ابو غالب زراری دو طریق به برقی دارد:

۱. زراری کتاب السفر المحاسن را از طریق عبدالله بن جعفر روایت کرده است.

عبدالله بن جعفر ثقه و شیخ قمیان بوده و آثار بسیاری تألیف کرده است.^۳

۲. همان طریق مشهور است که در فهرست‌های نجاشی و طوسی هم آمده است.^۴

طریق کلینی: کلینی چهار طریق به المحاسن دارد که عبارت‌اند از: عدّه من أصحابنا، احمد بن عبدالله، علی بن محمد بن عبدالله، علی بن ابراهیم. هر سه نفر نامبرده در عدّه هستند به اضافه سعدآبادی. «عدّه من أصحابنا» عبارت‌اند از: علی بن ابراهیم و علی بن محمد بن عبدالله بن اذینه و أحمد بن عبدالله بن أمّیه و علی بن الحسن.^۵

این افراد از نظر رجالیان چنین ارزیابی شده‌اند:

شیخ طوسی، احمد بن عبدالله را نوّه دختری برقی دانسته است. شوشتری تعبیر «ابن

۱. برای نمونه ببینید: صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۷، ۴۳۲، ۴۳۴ و ...؛ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۳۱، ۶۵۰ و ...

۲. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳-۴.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۱۹؛ ببینید: طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۹۴.

۴. زراری، رساله ابی غالب الزراری، ص ۱۶۲.

۵. با توجه به اینکه علی بن الحسین سعدآبادی راوی المحاسن است، در اینجا تصحیفی رخ داده و صحیح آن همان علی بن الحسین است.

۶. حلی، خلاصه الاقوال، ص ۲۷۲.

بنت البرقی «را اشتباه و صحیح آن را «ابن ابنه» دانسته است.^۱ در مدح یا قدح وی رجالیان سخنی ندارند و از آنجا که در فهرس به وی کتابی نسبت نداده‌اند، نپرداختن به وی در دو فهرست نجاشی و طوسی منطقی است. در واقع وی طریق کلینی به برقی است و خود هیچ کتابی ندارد.

علی بن محمد بن بندار

بارها کلینی از طریق وی از برقی روایت می‌کند. مقایسه اسناد الکافی با المحاسن ثابت می‌کند که کلینی احادیث را از المحاسن به واسطه علی بن محمد دریافت کرده است.^۲ به احتمال بسیار دلیل آمدن نام ایشان در این گونه اسناد و نیامدن نام سایر عدّه برقی، تفاوت نسخه او با سایر نسخه‌های المحاسن بوده است. علی بن محمد بن بندار همان علی بن محمد بن ابی القاسم عبدالله بن عمران برقی است. وی نوّه دختری برقی است که دانش را از او فراگرفت. از اوصاف اوست: ثقه، فاضل، ادیب و فقیه.^۳

علی بن حسین سعدآبادی

وی معلم ابو غالب زراری است که واسطه نقل کتاب‌های بسیاری است؛^۴ هر چند به دلیل نداشتن کتاب، شرح حالی از وی در فهرس نیست. اعتماد بزرگانی چون نجاشی، صدوق و کلینی از ثقه بودن وی نشان دارد.

علی بن ابراهیم از محدثان بنام و ثقه شیعی است که کلینی در الکافی بر او اعتماد کرده است. نجاشی او را به «ثقة فی الحديث، ثبت، معتمد» ستوده است.^۵

۱. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۵۹۱.

۲. مقایسه کنید میان اسناد الکافی، ج ۱۲، ص ۳۸۰، ح ۱۱۷۰۴ و المحاسن، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۳۰۴؛ الکافی، ج ۱۲، ص ۴۱۶، ح ۱۱۷۶۳، باب: فضل الإمام حسن ج ۲، ص ۹۴۸، ح ۴۰۹، باب: الإمام حسن و

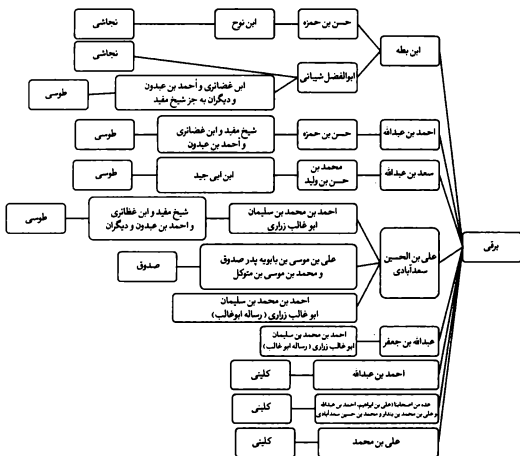
۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۱.

۴. ببینید: همان، ص ۷۷، ۲۴۸، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۶۳، ۳۶۵، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۲۹.

۵. همان، ص ۲۶۰.

بنابراین در «عده» کسانی هستند که به وثاقت آن‌ها تصریح شده و حضور برخی مانند علی بن ابراهیم نشان دهنده اعتبار المحاسن نزد بزرگان در قرن سوم است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قاعده عده من أصحابنا: بر اساس این قاعده هر جا در الکافی «عده من أصحابنا عن احمد بن محمد بن محمد بن خالد» آمده، منبع، المحاسن برقی است. در اینجا به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنیم:

حدیث و سند آن در الکافی:

«عده من أصحابنا، عن احمد بن محمد بن خالد، عن الحسن بن علی بن یقطين،

عن محمد بن سنان، عن أبي الجارود: عن أبي جعفر عليه السلام، قال: إنما يداق الله العباد في الحساب يوم القيامة على قدر ما آتاهم من العقول في الدنيا.^۱

حدیث و سند آن در المحاسن

«عنه عن الحسن بن علی بن یقطين عن محمد بن سنان عن أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام قال: إنما يداق الله العباد في الحساب يوم القيامة على قدر ما آتاهم من العقول في الدنيا»^۲.

قاعده حدیث ذیلی: در برخی اسناد الکافی پس از سندی که با «عده من أصحابنا» آغاز می شود، «فی حدیث آخر» آمده است که با توجه به مقایسه بین المحاسن و الکافی، این موارد هم از المحاسن اخذ شده است. برای نمونه در الکافی^۳ آمده است:

«عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقي، عن يعقوب بن يزيد، عن أبي عبد الله - رجل من أصحابنا - رفعه، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طلب العلم فريضة»؛

«و فی حدیث آخر، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طلب العلم فريضة على كل مسلم، ألا وإن الله يحب بغاة العلم».

دقیقاً همین حدیث با همین سند با عبارت «فی حدیث آخر» در المحاسن وجود دارد.^۴

قاعده اضممار: در الکافی دو حدیث با سند به برقی آمده است: اولی با عده و بعدی با ضمیر و ضمیر به مؤلف منبع، یعنی برقی برمی گردد:

«عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن ابن العزمي عن أبيه عن جابر الجعفي عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا أردت أن تعلم أن فيك خيراً فانظر إلى قلبك فإن كان

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۷، ح ۷، کتاب العقل والجهل.

۲. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۹۵، ح ۱۶، باب العقل.

۳. همان، ص ۳۰.

۴. همان، ص ۲۲۵.

يحب أهل طاعة الله و يبغض أهل معصيته ففیک خیر و الله یحبک و إن کان یبغض أهل طاعة الله و یحب أهل معصيته فلیس فیک خیر و الله یبغضک و المرء مع من أحب»؛

«عنه عن أبی علی الواسطی عن الحسین بن أبان عمّن ذکره عن أبی جعفر علیه السلام قال: لو أن رجلاً أحب رجلاً لله لأثابه الله علی حبه إياه و إن کان المحبوب فی علم الله من أهل النار و لو أن رجلاً أبغض رجلاً لله لأثابه الله علی بغضه إياه و إن کان المبغض فی علم الله من أهل الجنة»^۱

حدیث اول در باب الحب و البغض فی الله المحاسن است.^۲ حدیث دوم در المحاسن در همان باب، به فاصله ده حدیث آمده است با همین سند کافی.^۳

اسم اشاره ملحق به ضمیر: در فصل قواعد گفتیم که اسم اشاره هم به ضمیر ملحق می‌شود؛ از این رو، در این موارد می‌توان از اسم اشاره برای منبع‌یابی کمک گرفت، برای نمونه در کافی آمده است:

«عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه رفعه قال: اجتمعت اليهود إلى رأس الجالوت»؛

«و بهذا الإسناد عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن أبي الحسن الموصلي عن أبي عبد الله علیه السلام قال: جاء خبر من الأخبار إلى أمير المؤمنين علیه السلام ...»^۴

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۲۶-۱۲۷، باب الحب فی الله و البغض فی الله.

۲. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۳۳۱.

۳. همان، ص ۲۶۵، ح ۳۴۲.

۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۸۹.

۵. بنابر آنچه گذشت اسنادی که با «عدة من أصحابنا» آغاز می‌شود، طریق کلینی به المحاسن است؛ بنابراین حدیث مورد بحث هم چنین است. قاعدتاً حدیث دوم نیز از المحاسن اخذ شده است. این اخذ با سند صدوق به همین حدیث تقویت می‌شود. سند صدوق به این حدیث دقیقاً با طریق وی به برقی یکی است: «حدّثنا محمّد بن موسی بن المتوکّل رحمه الله قال حدّثنا علی بن الحسین الشّعبیّ عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن أبي الحسن الموصلي عن أبي عبد الله علیه السلام قال: جاء خبر من الأخبار إلى أمير المؤمنين علیه السلام ... (صدوق، التوحید، ص ۱۷۴).

قاعده تعلیق: در مواردی کلینی پس از آوردن طریق خود به برقی از «عده»، در سند حدیث بعد «عده» را انداخته و به نام برقی بسنده می‌کند. تعلیق بر برقی از منبع بودن المحاسن وی نشان دارد. نمونه را ببینید:

«عده من أصحابنا عن أحمد بن أبي عبدالله عن أبيه عن سعدان بن مسلم عن موسى بن بكر عن أبي الحسن موسى عليه السلام قال: فطرك أخاك الصائم أفضل من صيامك»^۱
 «أحمد بن محمد بن علي^۱ عن علي بن أسباط عن سيابة عن ضريس عن حمزة بن حرمان عن أبي عبدالله عليه السلام قال: كان علي بن الحسين عليه السلام إذا كان اليوم الذي يصوم فيه أمر بشاة فتذبح...»^۲

حدیث دوم بر حدیث اولی معلق است و دقیقاً این دو حدیث در المحاسن با همین سند به دنبال هم آمده است.^۳

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
المحاسن	۷، ۱۱، ۴۱، ۴۲، ۶۹، ۷۵، ۸۰، ۸۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۸۲، ۱۹۲، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۶، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۲۷، ۳۳۲، ۳۳۹، ۳۴۹، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۹۴، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۷، ۴۱۴، ۴۲۱، ۴۲۹، ۴۶۷، ۴۷۴، ۴۹۳، ۴۹۵، ۱۰۱۹، ۱۰۶۸، ۱۰۸۳، ۱۲۳۲، ۱۳۱۹، ۱۳۸۸، ۱۳۹۲، ۱۴۷۹، ۱۴۸۱، ۱۴۸۳، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۵۱۴، ۱۵۱۲، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۳۰، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۸، ۱۵۵۱، ۱۵۵۷، ۱۵۵۶، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۵، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۵، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۲۶، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۴۶، ۱۶۷۸، ۱۶۹۵، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۹، ۱۷۱۸، ۱۷۲۴، ۱۷۱۹، ۱۷۲۶، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۸، ۱۷۵۹، ۱۷۸۶، ۱۷۹۲، ۱۷۹۴، ۱۸۰۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۱۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۵۵، ۱۸۵۹، ۱۸۶۷، ۱۸۷۱

۱. صحیح این سند: «أحمد عن محمد بن علي» است.

۲. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۸۷.

۳. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۶.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طرق نجاشی: طرق نجاشی به کتاب‌های احمد سه گونه است. یک بار از دو استاد خود با هم روایت می‌کند و یک بار از استاد دیگری جدا، و بار سوم هم از استاد دیگرش به صورت وجاده. تفصیل این سه گونه چنین است:

۱. «أخبرنا بكتبه الشيخ أبو عبد الله الحسين بن عبيد الله و أبو عبد الله بن شاذان قالاً: حَدَّثَنَا أحمد بن محمد بن يحيى قال: حَدَّثَنَا سعد بن عبد الله عنه بها».^۱
در این طریق ابن غضائری و ابن شاذان با هم از احمد بن محمد کتاب اشعری را روایت می‌کنند.

ابو عبد الله بن شاذان، محمد بن علی بن شاذان قزوینی، از مشایخ اجازه نجاشی است که بارها از وی روایت کرده است.^۲

حسین بن عبيد الله غضائری استاد نجاشی است.^۳

احمد بن محمد بن يحيى از مشایخ اجازه است؛^۴ هر چند اعتماد نجاشی بر این طریق بدون اظهار نظری دال بر تضعیف، از مشکل نداشتن وی کاشف است.

سعد بن عبد الله (م ۳۰۱ هـ/ ۲۹۹ هـ) فقیه، شیخ، وجه شیعیان،^۵ ثقة و جلیل‌القدر دانسته شده است؛ بنابراین این طریق دارای اعتبار است.

۲. «و قال لی أبو العباس أحمد بن علی بن نوح: أخبرنا بها أبو الحسن بن داود عن محمد بن يعقوب عن علی بن إبراهيم و محمد بن يحيى و علی بن موسى بن جعفر و داود بن كورة و أحمد بن إدريس عن أحمد بن محمد بن عيسى بكتبه».^۶

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸۱-۸۲.

۲. همان، ص ۴۴۸.

۳. همان، ص ۶۹.

۴. طوسی، الرجال، ص ۴۱۰.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۷۷.

۶. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۱۵.

۷. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸۱-۸۲.

در واقع، این طریق همان طریق کلینی به واسطهٔ عدّه از اشعری است^۱ و کلینی بارها از این طریق از احمد نقل کرده است.

ابن نوح از اساتید نجاشی است که در اجازه‌ای کتبی، بسیاری از کتاب‌ها را به نجاشی اجازه داده است.^۲

محمد بن احمد بن داود، مکتبی به ابوالحسن (م ۳۶۸) شیخ الطائفه، فقیه و عالم دانسته شده است.^۳

علی بن ابراهیم از محدثان بنام و ثقه شیعی است که کلینی در الکافی بر او اعتماد کرده است. نجاشی او را به «ثقة فی الحديث، ثبت و معتمد» ستوده است.^۴

محمد بن یحیی ابوجعفر عطار قمی را نجاشی، با تعبیرهایی چون «شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة عین کثیر الحديث» ستوده است. نجاشی دو اثر او؛ یعنی مقتل الحسین (ع) و النوادر را نام برده است.^۵

علی بن موسی بن جعفر کمیزانی با توجه به نداشتن کتاب می‌بایست از مشایخ اجازه باشد و راوی کتاب احمد.

داود بن کوره ابوسلیمان قمی راوی از احمد بن محمد بن عیسی و استاد احمد بن محمد بن یحیی است. وی کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی را تبویب و نیز کتاب‌هایی تألیف کرده است.^۶ نقل فراوان کلینی از «عدّة من أصحابنا» که داود هم در آن حضور دارد نیز نقل از کلینی از وی در کنار بزرگانی چون علی بن ابراهیم و محمد بن

۱. نجاشی از کلینی نقل کرده است: «کل ما کان فی کتابی عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عیسی، فهم محمد بن یحیی و علی بن موسی الکمیزانی و داود بن کوره و أحمد بن إدريس و علی بن ابراهیم بن هاشم». (فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۷۸)؛ علامه حلی، عدّه احمد بن محمد بن عیسی اشعری را همین افرادی می‌داند که نجاشی در طریق خود به کلینی آورده است. ببینید: حلی، خلاصة الاقوال، ص ۴۳۰.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۷، ص ۱۱۸.

۳. همان، ص ۳۸۴.

۴. همان، ص ۲۶۰.

۵. همان، ص ۲۵۳.

۶. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۵۸؛ طوسی، الرجال، ص ۴۲۶؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۸۳.

یحیی کمینه از وثاقت وی در نقل روایات الکافی حکایت دارد.

احمد بن ادریس ابوعلی اشعری (م ۳۰۶ هـ) را فقیه، ثقه، صحیح الروایه و کثیر الحدیث دانسته‌اند.^۱

این طریق نیز دارای اعتبار است و از طرق مشهور کلینی نیز به شمار می‌رود.

۳. «قال ابن نوح: و رأيت له عند الديلمي كتاباً في الحج»^۲.

در واقع این طریق که وجاده است از وجود کتابی از اشعری در موضوع حج در نزد محمد بن وهبان دیلمی خبر می‌دهد. روشن است که ابن نوح از طریق دیلمی به اشعری گزارشی نمی‌دهد و این نشان می‌دهد که دیلمی به این کتاب طریقی نداشته است.

طرق شیخ طوسی: شیخ طوسی سه طریق به کتاب‌ها و روایات احمد بن محمد بن عیسی دارد. طرق وی چنین است:

۱. «أخبرنا بجميع كتبه و رواياته، عده من أصحابنا، منهم: الحسين بن عبيد الله و ابن أبي جید، عن العطار، عن أبيه، و سعد بن عبد الله، عنه»^۳.

طوسی این طریق و دو طریق دیگر را از گروهی از اساتیدش روایت می‌کند.

این طریق با طریق نخست نجاشی یکی است. هر دو در حسین بن عبیدالله غضائری مشترک هستند. تنها تفاوت یکی از اساتید نجاشی؛ یعنی ابن شاذان و استاد طوسی، ابن ابی جید است. ادامه طریق نیز هیچ تفاوتی ندارد.

با توجه به بررسی طریق در طریق نجاشی و توثیق ابن ابی جید در مدخل برقی به بررسی دوباره نیاز نیست و اعتبار اجمالی این طریق را می‌توان احراز کرد.

۲. «و أخبرنا عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد، عن أبيه، عن محمد بن الحسن الصفار و سعد جميعاً، عن أحمد بن محمد بن عيسى»^۴.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۹۲. طوسی، فهرست كتب الشيعة، ص ۶۴.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۸۱-۸۲.

۳. طوسی، فهرست كتب الشيعة، ص ۶۱.

۴. همان.

این طریق به نوادر غیر مبوّب اشعری است.

دو نفر از این عده در طریق بالا بررسی شدند. شیخ مفید نیز جزء همین عده است؛ بنابراین وثاقت عده اثبات می شود.^۱

احمد بن محمد بن الحسن بن ولید نیز از مشایخ اجازه است که رجالیان مشهور وی را توثیق و برخی نیز تضعیف کرده اند.^۲ اعتماد نجاشی به این طریق بدون یادکرد ایرادی بر آن می تواند مشعر به توثیق وی باشد. نقل عالمانی چون شیخ مفید خود قرینه دیگری بر وثاقت اوست.

وثاقت محمد بن الحسن بن ولید و سعد بن عبدالله پیش از این آمد. محمد بن حسن صفار نیز از ثقات و عالمان امامی است؛^۳ بنابراین طریق معتبر است.

۳. «و روی ابن الولید المبوّبة، عن محمد بن یحیی و الحسن بن محمد ابن اسماعیل، عن أحمد بن محمد».^۴

با توجه به اینکه داود بن کوره نوادر احمد را تبویب کرده است و در طریق نجاشی و کلینی به احمد به واسطه عده، داود بن کوره حضور دارد، بعید نیست که این طریق شیخ با طریق نجاشی و کلینی یکسان باشد. این یکسانی ما را به این نتیجه می رساند که کلینی نوادر مبوّب را در دست داشته است.

نکته دیگر اینکه با توجه به تأخر داود بن کوره از احمد بن محمد بن عیسی و تبویب نوادر احمد به وسیله او، قاعدتاً می بایست نام داود در طریق شیخ طوسی می آمد. ازاین رو، حدس می زنیم که ابن الولید به دلیل دسترسی اش به اصل نوادر غیر مبوّب و یکی بودن آن با مبوّب، از آوردن نام داود هنگام ذکر طریق خود به نوادر مبوّب پرهیز کرده است.

۱. رحمان ستایش، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۲۲۱.

۲. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۴۴.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۵۴.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۶۱.

به نظر می‌رسد این طریق معلق بر طریق پیشین باشد؛ از این رو، مرسل نیست. تنها شخص بررسی نشده این طریق حسن بن محمد است. ظاهراً وی توثیقی ندارد، اما به دلیل عطف بر محمد بن یحیی و وثاقت محمد، طریق مزبور معتبر است.

طریق شیخ صدوق: این طریق را شیخ به واسطه ابن الولید نقل می‌کند.

«و ما كان فيه عن احمد بن محمد بن عيسى الأشعري - رضى الله عنه - فقد رويته عن أبي؛ و محمد بن الحسن - رضى الله عنهما - عن سعد بن عبدالله؛ و عبدالله بن جعفر الحميري جميعاً عن أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري»^۱.

این طریق با طریق نجاشی از جهت ابن الولید به نوادر غیر مبنی بر اشعری مشترکاتی دارد. البته در طریق مورد بحث، پدر شیخ صدوق، علی بن موسی بن بابویه، به ابن الولید عطف شده؛ ولی در طریق نجاشی ابن الولید تنها بوده است. به هر حال، ابن بابویه در مدخل برقی بحث شد که ثقه است.

نیز در طریق نجاشی، راویان از احمد، محمد بن حسن صفار و سعد بودند؛ اما در اینجا سعد و عبدالله بن جعفر هستند. سعد و عبدالله بن جعفر هر دو ثقه هستند و پیش از این درباره آن بحث شد. حاصل سخن آنکه طریق مورد نظر اعتبار دارد. اما ابوغالب زراری به دسترسی خود به نوادر احمد بسنده کرده و به طریق خود به آن کتاب هیچ اشارتی ندارد.^۲

طرق کلینی: بر اساس بررسی‌های بالا در طرق اشعری، وضعیت این شش طریق نیز به طور خلاصه چنین است:

۱. «عَدَّة من أصحابنا عن أحمد»، معتبر است.
۲. «محمد بن یحیی و علی بن ابراهیم عن أحمد بن محمد»، معتبر است.
۳. «أحمد بن إدريس و محمد بن یحیی عن أحمد»، معتبر است.

۱. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۳۰.

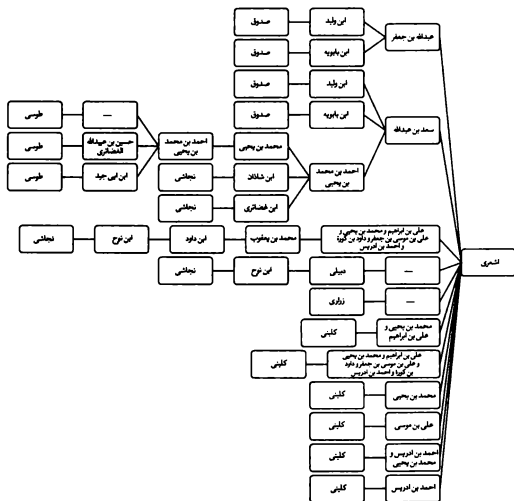
۲. زراری، رساله ابی غالب الزراری، ص ۱۸۰.

۴. «علی بن موسی عن أحمد»، بدون همراه شدن علی بن موسی با راویانی که در «عده» هستند، به تنهایی معتبر نیست.

۵. «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی»، معتبر است.

۶. «أحمد بن إدريس عن أحمد بن محمد بن عيسى»، معتبر است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قاعدهٔ عدّه: بر اساس قاعدهٔ «عدّه»، فردی که پس از «عدّه من أصحابنا»^۱ قرار گرفته صاحب کتاب است. از این رو، هر جا در الکافی احمد بن محمد بن عیسی پس از عدّه قرار گرفته، در واقع نقل کلینی از کتاب اوست. یک مثال از این دست اسناد را ذکر می‌کنیم:

«عدّه من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن محمد عن الحسين بن سعيد»^۲.

قواعد تناسب محتوا و شبه عدّه: در سند «محمد بن یحیی و علی بن ابراهیم عن أحمد بن محمد» بر اساس قاعدهٔ شبه عدّه کتاب احمد منبع است. با توجه به اینکه در عدّه کلینی از احمد، محمد بن یحیی و علی بن ابراهیم حضور دارند، ظاهراً این سند هم با سند «عدّه» یکسان است و کتاب احمد، منبع است. این حدیث هم در کتاب التوحید الکافی^۳ آمده است و به گمان قوی از کتاب التوحید احمد اخذ شده است.

قاعدهٔ اضمار: بسیار می‌شود سند پس از سند «عدّه من أصحابنا» مضمّر است. در اضمار، مرجع ضمیر به اسناد «عدّه» ای بر می‌گردد و مرجع ضمیر مؤلف کتاب است که در اینجا اشعری است. مثال ذیل را ببینید:

«عدّه من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن محمد بن عیسی عن الحسين بن سعيد عنه عن الحسن بن محبوب»^۴.

قاعدهٔ تعلیق: یک نمونه از سند معلق را ذکر می‌کنیم. در سند ذیل، کتاب احمد، منبع است؛ چراکه سند دوم معلق بر سند نخست است:

«عدّه من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن محمد بن الحسين بن سعيد أحمد بن محمد عن

۱. و در برخی موارد «جماعة من أصحابنا»؛ مانند: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱، ح ۱۵.

۲. همان، ص ۵۳۲، ح ۵۶۵.

۳. همان، ص ۳۹۱، ح ۴۱۶، باب الاستطاعة.

۴. همان، ج ۴، ص ۸۸، ح ۲۷۶۹؛ ص ۸۹، ح ۲۷۷۰.

الحسین بن سعید»^۱.

سند وجاده ای دیگری هم در الکافی وجود دارد که بر اساس قاعده تعلیق، از کتاب احمد گرفته شده است. سند حدیث چنین است: «ابن فضال عن عبدالله بن المغیره»^۲. هیچ سندی پیش از این حدیث نیست که این حدیث معلق بر آن باشد؛ اما بر اساس قاعده تعلیق، علی القاعده می بایست حدیث از کتاب ابن فضال گرفته شده باشد.

این احتمال موجه است؛ هرچند در سند دیگری با حدیثی در موضوع حج با این احتمال معارض است. حدیث با سندش چنین است: «عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عیسی عن ابن فضال عن عبدالله بن المغیره عن إسحاق بن عمار عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «من أدرك المشعر الحرام...»^۳ بنابر قاعده عده این حدیث از کتاب احمد بن محمد بن عیسی گرفته شده است. شاهد دیگر بر اخذ این حدیث از کتاب احمد این است که احمد کتابی در موضوع حج دارد و احتمالاً این حدیث از همان کتاب است. به هر حال، این حدیث با سندش شاهی بر این است که حدیث مورد بحث معلق است، اما در واقع از کتاب احمد اخذ شده است.

قاعده کتاب نداشتن راوی: به دلیل کتاب نداشتن علی بن موسی بن جعفر کمیزانی و قرار گرفتن او در عده احمد، قاعدتاً می بایست کتاب اشعری منبع و این طریق با طریق «عده» یکی باشد. حدیث علی بن موسی در کتاب الحجه آمده است^۴ و با عنوان نوادر سازگارتر است؛ هرچند ممکن است حدیث از کتاب دیگری اخذ شده و طوسی و نجاشی عنوان آن را نیآورده اند.

قواعد تناسب محتوا و اضممار: کلینی در کتاب التوحید دو سند پیاپی را چنین آورده

است:

۱. همان، ج ۱، ص ۵۲۳، ح ۵۵۰؛ ص ۵۲۴، ح ۵۵۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۹۳۵.

۳. همان، ج ۹، ص ۶۴، ح ۷۷۸۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۴۷۴، ح ۵۱۱.

«أحمد بن إدريس عن أحمد بن محمد بن عيسى»
«و عنه عن أحمد بن إسحاق»^۱.

بر اساس قاعده اضممار، منبع کلینی کتاب احمد بن محمد است. با توجه به اینکه احمد کتاب التوحید دارد، به احتمال بسیار این حدیث از همان کتاب گرفته شده است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
التوحید	۳۴۶، ۳۴۷، ۳۷۶، ۴۳۰، ۴۲۷، ۲۶۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۲۶۳، ۲۶۴، ۴۱۶.
نوادیر	۱۵، ۱۵۷، ۱۷۲، ۱۹۱، ۴۶۵، ۶۱۶، ۹۰۳، ۱۰۵۶، ۱۰۶۷، ۱۴۵۲، ۴۳۸، ۴۵۱، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۰۵، ۵۱۰، ۵۳۰، ۵۴۴، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۵، ۵۹۴، ۶۲۴، ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۴۳۹، ۶۶۲، ۶۶۵، ۶۷۹، ۶۸۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۶، ۷۰۷، ۷۱۰، ۷۱۹، ۷۷۱، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۱۸، ۸۲۵، ۸۳۶، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۵۱، ۹۵۸، ۹۶۴، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۸۲، ۹۹۵، ۱۰۰۹، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۱، ۱۰۴۵، ۱۰۴۹، ۱۰۵۸، ۱۰۶۶، ۱۰۸۲، ۱۰۸۸، ۱۱۰۹، ۱۱۲۳، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۵۲، ۱۱۶۷، ۱۱۷۳، ۱۲۱۶، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۴۷، ۱۲۵۳، ۱۲۵۶، ۱۲۶۱، ۱۲۶۶، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۹۱، ۱۲۹۴، ۱۴۱۱، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۲۷۶۹، ۲۷۷۰، ۲۷۷۱، ۳۰۶۸، ۲۰۰۷، ۳۴۳۸، ۲۰۰۸، ۱۵۶۹، ۱۵۶۸، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۳۴۶۵، ۳۴۶۶، ۳۴۶۷، ۵۱۱.
التاسخ والمنسوخ	۱۹۴.
فضل النبی ﷺ	۴۴۱، ۴۷۵، ۵۵۰، ۵۸۴، ۵۸۸، ۱۱۹۷، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۱۱.

کتاب احمد بن هلال

احمد بن هلال ابو جعفر عبرتانی (۱۸۰ هـ - ۲۶۷ هـ) از روایان حدیث امامیه است. وی

۱. همان، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲۶۳ و ح ۲۶۴، باب فی ابطال الرؤیه.

را غالی و متهم در دین دانسته‌اند.^۱ نجاشی او را «صالح الروایة يعرف منها و ينكر» خوانده که از طرف امام عسکری علیه السلام احادیثی در ذمّ وی وارد شده است.^۲ نظر ابن غضائری توقف در حدیث اوست، مگر آنچه از مشیخه حسن بن محبوب و نوادر ابن ابی عمیر روایت می‌کند.^۳ این نظر ابن غضائری، منظور نجاشی از «صالح الروایة يعرف منها و ينكر» را روشن می‌کند؛ چراکه او در نقل نسخ اصحاب، ثقه است؛ اما باید دقت کرد که نسخه‌های روایت شده چه وضعیتی دارند. اگر مشیخه حسن بن محبوب یا نوادر ابن ابی عمیر باشد، بدان اعتماد می‌شود و اگر از غالیان باشد، قابل اعتماد نیست. نجاشی دو کتاب یوم و لیل و نوادر را از او می‌داند. طوسی صرفاً وی را راوی بیشتر اصول اصحاب شمرده است. زراری هم مجلسی را از ابن هلال روایت کرده است.^۴

طریق و اعتبارسنجی آن‌ها

چهار طریق به آثار احمد بن هلال داریم: دو طریق نجاشی، طریق زراری و طریق کلینی.

طریق نجاشی: نجاشی طریقی به نوادر دارد و طریق دیگری به یوم و لیل.

طریق نجاشی به نوادر: طریق نجاشی به نوادر چنین است: «أخبرني بال نوادر أبو عبدالله بن شاذان عن أحمد بن محمد بن يحيى، عن عبدالله بن جعفر عنه به».^۵ این طریق معتبر است.

طریق دیگر نجاشی: طریق به یوم و لیل هم این گونه است: «و أخبرني أحمد بن محمد بن موسى ابن الجندی قال: حدّثنا ابن همام قال: حدّثنا عبدالله بن العلاء المذارى عنه بكتاب يوم و ليلة».^۶

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۸۳؛ طوسی، الرجال، ص ۳۸۴.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸۳؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۵.

۳. ابن غضائری، الرجال، ص ۱۱۲.

۴. زراری، رسالة ابی غالب الزراری، ص ۱۶۵.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸۳.

۶. همان.

دربارهٔ طریق دوم باید گفت که ابن الجندی از مشایخ نجاشی است. ابن همام ثقه است. عبدالله بن علاء مزاری نیز ثقه است.^۱ بنابراین طریق به کتاب یوم و لیل هم معتبر است.

طریق زراری: طریق زراری که مجلسی^۲ از اوست، بدین نحو است: «مجلس لابن هلال حدّثنی به جدّی رحمه الله عن أحمد بن هلال»،
جد ابوغالب زراری، محمد بن سلیمان است.^۳

این طریق، معتبر است؛ چراکه محمد بن سلیمان ثقه است.^۴
طریق کلینی: کلینی هم با این طریق از احمد روایت می‌کند: «الحسین بن أحمد عن أحمد بن هلال».

راوی کلینی از ابن هلال، حسین بن احمد است. وی حسین بن احمد بن عبدالله بن وهب مالکی معروف به اسدی، ساکن بغداد است.^۵ در مدح و جرح وی چیزی گفته نشده است. علی بن بابویه، پدر صدوق، از وی روایت کرده است.^۶ این طریق مانند طرق نجاشی و زراری نیست و اعتبار چندانی ندارد.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۱۹.

۲. احتمالاً این کتاب شبیه کتاب‌های امالی بوده است. (این نکته را از استاد بزرگوار سید محمدکاظم طباطبایی استفاده کردم).

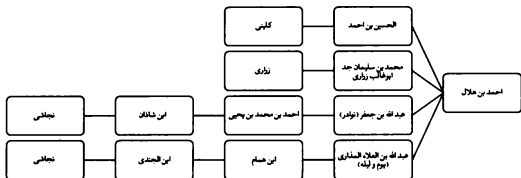
۳. زراری، رسالة ابی غالب الزراری، ص ۱۶۹.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۷.

۵. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۴.

۶. صدوق، هیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۳.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قاعده کتاب نداشتن راوی: از آنجا که از حسین بن احمد هیچ کتابی گزارش نشده است، بنابراین روایت مورد بحث از کتاب احمد بن هلال گرفته شده است. روایت در «باب فی الغیبه» قرار دارد.^۱ جالب این است که در پایان حدیث کلینی از احمد بن هلال نقل کرده است: «قال أحمد بن هلال: سمعت هذا الحديث منذ ست و خمسين سنة». اگر وی این سخن را در سال آخر عمرش؛ یعنی سال ۲۶۷ هـ در کتابش ثبت کرده باشد، این حدیث مربوط به سال ۲۱۱ هـ است. به عبارت دیگر، زمان سماع این حدیث نیم قرن پیش از ولادت امام علی (ع) است و نکته دیگر این است که احمد بن هلال این حدیث را از عثمان بن عیسی روایت می‌کند. در حالی که همین حدیث را احمد بن محمد بن عیسی از عثمان نقل می‌کند و این نشان می‌دهد که ابن هلال در نقل این حدیث راستی پیشه کرده است. انجام سخن اینکه، احتمالاً این حدیث با توجه به محتوا از نوادر احمد گرفته شده؛ زیرا این محتوا با عنوان یوم و لیل سازگار نیست.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
نوادر	۹۱۹

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۹۱۹.

کتاب اسحاق بن محمد نخعی

اسحاق بن محمد نخعی (زنده در نیمه دوم قرن سوم) از شاگردان علی بن محمد علّان کلینی^۱ و محمد بن جعفر اسدی^۲ است. نجاشی وی را «معدن تخریط» و کتاب‌هایش را درباره تخریط می‌داند.^۳ کشی او را متهم دانسته^۴ و عیاشی او را غالی شمرده است. از ادامه کلام عیاشی برمی‌آید که او، هم احادیث غلوآمیز درباره تفویض و هم احادیثی از ثقات در دست داشته و هر دوگونه را در اختیار می‌گذاشته است.^۵ این سخن عیاشی معنای انتساب تخریط به اسحاق را روشن می‌کند. اوصافی که ابن غضائری بدو نسبت داده نیز با کلام عیاشی معنادار می‌شود. ابن غضائری درباره او گفته است:

«فاسد المذهب، کذاب فی الروایة، وضاع للحديث لا يلتفت إلى ما رواه، ولا يرتفع بحديثه».^۶

نجاشی دو کتاب مجالس هشام و کتاب أخبار السید را از او دانسته است.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی: طریق نجاشی چنین است:

«أخبرنا محمد بن محمد قال: حدّثنا محمد بن سالم الجعابی عن الجرّمي عن إسحاق».^۷

ابوبکر محمد بن عمر بن محمد بن سالم جعابی از حافظان و ناقدان حدیث و اجلاء

۱. همان، ص ۱۱۸، ح ۸۵۹.

۲. همان، ص ۱۸۱، ح ۹۲۵.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۷۳.

۴. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۱۸.

۵. همان، ص ۵۳۱.

۶. ابن غضائری، الرجال، ص ۴۱.

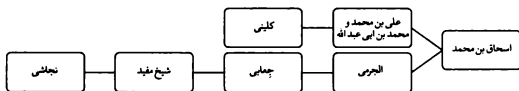
۷. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۷۳.

اهل علم شمرده شده است.^۱

جرمی، علی بن الحسن طائی، معروف به طاطری است. او را ثقه دانسته‌اند؛ هرچند واقفی بوده است.^۲ گفته شده او کتاب‌های فقهی خود را از راویان ثقه روایت می‌کرده است.^۳

طریق کلینی: کلینی نیز طریقی این‌گونه دارد: «علی بن محمد عن إسحاق بن محمد».^۴ البته احتمال دارد این طریق با طریق ذیل یکی باشد: «محمد بن أبی عبدالله و علی بن محمد عن إسحاق بن محمد».^۵

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قاعدهٔ تناسب محتوا: با قواعد بازیابی احادیثی از اسحاق بن محمد دست می‌یابیم که همهٔ آن‌ها دربارهٔ امام ابو محمد حسن عسکری علیه السلام است. در برخی از این احادیث نیز تعبیر «سید» برای امام به کار رفته است.^۶ کتاب اسحاق نخعی هم اخبار السید نام دارد. این شواهد اثبات می‌کند که این احادیث از کتاب نامبرده دریافت شده است؛ بنابراین قاعدهٔ تناسب محتوا در همهٔ احادیث جریان دارد.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۹۴؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۲۴.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۵۴.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۷۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۸۵۸.

۵. همان، ص ۱۸۱، ح ۹۲۵.

۶. همان، ص ۶۳۵، ح ۱۳۴۵؛ ص ۶۳۹، ح ۱۳۵۰.

قاعده شبه عده: در سند «محمد بن أبی عبدالله و علی بن محمد عن إسحاق بن محمد»^۱ به دلیل عطف دو راوی اول، قاعده شبه عده، ما را به منبع الکافی؛ یعنی کتاب اسحاق می‌رساند.

قاعده تعلیق: در دو حدیث ذیل، اسحاق در حدیث دوم بر سند حدیث دوم تعلیق شده است؛ بنابراین کتاب او منبع است:

«محمد بن أبی عبدالله و علی بن محمد عن إسحاق بن محمد إسحاق»^۲.

دو نکته

نکته نخست: در میان احادیث اسحاق بن محمد در الکافی احادیث ۸۵۸-۸۶۱ که در «باب الإشارة والنص علی أبی محمد (علیه السلام)» خبر از امامت امام عسکری (علیه السلام) است. حدیث‌های ۸۶۰، ۸۶۱، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ مکاتبه‌ای هستند. در واقع از ۱۸ حدیث، نه روایت مکاتبه‌ای بوده و این نشان می‌دهد که مکاتبات میان امام و شیعیان از منابع کتاب‌های حدیثی بوده است.

نکته دوم: نیز حدیث‌های ۸۵۹، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ همه اخبار امام از غیب است؛ به عبارت دیگر از ۱۸ حدیث، ۱۵ عدد آن خبر دادن از غیب است.

حدیث شماره ۴۰۱ که درباره جبر و اختیار و با سند «علی بن محمد، عن سهل بن زیاد و إسحاق بن محمد و غیرهما رفعوه» نقل شده به احتمال بسیار از کتاب علی بن محمد علان کلینی است که پیش از این بدان پرداختیم.

۱. همان، ص ۱۸۱، ح ۹۲۵.

۲. همان، ص ۶۲۹-۶۴۰، ح ۱۳۳۸-۱۳۵۱.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
أخبار السيد	۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۹۲۵.

کتاب جعفر بن محمد بن مالک

نجاشی جعفر بن محمد بن مالک فزاری (زنده در نیمه دوم قرن سوم) را در حدیث ضعیف خوانده است؛ از این رو، از روایت دو استاد خود؛ یعنی ابن همام و ابوغالب زراری از وی در شگفت است. ابن غضائری، فزاری را واضع حدیث، راوی از مجاهیل و جامع همهٔ عیب‌های راویان ضعیف دانسته است.^۱ اما طوسی وی را ثقه می‌داند؛ هرچند ضعف وی را از برخی نقل کرده است. نیز نوشته است که او در مولد قائم علیه السلام أخبار شگفت‌انگیزی نقل کرده است.^۲ از عبارت طوسی برمی‌آید که ضعف متوجه مبانی حدیثی جعفر است و با عبارت «روی فی مولد القائم أعاجیب» ریشهٔ تضعیف را روشن کرده است؛ ولی شخصی جعفر را ثقه می‌داند.

آثار جعفر بن محمد

نجاشی سه کتاب را از او می‌داند: کتاب غرر الأخبار، و کتاب أخبار الأئمة و موالیدهم علیهم السلام، و کتاب الفتن والملاحم. طوسی نوادر جعفر،^۳ و زراری نوشتاری با این ویژگی را نام برده است: «جزء صغير من حدیث جعفر بن محمد بن مالک».^۴

طرق و اعتبار آن‌ها

طریق نجاشی: نجاشی دو طریق خود را چنین گزارش کرده است:

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۲۲؛ ابن غضائری، الرجال، ص ۴۸.

۲. طوسی، الرجال، ص ۴۱۸.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۱۱.

۴. زراری، رسالة ابی غالب الزراری، ص ۱۷۲.

۱. «أخبرنا عدّة من أصحابنا عن أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع، عن محمد بن همام عنه بكتبه».^۱

این عدّه عبارت‌اند از: ابن نوح، ابن عبدون و حسین بن عبیدالله غضائری^۲ و این طبقه در طریق مذکور معتبر است. احمد بن ابراهیم نیز ثقه است.^۳ محمد بن همام هم به تصریح نجاشی ثقه است و همین گفتار نجاشی در مورد عدم نقل مشایخی چون ابن همام از ضعیف، مبنای توثیق مشایخ نجاشی قرار گرفته است. به هر حال طریق به کتاب‌های فزاری معتبر است.

۲. «و أخبرنا أبو الحسين بن الجندی عن محمد بن همام عنه».^۴

ابن الجندی، احمد بن محمد بن عمران، استاد نجاشی است. ابن همام هم ثقه است؛ بنابراین طریق معتبر است.

طریق طوسی: شیخ طوسی طریق خود به نوادر جعفر را این‌گونه آورده است: «أخبرنا به جماعة من أصحابنا، عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري، عن أبي علي بن همام، عن جعفر بن محمد بن مالك».^۵

جماعت عبارت‌اند از: حسین بن عبیدالله غضائری^۶، شیخ مفید، احمد بن عبدون و دیگر اساتید وی.^۷

می‌بینیم که این طریق در راوی از جعفر با طریق نجاشی مشترک است. همه راویان این طریق پیش‌تر بررسی شده و همه ثقه هستند.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۲۲.

۲. همان، ص ۶۱.

۳. همان، ص ۸۴.

۴. همان، ص ۱۲۲.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۱۱.

۶. همان، ص ۱۶.

۷. همان، ص ۱۰۹.

ابو غالب زراری هم از جعفر، «جزء صغیر» را روایت کرده است^۱ که این طریق با جلالت قدر زراری اعتبار دارد.

طرق کلینی: کلینی در ظاهر شش طریق به جعفر دارد که به نظر می‌رسد برخی از طرق را بتوان با بعضی یکی دانست.

۱. «محمد بن یحیی و الحسین بن محمد عن جعفر بن محمد»؛

۲. «الحسین بن محمد و غیره عن جعفر بن محمد».

ظاهراً این طریق با طریق اول یکی است.

۳. «عده من أصحابنا عن جعفر بن محمد».

این عده معلوم نیستند؛ اما با توجه به دو طریق بالا به احتمال بسیار محمد بن یحیی و حسین بن محمد جزء همین عده هستند.

بنابراین به نظر می‌رسد سه طریق «محمد بن یحیی و الحسین بن محمد عن جعفر بن محمد»^۲ و «الحسین بن محمد و غیره عن جعفر بن محمد»^۳ و «عده من أصحابنا عن جعفر بن محمد»^۴ یکی هستند. با توجه به وثاقت محمد بن یحیی و حسین بن محمد، اعتبار این طریق اثبات می‌شود.

۴. «الحسین بن محمد عن جعفر بن محمد».

طریق معتبر است.

۵. «محمد بن یحیی عن جعفر بن محمد».

طریق معتبر است.

۶. «علی بن محمد عن جعفر بن محمد».

طریق معتبر است.

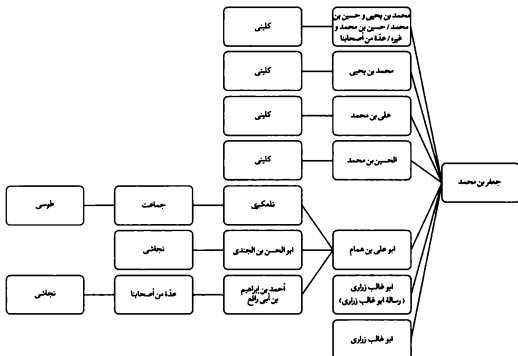
۱. زراری، رسالة ابی غالب الزراری، ص ۱۷۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۹۷، ح ۷۴۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۹۱۶.

۴. همان، ص ۱۳۶، ح ۸۸۶.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قاعدهٔ عده: بر اساس قاعده عده در سند «عده من اصحابنا عن جعفر بن محمد»، کتاب جعفر منبع کافی است.

قاعدهٔ شبه عده: در سند ذیل، به دلیل عطف حسین بن محمد بر محمد بن یحیی براساس قاعدهٔ شبه عده، کتاب جعفر منبع است: «محمد بن یحیی و الحسین بن محمد عن جعفر بن محمد».

قاعدهٔ تناسب محتوا: محتوای دو حدیث ذیل با کتاب اخبار الأئمه و موالیدهم علیه السلام همخوان است:

«الحسین بن محمد عن جعفر بن محمد»^۱؛

«محمد بن یحیی عن جعفر بن محمد»^۲.

۱. همان، ص ۱۵۴، ح ۹۰۲؛ ص ۲۴۴، ح ۹۴۷.

۲. همان، ص ۱۵۰، ح ۸۹۶.

احادیث با سند مذکور همه با حضرت ولی عصر و غیبت ایشان مرتبط است؛ بنابراین از همین کتاب اخبار الأئمه جعفر اخذ شده‌اند.

قواعد اضمار و تناسب محتوا: در سندهای ذیل دو قاعده اعمال شده است:

«علی بن محمد عن جعفر بن محمد»؛

«عنه عن بشار»؛

«و عنه عن موسی بن جعفر»^۱.

ضمیر در این دو حدیث اخیر به جعفر بر می‌گردد. محتوای هر سه حدیث با اخبار الأئمه همخوان است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
اخبار الأئمه و موالیدهم	۹۰۲، ۹۴۷، ۷۴۲، ۸۹۱، ۹۱۶، ۹۴۹، ۹۵۰، ۸۹۶، ۸۹۹، ۹۲۱، ۱۰۸۵، ۸۵، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۹۴۷، ۸۸۶.

کتاب حسن بن علی کوفی

نجاشی حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره کوفی (زنده در نیمه دوم قرن سوم) را دوبار «ثقه» خوانده است. نجاشی او را دارای کتاب نوادر^۲ و طوسی او را صاحب کتاب دانسته است.^۳

طریق و اعتبارسنجی آن‌ها

در مجموع چهار طریق از نجاشی، طوسی، صدوق و کلینی به کتاب حسن بن علی وجود دارد:

۱. همان، ص ۱۱۳-۱۱۴، ح ۸۵۱-۸۵۳.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۲.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۲۸-۱۲۹.

طریق نجاشی: طریق نجاشی چنین است: «أخبرنا محمد بن محمد و غيره عن الحسن بن حمزة، عن ابن بطة، عن البرقي عنه به»^۱.

همه راویان این طریق پیش از این بررسی شده‌اند. ابن بطه مشکل این طریق است؛ هرچند نقل نجاشی از چند استاد خویش، مانند شیخ مفید سبب قوت این طریق است، به نظر می‌رسد این طریق معتبر باشد.

طریق طوسی: طریق طوسی در فهرست این است: «أخبرنا به الحسين بن عبيد الله، عن أحمد بن محمد بن يحيى، عن أبيه، عن محمد بن علي بن محبوب، عن الحسن بن علي بن عبد الله»^۲.

محمد بن علی بن محبوب ثقه است.^۳ دیگر راویان هم بررسی شده‌اند. جُز احمد بن محمد که از مشایخ اجازه است، سایر افراد همه ثقه هستند. به نظر می‌رسد طریق مذکور اجمالاً اعتبار دارد.

طریق صدوق: صدوق نیز دسترسی خود به روایات حسن بن علی را چنین گزارش کرده است: «و ما كان فيه عن الحسن بن علي الكوفي فقد روته عن أبي الله عن علي بن الحسن بن علي الكوفي، عن أبيه؛ وروته عن جعفر بن علي بن الحسن الكوفي، عن جدّه الحسن بن علي الكوفي»^۴.

طریق صدوق با دو واسطه است: یک بار از طریق پدرش ابن بابویه است که طریق معتبری است. بار دیگر از طریق جعفر فرزند حسن بن علی است. جعفر از مشایخ صدوق و مشایخ اجازه است؛ بنابراین اگر وی را ثقه بدانیم، طریق مذکور هم معتبر است.

طریق کلینی: طریق کلینی عبارت است از: «أحمد بن إدريس و محمد بن يحيى عن

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۲.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۹.

۴. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۶.

الحسن بن علی الکوفی^۱.^۱ طریق دیگری هم وجود دارد با این تعبیر «أبوعلی الأشعری و غیره عن الحسن بن علی الکوفی»^۲ که به نظر می‌رسد با طریق قبل یکسان است.

شایسته است در اینجا یکی از فواید بازیابی منابع الکافی را با نمونه‌ای بازگو کنیم. این فایده در همه منابع جریان دارد؛ اما به دلیل اهمیت حدیثی که در ادامه می‌آید، این فایده را در اینجا آوردیم:

غالب خاورشناسان بر این باورند که تاریخ اندیشه به زمان منابع مکتوب آن باز می‌گردد. این باور هرچند اشکالاتی دارد؛ اما می‌توان بر پایه همان باور تاریخ اندیشه‌های اسلامی را به آن‌ها نشان داده، با شناخت منابع مکتوب، کتاب تاریخ اندیشه به زمانی جلوتر از کتاب موجود خواهد رفت.^۳ به عنوان مثال اتان کلبرگ، باور شیعی وجود دو غیبت صغری و کبری برای امام زمان را اندیشه‌ای مربوط به کلینی دانسته است. او این انگاره شیعی را تنها در زمان کلینی می‌پذیرد که پیش از آن در میان شیعه وجود نداشته است.^۴ با بازیابی منابع کتاب الکافی و منابع منابع الکافی می‌توان ثابت کرد که این باور به زمانی قدیم‌تر بر می‌گردد. این حدیث را ببینید:

«محمد بن یحیی و أحمد بن إدريس عن الحسن بن علی الکوفی عن علی بن حسان عن عمّه عبد الرحمن بن کثیر عن مفضل بن عمر قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: لصاحب هذا الأمر غيبتان إحداهما يرجع منها إلى أهله والأخرى يقال هلك في أي واد سلك. قلت: كيف نضنع إذا كان كذلك. قال: إذا ادعاه مدع فاسألوه عن أشياء يجيب فيها مثله».

عبدالرحمان بن کثیر هاشمی کتابی دارد که علی بن حسان راوی آن است.^۵ علی بن

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۲۹، ح ۶۵۴.

۲. همان، ج ۴، ص ۶۷۰، ح ۳۵۹۱.

۳. عمادی حائری، بازسازی متون کهن حدیث شیعه، ص ۳۸۲.

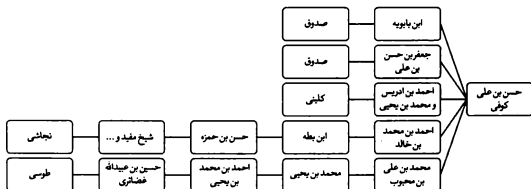
۴. کلبرگ، اتان، «امامیه تا اثنا عشریه»، ص ۲۰۳، فصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات دانشگاه امام صادق عليه السلام،

شماره ۲، ۱۳۷۴.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۳۱۱.

حسان نیز محتوای کتاب خود را از عبدالرحمان گرفته است. همچنین حسن بن علی راوی کتاب علی بن حسان است.^۱ بر اساس قاعده شبه عده، منبع الکافی، کتاب حسن بن علی است؛ بنابراین حسن بن علی حدیث مذکور را از کتاب عبدالرحمان به طور مستقیم یا از کتاب علی بن حسان گرفته و علی از کتاب عبدالرحمان گرفته کرده است. از طرف دیگر، عبدالرحمان راوی از امام صادق علیه السلام بوده،^۲ امام کاظم علیه السلام را درک نکرده است.^۳ پس عبدالرحمان قبل از سال ۱۴۸ هـ، سال شهادت امام صادق علیه السلام از دنیا رفته است؛ بنابراین اندیشه دو غیبت داشتن امام قائم علیه السلام به نیمه نخست قرن دوم برمی‌گردد.

نمودار طرق



قاعده بازبایی

قاعده شبه عده: طرق کلینی عبارت است از: «أحمد بن إدريس و محمد بن يحيى عن الحسن بن علي الكوفي»^۴ و «أبو علي الأشعري وغيره عن الحسن بن علي الكوفي»^۵

۱. همان، ص ۲۸۶.

۲. صدوق، الامالی، ص ۵۷۰.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۵۱-۴۵۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۲۸.

۵. همان، ج ۱، ص ۶۲۹، ح ۶۵۴.

۶. همان، ج ۴، ص ۶۷۰، ح ۳۵۹۱.

که به نظر می‌رسد با طریق قبل یکسان است. به هر حال، قاعده شبه عده به دلیل عطف نام یکی از اساتید بر دیگری در اینجا جریان دارد.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب/نوادیر	۹۱۰، ۱۱۹۱، ۱۰۳۵، ۳۵۹۱، ۶۵۴.

کتاب حسن بن محمد بن جمهور

حسن بن محمد بن جمهور عَمّی اهل بصره (زنده در حدود ۲۵۰هـ) است. او را ثقه شمرده‌اند؛ هرچند از ضعف‌ها روایت و بر مراسیل اعتماد می‌کند، او را اوثق و اصلح از پدرش دانسته‌اند. تنها کتاب او الواحده است.^۱

طریق و اعتبارسنجی آن‌ها

دو طریق به کتاب ابن جمهور وجود دارد؛ یکی طریق نجاشی و دیگری طریق کلینی. طریق نجاشی: طریق نجاشی چنین است: «أخبرنا أحمد بن عبد الواحد و غيره عن أبي طالب الأنباري عن الحسن بالواحدة».^۲

احمد بن عبد الواحد همان ابن عبدون بوده و از مشایخ نجاشی است. ابوطالب انباری، عبیدالله بن ابی زید بن یعقوب، از عالمان ثقه و از بزرگان اصحاب است؛^۳ بنابراین طریق معتبر است.

طریق کلینی: طریق کلینی «بعض أصحابنا عن ابن جمهور» است که اگر مقصود از این بعض، علی بن محمد علّان کلینی باشد،^۴ طریق معتبر است.

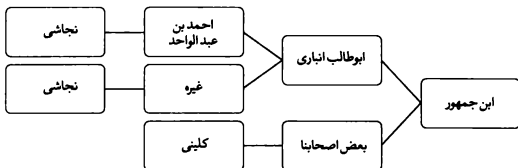
۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۲.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۳۲.

۴. دلیل این احتمال را در ص ۸۴ آوردیم.

نمودار طرق



قاعدهٔ بازیابی

قاعدهٔ ابهام راوی: بر اساس قاعدهٔ ابهام راوی در سند «بعض اصحابنا عن ابن جمهور»،^۱ کتاب ابن جمهور منبع است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
الراحده	۱۲۱۵، ۱۲۸۲.

کتاب سهل بن زیاد

سهل بن زیاد ابو سعید آدمی رازی از راویان و مؤلفان حدیثی در نیمه دوم قرن سوم است. او در سال ۲۵۵ هـ با امام عسکری علیه السلام مکاتبه کرد. احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را به غلو و کذب متهم کرد و همین اتهام سبب شد او را از قم به ری تبعید کند. نجاشی دو کتاب با عنوان النوادر والتوحید را از او دانسته است.^۲ طوسی نیز او را دارای کتاب می‌داند.^۳ نجاشی سهل را در حدیث، ضعیف و غیر قابل اعتماد شمرده و طوسی در الفهرست او را ضعیف وصف کرده است. ابن غضائری هم او را ضعیف، فاسد

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۵۷، ح ۱۲۱۵؛ ص ۵۲۹، ح ۱۲۸۲.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۸۵.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۲۸.

الروایة والدين، و راوی مراسیل و معتمد بر مجاہیل توصیف کرده است؛^۱ اما طوسی در رجال او را ثقه می‌داند.^۲ این دوگانگی منشأ اختلاف متأخران نیز شده است.^۳

از مجموع عبارت‌های رجالیان بر می‌آید که سهل بن زیاد در مبانی حدیثی ضعیف بوده است. اعتماد او بر مراسیل و مجاہیل از جمله ویژگی‌های مذموم اوست. این مبناي حدیثی با عدم وثاقت ملازمه‌ای ندارد. مجلسی نیز ضعیف بودن در حدیث را به معنای «یروی عن کل أحد» می‌داند.^۴ وی به غلو و کذب نیز متهم است، هرچند ظاهراً عطف این دو به همدیگر در اینجا و در موارد دیگر،^۵ تفسیری است. به نظر می‌رسد غالی‌پنداشتن او به دلیل روایت احادیثی است که از نظر بزرگانی مانند نجاشی غلو شمرده می‌شده است.^۶ با این حال، اگر بخواهیم با نجاشی و دیگر بزرگانی که سهل را ضعیف می‌دانند همدلی کنیم، این ضعف را در روایات فضائل امامت، آن هم در مواردی که شاهد ندارد، می‌پذیریم؛ زیرا غلو مربوط به عقاید است. از این رو، در روایات اخلاقی و عبادی و معاملی پذیرفتنی نیست و اعتماد بر روایات وی در این موضوعات با توجه به نقل‌های فراوان محدثانی چون کلینی قابل قبول است؛ مگر اینکه غالیان را در ضبط حدیث آسان‌گیر بدانیم که در این صورت می‌بایست در مواجهه با روایات سهل بیشتر دقت کنیم.

۱. طوسی، الرجال، ص ۶۷.

۲. همان، ص ۳۸۷.

۳. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۳۳۹.

۴. مجلسی، روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۵۵.

۵. مسجدی، دراسة فی «بخیرة» سهل بن زیاد و روایاته، ص ۲۸-۲۶.

۶. برای نمونه ببینید: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۸۰، ح ۵۲۲. جالب این است که همین حدیث با سندی کاملاً متفاوت روایت شده است. این سند را کلینی دقیقاً پس از حدیث ۵۲۲ می‌آورد؛ بدین صورت: «محمد بن یحیی عن العمري عن علي بن جعفر...».

طریق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی: نجاشی طریق خود به آثار سهل را به تفکیک کتاب‌های سهل آورده است.

طریق به التوحید سهل را این‌گونه گزارش کرده است: «رواه أبو الحسن العباس بن أحمد بن الفضل بن محمد الهاشمی الصالحی عن أبيه عن أبي سعيد الآدمی»^۱. عباس بن احمد فردی ناشناخته است که هیچ اطلاعی از او در دست نیست و تنها جایی که نامی از او یافت شده همین جاست. پدر وی احمد بن الفضل نیز مهمل است. دانستیم که دسترسی نجاشی به عباس بن احمد نیز مرسل است؛ بنابراین، این طریق اعتباری ندارد.

طریق به النوادر سهل چنین است: «أخبرناه محمد بن محمد قال: حَدَّثَنَا جعفر بن محمد، عن محمد بن يعقوب قال: حَدَّثَنَا علي بن محمد، عن سهل بن زياد، ورواه عنه جماعة»^۲.

در این طریق علی بن محمد آمده است. نام وی در عده سهل بن زیاد هم وجود دارد. به نظر می‌رسد عبارت: «و رواه عنه جماعة» به عده کلینی از سهل ناظر است.^۳ این عده عبارت‌اند از: علی بن محمد بن علان، محمد بن ابی عبدالله، محمد بن الحسن و محمد ابن عقیل کلینی.^۴

طریق طوسی: اعتبارسنجی طریق طوسی چنین است:

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۸۵.

۲. همان.

۳. نجاشی پس از طریق به نوادر بلافاصله می‌نویسد: «و رواه عنه جماعة» در مورد این جمله دو احتمال وجود دارد. نخست اینکه نجاشی به نحو وجاده النوادر را روایت می‌کند و راویان آن جماعتی هستند. دیگر آنکه این قولویه دو طریق به النوادر دارد: یکی از طریق علی بن محمد و دیگر از طریق جماعت. بنابر احتمال اول، طریق مرسل است؛ اما جماعت به حدس قوی همان عده کلینی از سهل است. بر اساس احتمال دوم طریق متصل است و جماعت هم همان عده کلینی از سهل است.

۴. حلی، خلاصة الاقوال، ص ۴۳۰.

محمد بن محمد، شیخ مفید است.

جعفر بن محمد ابوالقاسم معروف به ابن قولویه استاد شیخ مفید در فقه است. وی از بزرگان شیعه در قرن چهارم به شمار می‌رود.^۱

علی بن محمد همان علان کلینی است. نجاشی وی را ثقه و عین گفته است.^۲ وی جزء عدّه کلینی از سهل بن زیاد است؛ بنابراین این طریق با طریق نجاشی یکسان و معتبر است.

طرق طوسی: طوسی دو طریق به کتاب سهل دارد:

۱. «أخبرنا ابن أبي جید، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد بن یحیی، عن سهل».^۳

ابن ابی جید، محمد بن حسن بن الولید، محمد بن یحیی ثقه هستند.^۴
محمد بن احمد بن یحیی، صاحب نوادر الحکمه را در حدیث ثقه دانسته‌اند؛ هرچند ابن الولید از روایات نوادر الحکمه مواردی را استثنا کرده است. از مواردی که استثنا شده، احادیثی است که محمد از سهل بن زیاد روایت کرده.^۵ جالب است که ابن الولید که خود روایات محمد از سهل را استثنا کرده، کتاب سهل را از طریق همین محمد با یک واسطه روایت کرده و هیچ ایرادی به این طریق از وی گزارش نشده است.
به هر حال، این طریق معتبر است.

۲. «و رواه محمد بن الحسن بن الولید، عن سعد و الحمیری، عن أحمد ابن أبي عبد الله، عن سهل بن زیاد».^۶

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۲۳.

۲. همان، ص ۲۶۰.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۲۸.

۴. وثاقت این سه را پیش از این ذکر کردیم.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۸؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۸-۴۱۰.

۶. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۲۸.

این طریق مرسل است؛ چراکه طوسی مستقیم از ابن الولید نقل نمی‌کند؛ هرچند بعید نیست واسطه میان نجاشی و ابن الولید، ابن ابی جید باشد که در طریق اول همین‌گونه است.

همه افراد این طریق از ثقات هستند. بر فرض عدم پذیرش ارسال، طریق ذکر شده، معتبر است.

طرق کلینی: در مجموع طرق کلینی به سهل عبارت است از:

۱. «عَدَّة من أصحابنا عن سهل»

۲. «محمد بن الحسن و غیره عن سهل»

۳. «محمد بن ابی عبدالله و غیره عن سهل»

۴. «محمد بن الحسن عن سهل»

به نظر می‌رسد دو طریق «محمد بن ابی عبدالله و غیره» و «محمد بن الحسن و غیره» در واقع هر دو همان طریق عَدَّه هستند. هرچند احتمال دارد، طریق محمد بن الحسن به تنهایی نیز جزء همین عَدَّه باشد، اما در نمودار، این طریق را جدا ذکر می‌کنیم؛ چون هنوز دلیل کافی در دست نیست:

«عَدَّة من أصحابنا عن سهل»

این عَدَّه عبارت‌اند از: علی بن محمد بن علّان، محمد بن ابی عبدالله، محمد بن الحسن و محمد بن عقیل کلینی.^۱

علی بن محمد علّان کلینی ثقة است.

محمد بن ابی عبدالله همان محمد بن جعفر اسدی بود و وی ثقة است.^۲

محمد بن الحسن، همان طائی رازی که استاد کلینی است. او راوی کتاب جراذینی

۱. حلی، خلاصه الاقوال، ص ۴۳۰.

۲. نجاشی، فهرست اسماء معصفا الشیعه، ص ۳۱۲.

است.^۱ اطلاع دیگری درباره او نداریم.

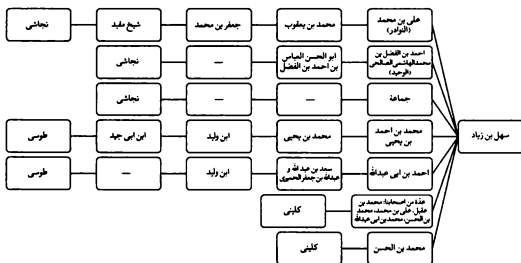
محمد بن عقیل کلینی مهمل است و اطلاعی درباره او نداریم.

در مجموع با توجه به حضور دو ثقة؛ یعنی اسدی و علّان، این طریق معتبر است؛ مگر اینکه محمد بن عقیل و طائی را از باب مشایخ اجازه ثقه بدانیم که در این صورت همه افراد این عده ثقه هستند.

«محمد بن الحسن عن سهل».

در این طریق هم وثاقت محمد بن الحسن بر فرض اثبات وثاقت مشایخ اجازه است. البته در مورد این فرد باید اندکی تأمل کرد؛ چراکه اطلاع ما درباره وی بسیار کم است و نمی‌توان وی را در عداد مشایخی چون احمد بن محمد بن یحیی^۲ قرار داد.

نمودار طرق



قواعد بازایی

قاعده عده: بر اساس قاعده عده، کتاب سهل و ظاهراً نوادر وی منبع است:

۱. همان، ص ۲۵۵.

۲. طوسی، الرجال، ص ۴۱۰.

«عده من أصحابنا عن سهل بن زیاد»^۱.

قاعده شبه عده: در اسناد ذیل به دلیل عطف، منبع، کتاب سهل است:

«محمد بن الحسن و غیره عن سهل»^۲؛

«محمد بن ابی عبدالله و غیره عن سهل»^۳.

نکته: طبق قاعده شبه عده سندهایی مانند «محمد بن الحسن و علی بن محمد عن سهل» و «علی بن محمد و غیره عن سهل» از کتاب سهل گرفته شده است؛ اما با توجه به قاعده تناسب محتوا و حتی گاه قاعده دیگر، منبع بودن کتاب سهل به تنهایی مورد تردید است و کتاب علی بن محمد علان کلینی نیز منبع است. تفصیل این اسناد در ذیل علی بن محمد علان کلینی بررسی شده‌اند.

قاعده کتاب نداشتن راوی: در سند «محمد بن الحسن عن سهل»^۴ محمد بن حسن کتاب ندارد؛ پس کتاب سهل، منبع محسوب می‌شود.

قاعده حدیث ذیلی: بر اساس قاعده حدیث ذیلی، اگر پس از سندی «فی روایة أخرى» بیاید روایت از همان منبعی اخذ شده که روایت اول گرفته شده است؛ مانند مثال ذیل:

«محمد بن الحسن عن سهل بن زیاد»؛

«و فی روایة أخرى»^۵.

قاعده اضممار: بر اساس قاعده اضممار، ضمیر به مؤلف کتاب منبع برمی‌گردد که در اینجا سهل بن زیاد است:

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۰، ح ۱۴۷۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۲، ح ۷۶۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۴۱۲.

۴. همان، ج ۲، ص ۵۷، ح ۷۹۱.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۲۵۰، ۲۵۱.

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ»
«عنه عن اسماعيل بن مهران»^۱.

گفته شد که «یاسناد» هم ذیل قاعده اضممار می‌گنجد؛ مانند دو سند ذیل که دومی با «یاسناد» آمده است و از کتاب سهل اخذ شده است:
«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ»^۲؛
«و یاسناد» عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «^۳.

قاعده تعلیق: در سند دوم ذیل، مؤلف سهل است؛ زیرا ابن محبوب از مشایخ سهل است:

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ»^۴؛
«ابن محبوب عن...»^۵.

قاعده تناسب محتوا: سهل کتابی دارد به نام التوحید و برخی روایات وی هم در بخش توحید الکافی وجود دارد. برای نمونه، این حدیث با این سند که در کتاب التوحید آمده را ببینید:

«محمد بن الحسن، عن سهل بن زیاد، عن حمزة بن محمد، قال: كتبت إلى أبي الحسن عليه السلام أسأله عن الجسم والصورة، فكتب: سبحان من ليس كمثله شيء، لا جسم ولا صورة»^۶.

۱. همان، ج ۳، ص ۴۶۶، ح ۲۱۰۵، ۲۱۰۶.

۲. سند عطفی است؛ بدین گونه: «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ».

۳. همان، ج ۴، ص ۶۰۴، ح ۳۴۸۸، ۳۴۸۹.

۴. البته این سند عطفی است؛ بدین صورت: «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ».

۵. همان، ص ۶۲۰، ح ۳۵۱۲، ۳۵۱۳.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۲۸۶. البته بر اساس قاعده کتاب نداشتن راوی هم می‌توان این حدیث را از سهل دانست هر چند بر اساس آن قاعده دقیقاً معلوم نیست این حدیث از کدام کتاب سهل اخذ شده است.

می‌ستوده و از وی رضایت داشته است.^۱ سبب ضعیف دانستن صالح، روایت احادیث منکر و معروف بوده است؛ هرچند به نظر می‌رسد وی «فی نفسه» ثقه است. البته مدح وی از جانب فضل نیز دلیلی است بر اینکه احادیثش مقبول بوده است. نقل کلینی هم خود مؤیدی بر کلام فضل است.

به تصریح نجاشی، وی کتاب‌هایی داشته و از این میان دو کتاب نوادر و خطب امیرالمؤمنین علیه السلام را نام می‌برد. طوسی نیز کتابی را بدو نسبت می‌دهد.^۲

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی: «أخبرنا عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن يحيى قال: حدثنا سعد بن عبدالله عن صالح بن أبي حماد».^۳

این طریق به دلیل وثاقت راویان^۴ معتبر است.

طریق طوسی: «رويناہ بالإسناد الأول، عن أحمد بن أبي عبدالله، عن صالح بن أبي حماد».^۵

مراد از اسناد اول «جماعة، عن أبي المفضل، عن ابن بطة» است.^۶

این طریق به دلیل وجود ابوالفضل و ابن بطة اعتباری ندارد.^۷

طریق کلینی: «علی بن محمد عن صالح بن أبي حماد».

طریق کلینی به کتاب صالح، علی بن محمد علان کلینی است که ثقه است؛ بنابراین طریق معتبر است.

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۶۶.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۴۴.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۹۸.

۴. راویان پیش‌تر بررسی شده‌اند.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۴۴.

۶. همان.

۷. ضعف این دو پیش از این بررسی شد.

نمودار طرق



قاعده بازیابی

قاعده تعلیق: اما قاعده بازیابی این منبع قاعده تعلیق است. دو سند ذیل را ببینید:

«الحسین بن محمد عن معلى بن محمد و علی بن محمد عن صالح بن أبی حماد جمیعاً عن الوشاء»؛
«الوشاء»^۱.

این دو حدیث در «باب البر بالوالدین» از «کتاب الإیمان و الکفر» آمده است که احتمالاً از کتاب نوادر صالح بن ابی حماد گرفته شده است. حدیث دیگری با همین سند «الحسین بن محمد عن معلى بن محمد و علی بن محمد عن صالح بن أبی حماد جمیعاً عن الوشاء» در «باب الغضب» کتاب «الإیمان و الکفر» است.^۲ با توجه به اینکه در کتاب معلی ثابت کردیم، این حدیث از آن کتاب گرفته شده، دریافت حدیث از کتاب صالح موجه است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب/نوادر	۲۰۲۳، ۲۰۲۴، ۲۵۴۱، ۳۰۸، ۳۵۱، ۱۰۳۹، ۱۰۸۲، ۱۴۵۵، ۲۰۰۳، ۲۴۱۹، ۲۷۳۴، ۲۸۱۶، ۲۸۸۰، ۳۵۸۹، ۳۶۸۴.

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۱۴، ح ۲۰۲۳، ۲۰۲۴.

۲. همان، ص ۷۴۳، ح ۲۵۴۱.

کتاب عبدالعظیم حسنی

عبدالعظیم بن عبدالله حسنی (درگذشته نیمه دوم قرن سوم) را به صدق لهجه، ورع و بسیاری حدیث و روایت ستوده‌اند.^۱ نجاشی کتاب خطب أمير المؤمنين (ع)، طوسی کتابی بدون عنوان^۲ و صاحب بن عباد کتاب يوم و ليله را از او دانسته است. صاحب همچنین او را مؤلف کتاب‌های دیگری با عنوان «روایات عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی» دانسته است.^۳

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی: «أخبرنا أحمد بن علی بن نوح قال: حَدَّثَنَا الحسن بن حمزة بن علی قال: حَدَّثَنَا علی بن الفضل قال: حَدَّثَنَا عبيد الله بن موسى الروياني أبو تراب قال: حَدَّثَنَا عبدالعظیم بن عبدالله بجميع رواياته».^۴

در واقع این طریق به روایات عبدالعظیم، به نسخه‌هایی است از کتاب‌هایی که وی روایت کرده است. ظاهراً نجاشی طریقی به کتاب خطب که از آن یاد کرده، ارائه نداده است.

از آنجا که این طریق به روایات است، نه طریق به کتاب آن را بررسی نمی‌کنیم. طریق طوسی: «أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل محمد بن عبدالله الشيباني، عن أبي جعفر محمد بن جعفر بن بطة، عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي، عن عبدالعظیم».^۵

درباره وثاقت برقی پیش از این سخن گفتیم.

ابن بطة و شیبانی ضعیف شمرده شده‌اند.

مراد شیخ از جماعت حسین بن عبیدالله غضائری، ابن عبدون و دیگران است که

۱. نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۰۴.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۴۷.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۳۴۷.

۴. نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۰۴.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۴۷.

۶. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۳۴۷.

دست‌کم حسین بن عبدالله^۱ ثقة است و همین برای وثاقت طبقه کافی است.
این طریق با وجود ابن بطه و شیبانی دارای ضعف است.

طرق صدوق

صدوق دو طریق دارد؛ بدین نحو:

۱. «و ما كان فيه عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسنی فقد رويته عن محمد بن موسى بن المتوكل^۲ عن علي بن الحسين السعدآبادی، عن أحمد بن أبي عبدالله البرقی، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسنی و كان مرضياً»
این طریق معتبر است.

۲. «و رويته عن علي بن أحمد بن موسى^۳ عن محمد بن أبي عبدالله الكوفی، عن سهل بن زياد الآدمی، عن عبدالعظيم^۴».

در وثاقت سهل بن زیاد اختلاف است. محمد بن ابی عبدالله، همان محمد بن جعفر اسدی و ثقة است. علی بن احمد بن موسی دقاق از مشایخ اجازه است. بنابر برخی مبانی چون وثاقت مشایخ اجازه و وثاقت سهل، طریق معتبر است.^۲

طرق کلینی

۱. «الحسين بن علي العلوی^۳ عن سهل بن جمهور عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسنی^۴».

علوی و سهل بن جمهور ناشناخته‌اند؛ بنابراین طریق معتبر نیست؛ مگر این دو را از مشایخ اجازه بدانیم که در این صورت طریق معتبر است.

۱. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۶۸.

۲. راویان پیش از این بررسی شده‌اند.

۳. حسین مصحف است و صحیح آن حسن بن علی علوی است. (شیبیری، توضیح الاستاد المشکلة فی الکتب الأربعة، ج ۱، ص ۲۵۶).

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۵۲، ح ۹۵۹.

۲. «أحمد بن مهران عن عبد العظیم بن عبد الله الحسنی»^۱.

احمد بن مهران را ابن غضائری ضعیف دانسته است.^۲ اما اعتماد کلینی بروی با این ضعف معارض است. بعید نیست حضور وی در اسناد احادیثی چون احادیث ابواب کتاب الحجّه به ویژه در «باب نکت و نتف من التنزیل فی الولایه» سبب تضعیف وی شده است.

خصیبی (م ۳۳۴ هـ) در باب الامام المهدی المنتظر علیه السلام از مشایخش از جمله احمد بن عبدالله بن مهران روایت می کند^۳ که احتمال دارد با فرد مورد نظر ما یکی باشد؛ زیرا در طبقه با استاد کلینی یکی است.^۴

در مجموع این طریق ناشناخته و منفرد است؛ هر چند اگر صرفاً وی راوی باشد، نیازی به بررسی سندی نیست و می توان به کتاب منبع اعتماد کرد. برای نمونه یک حدیث را بررسی می کنیم:

در الکافی حدیثی چنین آمده است:

«أحمد بن مهران، عن عبد العظیم بن عبد الله الحسنی، عن علی بن أسباط، عن سلیمان مولى طربال، عن هشام الجوالیقی، قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن قول الله عز و جل: «سبحان الله»: ما یعنی به؟ قال: تنزیهه»^۵.

صدوق همین حدیث را با سندی دیگر به عبد العظیم، روایت کرده است:

«حدّثنا محمد بن موسی بن المتوکل رحمه الله قال حدّثنا علی بن الحسین السعدآبادی عن أحمد بن أبی عبد الله البرقی عن عبد العظیم بن عبد الله الحسنی عن علی بن أسباط عن سلیمان مولى طربال عن هشام الجوالیقی قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام

۱. همان، ص ۳۹۱-۳۹۴، ح ۱۱۴۳-۱۱۵۱.

۲. الرجال، ص ۴۲.

۳. الخصیبی، الهدایة الکرری، ص ۳۵۳.

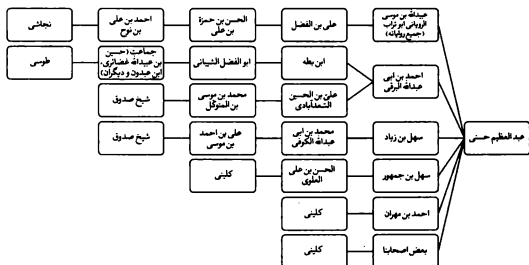
۴. این مطلب را از دوست بزرگوارم جناب آقای دکتر سید اکبر موسوی تنیانی استفاده کردم.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۰، ح ۳۲۲.

عن قول الله عزّ وجلّ - سبحانه الله ما یعنی به قال تنزیهه^۱.
همین نشان می‌دهد که ضعف راوی به نقل او از کتاب عبدالعظیم سرایت نکرده است.

«بعض اصحابنا عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی»^۲،
این طریق به دلیل ناشناخته بودن بعض/عده با مشکل اعتبار مواجه است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قاعده کتاب نداشتن راوی: در سند «الحسین بن علی العلوی عن سهل بن جمهور عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی»^۳ علوی و سهل کتاب ندارند؛ پس کتاب عبدالعظیم، منبع است.

سند «أحمد بن مهران عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی»^۴ نیز مشمول همین قاعده است.

۱. صدوق، التوحید، ص ۳۱۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۹۸۱.

۳. همان، ص ۲۵۲، ح ۹۵۹.

۴. همان، ص ۳۹۱-۳۹۴، ح ۱۱۴۳-۱۱۵۱.

قاعده ابهام راوی: در سند «بعض أصحابنا عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی»^۱ بر اساس قاعده ابهام به منبع بودن کتاب عبدالعظیم قائل می‌شویم.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب	۳۲۲، ۳۷۳، ۵۲۱، ۵۳۸، ۵۸۹، ۱۰۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۹۵۹، ۹۸۱.

کتاب عبدالله بن جعفر حمیری

عبدالله بن جعفر حمیری (زنده در دهه آخر سده سوم) از اصحاب امام عسکری علیه السلام ثقة و شیخ قمیان دانسته شده است. بسیار در کوفه از او حدیث سماع کردند. آثار فراوانی هم در حدیث نوشت.^۲ از این آثار نام برخی را طوسی و نجاشی گفته‌اند؛ بدین صورت:

آثار حمیری

کتاب‌های حمیری را با توجه به نقل‌های نجاشی و طوسی فهرست کرده‌ایم:
نجاشی، طوسی: الإمامه، الدلائل، الغیبه و الحیره، فضل العرب، التوحید و البداء و الإرادة و الاستطاعة و المعرفة، مسائل لأبی محمد الحسن علیه السلام علی يد محمد بن عثمان العمری، مسائل أبی محمد و توفیعات (طوسی: المسائل و التوفیعات)، الطب.

نجاشی: العظمة و التوحید، قرب الإسناد إلى الرضا علیه السلام، قرب الإسناد إلى أبی جعفر بن الرضا علیه السلام، کتاب ما بین هشام بن الحکم و هشام بن سالم، القیاس، الأرواح، الجنة و النار، الحدیثین المختلفین، مسائل الرجال و مکاتباتهم أبا الحسن الثالث علیه السلام، کتاب قرب الإسناد إلى صاحب الأمر علیه السلام.

طوسی: قرب الإسناد.

۱. همان، ص ۲۶۶، ح ۹۸۱.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۱۹؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۹۴؛ طوسی، الرجال، ص ۲۰۰.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی: طریق نجاشی این است: «أخبرنا عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن يحيى العطار عنه بجميع كتبه».^۱

این طریق پیش‌تر بررسی شده و طریق معتبر است.

طریق طوسی: طوسی سه طریق دارد:

۱. یکی طریق ابن بطه است که دو کتاب الفتره و الحیره، و فضل العرب را بر کتاب‌های دیگر افزوده است. طوسی در اینجا طریق خود به ابن بطه را نیاورده است؛ از این رو، مرسل است،^۲ مگر اینکه این ارسال را به سبب طریق طوسی به ابن بطه برطرف کنیم. این طریق عبارت است از «عدّة من أصحابنا عن أبي المفضل».^۳

این طریق در ترجمه احمد بن محمد بن خالد برقی بررسی شد و اعتبار آن محل تردید است.

۲. طریق دیگر به روایات حمیری است؛ بدین گونه: «أخبرنا بروایاته أبو عبدالله، عن محمد بن علی بن الحسین، عن أبيه و محمد بن الحسن، عن عبدالله بن جعفر».^۴

راویان طریق مذکور پیش‌تر بررسی شده و ثقّه هستند؛ بنابراین این طریق، معتبر است.

۳. طریق سوم چنین است: «أخبرنا ابن أبي جيد، عن ابن الوليد، عن عبدالله بن جعفر».^۵

راویان پیش از این بررسی شده و ثقّه هستند؛ از این رو، این طریق هم معتبر است. **طریق صدوق:** طریق شیخ صدوق در مشیخه بدین نحو است: «ما كان فيه عن عبدالله بن جعفر الحمیری فقد رویته عن أبي؛ و محمد بن الحسن؛ و محمد بن موسی

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۱۹.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۹۴.

۳. همان، ص ۵۳۱، ص ۳۲۹، ص ۳۱۱ و

۴. همان، ص ۲۹۴.

۵. همان، ص ۲۹۴.

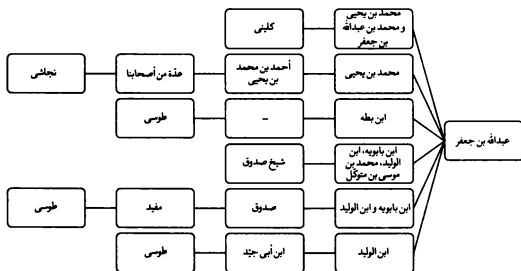
بن المتوکل علیه السلام عن عبدالله بن جعفر بن جامع الحمیری^۱.

این طریق همان طریق دوم طوسی است؛ هرچند ابن متوکل بدان افزوده شده است. به هر حال، پیش از این راویان آن بررسی شده و ثقه هستند؛ بنابراین طریق معتبری است.

طریق کلینی: کلینی نیز یک طریق دارد: «محمد بن عبدالله و محمد بن یحیی عن عبدالله بن جعفر».

محمد بن عبدالله فرزند عبدالله بن جعفر است. این طریق با طریق نجاشی در محمد بن یحیی راوی از عبدالله بن جعفر مشترک است. محمد بن عبدالله^۲ و محمد بن یحیی هر دو ثقه هستند؛ پس طریق معتبر است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قواعد تناسب محتوا و شبه عده: کلینی یک طریق به نوشتارهای عبدالله بن جعفر دارد که عبارت است از: «محمد بن عبدالله بن جعفر بن محمد بن یحیی عن عبدالله بن جعفر».

۱. صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۰.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۵۴.

براساس این طریق، قاعده شبه عده منبع بودن کتاب حمیری را اثبات می‌کند. البته با قاعده تناسب محتوا هم تعلق حدیث به عنوان‌های کتاب‌های حمیری که با محتوای حدیث همخوان است، اثبات می‌شود.

برای نمونه، حدیثی با سند «محمد بن عبدالله و محمد بن یحیی جمیعاً عن عبدالله بن جعفر الحمیری»^۱ در «باب فی تسمیة من رآه عليه السلام» است و به احتمال قوی از کتاب الغیة و الحیرة گرفته شده است.

سند حدیث دیگر نیز به همین طریق است؛^۲ اما محتوای آن با عنوان «کتاب الامامه» سازگار است؛ بنابراین ظاهراً این حدیث از کتاب نامبرده گرفته شده است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
الغیة و الحیرة	۸۶۹
الإمامة/الدلائل	۱۳۹۰
کتاب الطب	۳۵۶۵

کتاب عبدالله بن صلت

ابوطالب عبدالله بن صلت قمی (زنده حدود ۲۵۰ هـ) ثقه و «مسکون الی روايته» دانسته شده است. نجاشی کتاب التفسیر را بدو انتساب داده است؛^۳ هرچند طوسی تنها او را صاحب کتاب دانسته است.^۴

طرق واعتبارسنجی آن‌ها

سه طریق به کتاب وی وجود دارد. نجاشی، طوسی و کلینی هر یک طریقی به نوشتار

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵، ح ۸۶۹.

۲. همان، ص ۶۸۰، ح ۱۳۹۰.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۱۷.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۹۸.

ابوطالب قمی دارند:

طریق نجاشی: طریق نجاشی چنین است: «أخبرني عذّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن يحيى قال: حدّثنا عبدالله بن جعفر قال: حدّثنا علي بن عبدالله بن الصلت عن أبيه».^۱

همه راویان ثقة هستند،^۲ جز علی بن عبدالله که هیچ اطلاعی درباره او نداریم؛ بنابراین طریق مذکور اعتبار ندارد.

طریق طوسی: طوسی طریق خود را این گونه گزارش کرده است: «أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل، عن ابن بطة، عن أحمد بن أبي عبدالله، عن أبي طالب».^۳

این طریق به علت حضور ابوالفضل و ابن بطة معتبر نیست.^۴

طریق کلینی: طریق کلینی هم «محمد بن أحمد عن عمّه عبدالله بن الصلت» است. نسب دقیق محمد، چنین است: «محمد بن أحمد بن علی بن الصلت».

محمد بن احمد بن علی بن الصلت را در زهد و علم و عمل و عبادت و فضیلت ستوده اند؛^۵ از این رو، این طریق معتبر است.

نمودار طرق



۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۲۱۷.

۲. وثاقت این راویان پیش از این آمد.

۳. طوسی، فهرست کتب الشيعة، ص ۲۹۸.

۴. ضعف این دو پیش تر ذکر شد.

۵. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳.

قواعد بازیابی

قواعد تناسب محتوا و کتاب نداشته‌اند راوی: تنها طریق کلینی به ابن صلت عبارت است از: «محمد بن أحمد عن عمه عبدالله بن الصلت».^۱ از محمد بن احمد کتابی گزارش نشده است. نیز محتوای این روایت تلاوت قرآن است که با عنوان «التفسیر» تناسب دارد؛ بنابراین هر دو قاعده در تعیین منبع کارایی دارند.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
التفسیر	۱۲۷۳

کتاب علی بن محمد بن سعد

ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن سعد اشعری قمی (زنده در نیمه دوم سده سوم) معروف به ابن متویه صاحب نوادری کبیر بوده است.^۲ طوسی از کتاب او بدون عنوانی خاص یاد کرده است.^۳

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

چهار طریق به کتاب وی وجود دارد. نجاشی یک طریق، طوسی دو طریق و کلینی یک طریق به کتاب او دارند:

طریق نجاشی: «أخبرنا ابن شاذان قال: حَدَّثَنَا أحمد بن محمد بن يحيى، عن أبيه، عنه».^۴

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۱۸، ح ۱۲۷۳.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۵۷.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۶۷.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۵۷.

ابن شاذان از مشایخ نجاشی و احمد بن محمد^۱ از مشایخ اجازه هستند؛ بنابراین وثاقت این دو، طریق معتبر است.

طرق شیخ طوسی

۱. «أخبرنا ابن أبي جید، عن محمد بن الحسن بن الولید، عن علی بن محمد، عن رجاله»^۲.

ابن ابی جید از مشایخ نجاشی است. ابن الولید نیز ثقة است؛^۳ بنابراین طریق معتبر است.

۲. «رواه محمد بن علی بن الحسین، عن محمد بن الحسن، عنه»^۴.

این طریق ظاهراً مرسل است؛ هرچند بنابر حدس قوی واسطه طوسی و صدوق جماعتی است از بزرگان که عبارت‌اند از: شیخ مفید، حسین بن عبیدالله، ابن حسکه قمی و محمد بن سلیمان حمزانی؛ بنابراین طریق مذکور معتبر باشد.^۵

طریق کلینی: «الحسین بن محمد و محمد بن یحیی، عن علی بن محمد بن سعد».

این طریق به دلیل وثاقت حسین بن محمد و محمد بن یحیی معتبر است.

۱. طوسی، الرجال، ص ۴۱۰.

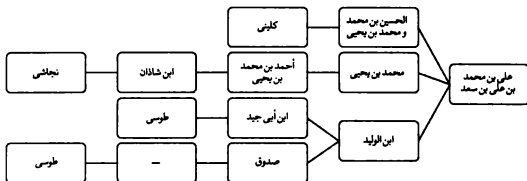
۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۶۷.

۳. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۰.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۶۷.

۵. وثاقت این مشایخ در بخش‌های پیشین بررسی شده است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قواعد شبه عدّه و تناسب محتوا: طریق کلینی به کتاب ابن متویه چنین است: «الحسین بن محمد و محمد بن یحیی، عن علی بن محمد بن سعد»؛ بنابراین قاعده بازیابی کتاب ابن متویه، قاعده شبه عدّه است. به نظر می‌رسد که احادیثی که بر اساس قاعده یاد شده از کتاب علی بن محمد اخذ شده از نوادر او هستند؛ زیرا همه احادیث اخلاقی هستند و با محتوای کتاب‌های نوادر که احادیث اخلاقی هم دربردارند، همخوان است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
نوادر	۲۸۴۰، ۲۴۱۰، ۲۲۷۹، ۲۲۰۷، ۲۱۲۷، ۲۱۱۶

کتاب فضل بن شاذان

فضل بن شاذان بن خلیل نیشابوری از بزرگان امامیه در قرن سوم است. وی سال ۲۶۰ ه از دنیا رفت.^۲ وی از متکلمان و فقیهان به شمار می‌رفته است. نجاشی او را چنین

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۳۱، ح ۲۸۴۰.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۴۳.

می‌ستاید: «هو فی قدره أشهر من أن نصفه»^۱ بنابر روایتی امام عسکری علیه السلام به حال خراسانیان به خاطر وجود فضل در میان آن‌ها غبطه می‌خورد.^۲

آثار فضل

او را مؤلف ۱۸۰ کتاب دانسته‌اند که برخی از این آثار به نجاشی و طوسی رسیده است. خوشبختانه برخی از نقل‌های عالمان امامیه از کتاب‌های فضل در دسترس است.^۳ نام آثار فضل را در ذیل می‌بینید:

نجاشی، طوسی: *التقض علی الاسکافی فی تقویة الجسم، الوعید، الأعراض و الجواهر*، کتاب مسائل فی العلم، العلل، الإیمان، کتاب الردّ علی الثنویّه (الردّ علی الدامغة فی النبوة)^۴، اثبات الرجعة، تبيان أصل الضلالة، الردّ علی محمد بن کرام، التوحید فی کتب الله (التوحید من کتب الله المنزلّة الأربعة و هو کتاب الردّ علی یزید بن یزید الخارجی)، الردّ علی أحمد بن الحسین (الردّ علی أحمد بن یحیی)^۵، الردّ علی الأصم، الردّ علی البیان (الیمان) بن رثاب، الردّ علی الفلاسفة، (التقض علی من یدعی الفلسفة فی التوحید و الأعراض و الجواهر و الجزء)، کتاب الأربع مسائل فی الإمامة، الردّ علی المنانیه (المثلثه)، الفرائض الكبير، الفرائض الصغير، المسح علی الخفین، الردّ علی القرامطة (الردّ علی الباطنیة و القرامطة)، الطلاق، مسائل البلدان.

نجاشی: کتاب العروس و هو کتاب العین، الردّ علی أهل التعطیل، الاستطاعة، کتاب الرجعة حدیث، الردّ علی الغالیة المحمدیه، محنة الإسلام، السنن، الفرائض الأوسط، الردّ علی البائسة، اللطیف، کتاب القائم علیه السلام، الملاحم، کتاب حذو النعل بالنعل، کتاب الإمامة کبیر، فضل أميرالمؤمنین علیه السلام، معرفة الهدی و الضلالة، التعری و الحاصل، الخصال فی الإمامة، المعیار و

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ۳۰۷؛ طوسی، فهرست کتب الشيعة، ۳۶۱.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۴۲.

۳. ببینید: بیات مختاری، خورشید شرق در سده سوم، ص ۶۷۱-۷۴۳.

۴. ابن شهر آشوب گفته است: کتاب الردّ علی الدامغة فی الثنویّه. (معالم العلماء، ص ۹۱).

۵. یکی از این دو مصحف است: الحسین، یحیی.

الموازنة، الردّ على الحشوية، النجاح في عمل شهر رمضان، الردّ على الحسن البصري في التفضيل، النسبة بين الجبرية و الثنوية.

طوسی: الردّ على الغلاة، کتاب المتعین: متعة الحج و متعة النساء، کتاب الحسنی، الردّ على المرجئة، النقض على أبي عبيد في الطلاق، کتاب جمع فيه مسائل متفرقة للشافعی و أبي ثور و الإصفهانی و غیرهم سماها تلميذه علی بن محمد بن قتیبة کتاب الדיجاج، کتاب المسائل و الجوابات، کتاب التنبیه فی الجبر و التشبیه.^۱

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

در اینجا چهار طریق به آثار فضل را ذکر می‌کنیم: نجاشی، طوسی، مفید و کلینی. طریق نجاشی: طریق نجاشی این‌گونه است: «أخبرنا أبو العباس بن نوح قال: حدّثنا أحمد بن جعفر قال: حدّثنا أحمد بن إدريس بن أحمد قال: حدّثنا علی بن أحمد بن قتیبة النیشابوری عنه».^۲

علی بن احمد بن قتیبه، در این طریق تصحیف شده و صحیح آن علی بن محمد بن قتیبه است.^۳

کشی، علی بن محمد بن قتیبه را ثقه دانسته است.^۴

احمد بن ادريس ثقه است.^۵ احمد بن جعفر مهمل است؛ اما ابن نوح از عالمان بنام از وی روایت کرده است؛ بنابراین طریق نجاشی اجمالاً طریق معتبری است.

طرق طوسی: شیخ طوسی در فهرست دو طریق به آثار فضل ارائه کرده است:

۱. در معالم العلماء، ص ۹۱ نام کتاب چنین است: التنبیه من الحيرة و التبه و می‌دانیم که ابن شهر آشوب نام‌ها را از کتاب الفهرست شیخ طوسی برگرفته است.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ۳۰۷.

۳. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۴۱۷؛ طوسی، فهرست کتب الشيعة، ص ۳۶۳.

۴. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۹، ص ۵۷۱؛ نیز ببینید: طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۷۵، ۵۸۰؛ صدوق، علل الشرائع،

ج ۱، ص ۲۴۹.

۵. وثاقت وی گذشت.

۱. «أخبرنا (بروایاته و کتبه) أبو عبد الله، عن محمد بن علی بن الحسین، عن محمد بن الحسن، عن أحمد بن إدريس، عن علی بن محمد بن قتیبة، عن الفضل».^۱

این طریق در بخش آخر؛ یعنی «أحمد بن إدريس عن علی بن محمد بن قتیبه» با طریق نجاشی مشترک است.

همه افراد در این طریق از بزرگان هستند. امتیاز این طریق ابن الولید است که از ناقدان حدیث است.

۲. «رواه محمد بن علی بن الحسین، عن حمزة بن محمد العلوی، عن أبی نصر قنبر بن علی بن شاذان، عن أبيه، عن الفضل».^۲

حمزه بن محمد علوی قزوینی از مشایخ صدوق^۳ و شاگردان علی بن ابراهیم است^۴ و این می‌تواند به اعتبار وی یاری رساند.

قنبر بن علی و پدرش هر دو مهمل هستند و اطلاعی از آن‌ها در دست نیست. مشکل دیگر این است که ظاهراً میان شیخ طوسی و شیخ صدوق واسطه‌ای افتاده است؛^۵ حتی اگر این طریق متصل باشد، مشکل اهمال دو نفر در این طریق باقی است؛ بنابراین این طریق معتبر نیست.

طرق طوسی در مشیخه

طرق طوسی به فضل در مشیخه وی این‌گونه است:

۱. «و من جملة ما ذكرته عن الفضل بن شاذان ما روته بهذه الأسانيد عن محمد بن

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۳۶۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۹۶.

۵. البته این در صورتی است که این طریق عطف بر طریق اول نباشد. در صورتی که عطف باشد ارسال بر طرف می‌شود.

يعقوب عن علي بن ابراهيم عن أبيه و محمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان^۱.
 به نظر می‌رسد این طریق اشکال دارد؛ چراکه هیچ روایتی از ابراهیم بن هاشم از فضل نداریم. برخی «عن أبيه» را اضافه دانسته‌اند و صحیح آن را علی بن ابراهیم عن الفضل شمرده‌اند؛ هرچند به این هم اشکال وارد است؛ چراکه ابراهیم بن هاشم هم از فضل روایتی ندارد؛ بنابراین صحیح کدام است؟ با توجه به دو اشکال مذکور ظاهراً اصل سند این‌گونه بوده است: «علی بن ابراهیم عن أبيه و محمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان جميعاً عن ابن أبي عمير». این سند در الکافی فراوان یافت می‌شود.^۲ گفته شد که شیخ طوسی سند خود به صاحبان کتب را در مشیخه از طریق الکافی نقل می‌کند. در مورد محمد بن یحیی، علی بن ابراهیم، حسین بن محمد ابوعبدالله اشعری نیز همین‌گونه است؛ از این رو، این نظر درست‌تر به نظر می‌رسد و شیخ طوسی یا ناسخ به اشتباه علی بن ابراهیم عن أبيه را اینجا تکرار کرده است.^۳ این طریق در طرق کلینی بررسی می‌شود.

۲. «و ما ذكرته عن الفضل بن شاذان فقد أخبرني به الشيخ أبو عبدالله و الحسين ابن عبيد الله و أحمد بن عبدون كلهم عن أبي محمد بن الحسن بن حمزة العلوي الحسيني الطبري^۴ عن علي بن محمد بن قتيبة النيسابوري عن الفضل بن شاذان^۵.
 ابو محمد حسن بن محمد بن حمزه عالمی فاضل است که از تلعبیری حدیث را سماع کرده و مفید، حسین بن عبیدالله و ابن عبدون از وی سماع کرده‌اند.^۶
 سایر راویان نیز ثقة هستند؛^۷ از این رو، طریق معتبر است.

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۴۷-۵۰ (مشیخه)؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۳۱۵.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۹۱، ح ۱۶۲۳؛ ص ۲۹۶، ح ۱۸۲۷.

۳. بیات مختاری، خورشید شرق در سده سوم، ص ۸۰۳-۸۰۴.

۴. صحیح «ابو محمد حسن بن محمد بن حمزه» است.

۵. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۸۶ (مشیخه).

۶. طوسی، الرجال، ص ۴۲۲.

۷. وثاقت راویان پیش از این بررسی شده است.

۳. «و روی ابو محمد بن الحسن بن حمزة عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن الفضل ابن شاذان».^۱

در این طریق ابومحمد حسن بن محمد بن حمزه صحیح است، نه ابومحمد حسن بن محمد بن حمزه.

این طریق اگر به طریق دوم عطف نباشد، وجاده است؛ چراکه طوسی با یک واسطه از ابومحمد حسن بن حمزه روایت می‌کند. مشکل دیگر این است که این طریق با واقع سایر اسناد سازگار نیست و گفتیم که ابراهیم بن هاشم از فضل نقل نمی‌کند.^۲

۴. «و أخبرنا الشريف أبو محمد الحسن بن أحمد بن القاسم العلوی المحدث عن أبي عبد الله محمد بن أحمد الصفوانی عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن الفضل بن شاذان».^۳

نجاشی حسن بن احمد بن قاسم را «سید فی هذه الطائفة» خوانده است؛ هرچند نقلی در نقد وی آورده است: «رأيت بعض من يغمز عليه في بعض رواياته».^۴ صفوانی را حافظ و پُردانش دانسته‌اند.^۵

حاصل سخن اینکه مشکل طریق بالا در این طریق نیز هست. از این رو، طریق معتبر نیست.

طریق شیخ مفید: شیخ مفید در الإرشاد نیز طریقی به فضل دارد. وی در باب علائم قیام قائم علیه السلام این نشانه‌ها را به محتوم و مشترط تقسیم کرده و می‌نویسد که روایات آن‌ها را بر اساس آنچه در اصول آمده می‌آورد. اولین روایتی که ذکر می‌کند، با این سند است و با توجه به قاعده تناسب محتوا و یکسان بودن بخشی از این سند، با طرق فهرس به

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۵۰ (مشیخه).

۲. ببینید: بیات مختاری، خورشید شرق در سده سوم، ص ۸۰۶.

۳. همان، ص ۸۶-۸۷.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۵.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۳۹۰.

فضل می‌توان آن را طریق شیخ مفید به فضل بن شاذان دانست:

«أخبرني أبو الحسن علي بن بلال المهلبی قال حدثني محمد بن جعفر المؤدب عن أحمد بن إدريس عن علي بن محمد بن قتيبة عن الفضل بن شاذان عن...»^۱
 علی بن بلال از اساتید مفید و ابن نوح و فردی ثقة است. او کتابی در موضوع غیبت امام عصر ندارد؛^۲ از این رو، فضل طریق مذکور به کتاب الغیبة است.
 محمد بن جعفر بن مؤدب معروف به ابن بطة دارای جایگاهی بزرگ میان قمیان بوده و دانش بسیاری داشته است، اما در حدیث متساهل بوده و اسناد را به اجازات تعلیق می‌کرده است.^۳

پیش از این، ادامه طریق بررسی شد. با توجه به حضور ابن بطة در پذیرش این طریق باید احتیاط کرد.

طریق کلینی: تنها واسطه میان کلینی و فضل، محمد بن اسماعیل است. وی بنابر شواهد موجود، همان محمد بن اسماعیل نیشابوری بندقی است.^۴ کلینی بیش از ۵۵۰ بار «محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان» را تکرار کرده است.^۵ با توجه به کتاب نداشتن محمد می‌توان این را طریق کلینی به آثار فضل بن شاذان دانست؛ بنابراین تنها آگاهی ما درباره محمد بن اسماعیل این است که وی نیشابوری و استاد کلینی در رسیدن به آثار فضل است و چون کتابی ندارد، او تنها نقش شیخ اجازه را دارد. از این رو، فی الجمله می‌توان این طریق را معتبر دانست.

۱. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۰.

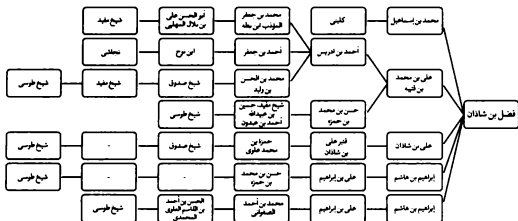
۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۵.

۳. همان، ص ۳۷۳.

۴. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۹۶.

۵. بیات مختاری، خورشید شرق در سده سوم، ص ۳۱۴.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

طریق کلینی به فضل بن شاذان، محمد بن اسماعیل است. قواعد بازیابی کتاب‌های فضل عبارت است از:

قاعده کتاب نداشتن راوی: تنها سندی که در الکافی به فضل بن شاذان می‌رسد «محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان» است. تنها آگاهی ما درباره محمد بن اسماعیل این است که وی نیشابوری است و استاد کلینی در رسیدن به آثار فضل است؛ و چون کتابی ندارد، او تنها نقش شیخ اجازه را دارد.

قاعده تناسب محتوا: با توجه به همخوانی برخی احادیث فضل با عنوان‌های کتاب‌های وی از این قاعده در تشخیص نام دقیق کتاب او نیز می‌توان یاری گرفت. برای نمونه، فضل کتابی با عنوان التوحید دارد و برخی احادیث وی نیز در موضوع توحید است.^۱

در اینجا لازم است درباره نظری متفاوت درباره منابع الکافی با سند «محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان» بحث را اندکی بسط دهیم. برخی محققان بر این باورند که، جز در موارد اندکی منابع روایاتی با این سند از کتاب‌های فضل نیست. در اینجا

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۳۴۱، ص ۲۵۹، ح ۳۷۵.

شواهد این نظر را نقل و نقد می‌کنیم:

۱. کلینی جز هفت روایت، همه روایاتی را که از فضل روایت کرده از کتاب‌های مشایخ سه گانه فضل؛ یعنی حماد بن عیسی، ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی^۱ یا از اساتید این سه؛ مانند: معاویه بن عمار و عبدالرحمان بن حجاج^۲ گرفته است.

دلیل اینکه کتاب‌های سه نفر از مشایخ فضل منبع کلینی است، این است که جز هفت روایت فضل، سایر روایات تنها از این سه نفر روایت شده است، در حالی که از سندهای الغیبه طوسی و اختیار معرفة الرجال معلوم می‌شود که فضل، جز این سه نفر، ده‌ها شیخ دیگر داشته است. اگر کلینی این پانصد روایت را از کتاب‌های فضل گرفته بود، می‌بایست تعداد مشایخ فضل از این سه نفر فراتر می‌رفت و نام دیگر مشایخ او هم در سند روایات می‌بود.^۳

۲. فضل بن شاذان نه محدّثی است که به روایت احادیث و نه فقیهی که به ذکر احکام و احادیث فقهی اهتمام داشته باشد؛ بلکه متکلمی بوده که به مباحث اعتقادی و کلامی و نیز فقیهی بوده که به مسائل خلافی می‌پرداخته است. نام کتاب‌های وی هم از همین دو دانش وی خبر می‌دهد. دو کتاب وی در طلاق و ارث نیز همین‌گونه بوده است؛ چراکه به ذکر حکم شرعی و نصوص بسنده نکرده، بلکه به مناقشه اقوال دیگر و احیاناً ذکر برخی روایات پرداخته است. این نکته اخیر از بخش‌هایی که کلینی از کتاب‌های فضل نقل کرده، روشن می‌شود.

در شاهد نخست کم بودن مشایخ فضل شاهدی است بر اخذ از کتاب‌های آن مشایخ. بنابر همین شاهد اگر تعداد مشایخ وی در اسناد بیشتر باشد، به طور طبیعی

۱. سیستانی، قیاسات من علم الرجال، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲. همان، ص ۴۷۶.

۳. همان، ص ۴۷۵.

فضل باید احادیث بسیاری را گزارش کرده باشد و این نشان می‌دهد که به گردآوری احادیث هم اهتمامی بسزا داشته است.

پس این سخن دلیل بر این نیست که ایشان این پانصد روایت الکافی را در آثار خود نیاورده‌اند؛ بلکه فضل، حلقه مشترکی است که احادیث این سه را در آثار خود گردآورده است. از آنجا که اصل کتاب فضل در دسترس نیست و راه ما نقل محدثانی چون کلینی است، می‌توان گفت: فضل در کنار این روایات تحلیل‌های خود را هم افزوده است. بر اساس گزارش کلینی، فضل بن شاذان حدیثی از ابوثابت نقل کرده، سپس تحلیل فضل بن شاذان را با عبارت «قال الفضل» ذکر می‌کند.^۱ دقیقاً در نقل فضل از صفوان همین اتفاق رخ داده است. کلینی در ابتدا روایتی را آورده که فضل از صفوان نقل می‌کند، سپس تحلیل فضل را در پایان روایت با همان عبارت «قال الفضل» آورده است.^۲ وی در «باب میراث الأخوة و الأخوات مع الولد» روایتی را از فضل نقل کرده،^۳ سپس چند روایت از دیگر راویان و سرانجام تحلیل فضل را به تفصیل ذکر می‌کند.^۴ به همین منوال در «باب ابن الأخ و جد» در کتاب ارث روایتی را از فضل نقل کرده،^۵ سپس با «قال الفضل» تبیینی را آورده است.^۶ این موارد به وضوح نشان می‌دهد که در کتاب فضل روایت و تحلیل در کنار هم بوده است، نه اینکه روایات را به مشایخ وی نسبت دهیم.

علاوه بر این، فضل کتاب‌های دیگر، جز موارث و طلاق نوشته که نمی‌دانیم آیا روایت و نظر خود را در کنار هم می‌آورده یا به ذکر روایت بسنده می‌کرده است. برای

۱. کلینی، الکافی، ج ۱۳، ص ۶۹۸-۶۹۹.

۲. همان، ص ۵۴۸.

۳. همان، ص ۵۸۵.

۴. همان، ۵۸۹.

۵. همان، ص ۶۱۰.

۶. همان، ص ۶۱۸. سایر موارد را ببینید: همان، ص ۷۳۴، ۷۳۷، ۷۵۰، ۷۵۲.

نمونه، وی کتابی با عنوان السنن^۱ دارد که قاعداً دربردارنده گونه‌های متنوعی از احادیث بوده است.

افزون بر این، در برخی اسناد تحویلی که قاعده عده و سند به فضل داریم، نسبت دادن حدیث به استاد فضل مشکل است. برای نمونه:

«عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد و علی بن إبراهيم عن أبيه و محمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان جميعاً عن حماد بن عيسى عن حريز عن زرارة»^۲.

در این سند هم «عده من أصحابنا» هست، هم تحویل در سند رخ داده است. براساس «قاعده عده» کتاب احمد بن محمد منبع است؛ اما اگر کتاب حماد بن عیسی را منبع بدانیم، ناچاریم «قاعده عده» را رها کنیم، حال آنکه این قاعده بر اساس مقایسه پیش‌گفته، قاعده‌ای اطمینانی است که حتی یک مورد خلاف آن یافت نشده است. بنابراین کتاب فضل بن شاذان منبع است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
التوحيد	۴۰۵، ۳۷۵، ۳۹۵، ۳۷۴، ۳۴۱، ۲۸۲، ۲۷۴، ۲۳۱
الخصال فی الإمامه / الإمامه / کتاب الأربع مسائل فی الإمامه	۴۹۷، ۴۳۵، ۱۰۹۳، ۱۰۷۹
کتاب الإيمان	۲۳۵۵، ۲۱۳۴، ۲۰۵۱، ۱۹۸۷، ۱۸۳۳، ۱۸۲۷، ۱۷۹۱، ۱۷۰۸، ۱۶۸۳، ۱۶۲۳، ۲۷۰۹، ۲۵۲۹، ۲۴۶۷
کتاب	۲۰۸، ۱۴۰۹، ۳۳۵۱، ۲۰۷، ۱۷۵، ۱۶۸، ۱۶۰، ۱۲۶، ۱۲۳، ۱۰۳، ۵۰، ۸۴، ۴۵، ۳۷۳۳، ۳۶۰۲، ۳۵۹۹

۱. شیخ طوسی کتابی با عنوان السنن فی الفقه را از فضل بن شاذان رازی سنی می‌داند، نه فضل بن شاذان نیشابوری؛ اما با توجه به اینکه نجاشی السنن را بی هیچ تردیدی از آن فضل دانسته، احتمال دو تا بودن این کتاب موجه است.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۷۴؛ ج ۱۳، ص ۴۲۶.

کتاب قاسم بن ربیع

ابن غضائری، قاسم بن ربیع نوّه دختری زید شحام^۱ را این گونه توصیف کرده است: «ضعیف فی حدیثه، غال فی مذهبه، لا التفات إلیه، ولا ارتفاع به»^۲؛ اما جالب این است که با توجه به اطلاع نجاشی از آرای رجالی ابن غضائری، در این مورد به ذکر طریق خود به قاسم بسنده کرده است. به نظر می رسد دلیل نجاشی این است که طریق او به قاسم بن ربیع از طرف اجازه استادش ابن نوح است و او نیز دو طریق به کتاب قاسم دارد که یکی جعفر بن محمد بن مالک و دیگری علی بن ابراهیم بن هاشم است؛ از این رو، هنگام نام بردن از کتاب و ذکر طریق آن، ضعفی متوجه او نمی داند. نجاشی تنها کتاب قاسم بن ربیع را بدون عنوانی خاص ذکر می کند.

طرق و اعتبارسنجی آنها

سه طریق به کتاب ابن ربیع وجود دارد: دو طریق نجاشی و یک طریق کلینی. طرق نجاشی عبارت اند از:

۱. «أخبرنا أبو العباس، أحمد بن علی بن نوح فیما وصی إلی به من کتبه قال: حدّثنا محمد بن علی بن شاذان قال: حدّثنا أحمد بن علی بن إبراهیم بن هشام عن أبيه عنه بکتابه»^۳.

اما با توجه به سند صفار^۴ احتمال تصحیف هاشم به هشام منتفی نیست. آیت الله شبیری زنجانی نیز در حاشیه خطی خود بر فهرست اسماء مصنفی الشیعه این احتمال را ذکر کرده اند.

احمد بن علی بن ابراهیم از مشایخ صدوق است که صدوق در مورد او از عبارت

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۱۶.

۲. ابن غضائری، الرجال، ص ۸۶.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۱۶.

۴. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۵۲۶: «حدّثنا علی بن إبراهیم بن هاشم قال حدّثنا القاسم بن الزبیر الوزّاق».

ترضی^۱ و ترجم^۲ استفاده کرده است. با توجه به اینکه وی کتابی ندارد، قاعدتاً از مشایخ اجازه است و این دو قرینه می‌تواند به وثاقت وی مشعر باشد. بر این اساس این طریق هم معتبر می‌شود.

۲. «قال: وأخبرنا الحسين بن علي بن سفيان، عن جعفر بن محمد بن مالك الفزاري الكوفي بها قال: حدثنا القاسم بن الربيع بن بنت زيد الشحام».^۳
قائل «أخبرنا»، ابن نوح است.

جعفر بن محمد بن مالک ثقه است^۴ و حسین بن علی بن سفيان هم ثقه است؛^۵ بنابراین طریق معتبر است.

طریق کلینی: «الحسين بن محمد، عن جعفر بن محمد، عن القاسم بن الربيع».^۶
این طریق به دلیل وثاقت حسین بن محمد و جعفر، معتبر است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

سند کلینی چنین است: «الحسين بن محمد، عن جعفر بن محمد، عن القاسم بن الربيع».^۷

۱. صدوق، الامالی، ص ۳۵۱.

۲. همان، ص ۶۲.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۱۶.

۴. در بحث کتاب وی به این بحث پرداختیم.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۸.

۶. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۷۵، ح ۴۴؛ ج ۴، ص ۵۳، ح ۲۷۰۸.

۷. همان، ج ۱، ص ۷۵، ح ۴۴؛ ج ۴، ص ۵۳، ح ۲۷۰۸.

قرینه دسترسی کلینی به کتاب قاسم این است که جعفر بن محمد بن مالک راوی کتاب قاسم است و در این سند هم جعفر بن محمد راوی از قاسم بن ربیع است. شاهد دیگر دسترسی کلینی به کتاب قاسم، سند حدیث اول کتاب روضه الکافی است.

حدیث آغازین کتاب روضه دارای سه سند است.

سند آغازین حدیث روضه الکافی چنین است: «و حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَالِكِ الْكُوفِيِّ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ الرَّبِيعِ الصَّحَافِ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَخْلَدٍ السَّرَاجِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام».

با توجه به اینکه اسماعیل بن مخلد کتابی ندارد و جعفر بن محمد بن مالک فزاری هم راوی کتاب قاسم است، حدس می‌زنیم که کلینی به کتاب قاسم بن ربیع دسترسی داشته است.

نکته دیگر اینکه در میانه همین حدیث «الی هنا رواية القاسم بن الربيع» آمده است که از در دست داشتن کتاب قاسم نشان دارد.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب	۲۷۰۸، ۴۴

کتاب محمد بن احمد بن یحیی اشعری

محمد بن احمد بن یحیی اشعری (زنده در نیمه دوم سده سوم) جلیل‌القدر و ثقه است؛^۱ هرچند روایت وی از ضعف، اعتماد بر مراسیل و تساهل در نقل از هر راوی را از عیوب وی شمرده‌اند.^۲ ابن الولید روایت‌های محمد را در برخی موارد استثنا کرده است.

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۸؛ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۸.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۸.

این استثنا به طور کلی نزد نجاشی، طوسی و صدوق مقبول افتاده است.^۱

آثار اشعری

وی کتاب‌هایی چند نوشت که در ادامه می‌آید:

زراری، نجاشی، طوسی: نوادر الحکمه.

نجاشی: الملاحم، الطب، مقتل الحسین علیه السلام، الإمامه، المزار.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی به نوادر الحکمه: «أخبرنا الحسين بن موسى قال: حَدَّثَنَا جعفر بن محمد قال: حَدَّثَنَا محمد بن جعفر الرزّاز قال: حَدَّثَنَا محمد بن أحمد بنوادر الحکمه».^۲

حسین بن موسی همان حسین بن احمد بن موسی بن هدیه است.^۳ وی از مشایخ نجاشی است.

محمد بن جعفر رزّاز همان ابوالعباس رزّاز است که زراری هم از طریق وی نوادر الحکمه را روایت می‌کند.

درباره وثاقت رزّاز سخن خواهیم گفت. راویان این طریق ثقه هستند و طریق معتبر است.

طریق نجاشی به دیگر کتاب‌ها: «و أخبرنا أحمد بن علی وابن شاذان وغيرهما، عن أحمد بن محمد بن یحیی، عن أبيه، عنه بسائر کتبه».^۴

احمد بن علی همان ابن نوح است.

این طریق هم معتبر است.

طرق طوسی: طوسی سه طریق دارد؛ به این نحو:

۱. «أخبرنا بجميع رواياته عدّة من أصحابنا، عن أبي المفضل محمد بن عبدالله

۱. البته نجاشی و استادش ابن نوح استثنای محمد بن عیسی را نپذیرفته‌اند.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۸.

۳. رحمان ستایش، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۴۶-۴۷.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۸.

الشیبانی، عن أبی جعفر محمد [بن جعفر] بن بطة القمی، عن محمد بن أحمد بن یحیی^۱.

این طریق به دلیل حضور ابن بطة و ابوالمفضل اعتباری ندارد.^۲

۲. «و أخبرنا الحسين بن عبيد الله و ابن أبي جید، جميعاً، عن أحمد بن محمد بن یحیی عن أبيه عن محمد بن أحمد بن یحیی».^۳

راوی این طریق محمد بن یحیی است با یکی از دو راوی طریق بعد مشترک است. طریق معتبر است.

۳. «و أخبرنا جماعة، عن محمد بن علی بن الحسين، عن أبيه و محمد بن الحسن، عن أحمد بن إدريس و محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد بن یحیی».^۴

دو راوی این طریق همان راویان طریق کلینی هستند. طریق معتبر است.

طرق التهذيب: در التهذيب چهار طریق ارائه شده است. طریق اول با طریق فهرست متفاوت است.

۱. «فقد اخبرني به الشيخ أبو عبد الله و الحسين بن عبيد الله و أحمد بن عبدون كلهم عن أبي جعفر محمد بن الحسين بن سفیان عن أحمد بن إدريس عن محمد بن أحمد بن یحیی».^۵

در مدح یا جرح محمد بن الحسين بن سفیان سخنی گفته نشده است؛ هرچند نقل سه نفر از بزرگان از وی اشعاری بر وثاقت وی دارد؛ از این رو، فی الجمله طریق معتبر است.

۲. «أخبرنا أبو الحسين بن أبي جید عن محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۸.

۲. درباره ضعف این دو پیش تر بحث شد.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۸.

۴. همان.

۵. طوسی، تهذيب الاحکام، ج ۱۰، ص ۷۱.

یحیی و أحمد بن إدريس جميعاً عن محمد بن أحمد بن يحيى».^۱

این طریق با طریق سوم فهرست از ابن الولید تا محمد بن احمد مشترک است. طریق معتبر است.

۳. «و أخبرني به أيضاً الحسين بن عبيد الله عن أحمد بن محمد بن يحيى عن أبيه محمد بن يحيى عن محمد بن أحمد بن يحيى».^۲

این طریق با طریق دوم طوسی در فهرست یکسان و معتبر است.

۴. «و أخبرني به الشيخ أبو عبد الله و الحسين بن عبيد الله و أحمد بن عبدون كلهم عن أبي محمد الحسن بن الحمزة العلوي و أبي جعفر محمد بن الحسين البزوفري جميعاً عن أحمد بن إدريس عن محمد بن أحمد بن يحيى».^۳

این طریق هم با طریق اول التهذيب مشترکاتی دارد. این طریق معتبر است.

طریق صدوق: طریق صدوق دقیقاً همان طریق سوم فهرست است: «و ما كان فيه عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري فقد رويته عن أبي؛ و محمد بن الحسن بن محمد عن محمد بن يحيى العطار؛ و أحمد بن إدريس جميعاً عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري».^۴

یادآوری

البته در مورد شیخ صدوق باید به دو نکته توجه کرد: نخست اینکه، شیخ استثناهای استادش ابن الولید از نوادر الحکمه را پذیرفته است؛ و دوم اینکه، صدوق نوادر الحکمه را در شمار منابع کتاب من لا یحضره الفقیه ذکر کرده است؛ منابعی که بر آن‌ها

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۷۱.

۲. همان، ص ۷۱-۷۲.

۳. همان، ص ۷۲.

۴. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۷۵.

اعتماد داشته و مرجع بوده‌اند.^۱

طریق زواری: طریق زواری به نوادر الحکمه این گونه است: «حدّثنی به خال اُبی اُبو العباس الرّزّاز عن محمد بن أحمد بن یحیی و هو مصتّفه». این طریق و طریق نجاشی به نوادر الحکمه راوی مشترک دارد و آن ابوالعباس محمد بن جعفر رزّار است. این طریق هم معتبر است.

طریق کلینی: طریق کلینی را صدوق و طوسی در التهذیب و مشیخه آورده‌اند. در واقع راوی این طرق احمد بن ادريس و محمد بن یحیی هستند: «محمد بن یحیی و احمد بن ادريس عن محمد بن احمد»^۲؛ بنابراین این طریق معتبر است.

۱. همان، ج ۱، ص ۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۹۴۶.

نگاه ابن الولید و کلینی را فهمید.^۱ به نظر می‌رسد کلینی به این استثنا پایبند نبوده است. برای نمونه، روایت «محمد بن عیسی عن یونس» را بارها و بارها و حتی بیشتر از طریق دیگر کتاب یونس؛ یعنی «اسماعیل بن مزار عن یونس» در کتابش نقل کرده است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
الامامة یا الملاحم	۹۴۶

کتاب محمد بن احمد حمدان قلانسی

محمد بن احمد، ابوجعفر قلانسی معروف به حمدان در نیمه دوم قرن سوم می‌زیست. در وصفش «مضطرب» گفته شده است.^۲ ابن غضائری به دلیل ضعف حمدان با این عبارت تصریح می‌کند: «ضعیف یروی عن الضعفاء»^۳ و کثی به صراحت وی را فقیه، ثقه و خیر وصف کرده است.^۴ به نظر می‌رسد عبارت ابن غضائری بتواند این مسئله را حل کند. او قلانسی را راوی از ضعفا می‌داند، در حالی که او از ثقاتی مانند محمد بن الولید^۵ و اسماعیل بن مهران^۶ روایت می‌کند. همین روایت او از ثقات و ضعفا مراد نجاشی از مضطرب را مشخص می‌کند. در واقع، نجاشی بر این باور است که قلانسی از ثقه و ضعیف روایت می‌کند؛^۷ بنابراین اضطراب بدین معنا با وثاقت منافاتی ندارد. نجاشی سه اثر المواقیت فی الصلاة، فضل الکوفة، النوادر را از او دانسته است.

۱. در مقاله با عنوان «روایت شیخ کلینی از مستثنیات ابن الولید در نوادر الحکمه» از مهدی جلالی و علیه رضاداد در این مورد مباحثی ارائه شده است. این مقاله در شماره ۶۴ فصلنامه علوم حدیث چاپ شده است.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۱.

۳. ابن غضائری، الرجال، ص ۹۶.

۴. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱۴، ص ۵۰۱، ح ۱۴۴۱۰؛ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۵.

۶. کلینی، الکافی، ج ۱۵، ص ۲۹۹، ح ۱۴۹۱۰؛ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶.

۷. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۳۴۵.

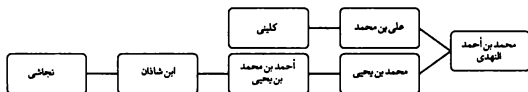
طریق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی: أخبرنا أبو عبدالله بن شاذان قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن يحيى، عن أبيه، عن حمدان.^۱

ابن شاذان از مشایخ نجاشی و احمد بن محمد بن يحيى از مشایخ اجازه است.^۲ محمد بن يحيى ثقة است، پس طریق معتبر است.

طریق کلینی: «علی بن محمد عن محمد بن أحمد النهدی».^۳ طریق معتبر است؛ چون علی بن محمد علّان کلینی ثقة است.

نمودار طرق



قاعدهٔ بازیابی

قاعدهٔ کتاب نداشتن راوی: بر اساس قاعدهٔ کتاب نداشتن راوی، در طریق «علی بن محمد عن محمد بن أحمد النهدی» کتاب نهدی و به حدس قوی نوادر وی منبع کلینی است. ذکر این نکته بجاست که علی بن محمد علّان کلینی کتاب دارد، اما تنها کتاب شناخته شدهٔ وی اخبار القائم است و دو حدیث مذکور مربوط به امام عسکری علیه السلام است؛ هرچند بعید نیست این دو حدیث را جزء همان اخبار القائم بدانیم؛ چراکه دلایل امامت امام عسکری علیه السلام که در این دو حدیث آمده، در واقع مقدمه اثبات امامت امام قائم علیه السلام است.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۱.

۲. طوسی، الرجال، ص ۴۱۰.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۸۵۰؛ ص ۱۱۵، ح ۸۵۵.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
نوادر	۳۵۹۰، ۳۳۳، ۸۵۵، ۸۵۰

کتاب محمد بن اسماعیل برمکی

نجاشی محمد بن اسماعیل برمکی (زنده در نیمه دوم قرن سوم) را به وثاقت و استقامت وصف کرده است؛^۱ هرچند ابن غضائری او را ضعیف پنداشته است.^۲ ظاهراً منشأ تضعیف ابن غضائری روایات مشکلی است که در الکافی آمده است.^۳ او کتاب هایی از جمله کتاب التوحید را تصنیف کرده است.

طرق به کتاب محمد بن اسماعیل

به کتاب محمد بن اسماعیل سه طریق از نجاشی، صدوق و کلینی درست است: طریق نجاشی: «أخبرنا أحمد بن علي بن نوح قال: حدثنا الحسن بن حمزة قال: حدثنا محمد بن جعفر الأسدي، عن محمد بن إسماعيل بكتابه».^۴ طریق معتبر است؛ چراکه همه راویان ثقة هستند.

طریق صدوق: «و ما كان فيه عن محمد بن إسماعيل البرمكي فقد رويته عن علي بن أحمد بن موسى؛ و محمد بن أحمد السناني؛ و الحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۴۱.

۲. ابن غضائری، الرجال، ص ۹۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۹، ح ۱۴۵۶: «لو علم الناس كيف ابتداء الخلق ما اختلف اثنان، إن الله عز وجل - قبل أن يخلق الخلق قال: كن ماء عذبا، أخلق منك جنتي وأهل طاعتي، وكن ملحاً أجاجاً، أخلق منك ناري وأهل معصيتي، ثم أمرهما، فامتزجا، فمن ذلك صار ولد المؤمن الكافر، والكافر المؤمن. ثم أخذ طيناً من آدم الأرض، فعرکه عرکاً شديداً، فإذا هم كالذريديون، فقال لأصحاب اليمين: إلى الجنة بسلام، وقال لأصحاب الشمال: إلى النار ولا أبالي. ثم أمر ناراً، فأسعرت، فقال لأصحاب الشمال: ادخلوها، فهابوها...».

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۴۱.

المکتب عليه السلام عن محمد بن أبي عبد الله الكوفي، عن محمد بن إسماعيل البرمكي^۱. درباره سه استاد شیخ صدوق جز تعبیر «ترضی» از خود صدوق مدح دیگری نداریم. محدث نوری اجتماع هر سه را از وثاقت یک نفر کمتر نمی‌داند؛ از این رو، این طریق را به صحت یا حسن کالصحیح توصیف کرده است.^۲

طریق کلینی: «أبو علی الأشعری و محمد بن یحیی عن محمد بن إسماعیل»^۳. طریق به دلیل وثاقت هر دو راوی معتبر است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قاعده شبه عده: با توجه به سند «أبو علی الأشعری و محمد بن یحیی عن محمد بن اسماعیل»^۴ قاعده بازیابی، شبه عده است؛ چراکه ابو علی اشعری و محمد بن یحیی هردو با هم از محمد بن اسماعیل روایت می‌کنند.

پرسش پایانی این است که این حدیث در چه کتابی آمده است. آیا قاعده تناسب محتوا در اینجا کاربرد دارد؟ حدیث در بابی آمده است که با «باب طينة المؤمن و الکافر» مرتبط است. حدیث متضمن مباحثی است که از آن جبر استفاده می‌شود.^۵

۱. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۲.

۲. نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۶۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۹، ح ۱۴۵۶.

۴. همان.

۵. بعید نیست دلیل تضعیف ابن غضائری چنین روایاتی باشد. این روایت محمد بن اسماعیل است: «أبو علی

بعید نیست این حدیث تنها در کتاب شناخته شده محمد بن اسماعیل؛ یعنی التوحید آمده باشد؛ هرچند او کتاب های دیگری نیز داشته که از نامشان بی خبریم.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
التوحید	۱۴۵۶

کتاب محمد بن اسماعیل بن بزيع

رجالین محمد بن اسماعیل بن بزيع را از ثقات و صالحان شیعه شمرده اند. او چندین کتاب دارد که ثواب الحج و کتاب الحج را نام برده اند.^۱

طرق و اعتبارسنجی آنها

طریق نجاشی: طریق نجاشی به وی چنین است:

«أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان، عن أحمد بن محمد بن يحيى، عن سعد، عن معاوية بن حكيم، عن محمد بن إسماعيل».^۲

ابن شاذان و احمد هر دو از مشایخ اجازه هستند.

تنها راوی بررسی نشده این طریق، معاویه بن حکیم است. وی ثقة و از بزرگان شیعه و

الأشعري و محمد بن يحيى، عن محمد بن إسماعيل، عن علي بن الحكم، عن أبيان بن عثمان، عن زرارة؛ عن أبي جعفر عليه السلام، قال: «لو علم الناس كيف ابتداء الخلق ما اختلف اثنان، إن الله - عز وجل - قبل أن يخلق الخلق قال: كن ماء عذبا؛ أخلق منك جنتي وأهل طاعتي، وكن ملحاً أجاباً، أخلق منك ناري وأهل معصيتي، ثم أمرهما، فامتزجا، فمن ذلك صار ولد المؤمن الكافر، والكافر المؤمن. ثم أخذ طيناً من أدِيم الأرض، فعركا عركاً شديداً، فإذا هم كالذر يدبون، فقال لأصحاب اليمين: إلى الجنة بسلام، وقال لأصحاب الشمال: إلى النار ولا أبالي. ثم أمر نارا، فأسعرت، فقال لأصحاب الشمال: ادخلوها، فهابوها، وقال لأصحاب اليمين: ادخلوها، فدخلوها، فقال: كوني برداً وسلاماً، فكانت برداً وسلاماً. فقال لأصحاب الشمال: يا رب، أقلنا، فقال: قد أقلتكم، فادخلوها، فذهبوا، فهابوها، فثم ثبتت الطاعة والمعصية، فلا يستطيع هؤلاء أن يكونوا من هؤلاء، ولا هؤلاء من هؤلاء» (همان، ج ۳، ص ۲۳، ح ۱۴۵۹).

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۳۰، طوسی، فهرست كتب الشيعة، ص ۴۰۰.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۳۲.

از اصحاب حضرت رضا علیه السلام است،^۱ پس این طریق اعتبار دارد.

طریق طوسی: طریق شیخ طوسی به وی این‌گونه است:

«أخبرنا ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن بن الوليد، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن محمد بن إسماعيل».^۲

همه حاضران در سند ثقه هستند؛ از این رو، طریق هم معتبر است.

شیخ صدوق طریق خود را چنین آورده است:

«و ما كان فيه عن محمد بن إسماعيل بن بزيع فقد رويته عن محمد بن الحسن عليه السلام عن محمد بن الحسن الصقار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع».^۳

البته اگر این طریق مانند طریق نجاشی و طوسی باشد، در واقع نه اینکه سند احادیث وی باشد، همه این افراد ثقه هستند؛ بنابراین طریق اعتبار دارد.

طریق کلینی نیز بدین‌گونه است:

«محمد بن يحيى عن محمد بن الحسين عن محمد بن إسماعيل بن بزيع».
محمد بن الحسين بن أبي الخطاب جلیل، مسکون الی روایت، عظیم‌القدر^۴ و ثقه دانسته شده است.^۵

سایر راویان نیز پیش از این بررسی شده‌اند؛ از این رو، در اعتبار طریق بحثی نیست.

۱. همان، ص ۴۱۲.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۰۰.

۳. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۵۱.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۵.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۰.

نمودار طرق



قاعدهٔ باز یابی

قاعدهٔ تعلیق: در الکافی این سند چنین آمده است: «محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین عن محمد بن اسماعیل بن بزیع عن صالح بن عقبه»^۱ بلافاصله پس از این سند سه حدیث آمده است که هر سه با «صالح بن عقبه» آغاز می‌شود.^۲

شایسته یادآوری است که موضوعات این احادیث با دو کتاب ثواب الحج و کتاب الحج تناسبی ندارد و ظاهراً این احادیث از سایر کتاب‌های ابن بزیع گرفته شده است؛ چراکه نجاشی او را دارای «کتب» دانسته، به ذکر دو عنوان بسنده می‌کند.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب	۲۰۸۷، ۲۰۸۹، ۲۰۸۸، ۲۱۹۱، ۲۱۹۲، ۲۱۹۳، ۲۱۹۴، ۲۱۹۵

کتاب محمد بن حسن صفار

محمد بن الحسن بن فروخ، معروف به صفار (م ۲۹۰ هـ) را نجاشی با این تعابیر ستوده است: «كان وجهها في أصحابنا القميين، ثقة عظيم القدر راجحاً قليل السقط في الرواية».^۳

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۵۶، ح ۲۰۸۷.

۲. مانند همین مثال: ببینید: کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۱۹، ح ۲۱۹۱-۲۱۹۳.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۵۴.

محمد بن یحیی و ابن الولید از راویان وی هستند. وی با امام عسکری علیه السلام نیز مکاتبه داشته است.^۱

آثار صفار

محمد بن حسن صفار آثار متعددی تألیف کرده که در ذیل گزارش شده است:
نکته قابل ذکر این است که شیخ طوسی درباره کتاب‌های وی می‌نویسد: «له کتب مثل کتب الحسین بن سعید، و زیاده کتاب بصائر الدرجات و غیره» و بر همین اساس از ذکر دقیق نام کتاب‌های صفار پرهیز کرده، به خلاف نجاشی که کتاب‌ها را نام برده است:

نجاشی، طوسی: بصائر الدرجات

طوسی: مسائل کتب بها إلی أبی محمد الحسن بن علی علیه السلام

نجاشی: الصلاة، الوضوء، الجنائز، الصیام، الحج، النکاح، الطلاق، العتق و التذیر و المکاتبه، التجارات، المکاسب، الصيد و الذبائح، الحدود، الدیات، الفرائض، الموارث، الدعاء، المزار، الرد علی الغلاة، الأشربة، المروءة، الزهد، الخمس، الزکاة، الشهادات، الملاحم، التقیه، المؤمن، الإیمان و النذور و الکفارات، المناقب، المثالب، کتاب ما روی فی أولاد الأئمه علیهم السلام، الجهاد، فضل القرآن.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

نجاشی دو طریق به صفار دارد:

۱. «أخبرنا بکتابه کلها ما خلا بصائر الدرجات أبو الحسن علی بن أحمد بن محمد بن طاهر الأشعری القمی قال: حدّثنا محمد بن الحسن بن الولید عنه بها».^۲
- این طریق معتبر است^۳؛ هرچند بصائر الدرجات از این طریق روایت نشده است.

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۸.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۵۴.

۳. بنابر وثاقت مشایخ نجاشی. ابن ولید هم وثاقتش گذشت.

۲. «و أخبرنا أبو عبدالله بن شاذان قال: حَدَّثَنَا أحمد بن محمد بن يحيى عن أبيه عنه بجميع كتبه و بصفات الدرجات».^۱

این طریق که محمد بن یحیی راوی آن است، طریق کلینی به صفار نیز هست. البته نجاشی از طرف محمد بن یحیی به صفار طریق دارد. کلینی نیز از همین طریق و طریق دیگری که خواهد آمد، به کتاب‌های صفار دسترسی داشته است.

ابن شاذان از مشایخ نجاشی و احمد از مشایخ اجازه است. محمد بن یحیی هم ثقه است.

این طریق در اعتبار به طریق نخست نمی‌رسد. بصائر از این طریق روایت شده است. طرق طوسی: طوسی سه طریق در فهرست به صفار گزارش کرده است:

۱. «أخبرنا بجميع كتبه و رواياته ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار».^۲

در برخی نسخه‌های فهرست «کتاب» نیست و این با عدم روایت بصائر از طرف ابن الولید سازگار است. شاهد دیگر بر صحت نسخه بدون «کتاب» این است که این طریق با طریق اول نجاشی هیچ تفاوتی ندارد؛ چراکه ابن ابی جید همان ابو الحسن علی بن احمد بن محمد بن طاهر الأشعری القمی است و نجاشی استثنای بصائر را از همین طریق نقل می‌کند. شاهد سوم این است که در انجام طریق بعد، طوسی به عدم روایت ابن الولید تصریح می‌کند و این تصریح طریق مورد بحث را هم شامل می‌شود؛ چراکه روایت نکردن در یک طریق و روایت کردن در طریق دیگر معنایی ندارد. این طریق عیناً در تهذیب الأحکام آمده است^۳ و همان طریق نخست نجاشی معتبر است.

۲. «و أخبرنا جماعة، عن محمد بن علي بن الحسين، عن محمد بن الحسن عن

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۵۴.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۰۸.

۳. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۷۳ (مشبخه).

محمد بن الحسن الصفار، عن رجاله إلا کتاب بصائر الدرجات فإنه لم يروه عنه ابن الوليد»^۱.

دانستیم که «إلا کتاب بصائر الدرجات فإنه لم يروه عنه ابن الوليد» به هر دو طریق برمی‌گردد.

همه افراد این طریق پیش‌تر بررسی شده‌اند و ثقه هستند.

۳. «و أخبرنا الحسين بن عبيد الله، عن أحمد بن محمد بن يحيى، عن أبيه، عن محمد بن الحسن الصفار»^۲.

این طریق با طریق دوم نجاشی در دو راوی منتهی به صفار مشترک است. راویان این طریق بررسی شده‌اند. این طریق به بصائر هست، اما در اعتبار به طریق ابن الولید نمی‌رسد.

طریق مشیخه التهذیب: طریق دیگر طوسی در مشیخه التهذیب است: «وما ذكرته في هذا الكتاب عن محمد بن الحسن الصفار فقد أخبرني به الشيخ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان والحسين بن عبيد الله وأحمد بن عبدون كلهم عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن أبيه».

این طریق با طریق دوم فهرست یک اختلاف دارد؛ زیرا در آنجا راوی از ابن الولید، شیخ صدوق است، ولی در اینجا فرزند ابن الولید، احمد است. همه راویان بررسی شده و ثقه هستند.

طریق صدوق: طریق شیخ صدوق این‌گونه است: «وما كان فيه عن محمد بن الحسن الصفار عليه السلام فقد رويته عن محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد عليه السلام عن محمد بن الحسن الصفار»^۳.

این طریق با طریق دوم فهرست یکی است. در واقع، این طریق در فهرست

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۰۸.

۲. همان.

۳. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۴.

ابن الولید موجود بوده است.

این طریق هم بررسی شده و همه ثقه هستند؛ بنابراین معتبر است.

طریق کلینی: دو طریق کلینی هم این گونه است:

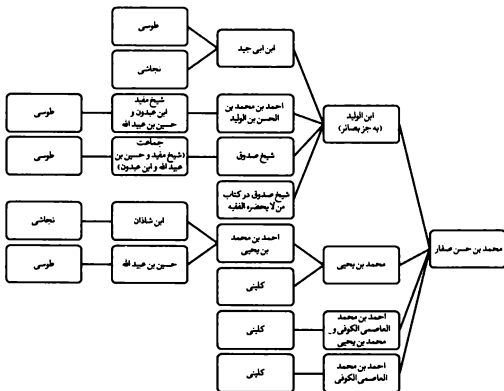
۱. «أحمد بن محمد و محمد بن یحیی عن محمد بن الحسن»^۱

در این طریق احمد بن محمد عاصمی کوفی^۲ و محمد بن یحیی هر دو ثقه هستند؛ بنابراین طریق معتبری است.

۲. «محمد یحیی عن محمد بن الحسن»^۳

محمد بن یحیی ثقه است. این طریق هم به بضائر الدرجات و سایر آثار صفار است.

نمودار طرق



۱. محمد بن الحسن صحیح است.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۹۳.

۳. محمد بن الحسن صحیح است.

قواعد بازیابی

قاعده شبه عده: سند «أحمد بن محمد و محمد بن يحيى عن محمد بن الحسين»^۱ به دلیل عطف محمد بن يحيى بر احمد بن محمد مشمول قاعده شبه عده است. این سند ۱۳ بار در اصول الكافي آمده است. ۱۱ مورد آن در بصائر الدرجات کنونی موجود است.

قاعده حدیث ذیلی: سند «محمد يحيى عن محمد بن الحسين»^۲ نه بار در اصول الكافي تکرار شده که هفت مورد آن در بصائر الدرجات موجود است. قاعده تناسب محتوا: «أحمد بن محمد عن محمد بن الحسين»^۳ این سند ده بار در بخش اصول الكافي تکرار شده که دو مورد آن در بصائر الدرجات نیست.

همه مواردی که در بصائر الدرجات است در جدول ذیل گزارش شده است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
بصائر الدرجات	۴۴۹، ۴۶۸، ۵۹۳، ۶۶۷، ۶۶۸، ۷۳۰، ۱۰۱۵، ۱۰۵۷، ۱۴۶۴، ۲۰۲، ۶۱۱، ۶۱۵، ۶۸۸، ۷۰۱، ۷۰۲، ۶۲۸، ۴۴۶، ۵۲۶، ۵۴۲، ۶۱۳، ۶۸۰، ۷۱۳، ۱۰۳۸، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۴۰۷.
المناقب	۱۳۸۹، ۹۳۰، ۷۴۳.
الملاحم	۱۳۰۳
التقیه	۱۲۶۵

کتاب محمد بن الحسين بن ابی الخطاب

محمد بن الحسين بن ابی الخطاب (م ۲۶۲ هـ) ثقه، جلیل‌القدر و «مسکون الی

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۰، ح ۴۴۶.

۲. همان، ص ۵۷۰، ح ۶۱۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۱۰۵۷. محمد بن الحسن صحیح است.

روایت «وصف شده است.^۱ وی چند کتاب دارد.

آثار ابن ابی الخطاب

گزارش کتاب های ابن ابی الخطاب که طوسی و نجاشی مشترکاً یا تنها یکی از این دو فهرست نگار گزارش کرده در ذیل می آید.

نجاشی، طوسی: اللؤلؤ، النوادر

نجاشی: التوحید، المعرفة و البداء، الرّد علی أهل القدر، الإمامه، وصایا الأئمه علیهم السلام

طرق و اعتبارسنجی آنها

طریق نجاشی: نجاشی طریق خود را این گونه نقل می کند: «أخبرنا علی بن أحمد عن محمد بن الحسن عن الصفار».^۲

طریق طوسی: طریق طوسی بدین نحو است: «ابن أبی جید، عن ابن الولید، عن الصفار».^۳

دو طریق نجاشی و طوسی یکی هستند و هر دو معتبرند.

طریق کلینی: کلینی یک طریق دارد که وجاده ای است: «رواه محمد بن الحسین». این طریق، وجاده ای است.^۴ محتمل است در اینجا کلینی بر اساس اسناد متعدد در الکافی به واسطه محمد بن یحیی از محمد بن الحسین روایت کرده باشد^۵ و واسطه افتاده در این طریق، محمد بن یحیی باشد که در این صورت طریق، معتبر است.

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۰؛ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۴.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۴.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۰.

۴. رواه محمد بن الحسین: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۳۵۵.

۵. همان، ج ۵، ص ۵۳، ح ۳۸۷۵؛ ج ۶، ص ۴۵۵، ح ۵۴۴۷ و

نمودار طرق



قواعد باز یابی

به نظر می‌رسد تعبیر «رواه محمد بن الحسین» دسترسی مستقیم کلینی به کتاب او را اثبات کند. این نوع سند دادن بر اساس قاعده حدیث ذیلی منبع بودن کتاب محمد را اثبات می‌کند و با توجه به اینکه روایت مورد بحث در مورد توحید است، به احتمال بسیار این روایت از کتاب التوحید محمد بن الحسین اخذ شده است:

«رواه محمد بن الحسین».^۱

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
التوحید	۳۵۵

کتاب محمد بن اورمه

ابو جعفر محمد بن اورمه (زنده در نیمه اول سده سوم) از محدثان بنام و راویان پُرروایت است. طوسی او را ضعیف دانسته^۲ و منشأ این تضعیف نظر قمیان است؛ چراکه آنان غلو را به او نسبت داده‌اند؛ اما در این میان، شیخ صدوق و استادش ابن الولید این نسبت را به صیغه مجهول بیان کرده‌اند.^۳ ابن غضائری نیز این اتهام را چنین

۱. همان، ص ۳۴۲، ح ۳۵۵.

۲. طوسی، الرجال، ص ۴۴۸.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۲۹؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۷؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ص ۴۰۷.

پاسخ داده است که حدیث او سالم است، جز برگ‌هایی در تفسیر باطن. ابن غضائری گمان کرده است که این اوراق را به وی بسته‌اند. وی نامه‌ای از امام هادی علیه السلام دیده است که امام وی را از آنچه بدو بسته‌اند، بری می‌داند. این نامه بر عقیده نیک و منزلت ویژه ابن اورمه دلالت دارد.^۱ شیخ طوسی روایات وی را تخلیطی می‌داند و در طریق به کتاب‌هایش تصریح کرده است که آنچه را متضمن غلو یا تخلیط است، روایت نمی‌کند. طوسی بلافاصله از صدوق نقل می‌کند که ابن اورمه به غلو متهم شده است؛ پس در اعتماد و افتا بر اساس کتاب‌های وی باید صرفاً به مشترکات میان این کتاب‌ها و کتاب‌های حسین بن سعید و دیگران فتوا داد و از اعتماد و افتا بر اساس متفردات وی پرهیز کرد.^۲ جالب است که نجاشی جز در مورد کتاب تفسیر الباطن که آن را مخلط دانسته و از ابن اورمه هم نمی‌داند، کتاب‌های ابن اورمه را «صحاح» خوانده است.^۳

آثار ابن اورمه

از آنجا که طوسی از عنوان کتاب‌های وی به طور خاص نام نبرده و صرفاً کتاب‌های او را مانند کتاب‌های حسین بن سعید دانسته، تنها کتاب‌های نامبرده فهرست مصنفی اسماء الشیعه را نام می‌بریم:

نجاشی: الوضوء، الصلاة، الزکاة، الصیام، الحج، النکاح، الطلاق، الحدود، الدیات، الشهادات، الايمان و النذور، العتق و التدبیر، التجارات و الاجارات، المكاسب، الصيد و الذبائح، المزار، حقوق المؤمن و فضله، الجنائز، الخمس، تفسیر القرآن، الرّة علی الغلاة، المثالب، المناقب، التجمل و المروة، الملاحم، الدعاء، التقیة، الوصایا، الفرائض، الزهد، الأشربة، کتاب ما نزل فی القرآن فی أمر المؤمنین علیه السلام.

۱. ابن غضائری، الرجال، ص ۹۳.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۷.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۲۹.

طریق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی: «أخبرنا الحسين بن محمد بن هدية قال: حَدَّثَنَا جعفر بن محمد قال: حَدَّثَنَا عبدالله بن الفضل بن هلال قال: حَدَّثَنَا أحمد بن علي بن النعمان قال: حَدَّثَنَا محمد بن أورمة بكتبه»^۱.

نام صحیح^۲ و نسب و کنیه عبیدالله چنین است: «أبو عيسى عبیدالله بن الفضل بن محمد بن هلال الطائى البصرى»^۳. ابن قولویه از وی نقل کرده است، همان‌گونه که در طریق مذکور هم ابن قولویه از او روایت می‌کند. نیز بنابر گزارش نجاشی کتاب زهر الریاض وی حسن و کثیر الفوائد بوده است.^۴

احمد بن علی بن النعمان توثیق و تضعیفی ندارد. این طریق شاذ و اعتبار آن محل تردید است.

طریق طوسی: «أخبرنا بجمعها إلا ما كان فيها من تخليط أو غلو - ابن أبي جيد، عن ابن الوليد، عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن محمد بن أورمة»^۵.

اعتماد ابن الولید بر حسین بن حسن بن ابان مؤیدی بر وثاقت اوست؛ هرچند جرح و تعدیلی ندارد؛ بنابراین طریق معتبر می‌شود. نکته دیگر اینکه دانستیم این کتاب‌ها از برخی احادیث استثنا شده؛ بنابراین اعتماد به موارد استثنا نشده مشکلی ندارد.

طریق کلینی: «غير واحد عن الحسن بن الحسين عن محمد بن أورمة».

این طریق ظاهراً معتبر است.

۱. همان.

۲. آیت الله شبیری زنجانی نیز در حاشیه بر نسخه فهرست اسماء مصنفی الشیعه، نام درست وی را عبیدالله دانسته‌اند.

۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۶۰.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۳۲.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۷.

نمودار طرق



قاعدهٔ بازيايي

قاعدهٔ كتاب نداشتن راوی: سند الکافی چنین است: «غير واحد عن الحسن بن الحسين عن محمد بن اُورمه». «غير واحد» به منزلهٔ «عدهٔ من أصحابنا» است؛ و براساس قاعدهٔ عده كتاب حسين بايد منبع باشد؛ اما از آنجا که او کتابی ندارد، نوبت به محمد بن اُورمه می‌رسد. پس بر اساس قاعدهٔ كتاب نداشتن راوی اين حديث از كتاب محمد بن اُورمه گرفته شده است. اکنون سؤال اين است که اين حديث از کدام كتاب محمد است. حديث در «باب طينة المؤمن و الکافر» است. همين حديث در المحاسن در كتاب الصفوة و النور و الرحمه در «باب اختلاط الطينتين» آمده است.^۱ ممکن است اين حديث در كتاب «حقوق المؤمن و فضله» آمده باشد.

پيوند حديث و كتاب

حديث	كتاب
۱۴۵۳	حقوق المؤمن و فضله

كتاب محمد بن عبد الحميد

ابو جعفر محمد بن عبد الحميد عطار (زنده در نیمهٔ سدهٔ سوم) از شیعیان امامی

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۵، ح ۱۴۵۳، باب طينة المؤمن و الکافر.

۲. برقي، المحاسن، ج ۱، ص ۱۳۶.

کوفه و فردی ثقه بوده است. نجاشی او را صاحب نوادر^۱ و طوسی دارای کتاب می‌داند.^۲

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

سه طریق به کتاب ابن عبدالحمید وجود دارد. نجاشی، طوسی و کلینی هر یک طریقی به نوشتار محمد بن عبدالحمید دارند. طرق مذکور عبارت‌اند از:

طریق نجاشی: «أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال: حَدَّثَنَا أحمد بن محمد بن يحيى، عن عبد الله بن جعفر، عنه».^۳

ابن شاذان از مشایخ نجاشی و احمد بن محمد از مشایخ اجازه است؛^۴ پس طریق معتبر است.

طریق طوسی: «أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل، عن ابن بطة، عن أحمد بن أبي عبد الله، عنه».^۵

طریق به دلیل ابن بطة و ابوالفضل اعتبار ندارد.

طریق کلینی: «محمد بن جعفر عن محمد بن عبدالحمید».

محمد بن جعفر رزاز از مشایخ شیعه است؛ بنابراین طریق معتبر است.

نمودار طرق



۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۹.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۳۵.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۹.

۴. طوسی، الرجال، ص ۴۱۰.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۳۵.

قاعدهٔ بازایی

قاعدهٔ کتاب نداشتن راوی: در سند «محمد بن جعفر عن محمد بن عبد الحمید»؛^۱

یعنی محمد بن جعفر رزاز است.

نکتهٔ دیگر: با توجه به اینکه محمد بن عبد الحمید صاحب کتاب نوادر است و

حدیث در کتاب ایمان و الکفر است، می‌تواند این حدیث از نوادر گرفته شده باشد.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب/نوادر	۲۵۷۳

کتاب محمد بن عبد الجبار بن ابی ضهبان

محمد بن عبد الجبار بن ابی ضهبان در نیمهٔ دوم قرن سوم می‌زیسته است. وی در اسناد احادیث بسیاری حضور دارد. طوسی دو بار وی را ثقه خوانده است.^۲ نجاشی نام وی را مستقلاً نیاورده، فقط در طریق به برخی کتاب‌ها ذکر کرده است؛ اما شیخ طوسی پس از ذکر نام و طریق به وی نوشته است: «له روایات».^۳ ظاهر این تعبیر این است که او صرفاً روایاتی داشته و طوسی به روایات او طریق داشته است و این به معنای نداشتن تألیفی مستقل است. به نظر می‌رسد این برداشت از «له روایات» صحیح نیست؛ چراکه شیخ طوسی فهرست را نوشته است تا آثار و نوشتارهای شیعی را گزارش کند و اگر او به دنبال روایات و احادیث راویان بود، می‌بایست نام راویانی که در رجال خود آورده در اینجا هم می‌آورد.

نیز با مقایسهٔ برخی پژوهشگران، میان مواردی که شیخ در فهرست این تعبیر را برای

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۷۵۹، ح ۲۵۷۳.

۲. طوسی، الرجال، ص ۳۹۱، ص ۴۰۱.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۱۵.

آن‌ها به کار برده و نجاشی در فهرست اسماء مصنفی الشیعه آورده، روشن شده است که روایات در اینجا به معنای احادیث یا حتی به معنای روایت کردن نیست؛ بلکه مصطلحی است معادل «نوادر».^۱

دلیل سوم برای تألیف داشتن محمد بن عبد الجبار هم قواعد بازیابی منابع الکافی است که در ادامه خواهد آمد.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق شیخ طوسی: «أخبرنا بها ابن أبي جید، عن محمد بن الحسن (بن الولید)، عن سعد بن عبدالله و الحمیری و محمد بن یحیی و أحمد بن إدريس، عن محمد بن أبي الصهبان».^۲

ابن ابی جید از مشایخ نجاشی است. سایر راویان هم ثقه هستند. روایت نوشتار ابن ابی صهبان به وسیله چهار محدث و عالم شیعی بر اعتبار این کتاب می‌افزاید. صدوق نیز در مشیخه این‌گونه گزارش کرده است:

«و ما كان فيه عن محمد بن عبد الجبار فقد رويته عن أبي؛ و محمد بن الحسن عليه السلام عن سعد بن عبدالله؛ و الحمیری؛ و محمد بن یحیی العطار؛ و أحمد بن إدريس جميعاً عن محمد بن عبد الجبار؛ و هو محمد بن أبي الصهبان».^۳

این طریق با طریق طوسی مشترک است و اعتبار دارد. همه راویان ثقه هستند که پیش از این بررسی شدند.

طریق کلینی: کلینی دو طریق دارد که به نظر می‌رسد این دو در واقع یک طریق هستند؛

۱. سرخه‌ای احسان، «کاربرد ده روایات» در فهرست شیخ طوسی و ارتباط آن با کتب نوادر، علوم حدیث، شماره ۸۱.

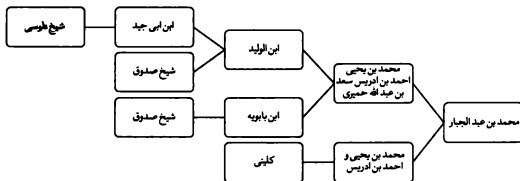
۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۱۵.

۳. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۷۷.

طریق نخست او چنین است: «محمد بن یحیی و أحمد بن إدريس عن محمد بن عبد الجبار».^۱ این طریق با طریق طوسی و صدوق یکی است؛ از این رو، مانند همان طریق معتبر است.

طریق دوم او این گونه است: «أحمد بن إدريس عن محمد بن عبد الجبار».^۲ با توجه به طریق نخست و طریق طوسی و صدوق احتمال یکی بودن این دو بسیار است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

دو قاعده در دستیابی به نوادر محمد بن عبد الجبار کارایی دارد:

قاعده شبه عده: در سند «محمد بن یحیی و أحمد بن إدريس عن محمد بن عبد الجبار»^۳ به دلیل عطف احمد بن محمد، قاعده شبه عده جاری می شود.

قاعده اضممار: در ذیل، ضمیر در سند دوم به محمد بن عبد الجبار بر می گردد؛ بنابراین وی مؤلف منبع است:

«أبو علی الأشعری عن محمد بن عبد الجبار»؛

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۸، ح ۸۰۹.

۲. همان، ج ۳، ص ۶۷۴، ح ۲۴۲۶-۲۴۲۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۸، ح ۸۰۹.

«عنه عن محمد بن عبد الجبار».^۱

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
روایات	۸۰۹، ۲۴۲۶، ۲۴۲۷

کتاب محمد بن علی ابوسمینه

محمد بن علی صیرفی ملقب به ابوسمینه (درگذشته نیمه دوم قرن سوم) را رجالیان به ضعف، فساد اعتقاد، ناشایستگی اعتماد بر وی، غلو^۲، کذب^۳ و نابایستگی کتابت حدیث وی^۴ وصف کرده‌اند. البته شیخ طوسی می‌گوید: آنچه از کتاب‌های محمد بن علی بوده، اساتیدش برای او روایت کرده‌اند، مگر مواردی که در آن‌ها تخلیط، غلو، تدلیس و انفراد بوده است.^۵

آثار ابوسمینه

نجاشی تنها فهرست‌نگاری است که عنوان دقیق آثار ابوسمینه را ذکر می‌کند. این نام‌ها عبارت‌اند از: الدلائل، الوصایا، العتق، تفسیر (عمّ یتساءلون)، الآداب. شیخ طوسی یک‌بار او را دارای کتاب^۶ و در جای دیگر وی را دارای کتب دانسته است؛ البته از گوینده‌ای نامعلوم نقل کرده که کتاب‌های محمد بن علی مانند کتاب‌های حسین بن سعید است.^۷

۱. همان، ج ۳، ص ۶۷۴، ح ۲۴۲۶-۲۴۲۷.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۲.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۴۶.

۴. ابن غضائری، الرجال، ص ۹۴.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۱۲.

۶. همان، ص ۴۰۶.

۷. همان، ص ۴۱۲.

طرق و اعتبارسنجی آنها

در فهرس چهار طریق و در الکافی بخش اصول، دو طریق به آثار ابوسمینه وجود دارد. در ابتدا سه طریق نجاشی را گزارش می‌کنیم:

۱. «أخبرنا أبو الحسين علي بن أحمد قال: حَدَّثَنَا محمد بن الحسن قال: حَدَّثَنَا محمد بن أبي القاسم ماجيلويه عنه بكتابه (بكتاب) الدلائل».^۱

علی بن احمد معروف به ابن ابی جید از مشایخ نجاشی است.

محمد بن ابی القاسم ماجیلویه، ابو عبدالله محمد بن ابی القاسم عبیدالله است. لقب محمد ماجیلویه و لقب پدرش بندار است. محمد بن ابی القاسم ثقه و از بزرگان و عالمان بنام قم است.^۲ ابن الولید محمد بن الحسن نیز از بزرگان است؛ بنابراین طریق به کتاب الدلائل معتبر است.

۲. «و أخبرنا محمد بن جعفر قال: حَدَّثَنَا أحمد بن محمد بن سعيد قال: حَدَّثَنَا جعفر بن عبدالله المحمدي عنه بكتبه؛ و كتاب تفسير عم يتساءلون، و كتاب الآداب».^۳

محمد بن جعفر ادیب، مؤدب، نحوی (م ۴۰۲) ابوالحسن از شاگردان ابن عقده^۴ و از مشایخ نجاشی است. احمد بن محمد بن سعید (ابن عقده) نیز از ثقات و محدثان بنام هستند.^۵ جعفر بن عبدالله نیز ثقه است؛^۶ از این رو، این طریق هم معتبر است.

۳. «أخبرنا ابن شاذان قال: حَدَّثَنَا أحمد بن محمد بن يحيى قال: حَدَّثَنَا أبي قال: حَدَّثَنَا محمد بن أبي القاسم ماجيلويه عنه».^۷

ابن شاذان از مشایخ نجاشی و احمد بن محمد از مشایخ اجازه است؛ بنابراین

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۲.

۲. همان، ص ۳۵۳.

۳. همان، ص ۳۳۲.

۴. رحمان ستایش، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۵۱.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۹۴.

۶. همان، ص ۱۲۰.

۷. همان، ص ۳۳۲.

طریق، معتبر است.

طریق شیخ طوسی این است: «أخبرنا جماعة، عن محمد بن علی بن الحسین، عن أبيه و محمد بن الحسن و محمد بن علی ماجیلویه، عن محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن علی الصیرفی».^۱

محمد بن علی بن ابوالقاسم برادرزاده محمد بن ابوالقاسم است.^۲
محمد بن علی ماجیلویه از مشایخ صدوق است و صدوق عبارت‌های ترضی و ترحم را درباره‌اش به کار برده است.^۳

اگر محمد بن علی ماجیلویه را بر مبنای وثاقت مشایخ اجازه یا اساتیدی که عبارت‌های ترضی و ترحم درباره آنان به کار رفته ثقة بدانیم، این طریق معتبر است.

طریق کلینی

کلینی دو طریق دارد:

۱. «أحمد بن مهران عن محمد بن علی»؛^۴
 ۲. «أحمد بن مهران و علی بن إبراهيم جميعاً عن محمد بن علی».^۵
- در این طریق هرچند احمد بن مهران حضور دارد؛ اما به دلیل عطف علی بن ابراهیم این ضعف بر طرف می‌شود و طریق اعتبار دارد.

۱. شیخ طوسی در طریق خود به محمد بن علی الهمدانی از ابن بطه نقل کرده که او همان ابوسمینه است، اما ظاهراً شیخ این نظر را نپذیرفته است؛ چرا که اگر به یکی بودن این دو باور داشت هر دو را یکجا می‌آورد؛ مگر اینکه بگوییم شیخ طوسی مطابق آنچه در فهرس بوده، نقل کرده است. (طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۶).

۲. صدوق، الامالی، ص ۳۲۲.

۳. همان، ص ۳۵۱، ۳۹۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۷، ح ۸۰۸.

۵. همان، ص ۵۴۳، ح ۱۲۹۲.

عن محمد بن علی^۱.

بر اساس قاعدهٔ اضممار می‌بایست کتاب احمد بن مهران منبع باشد؛ اما از احمد کتابی گزارش نشده و محتوای این روایات همه با کتاب الدلائل محمد بن علی سازگار است. از این رو، در اینجا قاعدهٔ تناسب محتوا و قاعدهٔ کتاب نداشتن راوی بر قاعدهٔ اضممار مقدم می‌شود.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
الدلائل	۵۶۲، ۵۶۱، ۱۳۰۰، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۵، ۱۰۴۴، ۹۳۲، ۷۵۳، ۵۹۱، ۵۸۷، ۵۲۴، ۴۵۴، ۱۳۲۹، ۱۰۳۳، ۵۶۳.
الوصایا	۸۳۰، ۸۲۹، ۸۲۸، ۸۲۷، ۸۲۶، ۸۲۴، ۸۲۳، ۸۱۹، ۸۰۸، ۸۰۵، ۸۰۴، ۸۰۱، ۷۹۸، ۸۳۷، ۸۴۱، ۸۴۰، ۸۳۹، ۸۳۸، ۸۳۱.

کتاب محمد بن عیسی

محمد بن عیسی بن عبید (زنده در ۲۶۰ هـ)^۲ از محدثان و راویان حدیث در قرن سوم است. وی از امام جواد علیه السلام روایت می‌کند^۳ و از راویان آثار یونس بن عبدالرحمان به شمار می‌رود. به گونه‌ای که در وصف وی «یونسی» گفته‌اند.^۴ در وثاقت وی میان رجالیان متقدم اختلاف بوده است. برخی مانند: ابن الولید، شیخ صدوق و شیخ طوسی وی را تضعیف کرده^۵؛ اما بعضی مانند: ابن نوح، نجاشی^۶ و فضل بن شاذان^۷ او را توثیق

۱. همان، ج ۱، ص ۵۳۰-۵۳۱، ۵۶۱-۵۶۳؛ ج ۲، ص ۱۰۰-۱۰۲، ح ۸۳۸-۸۴۱.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۸.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۳.

۴. طوسی، الرجال، ص ۳۹۱.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۰۲؛ طوسی، الرجال، ص ۴۴۸؛ نیز ببینید: نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۳.

۶. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۸.

۷. همان، ص ۳۳۳.

۸. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۷.

کرده‌اند. نجاشی علاوه بر ثقه دانستن، او را دارای تصانیفی نیکو دانسته است. منشأ ضعیف پنداشتن وی ابن الولید است. در اینجا سخنان نقل شده از ابن الولید را ذکر کرده، هر کدام را جداگانه بررسی می‌کنیم:

عبارت اول: نجاشی در ترجمه محمد بن عیسی می‌نویسد: «و ذکر أبو جعفر بن بابویه، عن ابن الولید أنه قال: ما تفرّد به محمد بن عیسی من کتب یونس و حدیثه لا یعتمد علیه».^۱

عبارت دوم: طوسی در ترجمه یونس بن عبدالرحمان می‌گوید: «و قال محمد بن علی بن الحسین: سمعت محمد بن الحسن بن الولید علیه السلام یقول: کتب یونس التی هی بالروایات کُلّها صحیحة یعتمد علیها إلا ما ینفرد به محمد بن عیسی بن عبید و لم یروه غیره، فإنّه لا یعتمد علیه و لا یفتی به».^۲

عبارت سوم: نیز در شرح حال محمد بن عیسی نوشته است: «ضعیف، استثناءه أبو جعفر بن بابویه من رجال نوادر الحکمة، و قال: لا أروى ما یختص بروایت».^۳

عبارت چهارم: نجاشی در ذیل محمد بن احمد بن یحیی آورده است: «و کان محمد بن الحسن بن الولید یستثنی من روایة محمد بن أحمد بن یحیی ما رواه عن... عن محمد بن عیسی بن عبید یاسناد منقطع».^۴

عبارت پنجم: طوسی هم در ذیل محمد بن احمد بن یحیی می‌گوید: «و قال محمد بن علی بن الحسین (ابن بابویه): إلا ما کان فیه من تخلیط، و هو (الذی یکون) فی طریقہ... عن محمد بن عیسی بن عبید یاسناد منقطع یتفرّد به».^۵

از عبارت «یک» و «دو» به دست می‌آید که متفرّدات محمد بن عیسی از کتاب‌های

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۳.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۵۱۲.

۳. همان، ص ۴۰۲.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۸.

۵. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۱۰.

یونس قابل اعتماد نیست.

از عبارت «چهار» معلوم می‌شود که منشأ صدوق در عبارت‌های «سه» و «پنج» کلام ابن الولید است.

عبارت «سه» و «پنج» هم منفردات وی در نوادر الحکمه را استثنا کرده است. با توجه به اینکه ابن الولید کتاب‌های یونس را از طریق غیر از محمد بن عیسی روایت می‌کند، قاعدتاً مرادش در این عبارت همان مطلبی است که در عبارت «یک» و «دو» گفته است؛ یعنی متفردات محمد از کتاب‌های یونس قابل اعتماد نیست، حتی اگر این احادیث در نوادر الحکمه آمده باشد. البته احتمال دارد مراد از «باسناد منقطع» احادیثی باشد که محمد بن عیسی از یونس نقل می‌کند و پس از وی راوی مبهم است مانند: «بعض أصحابه»^۱ و «بعض رجاله»^{۲،۳}.

به هر حال التزام به هر یک از مبانی در اعتبار کتاب‌های محمد بن عیسی اثرگذار است.

آثار محمد بن عیسی

نام‌های آثار محمد بن عیسی با توجه به نقل‌های فهرست‌نگاران چنین است:

زراری، نجاشی، طوسی: التجل و المروءة

زراری، نجاشی: المعرفة.

نجاشی، طوسی: الوصایا.

نجاشی: الإمامة، الواضح المكشوف فی الردة علی أهل الوقوف، بعد الإسناد، قرب الإسناد،

اللولؤه، المسائل المجربه، الضیاء، الطرائف، التوقعات، الفیء و الخمس، الرجال، الزکاة، ثواب الأعمال، النوادر.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۷۳، ح ۳۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۷۱۳، ح ۱۴۱۹.

۳. برای تعریف منقطع ببینید: حاکم نیشابوری، معرفة علوم الحديث، ص ۱۷۳-۱۷۷.

طوسی: تفسیر القرآن، الأمل و الرجاء

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی: نجاشی دو طریق دارد:

۱. «أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال: حَدَّثَنَا أحمد بن محمد بن يحيى عن الحميري قال: حَدَّثَنَا محمد بن عيسى بكتبه و رواياته»^۱.
این طریق به همه آثار اوست.
- این شاذان از مشایخ نجاشی و احمد بن محمد از مشایخ اجازه است؛ بنابراین طریق معتبر است.

۲. «و عن أحمد بن محمد عن سعد عنه بالمسائل»^۲.

این طریق عطف بر طریق بالاست و کامل آن این‌گونه است: «أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان عن أحمد بن محمد عن سعد عنه بالمسائل». این طریق ویژه کتاب المسائل است و منظور از آن ظاهراً همان المسائل المجریة است.

این طریق هم مانند طریق پیش اعتبار دارد.

طریق طوسی: شیخ طوسی یک طریق دارد؛ بدین‌گونه:

«أخبرنا جماعة، عن التلعكبري، عن ابن همام، عن محمد بن عيسى»^۳.

منظور از جماعت، شیخ مفید، حسین بن عبیدالله غضائری و ابن عبدون است.^۴
تلعکبری هم هارون بن موسی است.

ابن همام، محمد بن ابوبکر همام بن سهیل اسکافی (م ۳۳۶ هـ) شیخ اصحاب و

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۳.

۲. همان.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۰۲.

۴. همان، ص ۱۰۹.

پیشگام آنان بوده است.^۱

بنابراین اعتبار طریق مذکور از طریق نجاشی بیشتر است.

طرق زراری: ابو غالب زراری دو طریق و هر کدام به یکی از کتاب‌های محمد بن عیسی داشته است:

طریق زراری به کتاب التَّجْمَلُ و المَرْوَةُ: «حدَّثنی به خال أبی أبو العباس الرِّزَّاز عن محمد بن عیسی العبدی»^۲ است. رَزَّاز محمد بن جعفر است. زراری وی را از مشایخ شیعه دانسته است.^۳

طریق به کتاب المعرفة: «المعرفة تصنیف العبدی حدَّثنی بها الرِّزَّاز خال أبی عن محمد بن عیسی العبدی».^۴

این طریق هم مانند طریق پیشین است.

طرق صدوق: شیخ صدوق نیز دو طریق ارائه کرده است:

۱. «و ما کان فیهِ عن محمد بن عیسی فقد رویته عن أبی عليه السلام عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن عیسی بن عبید الیقطینی».

همه افراد این طریق ثقة و از بزرگان امامیه هستند.

۲. «و رویته عن محمد بن الحسن - رضی الله عنه - عن محمد بن الحسن الصَّقَّار، عن محمد بن عیسی بن عبید الیقطینی».^۵

این طریق هم به دلیل حضور بزرگان امامیه معتبر است.

طریق کلینی: کلینی هم در بخش اصول الکافی یک طریق به عبیدی دارد که عبارت است از:

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۷۹-۳۸۰.

۲. زراری، رسالة أبی غالب الزراری، ص ۱۶۷.

۳. همان، ص ۱۴۰.

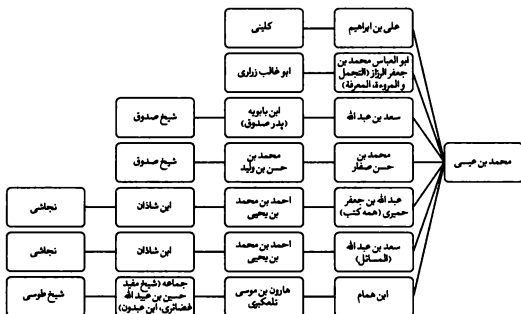
۴. همان، ص ۱۶۹.

۵. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۹۲.

«علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی»^۱.

علی بن ابراهیم ثقة است؛ بنابراین طریق معتبر است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قاعده تعلیق: با توجه به دو سند ذیل می بینیم که در سند دوم یونس بر محمد بن عیسی معلق است؛ بنابراین این کتاب منبع است:

«علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس»^۲.

قاعده حدیث ذیلی: حدیث پس از حدیث قبل^۳ با «روی» آغاز می شود. حدیث بعدی هم با یونس شروع می شود؛ از این رو، اخذ از کتاب محمد بن عیسی محرز است.^۴

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۶۸۵، ح ۲۴۴۴.

۲. همان، ح ۲۴۴۴، ۲۴۴۵.

۳. همان، ح ۲۴۵۵.

۴. همان.

قواعد اضممار و تناسب محتوا: در دو سند ذیل، ضمیر به محمد بن عیسی بر می‌گردد؛ بنابراین کتاب او منبع است؛ البته محتوای این دو حدیث با عنوان ثواب الاعمال متناسب است:

«علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس»؛
«عنه عن یونس»^۱.

البته در جایی پس از آمدن سند «علی بن ابراهیم عن أبیه عن یونس» سند حدیث‌های بعد به ترتیب چنین است: «یونس...»، «یونس...»، «قد روی»، «عنه...»، «یونس...».

بر اساس دو قاعده تعلیق و حدیث ذیلی کتاب محمد بن عیسی منبع است؛ اما میان این احادیث سندی با ضمیر آغاز می‌شود که ضمیرش به یونس بن عبد الرحمان برمی‌گردد و بنابر قاعده اضممار منبع کتاب یونس است. در اینجا دو احتمال مطرح است: احتمال نخست اینکه این حدیث در کتاب محمد بن عیسی بوده و خود محمد از یونس با تعبیر «عنه» نقل کرده است. این احتمال با قاعده اضممار مخالف است، اما نمی‌توان پذیرفت که از هفت حدیث، حدیث ششم از کتاب دیگری گرفته شده باشد. جالب است که هفتمین حدیث هم مانند حدیث پنجم مشمول یک قاعده؛ یعنی قاعده تعلیق است. البته این احتمال وجود دارد که کلینی از کتاب یونس حدیث را گرفته باشد.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
نواد	۲۴۴۵، ۲۴۴۴، ۲۴۴۵، ۲۴۴۷، ۲۴۴۶، ۲۴۴۹، ۲۴۴۸، ۲۴۵۹، ۲۴۶۱، ۲۴۶۲، ۲۵۵۰، ۲۵۵۱، ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۳۴۳۰.
الوصایا	۸۲۹
الإمامه	۲۸۶۳، ۲۸۶۴.

کتاب	حدیث
التوحید و الشریک	۲۸۷۳، ۲۸۷۴، ۲۸۷۶، ۲۸۷۷
ثواب الأعمال	۳۰۵۶، ۳۰۵۷
تفسیر القرآن	۳۰۵۸

کتاب معلی بن محمد

معلی بن محمد بصری (زنده در نیمه دوم سده سوم) از راویان و مؤلفان شیعی است. نجاشی او را «مضطرب الحدیث و المذهب» دانسته است.^۱ ابن غضائری او را چنین وصف کرده است: «يعرف حديثه وينكر ويروي عن الضعفاء ويجوز أن يخرج شاهداً».^۲ همین عبارت اخیر؛ یعنی «يجوز أن يخرج شاهداً» نشانگر صحت برخی احادیث اوست؛ همان احادیثی که معروف هستند، نه منکر. ظاهراً مراد نجاشی از اضطراب در حدیث هم همین تساهل در نقل حدیث است که منکر و معروف برای معلی تفاوتی نداشته و حتی از راویان ضعیف روایت می کرده است. البته نجاشی درباره کتاب های او وصف «قریبه» را به کار برده که از اعتبار آثارش حکایت دارد.

آثار معلی

بر اساس گزارش طوسی^۳ و نجاشی آثار معلی عبارت اند از:

نجاشی، طوسی: الإیمان و درجاته و زیاده و نقصانه، الدلائل، الکفر و وجوه.

نجاشی: شرح المودة فی الدین، التفسیر، الإمامه، فضائل أمير المؤمنين (ع)، قضایا أمير المؤمنين (ع)، المروءه، سيرة القائم (ع).

طرق و اعتبارسنجی آنها

چهار طریق در مجموع به آثار معلی به دست می آید که راوی همه حسین بن محمد

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۴۱۸.

۲. ابن غضائری، الرجال، ص ۹۶.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۶۰.

بن عامر است. طرق مذکور عبارت‌اند از:

طریق نجاشی: «أخبرنا محمد بن محمد بن محمد قال: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ»^۱.

راویان این طریق ثقة هستند؛ بنابراین طریق معتبر است.

طریق شیخ طوسی: «أخبرنا بها جماعة، عن أبي المفضل، عن ابن بطة، عن الحسين بن محمد بن عامر الأشعري، عن المَعْلَى بن محمد البصري»^۲.

شاید از کلام «و روی عنه کتاب الملاحم، عن محمد بن جمهور العمی» طریق دومی استفاده شود؛ اما از آنجا که معلى راوی از محمد بن جمهور است^۳ باید گفت که کتاب الملاحم ابن جمهور از طریق معلى روایت شده است.

ظاهراً نجاشی این طریق را مورد اعتماد ندانسته؛ از این رو، آن را نقل نکرده است؛ چرا که در طریق به المحاسن دیدیم که همه جز شیخ مفید از ابوالفضل روایت کرده بودند. در اینجا هم نجاشی از طریق شیخ مفید کتاب معلى را روایت می‌کند. نه از طریق جماعتی که شیخ مفید در آن نیست و ابن بطة هم در آن واقع است و گفته شد که ابوالفضل شیبانی و ابن بطة در حدیث متساهل بوده‌اند؛ پس اعتبار این طریق مورد تردید است.

طریق شیخ صدوق: «و ما كان فيه عن المَعْلَى بن محمد البصري فقد رويته عن أبي؛ و محمد بن الحسن؛ و جعفر بن محمد بن مسرور رحمته الله عن الحسين بن محمد بن عامر، عن المَعْلَى بن محمد البصري»^۴.

این طریق معتبر است؛ هر چند درباره جعفر بن محمد بن مسرور مدح دال بر وثاقت وجود ندارد؛ اما وجود بزرگانی مانند: ابن الولید و ابن بابویه سبب اعتبار این طبقه می‌شود.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۴۱۸.

۲. طوسی، فهرست کتب الشيعة، ص ۴۶۰.

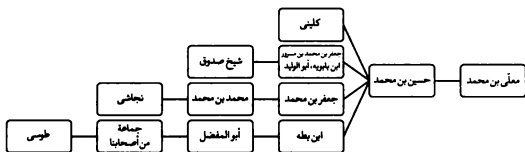
۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۲۲، ح ۱۳۴؛ ص ۱۳۵، ح ۱۶۲ و

۴. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۳۷.

طریق کلینی: «الحسین بن محمد عن معلى بن محمد».

حسین بن محمد ابو عبد الله اشعری ثقة است؛ بنابراین طریق کلینی هم معتبر است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قاعدهٔ اضممار: بر اساس مرجع ضمیر، این حدیث از کتاب معلی گرفته شده است:

«الحسین بن محمد عن معلى بن محمد عن محمد بن جمهور»؛

«عنه عن ابن جمهور»^۱،

موضوع هر دو حدیث نفاق است و از آنجا که نفاق در واقع همان کفر است، ظاهراً

این حدیث از «کتاب الکفر و وجوه» معلی گرفته شده است. شاهد دیگر این است که

کلینی این حدیث را در «کتاب الإیمان و الکفر» آورده است.

قاعدهٔ تعلیق: در این دو سند:

«الحسین بن محمد عن معلى بن محمد و علی بن محمد عن صالح بن أبی حماد

جميعاً عن الوشاء»؛

«الوشاء»^۲.

هر دو حدیث در «باب البرّ بالوالدین» از کتاب الإیمان و الکفر است و روشن است

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۶۱-۱۶۲، ح ۲۸۶۹، ۲۸۷۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۱۴، ح ۲۰۲۳، ۲۰۲۴.

که نیکی به پدر و مادر از ایمان است؛^۱ بنابراین احتمالاً منبع این حدیث کتاب الایمان و درجاته و زیاده و نقصانه است.

قاعده تناسب محتوا: حدیث هفدهم همین باب هم با سند «الحسین بن محمد عن معلى بن محمد عن الحسن بن علی الوشاء» است^۲ و به احتمال قوی این حدیث هم از کتاب الایمان گرفته شده است.

حدیث دیگری با همین سند «الحسین بن محمد عن معلى بن محمد و علی بن محمد عن صالح بن ابی حماد جمیعاً عن الوشاء» در «باب الغضب» کتاب «الایمان و الکفر» است؛^۳ از این رو، می‌توان این حدیث را هم از کتاب الکفر و وجوه دانست.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
الکفر و وجوه	۲۵۴۱، ۲۸۷۰، ۲۸۶۹
کتاب الایمان و درجاته و نقصانه	۲۰۲۴، ۲۰۲۳

مؤلفان با دو واسطه و بیشتر

مؤلفان صاحب منابع که در طبقات اساتید و اساتید اساتید نیستند یا به عبارتی دو واسطه یا بیشتر میان آن‌ها و کلینی فاصله است، سه نفر هستند که به ترتیب الفبایی تنظیم شده‌اند. اسامی آن‌ها عبارت‌اند از:

کتاب عبدالله بن ابراهیم جعفری

عبدالله بن ابراهیم جعفری (زنده در نیمه دوم سده دوم) را ثقه و صدوق وصف کرده‌اند. او از نوادگان جعفر بن ابی طالب است. او را دارای کتاب‌هایی دانسته‌اند. دو

۱. همان، ص ۴۰۵، ح ۲۰۰۸.

۲. همان، ص ۳۹۳، ح ۱۹۹۰.

۳. همان، ص ۷۴۳، ح ۲۵۴۱.

کتاب او را چنین نام برده اند: کتاب خروج محمد بن عبدالله و مقتله، و کتاب خروج صاحب فسخ و مقتله.^۱

طریق و اعتبارسنجی آن‌ها

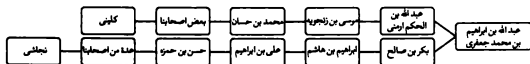
طریق نجاشی: نجاشی طریق را چنین گزارش کرده است: «أخبرني عدّة من أصحابنا عن الحسن بن حمزة قال: حدّثنا علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن بكر بن صالح، عن عبدالله بن إبراهيم».^۲

تنها راوی این طریق که ضعیف است، بكر بن صالح است؛^۳ هرچند به نظر می‌رسد ضعف وی به کتاب هایش برگردد؛ چراکه بنا به نقل ابن غضائری، او عجائب متفرد را بسیار نقل می‌کند؛ ولی به نظر می‌رسد این موضوع مشکلی برای این طریق ایجاد نکند.

طریق کلینی این‌گونه است: «بعض أصحابنا عن محمد بن حسان عن موسى بن زنجويه عن عبدالله بن الحكم الأرمي عن عبدالله بن إبراهيم بن محمد الجعفری».^۴

بعض أصحابنا در اینجا معلوم نیست کدام استاد کلینی است. عبدالله بن حکم و موسی بن زنجویه ضعیف شمرده شده است.^۵ درباره محمد بن حسان هم گفتیم که مشکل وی روایت معروف و منکر است. به نظر می‌رسد عمده مشکل این سه راوی نقل روایت از ضعف است.

نمودار طرق



۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۱۶.

۲. همان.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۰۹؛ ابن غضائری، الرجال، ص ۴۴.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۰.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۲۵، ۴۰۹.

قاعدهٔ بازیابی

قاعدهٔ تناسب محتوا: قاعدهٔ بازیابی در اینجا قاعدهٔ تناسب محتواست؛ چراکه محتوای روایات الکافی با عنوان‌های نجاشی کاملاً سازگار است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
خروج محمد بن عبدالله و مقتله	۹۳۸، ۹۳۹
کتاب خروج صاحب فغ	۹۴۰

کتاب علی بن مهزیار

ابوالحسن علی بن مهزیار (م ۲۲۹-۲۵۴ هـ)^۱ از راویان و محدثان امامی است. او را ثقه، جلیل‌القدر و درست‌باور دانسته‌اند. وی از امام رضا علیه السلام روایت کرده، از خاصان امام جواد علیه السلام و وکیل امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام بوده است.^۲ از وی آثار بسیاری گزارش شده است. برقی این کتاب‌ها را از حسین بن سعید دانسته که ابن مهزیار، بر سه کتاب وضو، صلوات و حج چند برابر و بر سایر کتاب‌ها اندکی افزوده است.^۳ علاوه بر این علی بن مهزیار، کتاب‌هایی هم جداگانه تصنیف کرد و به مصنفات ابن سعید افزود.

نجاشی عنوان‌های آن‌ها را چنین نام برده است: «الحروف، کتاب القائم، کتاب البشارات، کتاب الأنبياء، کتاب النوادر، رسائل علی بن أسباط»، اما در این میان طوسی به این

۱. به نظر می‌رسد که ایشان پیش از امام هادی علیه السلام از دنیا رفته است؛ از این رو در اسناد وی از شهادت امام هادی علیه السلام سخنی نرفته است و دیگر اینکه با آن مقامی که نزد اهل بیت علیهم السلام داشته (نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۵۳). اگر پس از امام هادی علیه السلام زنده بود به طور عادی باید روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام روایت می‌کرد؛ بنابراین سال‌های وفات علی بن مهزیار از محرم ۲۲۹ (نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۴۵) تا ۲۵۴ سال شهادت امام هادی علیه السلام است.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۵۳؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۵۶.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۵۶.

سه عنوان بسنده کرده است: حروف القرآن، الأنبياء و البشارات. در ادامه فهرست این نام‌ها آمده است.

آثار علی بن مهزیار

بر اساس گزارش‌های زراری، نجاشی و طوسی فهرست نام‌های کتاب‌های ابن مهزیار را در ذیل می‌آوریم:

زراری، نجاشی، طوسی: الصوم، الدعاء.

نجاشی: القائم، النوادر، رسائل علی بن أسباط.

نجاشی، طوسی: الوضوء، الصلاة، الحج، الزكاة، الطلاق، الحدود، الديات، العتق و التدبير، التجارات و الإجازات، المكاسب، التفسير، الفضائل، المثالب، التجميل و المروءة، المزار، الردّ علی الغلاة، الوصایا، الموارث، الخمس، الشهادات، فضائل المؤمنین و یرهم، الملاحم، التقية، الصيد و الذبائح، الزهد، الأشربة، النذور و الکفارات و الإیمان، الحروف (طوسی: حروف القرآن)، البشارات، الأنبياء.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طرق نجاشی: نجاشی سه طریق به کتاب‌های علی بن مهزیار دارد:

۱. «أخبرنا محمد بن محمد و الحسين بن عبيد الله و الحسين بن أحمد بن موسى بن هدية عن جعفر بن محمد، عن محمد بن الحسن بن علی، عن أبيه، عن جدّه، بكتبه جميعها»^۱.

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار از مشایخ ابو غالب زراری و ابن قولویه^۲ است. بر اساس وثاقت مشایخ ابن قولویه وی ثقة است. همچنین او از مشایخ اجازه است. حسن بن علی هیچ جرح و تعدیلی ندارد و صرفاً راوی کتاب پدرش است.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۲۵۳.

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۱؛ زراری، رسالة ابي غالب الزراري، ص ۱۷۸.

بر فرض وثاقت حسن بن علی، طریق معتبر است وگرنه طریق اشکال دارد.

۲. «أخبرنا أبو عبدالله القزويني قال: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بِهَا»^۱.

دربارهٔ ابراهیم، یک روایت را کشتی نقل کرده که از آن مدح استفاده می‌شود.^۲ نجاشی صرفاً کتاب البشارات را از او دانسته و جرح و تعدیلی درباره‌اش ندارد.^۳ این طریق فی الجمله معتبر است.

۳. «فأخبرنا بها علي بن أحمد، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن العباس عن علي بكتبه كلها»^۴.

عباس بن معروف ثقه است؛ بنابراین طریق معتبر است.

طرق طوسی

۱. «أخبرنا بكتبه وروايته جماعة، عن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبدالله و الحميري و محمد بن يحيى و أحمد بن إدريس، عن أحمد بن محمد، عن العباس بن معروف، عن علي بن مهزيار إلا كتاب المثالب فإنه روى العباس نصفه عن علي بن مهزيار»^۵.

راویان، ثقه و طریق، معتبر است.

۲. «و رواها محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه و موسى بن المتوكل، عن سعد بن عبدالله و الحميري، عن إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه، عن رجاله. وفاة أبي ذر، و حديث

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۵۳.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۱.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۶.

۴. همان، ص ۲۵۳.

۵. همان، ص ۲۸۱.

۶. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۵۶.

بدء إسلام سلمان رويناه بهذا الإسناد عن علي بن مهزيار.^١
راويان، ثقة و طريق، معتبر است.

طريق مشيخه عيناً طريق اول فهرست است: «و ما ذكرته في هذا الكتاب عن علي بن مهزيار فقد أخبرني به الشيخ أبو عبدالله عن محمد بن علي بن الحسين عن أبيه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله و الحميري و محمد بن يحيى و أحمد بن أدريس كلهم عن احمد بن محمد عن العباس بن معروف عن علي بن مهزيار».^٢

طرق شيخ صدوق

١. «و ما كان فيه عن علي بن مهزيار فقد رويته عن أبي - رضي الله عنه - عن محمد بن يحيى العطار، عن الحسين بن إسحاق التاجر، عن علي بن مهزيار».^٣

درباره حسين بن اسحاق آگاهی در دست نیست. طريق بر فرض شيخ الاجازه بودن ایشان معتبر است.

٢. «و رويته عن أبي عبدالله عن سعد بن عبدالله؛ و الحميري جميعاً عن إبراهيم بن مهزيار عن أخيه علي بن مهزيار».^٤

بر فرض وثاقت ابراهيم^٥ طريق معتبر است.

٣. «و رويته أيضاً عن محمد بن الحسن - رضي الله عنه - عن محمد بن الحسن الصفار، عن العباس بن معروف، عن علي بن مهزيار الأهوازي».^٦
طريق معتبر است.

١. همان.

٢. طوسی، تهذيب الاحكام، ج ١٠، ص ٨٥ (مشيخه).

٣. صدوق، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٤٦.

٤. همان.

٥. طوسی، اختيار معرفة الرجال، ص ٥٣١.

٦. صدوق، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٤٦.

طرق زراری

۱. «فمن ذلك كتاب الصوم للحسين بن سعيد وزيادات ابن مهزيار قال أبو غالب: حدّثني به أبو العباس عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن سعيد وهي ثلاثة أجزاء و قال عبد الله بن جعفر و ما كانت هذه الرواية عن علي بن مهزيار فإنّه حدّثني به إبراهيم بن مهزيار عن أخيه علي»^۱.

طريق زراری بر فرض وثاقت ابراهیم^۲ معتبر است.

۲. «و ما كان عن العباس بن معروف فهو ممّا صنّفه علي بن مهزيار حدّثني بهذا الكتاب الحميري علي الشرح في شعبان سنة سبع وتسعين ومائتين وله رواية أخرى أيضاً حدّثنا بها أبو علي أحمد بن إدريس عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد»^۳.

طريق معتبر است.

۳. «كتاب الدعاء لابن مهزيار حدّثني به أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار عن أبيه الحسن بن علي عن علي بن مهزيار»^۴.

بر فرض وثاقت محمد بن حسن و حسن بن علي، طريق معتبر است.

طرق كليني

بر اساس قواعدی که درباره آن‌ها پیش از این سخن گفتیم و نیز تطبیق آن‌ها بر طرق به آثار علی بن مهزیار، کلینی در بخش اصول کتاب الکافی چهار طریق به کتاب‌های علی بن مهزیار دارد.

۱. زراری، رسالة ابی غالب الزراری، ص ۱۵۹.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۱.

۳. زراری، رسالة ابی غالب الزراری، ص ۱۵۹-۱۶۰.

۴. همان، ص ۱۸۳.

۱. «عبدالله بن جعفر و سعد بن عبدالله جميعاً عن إبراهيم بن مهزيار عن علي بن مهزيار»^۱.

در طریق دوم نجاشی، حمیری همه کتاب‌های ابن مهزیار و در طریق نخست زراری، حمیری کتاب صوم را از طریق ابراهیم بن مهزیار روایت می‌کند؛ البته شیخ طوسی نیز در طریقی ابراهیم را راوی دو نوشته علی بن مهزیار معرفی کرده است. در مجموع این طریق کلینی قابل اعتماد است و پیش از این راویان آن مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲. «أبوعلی الأشعری عن عیسی بن ایوب عن علی بن مهزیار»^۲.

در این طریق درباره عیسی بن ایوب اطلاعی نداریم؛ از این رو، طریق مورد تردید است.

۳. «علی بن ابراهیم، عن أبیه؛ و أبوعلی الأشعری، و محمد بن یحیی جمیعاً، عن الحسین بن إسحاق، عن علی بن مهزیار»^۳.

این طریق به قرینه طریق «أبوعلی الأشعری و محمد بن یحیی جمیعاً، عن الحسین بن إسحاق؛ و علی بن ابراهیم، عن أبیه جمیعاً، عن علی بن مهزیار»^۴ به تفکیک چنین است:

«علی بن ابراهیم عن أبیه عن الحسین بن إسحاق عن علی بن مهزیار».

«أبوعلی الأشعری عن الحسین بن إسحاق عن علی بن مهزیار».

«محمد بن یحیی عن الحسین بن إسحاق عن علی بن مهزیار».

در واقع طریق دو طریق است؛ بدین صورت:

۱. «أبوعلی الأشعری و محمد بن یحیی عن الحسین بن إسحاق عن علی بن مهزیار».

این طریق با طریق صدوق جز در ابوعلی اشعری مشترک است و گفتیم که این طریق در قرن چهارم از طرق مورد اعتنای بزرگان است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۸۸ و

۲. همان، ج ۳، ص ۲۱۲-۲۱۳، ح ۱۶۶۴-۱۶۶۶.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۳۶.

۴. همان، ص ۲۳۹.

بن سعید/الحسن بن محبوب^۱ می‌بایست کتاب ابراهیم منبع باشد؛ اما با توجه به اینکه ابراهیم بن مهزیار راوی کتاب‌های برادرش، علی است و به دلیلی که در مورد روایت علی بن مهزیار از حسن بن محبوب خواهد آمد، این احادیث از کتاب علی بن مهزیار گرفته شده است.

ذکر نکته‌ای در اینجا لازم است و آن اینکه چرا در همه اسناد، علی بن مهزیار از حسین بن سعید روایت می‌کند، جز یک سند که ابن مهزیار از حسن بن محبوب روایت می‌کند.^۲ این پرسش را احمد بن محمد بن خالد برقی پاسخ داده است. او گزارش کرده است که اصل کتاب‌های علی بن مهزیار برگرفته از مصنفات حسین بن سعید است؛ با این تفاوت که ابن مهزیار بر سه کتاب حسین بن سعید (الوضو، الصلوات و الحج) چندین برابر و بر سایر کتاب‌های او اندکی افزوده است.^۳ بنابراین درباره سند اول می‌گوییم که این مورد از افزوده‌های ابن مهزیار بر کتاب‌های حسین بن سعید و در حقیقت برگرفته از کتاب حسن بن محبوب است.

سؤال دیگر این است که این روایات از کدام کتاب ابن مهزیار گرفته شده است. شاید منبع این روایات کتاب المزار ابن مهزیار باشد؛ چراکه موضوع همه این احادیث تاریخ ولادت یا مدت زندگانی یا تاریخ شهادت و گاه دو یا هر سه است و شیخ طوسی نیز این‌گونه تاریخ‌ها را در کتاب المزار تهذیب الأحکام آورده است.^۴

سند «أبوعلی الأشعری و محمد بن یحیی عن الحسن بن إسحاق عن علی بن مهزیار»^۵ هم بر اساس قاعده شبه عده و کتاب نداشتن حسین بن اسحاق تحلیل

۱. همان، ج ۲، ص ۴۸۸، ح ۱۲۴۳؛ ص ۵۰۰، ح ۱۲۵۵؛ ص ۵۰۵، ح ۱۲۶۰؛ ص ۵۱۹، ح ۱۲۷۴؛ ص ۵۲۸، ح ۱۲۸۰؛ ص ۵۳۷، ح ۱۲۸۷؛ ص ۵۶۵، ح ۱۲۹۷؛ ص ۵۸۲، ح ۱۳۰۸؛ ص ۵۹۶، ح ۱۳۲۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۸۸، ح ۱۲۴۳.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۵۳؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۴۵.

۴. برای نمونه ببینید: طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۷۸.

۵. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۶۷۷، ح ۲۴۴۲؛ ج ۴، ص ۲۳۶، ح ۲۹۷۶؛ ص ۲۳۹، ح ۲۹۸۲.

می‌شود. بدین نحو که کتاب علی بن مهزیار منبع است. از سه حدیثی که با این طریق داریم، حدیث ۲۴۳۲ به نظر می‌رسد از کتاب التفسیر علی بن مهزیار گرفته شده است.^۱ حدیث‌های ۲۹۷۶ و ۲۹۸۲ ظاهراً از کتاب الزهد گرفته شده‌اند.^۲

سند «علی بن ابراهیم عن ابیه عن الحسین بن إسحاق عن علی بن مهزیار» هم طریق به کتاب علی بن مهزیار است؛ زیرا در اصل این سند عطف بر سند دیگری است. گفته شد که در اصل سند چنین بوده است:

«علی بن ابراهیم عن ابیه و أبوعلی الأشعری و حمد بن یحیی جمیعاً عن الحسین بن إسحاق عن علی بن مهزیار».

این سند حدیث ۲۹۷۶ است. درباره طریق بودن «علی بن ابراهیم عن ابیه عن الحسین بن إسحاق عن علی بن مهزیار» پیش از این سخن گفتیم.

قواعد اضممار و تناسب محتوا؛ در ذیل، مرجع ضمیر علی بن مهزیار است؛ بنابراین کتاب او منبع است.

«أبوعلی الأشعری عن عیسی بن یوب عن علی بن مهزیار عن فضالة بن یوب».
«عنه عن فضالة بن یوب، عنه عن فضالة».^۳

به گمان من این سه حدیث از کتاب الصلاة ابن مهزیار گرفته شده است؛ زیرا دانستیم که عمده تصنیفات ابن مهزیار از حسین بن سعید است و تنها در سه کتاب اضافات چند برابری دارد که یکی از آن‌ها کتاب الصلاة است. جالب این است که شیخ طوسی حدیث ۱۶۶۴ کتاب الکافی را با سند دیگری نقل کرده است. بخش اول حدیث طوسی با حدیث الکافی یکسان است. حدیث طوسی زیادتى دارد که درباره نماز است و در روایت کلینی نیست.^۴ همین زیادتى قرینه خوبی است بر اینکه به احتمال بسیار این

۱. دلیل تفسیری بودن این حدیث خواهد آمد.

۲. دلیل آن خواهد آمد.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۱۲-۲۱۳، ح ۱۶۶۴-۱۶۶۶.

۴. مقایسه شود روایت طوسی، تهذیب، ج ۲، ص ۱۵؛ و عنه عن حماد بن عیسی عن معاویه بن عمار عن ابی عبد
نقل به صفحه بعد ←

سه روایت هر سه از کتاب الصلاة ابن مهزیار اخذ شده‌اند.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
المزار	۱۲۴۳، ۱۲۵۵، ۱۲۶۰، ۱۲۸۰، ۱۲۷۴، ۱۲۸۷، ۱۲۹۷، ۱۳۰۸، ۱۳۲۰.
الصلاة	۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶.
التفسیر	۲۴۳۲
الزهد	۲۹۷۶، ۲۹۸۲.

کتاب محمد بن زکریا غلابی

نجاشی محمد بن زکریا بن دینار غلابی (م ۲۹۸) را با این ویژگی ستوده است: «کان هذا الرجل وجهاً من وجوه أصحابنا بالبصرة، وکان أخبارياً واسع العلم».^۱ سمعانی از برخی شنیده است که تشیع را به غلابی نسبت می‌داده است،^۲ استاد موسوی مددی «وجه بودن» غلابی در میان شیعه را با انتساب وی به تشیع ناسازگار دانسته، نیز در وثاقت وی تردید دارد.^۳ برخی از اهل سنت او را واضع حدیث^۴ و بعضی حدیث او را در صورت روایت از ثقات معتبر می‌دانند.^۵

آثار غلابی

کتاب‌های وی بر اساس فهرست مصنفی الشيعة عبارت‌اند از: الجمل الكبير، الجمل

الله ﷺ قال کان علي بن الحسين ﷺ يقول إني لأحب أن أدم على العمل وإن قل، قال: قلنا تقضي صلاة الليل بالنهار في السفر قال: نعم؛ با روایت کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۱۳؛ عنه، عن فضالة بن أيوب، عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله ﷺ، قال: کان علي بن الحسين - صلوات الله علیهما - يقول: إني لأحب أن أدام على العمل وإن قل، (ح ۲۱۳).

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۳۴۶.

۲. سمعت بعض الحفاظ ينسب إلى التشيع والله اعلم. (سمعانی، الانساب، ج ۹، ص ۱۹۳).

۳. تقریرات درس خارج فقه، ۱۳۸۹. برگرفته از وبگاه dorous.ir.

۴. الذهبي، دیوان الضعفاء والمتروکین، ج ۲، ص ۲۹۷.

۵. ابن حبان، الثقات، ج ۹، ص ۱۵۴.

المختصر، کتاب الصنفین الکبیر، کتاب الصنفین المختصر، الأجواد، الوافدین، مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام، أخبار فاطمة علیها السلام و منشؤها و مولدها، کتاب الجبل، مقتل الحسن علیه السلام، أخبار زید.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

دو طریق به آثار غلابی وجود دارد: طریق نجاشی و طریق کلینی.

طریق نجاشی: نجاشی پس از یادکرد آثار غلابی طریق خود را این‌گونه گزارش می‌کند: «أخبرنا أبو العباس أحمد بن علی بن نوح قال: حدّثنا أبو الحسن علی بن یحیی بن جعفر السملی الحذاء، وأبو علی أحمد بن الحسن بن إسحاق شعبة الحافظ و عبد الجبار بن شیران الساکن بنهر جطاً^۱ فی آخرین. قالوا: حدّثنا محمد بن دینار الغلابی بجمیع کتبه^۲».

نجاشی از ابن نوح نقل کرده است که او از طریق ده نفر از غلابی روایت می‌کند؛ گرچه در طریق مذکور نام سه نفر را آورده است.

در این طریق ابن نوح از بزرگان امامیه است. اساتید وی که راویان کتاب‌های غلابی هستند در اینجا سه نفرند و این طبقه را از حالت تفرّد بیرون می‌آورند. علی بن یحیی و احمد بن الحسن مهمل هستند. ابن نوح سه بار دیگر نیز از عبد الجبار بن شیران کتاب‌های جابر بن یزید^۳، سعید بن سعد بن سلیمان^۴ و لوط بن یحیی^۵ را روایت می‌کند. علی بن عبدالله بن جهضم نیز از وی روایت می‌کند. او نیز از سهل بن عبدالله

۱. صحیح آن: نهر بط است. نهری است در اهواز که عبد الجبار بن شیران بدان منسوب است. (حموی، معجم

البلدان، ج ۵، ص ۳۱۹).

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۴۶.

۳. همان، ص ۱۲۸.

۴. همان، ص ۱۸۰.

۵. همان، ص ۳۲۰.

تستری روایت می‌کند.^۱

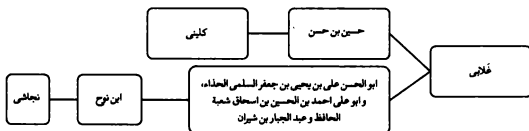
بنابراین این طریق، اشکال دارد؛ اما با توجه به اینکه این طریق در واقع طریق به کتاب‌های تاریخی است باید با همان نگاه تاریخی این طریق را نقد کرد.

طریق کلینی: کلینی یک روایت از غلابی نقل کرده است با این سند: «الحسین بن الحسن عن محمد بن زکریا الغلابی عن ابن عائشة رفعه أنَّ أمير المؤمنين عليه السلام قال فی بعض خطبه: ...»^۲.

واسطه کلینی و غلابی، حسین بن حسن است که مهمل است. البته کلینی هفت بار از وی نقل کرده است. به هر حال اگر مشایخ کلینی را ثقه بدانیم، وی نیز ثقه خواهد بود.

در مورد تنها روایت موجود از غلابی در کتاب الکافی و اعتبار آن باید به اعتبار طریق و متن هر دو توجه کرد. اعتبار طریق با برخی مبانی ثابت است. اعتبار متن آن را نیز می‌توان با نسبت سنجی میان این متن و متون دیگر به دست آورد؛ مثلاً عبارت «قدر کلّ امرئ ما یحسن» در مصادر یافت می‌شود.^۳

نمودار طرق



۱. حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۱۹.

۲. ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۱۴۱.

۳. ببینید: طوسی، الامالی، ص ۴۹۴؛ و با اندکی تفاوت در لفظ: صدوق، الامالی، ص ۴۴۷؛ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲-۱. همه روایت نیز در: حرانی، تحف العقول، ص ۲۰۸ آمده است.

قواعد بازیابی

قواعد اهمال و کتاب نداشتن راوی: به نظر می‌رسد با توجه به مهمل بودن حسین بن حسن و به تبع نبودن دلیلی بر کتاب داشتن وی، یکی از کتاب‌های غلابی منبع کلینی است؛ ولی از آنجا که تاریخ صدور این خطبه و ارتباط محتوایی آن با عنوان‌های نامبرده معلوم نیست، نمی‌توان به طور قطع کتاب منبع را با عنوانش نام برد.

پیوند حدیث و کتاب

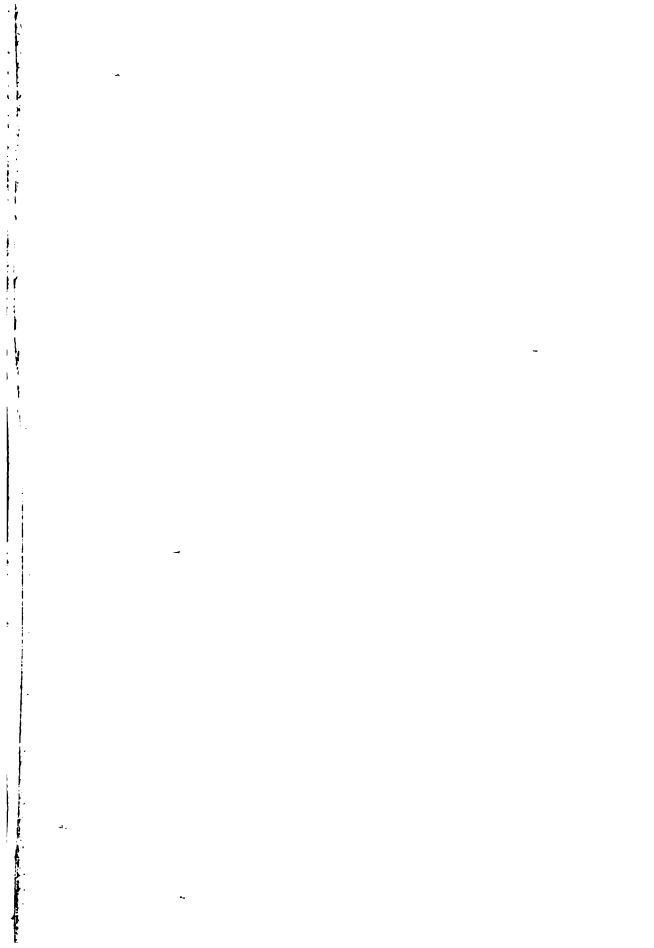
کتاب	حدیث
جمل / صفین	۱۴۱

جمع‌بندی

در این فصل ۳۴ مؤلف معرفی شده‌اند. ۳۱ نفر از اساتید اساتید کلینی هستند که عبارت‌اند از: ابراهیم بن اسحاق، ابراهیم بن هاشم، احمد بن اسحاق، احمد بن محمد عاصمی، احمد بن محمد بن خالد برقی، احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن هلال، اسحاق بن محمد، جعفر بن محمد بن مالک، حسن بن علی کوفی، حسن بن محمد بن جمهور، سهل بن زیاد، صالح بن ابی حماد، عبدالعظیم حسنی، عبدالله بن جعفر حمیری، عبدالله بن صلت، علی بن محمد بن سعد، فضل بن شاذان، قاسم بن ربیع، محمد بن احمد بن یحیی، محمد بن احمد حمدان قلاتسی، محمد بن اسماعیل برمکی، محمد بن اسماعیل بن بزیع، محمد بن حسن صفار، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، محمد بن اورمه، محمد بن عبدالحمید، محمد بن عبدالجبار، محمد بن علی ابوسمینه، محمد بن عیسی و معلی بن محمد.

سه نفر از مؤلفان نیز که واسطه میان آن‌ها و کلینی بیش از دو نفر است عبارت‌اند از: علی بن مهزیار، محمد بن زکریا غلابی و عبدالله بن ابراهیم جعفری.

در همهٔ این ۳۴ منبع اعتبارسنجی طرق، خود منابع، احادیث متعلق به هر کتاب و قواعد بازیابی تبیین شده است.



فصل چهارم: منابع مردّد

منابع مردّد، منابعی هستند که معمولاً میان کتاب‌های اساتید کلینی و مشایخ مشایخ کلینی مردّد است و دقیقاً معلوم نیست کلینی از کدام یک گرفته است. ابتدا مواردی را ذکر می‌کنیم که تاکنون درباره کمینه یک نفر از آن‌ها در منابع قطعی سخنی گفته نشده است. پس از آن منابعی را ذکر می‌کنیم که درباره هر دو در منابع پیشین بحث شده است؛ برای نمونه در مورد سند «علی بن ابراهیم عن أبيه» که تکرار بالایی دارد و در مورد اخذ از هیچ یک قرینه‌ای نداریم، تنها نام این دو را ذکر می‌کنیم؛ چراکه پیش از این هر دو بررسی شده‌اند. عنوان هر مورد بدین صورت است که میان دو نفر مردّد علامت «/» می‌آید. در پایان فصل، اسناد، مهمل، مبهم و وجاده‌ای نیز بررسی می‌شوند.

کتاب احمد بن ادریس / محمد بن حسان

در اینجا به دلیل اینکه پیش از این احمد بن ادریس بررسی شده است، صرفاً به محمد بن حسان می‌پردازیم.

کتاب محمد بن حسان

ابو عبدالله زینبی محمد بن حسان رازی (زنده در نیمه دوم قرن سوم) را نجاشی این‌گونه وصف کرده است: «يعرف وينكر بين بين، يروى عن الضعفاء كثيراً».^۱

ابن غضائری هم او را ضعیف شمرده است.^۱ نقل نجاشی نشان می‌دهد که محمد ثقه است، هرچند مبانی حدیثی وی از جمله نقل احادیث غیر معروف و نقل از ضعیفا از مبانی نادرست وی در حدیث است. نجاشی کتاب‌های او را این‌گونه نام برده است: کتاب العقاب، کتاب ثواب إنا أنزلناه، کتاب ثواب الأعمال، کتاب الشیخ و الشیخة، کتاب ثواب القرآن. طوسی تنها از کتاب ثواب القرآن وی نام برده است.^۲

طریق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی این است: «أخبرنا ابن شاذان قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن يحيى قال: حدّثنا أبي وأحمد بن إدريس، عن محمد بن حسان».^۳

طریق طوسی این‌گونه است: «أخبرنا ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن، عن سعد بن عبدالله و محمد بن يحيى و أحمد بن إدريس، عن محمد بن حسان، عن محمد بن علي الصيرفي، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن علي (بن أبي حمزة) البطائني».^۴ در این سند، همه جز محمد بن علی از محمد بن حسان به بعد درباره قرآن و فضیلت آن کتاب دارند: حسن بن علی بن ابی حمزه کتاب فضائل القرآن^۵ و اسماعیل بن مهران کتاب ثواب القرآن دارد.^۶

طریق کلینی نیز «أحمد بن إدريس عن محمد بن حسان» است. البته این طریق در صورتی قابل اثبات است که روایت از کتاب نوادر احمد بن ادريس اخذ نشده باشد. با توجه به اینکه این راویان بررسی شده‌اند، هر سه طریق معتبر است.

۱. ابن غضائری، الرجال، ص ۹۵.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۱۴.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۳۸.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۴۱۴.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۷.

۶. همان، ص ۲۷؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۸.

نمودار طرق



پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
نوادیر احمد بن ادریس/ثواب الاعمال محمد بن حسان	۳۱۷۲، ۳۵۴۷، ۳۵۵۴، ۳۵۵۵، ۳۵۵۶
نوادیر احمد/العقاب محمد	۲۷۷۵، ۲۷۸۲، ۲۷۸۳، ۲۷۸۸، ۲۷۹۲، ۲۷۹۴ ۲۷۹۶، ۲۷۹۷، ۲۷۹۸
نوادیر احمد/کتابی از محمد بن حسان	۵۳، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۳، ۱۱۱۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۸، ۱۸۶۲

کتاب احمد بن محمد عاصمی / علی بن حسن بن علی بن فضال

در اینجا به بررسی ابن فضال بسنده می‌کنیم؛ زیرا عاصمی را در فصل اساتید بحث کردیم.

کتاب علی بن حسن بن علی بن فضال

علی بن حسن بن علی بن فضال (زنده در نیمه قرن سوم) را عارف به حدیث، ثقة، فقیه، وجه و ثقة اصحاب در کوفه،^۱ دارای دانش بسیار، نوشتارهایی نیکو و غیر معاند دانسته‌اند.^۲ او کتاب‌های بسیاری نوشته است.

آثار ابن فضال

نجاشی، طوسی: الطب، الکوفه (طوسی: فضل الکوفه)، الدلائل، المعرفه، المواعظ،

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۵۷.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۷۲.

التفسير، البشارات، الجنة و النار، الوضوء، الصلاة، الحيض و النفاس (طوسی: الحيض)، الزكاة، الصيام (طوسی: الصوم)، الرجال، الوصايا، الزهد، مناسك الحج (طوسی: الحج)، العقیقه، الخمس، النكاح، الطلاق، الجنائز، وفاة النبی (طوسی: صفات النبی)، المثالب، عجائب بنی اسرائیل (طوسی: أخبار بنی اسرائیل)، أصفیاء أمير المؤمنين عليه السلام، الفرائض، نجاشی: التنزيل من القرآن و التحريف، الأنبياء، المتعه، الغيبه، الملاحم، إثبات إمامة عبدالله، أسماء آلات رسول الله و أسماء سلاحه، العلل، كتاب ما روى في الحمام، الدعاء.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طرق نجاشی: نجاشی دو طریق به کتاب‌های ابن فضال دارد:

۱. «أحمد بن الحسين (ابن الغضائری) عن ابن الزبير عن علی بن الحسن»^۱.

ابن غضائری ثقة است. علی بن محمد بن زبیر از مشایخ اجازه است؛^۲ پس این طریق معتبر است.

۲. «أخبرنا محمد بن جعفر عن أحمد بن محمد بن سعيد عن علی بن الحسن بكتبه»^۳.

أحمد بن محمد بن سعيد، ابن عقده، ثقة است.^۴ محمد بن جعفر اديب نحوی^۵ هم ثقة است؛ بنابراین طریق معتبر است.

البته نجاشی بسیاری از کتاب‌های ابن فضال را سماع کرده است.^۶

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۲۵۷.

۲. طوسی، الرجال، ص ۴۳۰-۴۳۱.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۲۵۷.

۴. همان، ص ۹۴.

۵. همان، ص ۱۱۱.

۶. همان، ص ۲۵۹.

یک نسخه با طریق منحصر به فرد

نجاشی از ابن غضائری نقل کرده که نسخه‌ای را نزد شیخ صدوق با این سند دیده است:

«قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالْقَانِي قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرِّضَا عليه السلام».

سپس در ادامه آورده است که کوفیان این نسخه را نمی‌شناسند و تنها طریق کتاب که برای من روایت شده، همین طریق است. منشأ اشکال این است که علی فرزند حسن نقل از پدرش را جایز نمی‌دانسته است؛ زیرا روایات را در سن ۱۸ سالگی از پدرش شنیده و آن‌ها را فهم نکرده است؛ ازاین‌رو، به واسطه برادرانش از پدر نقل می‌کند.^۱ نیز نجاشی در ترجمه حسن در طریق به این کتاب که قمی‌ها آن را روایت می‌کنند، تردید کرده است.^۲ برای معلوم شدن فایده بازیابی منابع الکافی شایسته است، نمونه‌ای را در اینجا بیاوریم. این نمونه نشان می‌دهد که نسخه مورد بحث از منابع کلینی در الکافی نبوده و ظاهراً او بدان اعتماد نکرده است:

حدیثی است که شیخ صدوق از حسن بن علی بن فضال نقل می‌کند: «قال حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ عليه السلام قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام عَنْ لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ قَالَ: هِيَ لَيْلَةٌ يَعْتَقُ اللَّهُ فِيهَا الرِّقَابَ مِنَ النَّارِ وَيَغْفِرُ فِيهَا الذُّنُوبَ الْكُبْرَى قُلْتُ: فَهَلْ فِيهَا صَلَاةٌ زِيَادَةً عَلَى سَائِرِ اللَّيَالِي فَقَالَ: لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ مَوْظَفٌ وَلَكِنْ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَطُوعَ فِيهَا لَشَيْءٍ فَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَأَكْثَرَ فِيهَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنْ الْإِسْتِغْفَارِ وَالِدُعَاءِ، فَإِنَّ أَبِي عليه السلام كَانَ يَقُولُ: الدُّعَاءُ فِيهَا مُسْتَجَابٌ قُلْتُ لَهُ: إِنَّ النَّاسَ

۱. همان، ص ۲۵۸.

۲. همان، ص ۳۶.

يقولون إنها ليلة الصكاك فقال عليه السلام تلك ليلة القدر في شهر رمضان.^۱

این حدیث از کتاب حسن است که راوی آن علی، فرزند اوست. نجاشی از ابن غضائری نقل کرده است که نسخه‌ای را نزد شیخ صدوق با این سند دیده است:
«قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِي قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرِّضَا عليه السلام».

در الکافی از احادیثی با این طریق اثری نیست و بعید است با وجود ابن عقده در طریق کتاب، کلینی از این کتاب بی اطلاع باشد. بر اساس پذیرش این کتاب نماز خاصی در شب نیمه شعبان تشریع نشده است؛ اما بر اساس حدیثی که کلینی از کتاب علی بن محمد علّان کلینی نقل کرده نمازی ویژه این شب سفارش شده است.^۲ با توجه به اینکه علّان کلینی کتاب أخبار القائم داشته این حدیث از آن اخذ شده است. بنابراین به دلیل احاطه او بر اخبار مربوط به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه، این حدیث را بر حدیث شیخ صدوق ترجیح دهیم.

طوسی طریق خود را چنین گزارش کرده است:

«أحمد بن عبدون، عن علي بن محمد بن الزبير، سمعاً وإجازة، عن علي بن الحسن بن فضال».^۳

ابن عبدون از مشایخ نجاشی و ابن زبیر از مشایخ اجازه است؛ بنابراین طریق معتبر است.

طریق کلینی هم عبارت است از: «أحمد بن محمد عن علي بن الحسن».^۴

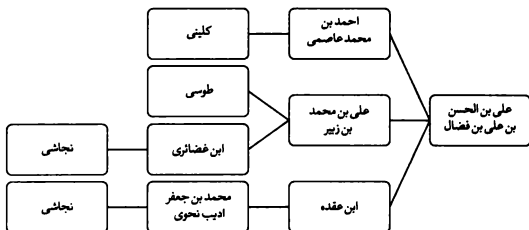
۱. صدوق، الامالی، ص ۲۶-۲۷: شیخ صدوق در کتاب من لا يحضره الفقيه (ج ۲، ص ۹۴) گفته است که احادیث مربوط به شعبان و تهجد در شب نیمه آن را در کتاب فضائل شعبان آورده است. ببینید (صدوق، فضائل الاشهر الثلاثة: فضائل شوال، ص ۴۳؛ ص ۱۰۰، ص ۴۵، ج ۲۲).

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۶۰۱، ح ۵۶۵۵.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۷۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۳ و

نمودار طرق



پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب عاصمی/کتاب ابن فضال	۳۶۷۰، ۲۴۳۹، ۳۲
کتاب عاصمی/الدعاء ابن فضال	۳۴۲۷، ۲۳۵۳
کتاب عاصمی/التفسیر ابن فضال	۳۶۹۹

کتاب حمید بن زیاد / حسن بن محمد بن سماعه

در اینجا در ابتدا به معرفی کتاب‌های حمید بن زیاد و سپس آثار ابن سماعه می‌پردازیم:

کتاب حمید بن زیاد

حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰) از بزرگان واقفیان است. او ثقه و دارای تصانیف بسیار و نیز کتاب‌هایی را سماع کرده است. طوسی او را راوی بیشتر اصول می‌داند.^۱

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۳۲؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۵۵.

آثار حمید بن زیاد

نام کتاب‌های او در ذیل آمده است. این نام‌ها از نجاشی است و طوسی به عنوان «کتب» بسنده کرده است: الجامع فی أنواع الشرائع، الخمس، الدعاء، الرجال، کتاب من روی عن الصادق علیه السلام، الفرائض، الدلائل، ذم من خالف الحق و أهله، فضل العلم و العلماء، الثلاث و الأربع، النوادر.^۱

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طرق طوسی: طوسی سه طریق به کتاب‌های حمید دارد:

۱. «أخبرنا بروایاته كلها و كتبه أحمد بن عبدون، عن أبي طالب الأنباري، عن ابوطالب انباري همان عبيدالله بن ابی زید بن یعقوب از عالمان ثقه و از بزرگان اصحاب بوده است؛^۲ بنابراین طریق معتبر است.

۲. «و أخبرنا عدة من أصحابنا، عن أبي المفضل، عن حميد».^۳

این طریق به دلیل وجود ابوالفضل محل تأمل است.

۳. «و أخبرنا أحمد بن عبدون، عن أبي القاسم علي بن حبشي بن قونی بن محمد الکاتب، عن حميد».^۴

علی بن حبشی از مشایخ اجازه است.^۵ این طریق معتبر است.

طرق نجاشی: نجاشی نیز طریقهش را بدین گونه گزارش کرده است:

۱. «أخبرنا أحمد بن علی بن نوح قال: حدّثنا الحسين بن علی بن سفیان قال: قرأت

علی حمید بن زیاد کتابه کتاب الدعاء».^۶

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۵۵.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۳۲.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۵۵.

۴. همان.

۵. طوسی، الرجال، ص ۴۳۲.

۶. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۳۲.

۲. ابن نوح از مشایخ نجاشی است. حسین بن علی بن سفیان هم ثقة است؛^۱ بنابراین طریق معتبر است.

۳. «أخبرنا الحسين بن عبيدالله قال: حَدَّثَنَا أحمد بن جعفر بن سفیان عن حمید بکته».^۲

غضائری حسین بن عبيدالله غضائری استاد نجاشی است.^۳ احمد بن جعفر از مشایخ اجازه و ثقة است. اعتماد ابن نوح بر وی در این سند و نقل های فراوان حسین بن عبيدالله غضائری^۴ و اعتماد نجاشی بر طریق مذکور نشان از وثاقت وی در این طریق دارد؛ بنابراین این طریق معتبر است.

۴. «قال أبو المفضل الشيباني: أجازنا سنة عشر و ثلاثمائة».^۵

نجاشی هر چند ابوالفضل شیبانی را ملاقات کرده و از او بسیار شنیده، اما به دلیل ضعف او با واسطه از او نقل می کند. البته نجاشی در مواردی به صورت مستقیم از ابوالفضل نقل کرده است^۶ که یا به قبل از اختلاط وی مربوط است یا از کتابش نقل کرده است.

طریق به دلیل وجود ابوالفضل اشکال دارد. نجاشی خود نیز در نقل از او احتیاط کرده و به جای «أخبرنا» از «قال» استفاده کرده است.

۵. «قال أبو الحسن علی بن حاتم: لقیتة سنة ست و ثلاثمائة و سمعت منه کتابه (کتاب) الرجال قراءة».^۷

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۱۳۲.

۳. همان، ص ۶۹.

۴. همان، ص ۴۴۵، ص ۴۶۲ و

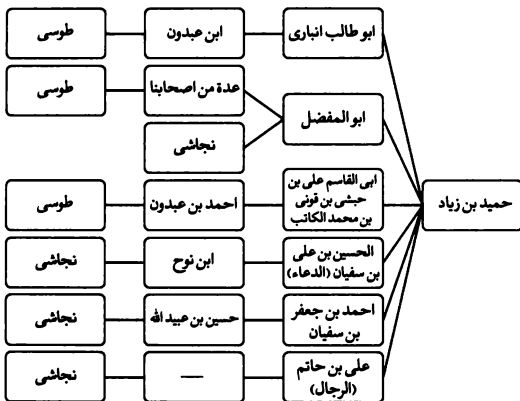
۵. همان، ص ۱۳۲.

۶. رحمان ستایش، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۱۱۶.

۷. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۳۲.

واسطه میان نجاشی و علی بن حاتم، ابن شاذان است، از مشایخ نجاشی^۱ و ثقة. با توجه به اینکه واسطه میان علی بن حاتم و نجاشی، ابن شاذان است، بنابراین طریق مذکور معتبر است.

نمودار طرق



از آنجا که طریق حمید بن زیاد عن الحسن بن محمد بن سماعه نزدیک به چهارصد بار در الکافی تکرار شده^۲، منبع الکافی، کتاب حمید بن زیاد یا کتاب ابن سماعه است؛ از این رو، در اینجا درباره ابن سماعه سخن می‌گوییم:

۱. همان، ص ۲۶۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۱، ۱۹۲، ۲۴۱ و

کتاب حسن بن محمد بن سماعه

ابو محمد حسن بن محمد بن سماعه (م ۲۶۳ هـ) از شیوخ واقفیان، اما فردی ثقه و دارای تصنیفاتی نیکوست.^۱ عناوین آثار وی را در ذیل می‌بینید:

آثار ابن سماعه

زراری، نجاشی، طوسی: البشارات، الفرائض.

نجاشی، طوسی: النکاح، الطلاق، القبلة، السهو، الطهور، الوقت (طوسی: المواقیت)، الشری، البیع (طوسی: الشراء و البیع)، الغیبة، الحیض، الزهد، الصلاة، زیارة أبی عبد الله علیه السلام (طوسی: وفاة أبی عبد الله علیه السلام).

نجاشی: الحدود، الدیات، الحج، الجنائز، اللباس.

طوسی: الصیام، الدلائل، العبادات.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طرق نجاشی

۱. «أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال: حدّثنا علی بن حاتم قال: حدّثنا محمد بن أحمد بن ثابت قال: رويت كتب الحسن بن محمد بن سماعه عنه».^۲

محمد بن احمد بن ثابت از مشایخ اجازه است؛ بنابراین طریق معتبر است.

۲. «و قال لنا أحمد بن عبد الواحد: قال لنا علی بن حبشی: حدّثنا حمید بن زیاد قال: سمعت من الحسن بن محمد بن سماعه الصیرفی».^۳

علی بن حبشی از مشایخ اجازه است؛ پس این طریق معتبر است.

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۳۴: نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۴۰.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۴۰.

۳. همان.

طریق طوسی

۱. «أخبرنا بجميع كتبه و رواياته أحمد بن عبدون، عن أبي طالب الأنباري، عن حميد بن زياد النينوي، عن الحسن بن محمد بن سماعة».^۱

طریق معتبر است.

۲. «و أخبرنا أحمد بن عبدون، عن علي بن محمد بن الزبير، عن علي بن الحسن بن فضال، عن الحسن بن محمد بن سماعة».^۲

ابن عبدون از مشايخ نجاشی و علی بن محمد بن زبیر از مشايخ اجازه است؛^۳ بنابراین طریق معتبر است.

طریق زراری

۱. «كتاب البشارات لابن سماعة حدثني به حميد بن زياد عنه»^۴؛

۲. «كتاب الفرائض لابن سماعة بخط حميد حدثني به حميد عنه».^۵

این طریق معتبر است.

طریق کلینی

«حميد بن زياد عن الحسن بن محمد»

این طریق هم با طریق زراری یکسان و معتبر است.

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۳۴.

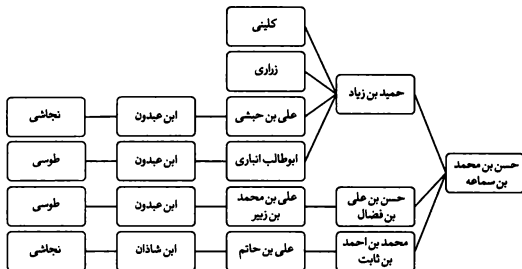
۲. همان.

۳. طوسی، الرجال، ص ۴۳۰-۴۳۱.

۴. زراری، رساله ابی غالب الزراری، ص ۱۷۴.

۵. همان، ص ۱۸۴.

نمودار طرق



پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
نوادر حمید/ ابن سماعه	۱۴۷۶، ۱۶۲۵، ۱۷۱۳، ۲۹۷۷، ۳۳۴۴، ۱۷۲۰، ۲۷۱۰، ۳۴۸۱، ۳۵۳۵، ۳۵۴۶، ۳۷۵۰، ۳۵۰۴
الدعاء حمید/ ابن سماعه	۱۷۳۵، ۳۲۹۳، ۳۳۱۹، ۳۴۲۱، ۳۱۸۶، ۳۱۸۷، ۳۱۹۹، ۳۲۰۵، ۳۳۱۷
الجامع فی أنواع الشرائع حمید/ الطهور ابن سماعه	۳۶۶۷

کتاب علی بن ابراهیم / صالح بن السندی

با توجه به اینکه پیش از این درباره علی بن ابراهیم به تفصیل سخن گفته شده، اینک فقط به معرفی آثار صالح بن السندی می‌پردازیم:

کتاب صالح بن السندی

صالح بن السندی (زنده در نیمه دوم قرن سوم) هیچ مدح و ذمی ندارد. طوسی

کتابی بدو نسبت داده است.^۱

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق طوسی: طریق طوسی این گونه است:

«أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل، عن ابن بطة، عن أحمد بن أبي عبدالله، عن صالح».^۲

طریق طوسی به دلیل ابن بطة و ابوالفضل اشکال دارد. هرچند نقل جماعت می‌تواند این ایراد را برطرف کند.

طریق کلینی: طریق کلینی هم بر فرض اینکه منبع روایات، کتاب علی بن ابراهیم نباشد چنین است: «علی بن ابراهیم عن صالح بن السندي».

طریق کلینی معتبر است.

نمودار طرق



پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب علی بن ابراهیم/کتاب صالح بن السندي	۴۹۳، ۶۶۳، ۹۵۷، ۲۳۰۲، ۲۳۱۷، ۲۴۹۸، ۲۵۲۲، ۲۷۱۹، ۳۲۸۷، ۳۶۴۳، ۳۶۵۰، ۳۶۹۵، ۳۷۵۳.
فضائل أمير المؤمنين علی بن ابراهیم/کتاب صالح	۷۶۳، ۱۰۷۰، ۱۴۹۷، ۱۵۰۰، ۷۶۹.
التفسير علی بن ابراهیم/کتاب صالح	۱۰۲۸، ۱۱۲۲، ۳۴۸۲.
الشرائع علی بن ابراهیم/کتاب صالح	۱۰۵۱.

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۴۴.

۲. همان.

کتاب علی بن ابراهیم / علی بن محمد قاسانی

پیش از این علی بن ابراهیم به تفصیل معرفی و آثارش هم شناسانده شد. در اینجا به معرفی آثار قاسانی بسنده می‌کنیم:

کتاب علی بن محمد قاسانی

ابوالحسن علی بن محمد بن شیر قاسانی (زنده در نیمه دوم قرن سوم) فقیهی پُرحدیث بوده است. احمد بن محمد بن عیسی او را دارای مذاهبی منکر دانسته، هرچند در کتاب‌هایش چنین چیزی وجود ندارد. سه کتاب دارد: کتاب التأدیب که همان کتاب الصلاة است. این کتاب زیاداتی هم در حج دارد. کتاب بزرگی هم به نام الجامع فی الفقه تألیف کرده است.^۱

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق نجاشی: «أخبرنا علی بن أحمد بن محمد بن طاهر قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ شَيْرةِ الْقَاسَانِيِّ (القاشانی) بکتابه».^۲

علی بن احمد همان ابن ابی جید است. این طریق معتبر است.

طریق کلینی: «علی بن ابراهیم عن علی بن محمد القاسانی».^۳

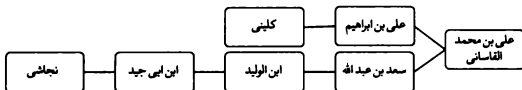
این طریق هم معتبر است. البته بر فرض اینکه کلینی به کتاب قاسانی طریق دارد، وگرنه در صورت وجود روایت در کتاب علی بن ابراهیم چنین بحثی بی‌فایده است.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۵۵.

۲. همان.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۱۸.

نمودار طرق



نکته

با توجه به گزارش نجاشی تخصص قاسانی در فقه است. این روایات هیچ یک فقهی نیستند. به نظر می رسد این روایات از کتاب علی بن ابراهیم باشد.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب علی بن ابراهیم/ نوادر ابراهیم بن هاشم /کتاب قاسانی	۸۴۶، ۱۷۱۱، ۱۸۹۴، ۱۸۹۶، ۱۹۸۷، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۲۰۳۰، ۲۵۵۹، ۳۴۸۵.
التفسیر علی بن ابراهیم/ نوادر ابراهیم/ کتاب قاسانی	۱۶۹۲، ۲۳۹۳، ۳۰۳۵، ۳۴۹۳.

کتاب علی بن ابراهیم / عباس بن معروف

با توجه به اینکه پیش تر درباره علی بن ابراهیم سخن گفته ایم، در اینجا به شناسایی آثار عباس بن معروف می پردازیم:

کتاب عباس بن معروف

ابوالفضل، عباس بن معروف (زنده در نیمه دوم قرن سوم) ثقه شمرده شده است. نجاشی کتاب الآداب و نوادر و طوسی تعدادی کتاب بدون ذکر عنوانی خاص بدو نسبت داده اند.^۱

۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۳۳۷؛ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۸۱.

طرق و اعتبارسنجی آنها

طریق به کتاب‌های ابن معروف عبارت است از:

طریق نجاشی: «أخبرنا أحمد بن علی قال: حدّثنا الحسن بن حمزة قال: حدّثنا محمد بن جعفر بن بطة قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن خالد، عن العباس»^۱.

در این طریق ابوالفضل و ابن بطة هستند؛ اما نقل جماعت سبب اعتبار این طریق می‌شوند.

احمد بن علی همان ابن نوح، استاد نجاشی است. نقل ابن نوح از ابن بطة نیز اعتبار طریق نجاشی را به جایگاه مقبولی رسانده است.

طریق طوسی: «أخبرنا جماعة عن أبي الفضل، عن ابن بطة، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن عباس بن معروف»^۲.

ابوالفضل و ابن بطة در طریق طوسی هستند؛ اما نقل جماعت سبب اعتبار این طریق می‌شوند.

طریق کلینی هم «علی بن ابراهیم عن العباس بن معروف» است. البته این طریق در صورتی اثبات می‌شود که روایت در کتاب علی بن ابراهیم نباشد. به هر حال این طریق معتبر است.

نمودار طرق



پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
التوحید و الشریک علی بن ابراهیم/ نوادر عباس بن معروف	۱۵۱۶، ۲۷۳

کتاب محمد بن یحیی / احمد بن ابی زاهر

در اینجا تنها ابن ابی زاهر و آثار وی را می‌شناسانیم؛ چراکه پیش از این درباره محمد بن یحیی بحث کرده‌ایم.

کتاب احمد بن ابی زاهر

ابوجعفر، احمد بن ابی زاهر موسی اشعری (زنده در نیمه دوم قرن سوم) در قم جایگاهی ویژه داشته است؛ اما حدیثش سالم نبوده است.^۱ کلینی هشت حدیث را به واسطه محمد بن یحیی از او روایت کرده است که بعید نیست بگوییم: کلینی برای این احادیث مؤیداتی یافته است. در اینجا نام کتاب‌های او را نام می‌بریم:

آثار ابن ابی زاهر

اسامی آثار ابن ابی زاهر را فهرست‌نگاران چنین گزارش کرده‌اند:
نجاشی، طوسی: البداء، النوادر، صفة الرسل والأنبياء و الصالحين، الزکاة، أحادیث الشمس و القمر، الجمعة و العیدین، الجبر و التفویض.
نجاشی: کتاب ما یفعل الناس حین یفقدون الإمام.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

با احتساب طریق کلینی به کتاب‌های احمد سه طریق وجود دارد. این سه عبارت است از:

۱. حدیثه لیس بذلک النقی.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸۸؛ طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۶۱.

طریق طوسی: «ابن ابی جید و الحسین بن عبیدالله جمیعاً، عن أحمد بن محمد بن یحیی، عن أبیه، عن أحمد بن أبی زاهر».^۱

حسین بن عبیدالله همان ابن غضائری و ثقّه است.^۲ ابن ابی جید، علی بن احمد قمی، از مشایخ نجاشی^۳ و ثقّه است. احمد بن محمد بن یحیی از مشایخ اجازه است.^۴ محمد بن یحیی هم گفته شد که ثقّه است؛ بنابراین طریق معتبر است.

طریق نجاشی: «أجازنا ابن شاذان عن أحمد بن محمد بن یحیی العطار عن أبیه عنه».

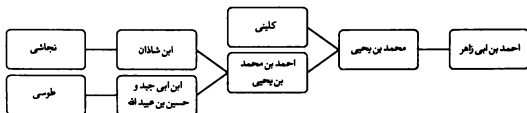
ابن شاذان از مشایخ نجاشی است. احمد هم از مشایخ اجازه است. محمد هم ثقّه است، پس طریق معتبر است.

طریق کلینی: «محمد بن یحیی عن أحمد بن أبی زاهر».^۵

البته طریق کلینی در صورتی قابل اثبات است که کلینی این روایات را از نوادر محمد بن یحیی نگرفته باشد.

محمد بن یحیی ثقّه است، پس طریق معتبر است.

نمودار طرق



۱. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۶۱.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۹.

۳. همان، ص ۱۲۲.

۴. طوسی، الرجال، ص ۴۱۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۶۹ و

قاعدهٔ بازایی

اگر منبع روایات، کتاب احمد باشد، با توجه به اینکه همهٔ روایات او در کتاب الحجه و دربارهٔ انبیا و امامان علیهم السلام است، بر اساس قاعدهٔ تناسب محتوا این روایات می‌بایست از کتاب صفة الرسل و الأنبياء و الصالحین گرفته شده باشد.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
نوادر محمد بن یحیی / صفة الرسل و الأنبياء و الصالحین	۵۰۹، ۶۰۷، ۶۱۴، ۶۵۵، ۶۹۰، ۶۹۴، ۷۲۸، ۱۰۹۰.

کتاب حمید بن زیاد / الحسن بن موسی الخشاب

با توجه به اینکه پیش از این حمید بن زیاد، آثار و طرق به نوشتارها را بررسییده‌ایم، اکنون به حسن بن موسی الخشاب می‌پردازیم:

کتاب الحسن بن موسی الخشاب

حسن بن موسی الخشاب (زنده در نیمهٔ دوم قرن سوم) از بزرگان امامیه است که حدیث و دانش بسیار داشته است. وی راوی مشهوری نیز به شمار می‌رفته است.^۱

آثار خشاب

طوسی کتابی را از او دانسته است.^۲ نجاشی النوادر، و الرّد علی الواقفه را از مصنفات او شمرده است؛ هرچند از برخی نقل کرده است که دو کتاب الحج و الأنبياء نیز نوشته است.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۴۲.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۲۷.

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طریق طوسی چنین است: «أخبرنا به عدّة من أصحابنا، عن أبي المفضل، عن ابن بطة، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن الحسن بن موسى»^۱.

این طریق به دلیل ابن بطة و ابوالمفضل اشکال دارد؛ هرچند نقل «عدّة من أصحابنا» از ابوالمفضل خود اعتباری برای این طریق است.

طریق نجاشی این گونه است: «أخبرنا محمد بن علی القزوینی قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن یحیی قال: حدّثنا أبی قال: حدّثنا عمران بن موسى الأشعری عن الحسن بن موسى»^۲.

قزوینی همان ابن شاذان و از مشایخ نجاشی است.^۳ احمد بن محمد بن یحیی از مشایخ اجازه است.^۴ محمد بن یحیی هم گذشت که ثقة است. عمران بن موسى هم ثقة است؛^۵ بنابراین طریق اعتبار دارد.

طریق کلینی: «حمید بن زیاد عن الحسن بن موسى»^۶.

این طریق به دلیل وثاقت حمید، معتبر است.

نمودار طرق



۱. همان.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۴۲.

۳. همان، ص ۴۴۸.

۴. طوسی، الرجال، ص ۴۱۰.

۵. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۹۱.

۶. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۲۴.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
نوادیر حمید / نوادر خشاب	۱۶۸۷، ۱۸۳۰، ۳۰۶۵، ۳۴۹۱، ۳۵۴۹

کتاب محمد بن یحیی / سلمة بن الخطاب

سلمة بن الخطاب در اینجا مورد بحث است؛ زیرا در منابع قطعی به تفصیل درباره آثار محمد بن یحیی بررسی صورت گرفته است:

کتاب سلمة بن الخطاب

ابوالفضل سلمة بن الخطاب براوستانی (زنده در نیمه دوم قرن سوم) را در حدیث ضعیف دانسته اند.^۱ آثار وی در ذیل می آید:

آثار ابن الخطاب

نام های آثار سلمه را فهرست نگاران چنین گزارش کرده اند:

نجاشی، طوسی: ثواب الأعمال، النوادر، السهو، القبله، الحیض، ثواب الحج، مولد الحسین بن علی علیه السلام و مقتله (طوسی: مقتل الحسین بن علی علیه السلام)، عقاب الأعمال، الحج، نجاشی: المواقیف، تفسیر یس، افتتاح الصلاة، الجواهر، نوادر الصلاة، وفاة النبی صلی الله علیه و آله. طوسی: الصیام.

طرق و اعتبارسنجی آنها

شیخ طوسی: «أخبرنا بجميع رواياته ابن أبي جید، عن ابن الولید، عن سعد بن عبد الله الحمیری وأحمد بن إدريس ومحمد بن الحسن الصفار، عن سلمة».^۲
همه راویان ثقة هستند، پس طریق معتبر است.

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۸۷.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۲۵.

طریق نجاشی

نجاشی دو طریق دارد بدین گونه:

۱. «أخبرنا محمد بن علی بن شاذان قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن یحیی العطار قال: حدّثنا أبی و أحمد بن إدريس و سعد و الحمیری عن سلمة»^۱.

این طریق هم معتبر است.

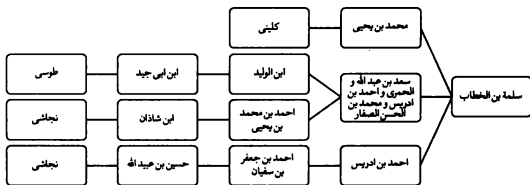
۲. «و أخبرنا الحسين بن عبیدالله، عن أحمد بن جعفر بن سفیان، عن أحمد بن إدريس، عن سلمة بسائر کتبه».

احمد بن جعفر از مشایخ اجازه است. سایر راویان هم ثقة هستند؛ بنابراین طریق مذکور معتبر است.

طریق کلینی: «محمد بن یحیی عن سلمة بن الخطاب».

محمد بن یحیی ثقة است، پس طریق معتبر است.

نمودار طرق



نکته

بر فرض اخذ حدیث از کتاب سلمه، کدام کتاب وی منبع کلینی بوده است؟

حدیث ۱۲۲۹ در باب مولد النبی ﷺ و وفاته قرار دارد که با عنوان کتاب وفاة النبی ﷺ

سازگار است. حدیث ۲۲۰۸ نیز در بابی مربوط به ثواب خدمت به مؤمن است که با عنوان کتاب ثواب الأعمال سازگاری دارد. احتمالاً سایر احادیث از کتاب نوادر سلمه گرفته شده است.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
نوادر محمد بن یحیی / نوادر سلمه بن الخطاب	۵۷۹، ۶۰۳، ۶۱۹، ۶۵۶، ۶۷۲، ۹۴۲، ۱۰۱۶، ۱۱۴۰، ۱۱۵۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۹، ۱۱۸۲، ۱۲۳۹.
نوادر محمد بن یحیی / وفاة النبی ﷺ از سلمه	۱۲۲۷، ۱۲۳۹.
نوادر محمد بن یحیی / ثواب الاعمال سلمه	۲۲۰۸

کتاب سهل بن زیاد / حسن بن عباس بن حریش

سهل بن زیاد در منابع قطعی بررسی شده است؛ بنابراین در اینجا به ابن حریش می‌پردازیم:

حسن بن عباس بن حریش

ابوعلی حسن بن عباس بن حریش رازی (زنده در نیمه نخست سده سوم) از امام جواد علیه السلام روایت می‌کند. نجاشی و ابن غضائری هر دو بر ضعف وی اتفاق نظر دارند.^۱ نجاشی، ابن غضائری و طوسی^۲ هر سه به او کتابی با عنوان «أنا أنزلناه فی ليلة القدر» نسبت داده‌اند. البته طوسی به کتابی بدون عنوان هم به او نسبت داده که به احتمال قوی با کتاب نامبرده یکی است.^۳

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۰؛ ابن غضائری، الرجال، ص ۵۱.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۲۶.

۳. همان.

ابن غضائری^۱ و نجاشی^۲ هر دو کتاب «إنا أنزلناه» را نکوهیده‌اند. نجاشی آن را «ردی الحدیث و مضطرب الألفاظ» وصف کرده و ابن غضائری چنین نوشته است: «فاسد الألفاظ، تشهد مخایله علی أنه موضوع» ابن غضائری سپس در وصف حریش، چنین آورده است: «لا يلتفت إليه ولا يكتب حديثه».

طرق و اعتبارسنجی آن‌ها

طرق به کتاب حریش عبارت‌اند از:

طریق نجاشی: «أخبرنا إجازة محمد بن علی القزوينی قال: حدّثنی أحمد بن محمد بن یحیی، عن الحمیری، عن أحمد بن محمد بن محمد بن عیسی، عنه».^۳
همه راویان بررسی شده وثقه هستند، پس طریق معتبر است.
طریق نخست طوسی: «له کتاب «ثواب إنا أنزلناه» أخبرنا به ابن أبی جید، عن محمد بن الحسن بن الولید، عن الصّفّار، عن أحمد بن إسحاق بن سعد، عن الحسن بن العباس بن حریش الرازی».^۴

راویان ثقه هستند، پس طریق معتبر است.

طریق دیگر طوسی: «رویناه بالإسناد الأول، عن أحمد بن أبی عبد الله، عنه».^۵
منظور از اسناد اول «عدّة من أصحابنا عن أبی المفضل عن ابن بطة» است.^۶
این طریق به دلیل ابو المفضل و ابن بطة اشکال دارد؛ مگر اینکه نقل عدّه از ابو المفضل سبب اعتبار طریق شود.

طرق کلینی: البته اثبات طرق کلینی به کتاب مذکور بر این فرض مبتنی است که

۱. ابن غضائری، الرجال، ص ۵۱.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۰.

۳. همان.

۴. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۱۲۶.

۵. همان.

۶. همان.

کلینی این روایات را از کتاب‌های محمد بن یحیی یا احمد بن محمد بن عیسی و سهل بن زیاد نگرفته باشد. البته با توجه به قاعده شبه عده اخذ روایت از کتاب سهل قابل دفاع است. به هر حال کلینی دو طریق به کتاب ابن حریش دارد:

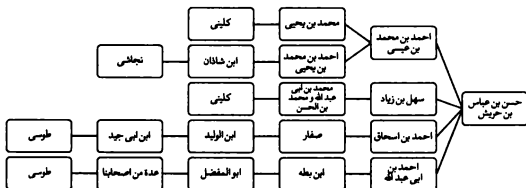
۱. «محمد بن أبی عبدالله و محمد بن الحسن عن سهل بن زیاد عن الحسن بن العباس بن الحریش».

بر فرض پذیرش وثاقت سهل، این طریق معتبر است.

۲. «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن العباس بن الحریش».

به دلیل وثاقت راویان، طریق نامبرده معتبر است.

نمودار طرق



قواعد بازیابی

قاعده شبه عده: بر اساس قاعده شبه عده، کتاب سهل منبع است؛ اما بر اساس سند دیگر که در ادامه می‌آید، دقیقاً معلوم نیست کتاب‌های محمد بن یحیی یا احمد بن محمد بن عیسی یا سهل بن زیاد یا ابن حریش منبع هستند؛ البته در اینجا قاعده تناسب محتوا به عنوان مؤید کارایی دارد، هرچند وجود حدیث را در کتاب حریش ثابت می‌کند؛ ولی منبعیت کتاب او را به قطع تعیین نمی‌کند.

«محمد بن أبی عبدالله و محمد بن الحسن عن سهل بن زیاد عن الحسن بن العباس بن الحریش»؛

«محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن العباس بن الحریش».

احادیثی که در ذیل می‌آید همه مربوط به سورۀ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ و ارتباط امامان با این شب است؛ از این رو، در اینجا قاعدۀ تناسب محتوا کاربرد دارد.

پیوند حدیث و کتاب

کتاب	حدیث
کتاب اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ حَرِیْش / کتاب سهل / نوادر محمد / نوادر احمد	۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰.

کتاب سلیم بن قیس / سهل بن زیاد و ...

خواهیم گفت که در این بحث محتمل است که شش کتاب منبع باشند: کتاب‌های علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، محمد بن یحیی، احمد بن محمد بن عیسی، سهل بن زیاد و سلیم بن قیس. پیش از این درباره همه جز سلیم سخن گفته‌ایم. اکنون به معرفی سلیم و کتاب او می‌پردازیم:

کتاب سلیم بن قیس

ابوصادق سلیم بن قیس هلالی (زنده در نیمۀ دوم سده نخست) از رویایان امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین و امام سجّاد علیهم‌السلام بوده است. برخی خواسته‌اند وی را مجهول بدانند و عبارت ذیل از این گروه است: «لا یعرف ولا ذکر له فی خبر»؛ اما ابن غضائری این نظر را رد کرده؛ چراکه نام او را در چند جا غیر از کتابش که راوی هم ابان بن ابی عیاش نبوده یافته است و ابن عقده نیز در «رجال امیرالمؤمنین علیه‌السلام» احادیثی از

او آورده است.^۱ جز همین مورد، مدح و ذمی درباره اش وجود ندارد.

نجاشی^۲ و طوسی^۳ تردیدی درباره انتساب کتاب نامبرده به سلیم ندارند؛ اما شیخ مفید و ابن غضائری در انتساب تردید کرده اند. برخی کتاب را موضوع و وضع آن را به ابان بن ابی عیاش نسبت داده است.^۴ ابن غضائری دلیل وضع آن را برخی احادیث از جمله موعظه محمد بن ابوبکر به پدرش هنگام مرگ او و سیزده نفر بودن امامان می داند. شیخ مفید هم در اعتماد به این کتاب تردید دارد. صدوق حدیثی از کتاب سلیم^۵ نقل می کند و شیخ مفید در ذیل آن هرچند معنای حدیث را صحیح دانسته؛ اما درباره کتاب سلیم می نویسد:

«هذا الكتاب غير موثوق به ولا يجوز العمل على أكثره وقد حصل فيه تخليط و تدليس فينبغي للمتدین أن يجتنب العمل بكل ما فيه ولا يعول على جملته و التقليد لرواته و ليفزع إلى العلماء فيما تضمنه من الأحادیث لیوقفوه على الصحیح منها و الفاسد و الله الموفق للصواب»^۶

از عبارت شیخ مفید پیداست که این کتاب شامل احادیث صحیح و فاسد است و متدین برای شناخت هر یک می بایست به عالمان رجوع کند. شیخ مفید با قبول حدیث مورد بحث شیخ صدوق، نمونه ای از احادیث صحیح این کتاب را نشان داده است. به نظر می رسد نظر شیخ مفید، واقع گرایانه است و عالمان شیعی با این کتاب همین گونه برخورد کرده اند.

۱. ابن غضائری، الرجال، ص ۶۳.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۳۲۴.

۴. همان، ص ۳۶.

۵. ابن غضائری در این باره می نویسد: الکتاب موضوع لا مرية فيه.

۶. صدوق، اعتقادات الامامیه، ص ۱۱۸: این حدیث همان حدیث معروف تقسیم راویان حدیث به چهار دسته است.

۷. مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۴۹.

طرق به کتاب

طریق نجاشی: نجاشی طریق خود را این گونه آورده است: «أخبرني علي بن أحمد القمي قال: حدّثنا محمد بن الحسن بن الوليد قال: حدّثنا محمد بن أبي القاسم ماجيلويه، عن محمد بن علي الصيرفي، عن حماد بن عيسى و عثمان بن عيسى، قال حماد بن عيسى: و حدّثنا إبراهيم بن عمر اليماني عن سليم بن قيس بالكتاب».^۱

این طریق اشکالی دارد که برخی به وسیله مقارنه با اسناد موجود در کتب حدیثی آن را این چنین تصحیح کرده اند:

«أخبرني علي بن أحمد القمي قال: حدّثنا محمد بن الحسن بن الوليد قال: حدّثنا محمد بن أبي القاسم ماجيلويه، عن محمد بن علي الصيرفي، عن حماد بن عيسى و عثمان بن عيسى [عن عمر بن أذينة، عن أبان بن أبي عياش عن سليم بن قيس] قال: حماد بن عيسى و حدّثنا إبراهيم بن عمر اليماني [عن أبان بن أبي عياش] عن سليم بن قيس بالكتاب».^۲

پس این طریق در واقع دو طریق است؛ بدین نحو:

۱. «أخبرني علي بن أحمد القمي قال: حدّثنا محمد بن الحسن بن الوليد قال: حدّثنا محمد بن أبي القاسم ماجيلويه، عن محمد بن علي الصيرفي، عن حماد بن عيسى و عثمان بن عيسى [عن عمر بن أذينة، عن أبان بن أبي عياش عن سليم بن قيس]».

عمر بن أذينة،^۳ حماد بن عيسى^۴ و حماد بن عثمان ثقة اند.^۵ تنها دو نفر در این طریق است که منشأ اشکال هستند. محمد بن علی و ابان بن ابی عیاش. درباره محمد بن علی در جای خود سخن گفته ایم، هرچند در نهایت برخی روایات وی پذیرفته شد؛ اما درباره ابان، مهم ترین ایراد وی این است که کتاب سلیم را وضع کرده است و ابن

۱. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹، پاورقی.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۳۲۴.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۱۴۲.

۵. همان، ص ۱۴۳.

غضائری وی را ضعیفی گفته است که بدو التفات نمی شود.^۱ نکته قابل توجه در این طریق و طریق دیگر نجاشی و دو طریق طوسی این است که ابن الولید که از ناقدان اخبار است در هر چهار طریق حضور دارد. اعتماد ابن الولید و روایت وی قرینه مهمی بر اعتبار این چهار طریق است.

۲. «أخبرني علي بن أحمد القمي قال: حَدَّثَنَا محمد بن الحسن بن الوليد قال: حَدَّثَنَا محمد بن أبي القاسم ماجيلويه، عن محمد بن علي الصيرفي، عن حماد بن عيسى حَدَّثَنَا إبراهيم بن عمر اليماني [عن أبان بن أبي عياش] عن سليم بن قيس». ابراهيم بن عمر ثقة است.^۲ این طریق هم مانند طریق پیشین قابل اعتماد است.

طریق شیخ طوسی: شیخ طوسی طریق خود را بدین صورت آورده است؛ البته دانستیم که طرق شیخ با نجاشی هیچ تفاوتی ندارد و اعتبار طرق نجاشی و طوسی یکسان است. «أخبرنا ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن أبي القاسم الملقب بماجيلويه عن محمد بن علي الصيرفي، عن حماد بن عيسى و عثمان بن عيسى، عن أبان بن أبي عياش عن سليم بن قيس الهلالي»؛

«و حماد بن عيسى عن إبراهيم بن عمر اليماني عن سليم بن قيس».^۳

این طریق دو طریق است. این طریق نیز خللی دارد که بدین صورت بر اساس آنچه در طریق نجاشی گفتیم، تصحیح می شود:

«أخبرنا ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن أبي القاسم الملقب بماجيلويه عن محمد بن علي الصيرفي عن حماد بن عيسى و عثمان بن عيسى [عن عمر بن أذينة] عن أبان بن أبي عياش عن سليم بن قيس الهلالي».

«أخبرنا ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن أبي القاسم الملقب بماجيلويه عن محمد بن علي الصيرفي عن حماد بن عيسى، حَدَّثَنَا إبراهيم بن

۱. ابن غضائری، الرجال، ص ۳۶.

۲. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۰.

۳. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۳۰.

عمر الیمانی [عن أبان بن أبی عیاش] عن سلیم بن قیس^۱.

طریق کلینی: قبل از اینکه درباره طریق کلینی سخن بگوییم، می بایست طریق کلینی به کتاب سلیم را اثبات کنیم. از آنجا که کتاب سلیم در دست است و حتی برخی بزرگان متأخر از کلینی، مانند نعمانی و صدوق از آن نقل کرده اند. ممکن است کلینی را دارای طریق به این کتاب بدانیم. هرچند ممکن است که در سند «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن حماد بن عیسی عن عمر بن أذینه عن أبان بن أبی عیاش» کتاب محمد بن یحیی یا کتاب احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، و در سند «علی بن ابراهیم عن أبیه عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر الیمانی عن أبان بن أبی عیاش عن سلیم»^۱ کتاب علی بن ابراهیم یا کتاب ابراهیم بن هاشم منبع کلینی باشد؛ بنابراین احتمالاً یکی از این چهار نفر به کتاب سلیم طریق دارند و کتاب سلیم منبع منبع الکافی باشد.

حال آنچه از این به بعد درباره طریق کلینی سخن می گوییم، بر اساس این است که کلینی به کتاب سلیم طریق دارد؛ بنابراین طریق کلینی این گونه است:

«علی بن ابراهیم عن أبیه عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر الیمانی عن أبان بن أبی عیاش عن سلیم».

تنها مشکل این طریق، ابان است که به چند وجه قابل حل است:

نخست اینکه ابن الولید، ابراهیم بن هاشم، علی بن ابراهیم، محمد بن یحیی و احمد بن محمد بن عیسی که از عالمان بنام هستند، به طریق کتاب سلیم که ابان تنها راوی آن است، اعتماد کرده اند.

دوم، اعتماد عالمان بر برخی روایات کتاب سلیم و نقل این روایات در کتاب های خود است. کلینی و صدوق برای نمونه، همین روایت تقسیم راویان به چهار دسته را نقل کرده اند. حتی شیخ مفید نیز علی رغم اینکه کتاب سلیم را به طور کامل نپذیرفته، اما

۱. نکته پایانی اینکه در سندی چنین آمده است: «علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن حماد بن عیسی، عن ابراهیم بن عمر الیمانی عن سلیم بن قیس». در این سند افتادگی وجود دارد، و ابان واسطه میان ابراهیم و سلیم است.

حدیث از چه کتابی گرفته شده است:

کتاب احمد بن ادريس / محمد بن عبد الجبار

کتاب	حدیث
نوادير احمد بن ادريس / روایات محمد بن عبد الجبار	۳، ۱۹۷، ۲۴۶، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۸۵، ۳۰۳، ۳۱۶، ۳۴۰، ۴۳۳، ۵۱۲، ۵۲۰، ۵۹۶، ۶۰۴، ۶۶۴، ۶۷۰، ۶۹۸، ۷۰۴، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۷۰، ۷۸۹، ۸۱۲، ۸۲۱، ۹۸۰، ۹۸۹، ۱۲۴۶، ۱۲۸۶، ۱۵۰۳، ۱۵۲۳، ۱۵۳۱، ۱۵۸۳، ۱۵۸۵، ۱۵۹۲، ۱۶۳۰، ۱۶۴۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۲، ۱۷۲۳، ۱۷۴۹، ۱۸۰۴، ۱۸۳۴، ۱۸۴۴، ۱۸۶۰، ۱۹۴۴، ۱۹۶۰، ۲۰۶۸، ۲۱۳۷، ۲۲۲۸، ۲۲۵۶، ۲۲۶۳، ۲۲۸۲، ۲۲۹۸، ۲۳۷۸، ۲۳۹۸، ۲۴۲۱، ۲۴۶۹، ۲۴۹۷، ۲۵۳۲، ۲۵۵۶، ۲۵۶۳، ۲۵۶۷، ۲۶۴۳، ۲۶۵۶، ۲۷۰۴، ۲۷۳۷، ۲۸۱۷، ۲۸۲۱، ۲۸۲۷، ۲۸۳۸، ۲۹۶۷، ۲۹۸۹، ۳۰۶۴، ۳۰۶۷، ۳۰۷۹، ۳۱۴۱، ۳۱۴۶، ۳۱۶۶، ۳۱۸۹، ۳۲۲۶، ۳۲۴۸، ۳۲۸۵، ۳۲۹۷، ۳۳۰۰، ۳۳۲۹، ۳۳۹۵، ۳۴۳۹، ۳۴۴۴، ۳۴۹۵، ۳۵۰۱، ۳۵۱۷، ۳۵۱۸، ۳۵۵۱، ۳۵۷۲، ۳۵۹۹، ۳۶۰۲، ۳۶۲۳، ۳۶۲۴، ۳۶۶۹، ۳۷۶۸.

کتاب محمد بن يحيى / احمد بن محمد بن عيسى

کتاب	حدیث
نوادير محمد بن يحيى / نوادر احمد بن محمد بن عيسى	۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۸۲۰، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۴۹، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۱۹، ۲۰۵۶، ۲۰۵۷، ۲۰۷۳، ۲۰۷۴، ۲۰۷۵، ۲۰۷۶، ۲۰۷۷، ۲۱۳۰، ۲۱۳۱، ۲۱۴۴، ۲۱۴۵، ۲۱۴۶، ۲۲۱۵، ۲۲۱۶، ۲۲۱۸، ۲۳۳۴، ۲۳۷۵، ۲۵۷۸، ۲۵۷۹، ۲۶۸۸، ۲۶۸۹، ۳۱۳۷، ۳۱۳۸، ۳۲۱۴، ۳۲۱۵، ۳۵۸۶، ۳۵۸۷، ۳۵۹۶، ۳۵۹۷، ۱۰۰۷۸، ۱۰۰۷۹، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۵۷، ۶۱، ۶۲، ۶۷، ۷۰، ۸۲، ۸۷، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۸، ۱۹۸، ۲۰۶، ۴۳۹، ۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۸، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۹۳، ۴۹۵، ۵۰۴، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۳۱، ۵۳۹، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۳، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۸۱، ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۹۱، ۵۹۴، ۵۹۰، ۱۴، ۱۶۱۶، ۱۶۲۳، ۱۶۲۹، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۴۱، ۱۶۴۴، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۷۱، ۱۶۸۰، ۱۶۸۲، ۱۶۸۴، ۱۶۹۳، ۱۶۹۶، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۷، ۱۷۱۷، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۳۳، ۱۷۴۵، ۱۷۴۷، ۱۷۷۳، ۱۷۸۷، ۱۷۹۳، ۱۷۹۶، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۳۲، ۱۸۳۸، ۱۸۸۹، ۱۸۹۳، ۱۸۹۹، ۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۲۲، ۱۹۴۵، ۱۹۵۹، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵، ۱۹۶۷، ۱۹۷۰، ۱۹۷۳، ۱۹۸۴، ۱۹۹۲، ۲۰۰۴، ۲۰۱۴، ۲۰۱۸، ۲۰۲۱، ۲۰۲۵، ۲۰۳۱، ۲۰۴۴، ۲۰۴۵، ۲۰۶۳، ۲۰۶۷.

کتاب	حدیث
	۷۴۷، ۷۵۲، ۷۵۶، ۷۶۰، ۷۷۳، ۷۹۴، ۷۹۹، ۸۱۷، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۴۲، ۸۹۳، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۲۶، ۹۲۸، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۶۱، ۹۶۵، ۹۶۷، ۹۷۱، ۹۸۸، ۹۹۶، ۹۹۷، ۱۰۰۸، ۱۰۲۰، ۱۰۳۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۵۰، ۱۰۶۰، ۱۰۷۲، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۸۰، ۱۰۸۴، ۱۰۹۱، ۱۱۰۴، ۱۱۰۶، ۱۱۳۵، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۹، ۱۱۶۱، ۱۱۶۵، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۲۱۰، ۱۲۱۳، ۱۲۱۷، ۱۲۲۴، ۱۲۴۰، ۱۲۴۴، ۱۲۷۸، ۱۲۸۴، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۹۳، ۱۴۰۸، ۱۴۲۰، ۱۴۳۰، ۱۴۴۰.
نواد محمد بن یحیی / فضل النبی احمد	۴۴۵، ۵۰۸، ۵۷۰، ۵۸۳، ۶۵۹، ۶۹۹، ۷۰۶، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۲۰۸، ۱۲۲۵.

کتاب محمد بن یحیی / احمد بن اسحاق

کتاب	حدیث
نواد محمد بن یحیی / کتاب احمد بن اسحاق	۸۶۴، ۱۳۵۶.

کتاب الحسین بن محمد / معلی بن محمد

کتاب	حدیث
نواد حسین بن محمد / الإمامة معلی	۴۵۹، ۱۴۹۰، ۳۲۷۵، ۳۶۶، ۴۴۸، ۴۶۳، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۸، ۴۸۴، ۴۸۵، ۵۴۶، ۷۱۸، ۷۳۸، ۷۴۰، ۷۴۵، ۷۹۲، ۸۱۵، ۸۲۰، ۸۵۴، ۸۸۹، ۹۶۸، ۹۷۲، ۹۸۳، ۹۹۰، ۹۹۱، ۱۰۶۳، ۱۰۷۳، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۹۶، ۱۲۵۱، ۱۲۵۹، ۱۲۷۹، ۱۲۸۳، ۱۲۸۹، ۱۳۰۶، ۱۴۰۳، ۱۴۱۰.
نواد حسین بن محمد / الإیمان و درجاته و زیاده و نقصانه معلی	۱۵۴۶، ۱۵۶۵، ۱۵۷۵، ۱۵۹۷، ۱۶۲۷، ۱۶۷۴، ۱۷۱۴، ۱۷۳۲، ۱۷۴۶، ۱۸۰۵، ۱۸۳۷، ۱۸۶۶، ۱۸۸۰، ۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۱۹۲۱، ۱۹۸۰، ۲۰۱۰، ۲۰۲۷، ۲۱۵۶، ۲۱۷۲، ۲۲۶۰، ۲۲۷۴، ۲۳۲۵، ۳۰۳۳.
نواد حسین بن محمد / الکفر و وجوه معلی	۱۴۷۱، ۲۴۱۸، ۲۴۲۰، ۲۴۵۶، ۲۴۵۷، ۲۴۸۲، ۲۵۴۴، ۲۶۶۴، ۲۶۷۵، ۲۶۸۷، ۲۷۵۹، ۲۷۷۳، ۲۷۹۵، ۲۷۹۹، ۲۸۱۵، ۲۸۴۸، ۲۸۵۹، ۲۸۶۱، ۲۸۷۹، ۳۰۰۸.
نواد حسین بن محمد / کتاب معلی	۲۹۴۲، ۳۰۸۳، ۳۰۹۶، ۳۱۴۵، ۳۲۰۰، ۳۲۰۲، ۳۲۴۰، ۳۲۴۹، ۳۳۷۶، ۳۵۸۰، ۳۶۸۱، ۳۹، ۵۸، ۱۰۵، ۱۱۹، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۷، ۳۸۴، ۴۰۲، ۷۰۰.

كتاب	حديث
نوادير حسين بن محمد/ التفسير معلى	٣٠٥٤، ٣٥٨٨، ٣٧٢٦، ١٥٠٩، ٤٠٤، ٤٧٧، ٤٨٢، ٥٠١، ٥٠٢، ٥٠٧، ٥١٧، ٥١٨، ٥٢٩، ٥٣٢، ٥٣٤، ٥٣٥، ٥٣٦، ٥٣٧، ٥٤٠، ٥٤٧، ٥٤٩، ٥٤٨، ٥٤٩، ٥٥٧، ٥٧٦، ٥٧٧، ٥٩٠، ٧٣١، ٧٣٢، ٧٦١، ٧٩٣، ٩٦٣، ٩٨٤، ١٠٠١، ١٠٢١، ١٠٢٧، ١٠٨٦، ١٠٩٤، ١٠٩٥، ١٠٩٦، ١٠٩٧، ١٠٩٨، ١٠٩٩، ١١٠٠، ١١٠١، ١١٠٢، ١١٠٣، ١١٠٥، ١١٠٧، ١١٠٨، ١١١٠، ١١١٦، ١١١٧، ١١١٩، ١١٢٠، ١١٢١، ١١٢٧، ١١٢٨، ١١٢٩، ١١٣١، ١١٣٠، ١١٣٢، ١١٣٣، ١١٣٦، ١١٣٧، ١١٣٨، ١١٣٩، ١١٥٥، ١١٥٧، ١١٥٨، ١١٦٠، ١١٦٤، ١١٦٦، ١١٦٦، ١٣١١، ١٤٢٢.
نوادير حسين بن محمد/ الدلائل معلى	١٤٢، ٦١٨، ٦٢٥، ٦٢٧، ٨١١، ٨٤٣، ٨٦٧، ٩٢٧، ٩٣٥، ٩٣٥، ٩٥٥، ١٠٠٣، ١٠٠٩، ١٢٨٥، ١٣١٤، ١٣١٧، ١٣٢١، ١٣٢٢، ١٣٢٣، ١٣٢٥.
نوادير حسين بن محمد/ مسيرة القائم معلى	٢١، ٩٤٥، ١٣٥٧، ١٤١٢.

كتاب احمد بن محمد الكوفي / حمدان القلانسي

كتاب	حديث
كتاب احمد/ نوادر حمدان	٣٣٣٣

كتاب علي بن ابراهيم / ابراهيم بن هاشم

كتاب	حديث
كتاب علي بن ابراهيم/ نوادر ابراهيم بن هاشم	٤٣٧، ٤٩١، ٤٣٦، ٦٠٨، ١٧، ١٩، ٥٥، ٦٦، ٧٣، ٧٦، ٨٢، ٨٥، ٩١، ١١٤، ١٢٠، ١٢١، ١٢٤، ١٢٥، ١٢٨، ١٣٣، ١٣٨، ١٣٩، ١٦٨، ١٦٩، ١٨٠، ٢١٢، ٢٤٤، ٢٥٢، ٢٥٧، ٢٩٦، ٥٨٥، ٦٣٤، ٦٤٣، ٦٨٤، ٧٠٥، ٧٠٨، ٧٤٦، ٧٤٩، ٧٧٦، ٧٨٢، ٧٨٨، ٧٩٥، ٨٠٦، ٨١٤، ٨٢٧، ٨٨٨، ٨٩٨، ٩٠٠، ٩٠٣، ٩٢٩، ٩٥٤، ١٠٤٠، ١٠٦٠، ١٠٨١، ١٢٣، ١٢٧، ١٢١٤، ١٢١٩، ١٢٢١، ١٢٢٢، ١٢٢٨، ١٢٧١، ١٢٩١، ١٣٠٢، ١٣١٥، ١٣٢٠، ١٣٧٢، ١٤٧٤، ١٤٨٠، ١٤٩٤، ١٥٠٣، ١٥٠٦، ١٥٤٣، ١٥٤٤، ١٥٥٢، ١٥٥٦، ١٥٦٦، ١٥٧٨، ١٥٨٧، ١٥٨٨، ١٦١١، ١٦١٥، ١٦٢٠، ١٦٢٨، ١٦٣٥، ١٦٤٠، ١٦٤٣، ١٦٥٢، ١٦٥٤، ١٦٥٧، ١٦٦٢، ١٦٦٣، ١٦٧٢، ١٦٨٣، ١٦٨٦، ١٦٨٨، ١٦٩٧، ١٦٩٨، ١٧٠٦، ٣٧، ١٧٣٤، ١٧٤٠، ١٧٤٤، ١٧٥٨، ١٧٦٠، ١٧٦٢، ١٧٨٤، ١٧٨٨، ١٧٩١، ١٧٩٨، ١٨٠٧، ١٨٣٣، ١٨٤٩، ١٨٧٠، ١٨٨٦، ١٨٩٨، ١٩٠١، ١٩٠٤، ١٩١٣، ١٩١٤، ١٩١٥، ١٩٣١، ١٩٥٨، ١٩٤٣، ١٩٤٠، ١٩٦٦، ١٩٨٣، ١٩٨٧، ١٩٩٠، ١٩٩١، ٢٠٠٦، ٢٠٠٩، ٢٠١٥، ٢٠٢١، ٢٠٢٩، ٢٠٤٧، ٢٠٥١، ٢٠٦٠، ٢٠٦٢، ٢٠٧٨، ٢٠٧٩، ٢٠٨٣، ٢٠٩٠، ٢٠٩٥، ٢٠٩٩، ٢١١٤، ٢١٣٢، ٢١٣٤، ٢١٣٩، ٢١٤٣، ٢١٤٧، ٢١٤٩، ٢١٥٥، ٢١٦٢، ٢١٦٧.

کتاب علی بن ابراهیم / محمد بن عیسی

کتاب	حدیث
الشرائع علی بن ابراهیم/ نوادر محمد	۱۷۹، ۸۹، ۳۹
کتاب علی بن ابراهیم/ نوادر محمد	۱۵۷۷، ۱۵۴۹، ۱۵۲۰، ۱۵۱۲، ۲۰۹، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۰۰، ۹۸، ۹۰، ۸۱، ۶۰، ۱۶۱۰، ۱۶۵۳، ۱۶۶۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۷، ۱۸۰۶، ۱۸۲۶، ۱۸۹۵، ۱۹۱۲، ۱۹۱۵، ۱۹۲۴، ۲۰۰۵، ۲۰۱۱، ۲۰۲۶، ۲۰۹۷، ۲۲۳۸، ۲۲۵۹، ۲۲۷۵، ۲۲۹۰، ۲۳۰۶، ۲۳۱۴، ۲۳۲۷، ۲۳۳۲، ۲۳۸۲، ۲۴۰۲، ۲۴۳۸، ۲۴۶۵، ۲۷۶۳، ۲۷۶۶، ۲۷۸۵، ۲۷۹۳، ۲۸۰۵، ۲۸۹۱، ۲۸۹۲، ۲۸۹۸، ۲۹۳۶، ۳۰۴۷، ۳۰۴۲، ۲۹۹۵
التفسیر علی بن ابراهیم/ تفسیر القرآن محمد	۱۴۸۱، ۱۴۶۷، ۹۸۷، ۸۰۰، ۷۵۹، ۷۵۴، ۷۲۱، ۶۴۰، ۱۸۷، ۱۸۶، ۶۸، ۱۴۸۲، ۱۵۰۷، ۲۴۸۱، ۲۴۹۱، ۲۵۱۰، ۲۵۱۲، ۲۵۳۳، ۲۵۶۰، ۲۵۶۶، ۲۵۸۴، ۲۵۸۵، ۲۵۹۲، ۲۶۰۱، ۲۷۴۴، ۲۷۴۵، ۲۸۴۲، ۲۸۴۶، ۲۸۴۷، ۲۸۸۱، ۲۹۱۶، ۲۹۹۰، ۳۴۷۸
التوحید و الشرك علی بن ابراهیم/ نوادر محمد	۲۲۴، ۲۳۵، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۲۱، ۳۹۳، ۴۰۰، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۳۷۹، ۳۸۰، ۴۰۶، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲
الناسخ و المنسوخ علی بن ابراهیم/ نوادر محمد	۱۰۷
کتاب علی بن ابراهیم/ الإمامه محمد	۴۵۵، ۴۵۸، ۴۹۴، ۴۹۹، ۶۰۰، ۶۲۹، ۶۶۰، ۶۷۳، ۶۷۶، ۷۱۴، ۷۵۱، ۸۰۰، ۹۵۲، ۹۹۳، ۱۰۱۲، ۱۲۹۶، ۱۳۹۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۹۱، ۱۴۹۹
فضائل امیرالمؤمنین از علی بن ابراهیم/ الإمامه از محمد بن عیسی	۱۰۴۷
کتاب علی بن ابراهیم/ الواضح المکشف فی الرد علی أهل الوقوف محمد بن عیسی	۹۹۴

کتاب الحسین بن محمد / احمد بن اسحاق

کتاب	حدیث
نوادر حسین بن محمد/ کتاب احمد بن اسحاق	۵۶، ۱۲۷۲، ۱۹۳۶، ۲۰۸۵، ۲۱۱۱، ۲۱۴۰، ۲۱۵۰، ۲۱۵۱، ۲۴۰۸، ۲۴۷۳، ۲۸۸۵، ۳۱۱۹، ۳۱۶۳، ۳۳۱۵، ۳۳۱۷، ۳۳۵۹، ۳۴۷۱، ۳۵۶۳

كتاب الحسين بن محمد / علي بن محمد بن سعد

كتاب	حديث
نوادير حسين بن محمد / نوادر علي بن محمد بن سعد	١٦٤٢، ٢٧١٤، ٢٨٣٦، ٢٨٣٧

كتاب محمد بن ابي عبدالله / محمد بن اسماعيل

كتاب	حديث
كتاب محمد بن جعفر / التوحيد محمد بن اسماعيل	٢٧٥، ٢٩٠، ٣١١، ٣٢٨، ٣٣٠، ٣٣١، ٣٦١
كتاب محمد بن جعفر / كتاب محمد بن اسماعيل	٢٢٨٠

كتاب محمد بن يحيى / سعد بن عبدالله

كتاب	حديث
نوادير محمد بن يحيى / كتاب سعد	٢٩٦
نوادير محمد بن يحيى / كتاب فضل ابي طالب و عبدالمطلب و ابي النبي ﷺ از سعد	١٢٠٩، ١٢١٨

كتاب علي بن محمد بن عبدالله / السيارى

كتاب	حديث
كتاب علي / نوادر سيارى	١٢٣٤

كتاب محمد بن ابي عبدالله / سهل بن زياد

كتاب	حديث
الاستطاعة محمد / التوحيد سهل	٤١٧، ٤٢٥

كتاب محمد بن يحيى / الحسن بن علي الكوفى

كتاب	حديث
نوادير محمد / نوادر حسن	٥٨١، ٨٨١، ٢١١٥

کتاب احمد بن ادریس / الحسن بن علی

کتاب	حدیث
نوادیر احمد/ نوادر حسن	۱۴۹۲، ۱۸۳۹، ۱۹۵۷، ۲۲۴۵، ۲۷۲۵، ۲۸۷۱، ۳۱۸۳، ۳۴۹۱، ۳۷۶۵، ۳۶۶۸، ۳۵۰۵، ۳۴۹۲

کتاب محمد بن یحیی / محمد بن الحسین / احمد بن محمد

کتاب	حدیث
نوادیر محمد بن یحیی/ الإمامة محمد بن الحسین / نوادر احمد بن محمد	۷۸۵

کتاب محمد بن یحیی / الحسن بن علی

کتاب	حدیث
نوادیر محمد/ الدلائل الحسن بن علی	۷۸۱
نوادیر محمد/ کتاب الحسن بن علی	۲۴۳۷، ۲۳۳۳

کتاب سعد بن عبدالله / احمد بن محمد بن عیسی

کتاب	حدیث
الإمامة سعد/ نوادر احمد	۱۲۸۸، ۱۲۴۲

کتاب محمد بن یحیی / علی بن مهزیار^۱

کتاب	حدیث
نوادیر محمد بن یحیی/ المزار علی بن مهزیار	۱۲۵۴
نوادیر محمد بن یحیی/ تفسیر علی بن مهزیار	۲۸۶۸، ۲۵۱۷
نوادیر محمد بن یحیی/ الزهد علی بن مهزیار	۳۷۵۶، ۳۴۴۶

۱. سند چنین است: «کتاب محمد بن یحیی عن الحسین بن اسحاق عن علی بن مهزیار».

کتاب علی بن ابراهیم / ابراهیم بن هاشم / عبدالله بن الصلت^۱

کتاب	حدیث
تفسیر علی / نوادر ابراهیم / تفسیر عبدالله	۱۴۹۴

کتاب الحسین بن محمد / محمد بن احمد النهدی

کتاب	حدیث
نوادر حسین / نوادر نهدی	۳۰۵۵، ۲۴۳۸، ۱۷۸۳، ۸۴۴

کتاب محمد بن یحیی / محمد بن احمد بن یحیی

کتاب	حدیث
نوادر محمد بن یحیی / نوادر الحکمة محمد بن احمد	۲۵۷۶، ۱۵۳۳، ۱۴۰۵، ۱۴۰۴، ۱۲۹۰، ۱۲۸۱، ۱۲۷۵، ۷۳۹، ۷۱۷، ۱۵۳۲، ۳۲۵۹، ۳۰۴۰، ۲۶۰۶

کتاب احمد بن ادريس / محمد بن احمد بن یحیی

کتاب	حدیث
نوادر احمد / نوادر الحکمة محمد بن احمد	۱۰۹۲، ۹۱۱

کتاب علی بن محمد علّان / سهل

کتاب	حدیث
کتاب علّان / نوادر سهل	۲، ۱۳، ۱۶، ۲۲، ۲۴، ۸۸، ۱۳۱، ۱۵۶، ۱۵۹، ۴۴۲، ۴۵۷، ۵۰۰، ۵۱۴، ۶۷۵، ۶۸۲، ۷۵۵، ۷۷۴، ۸۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۷۱، ۱۰۷۷، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۷۱، ۱۱۷۵، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۴۰، ۱۲۶۸، ۱۳۰۷، ۱۳۱۳، ۱۳۱۶، ۱۹۶، ۷۵۹، ۱۲۰۲، ۱۲۵۲، ۲۳۳، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۹۷، ۳۱۵، ۳۱۹
کتاب علّان / التوحید سهل	

مشترک میان المحاسن احمد بن محمد بن خالد و نوادر احمد بن محمد بن عیسی
در بسیاری از موارد، تشخیص احمد بن محمد پس از «عده من أصحابنا» ممکن

۱. سند چنین است: «علی بن ابراهیم عن ابیه و عبدالله بن الصلت جمیعاً».

نیست؛ بنابراین در اینکه حدیث از کتاب المحاسن احمد بن محمد بن خالد برقی یا نوادر و کتاب های احمد بن محمد بن عیسی اشعری گرفته شده است، تردید داریم. این تردید سبب شد این احادیث را در منابع مردّد بگنجانیم؛ هرچند منابع مردّد، میان استاد و استاد کلینی مردّد است و در اینجا تردید میان دو نفر از اساتید اساتید است:

کتاب	حدیث
المحاسن/ نوادر	۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۸۱۰، ۲۰۷۰، ۲۰۸۰، ۲۰۸۱، ۲۰۸۲، ۲۲۰۹، ۲۲۱۰، ۲۲۱۱، ۲۲۱۲، ۲۵۷۴، ۲۸۳۲، ۲۸۴۴، ۲۶۶۶، ۲۸۰۳، ۲۸۲۳، ۲۸۲۴، ۲۹۷۲، ۲۹۸۵، ۳۰۰۷، ۳۲۹۲، ۳۳۳۷، ۳۳۳۸، ۳۵۰۴، ۳۵۰۹، ۳۵۱۲، ۳۵۱۳، ۳۵۵۲، ۳۵۷۱، ۳۵۷۷، ۳۷۱۶، ۳۷۵۴، ۳۷۷۹، ۳۷۸۰، ۱۴، ۱۰۱۱، ۱۵۹۹، ۲۷۱۱، ۳۰۱۷، ۳۳۹۹، ۳۵۷۳، ۳۵۹۸، ۳۶۱۲، ۳۶۱۳، ۳۶۲۱، ۳۶۷۲، ۳۷۰۵، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۱۶۱، ۴۳۲، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۲۷۰، ۱۶۲۱، ۱۶۶۱، ۱۶۸۵، ۱۷۲۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۳، ۲۰۹۴، ۲۳۲۶، ۲۴۴۲، ۲۴۴۳، ۲۷۳۳، ۲۹۴۸، ۳۰۷۴، ۳۲۶۱، ۳۵۰۱، ۳۶۳۸، ۳۶۳۹، ۳۶۶۱، ۳۷۵۵، ۱۷۶، ۱۹۴، ۱۵۱۷، ۱۷۶۸، ۲۲۷۶، ۲۲۷۷، ۲۴۶۸، ۳۱۳۶، ۳۳۲۶، ۳۳۸۵، ۳۳۸۶، ۳۶۱۶، ۳۶۴۵، ۳۶۴۶، ۳۶۳، ۴۴۳، ۶۳۶، ۷۷۲، ۹۷۳، ۹۸۵، ۱۰۴۸، ۱۱۷۰، ۲۳۹۶، ۱۶۶۷، ۲۵۲۵، ۱۶۶۸، ۱۶۷۷، ۳۴۴۴، ۳۴۸۸، ۳۴۹۹، ۲۰۴۰، ۳۴۹۸، ۳۴۹۰.

اسناد مبهم

اسنادی در الکافی هستند که به نظر می رسد مأخذ احادیث آن ها کتاب ها نیستند. البته در برخی دسته ها می توان به کتاب داشتن برخی قائل شد. معمولاً راویان در این اسناد افرادی مهمل یا بدون کتاب هستند. حال پرسش این است که این احادیث چگونه به کلینی رسیده است؟ در پاسخ به این پرسش دو احتمال مطرح است:

نخست اینکه بگوییم: این احادیث هم از کتاب گرفته شده باشند؛ اما کتاب برای ما ناشناخته است. برخی بر این باورند که کلینی در این موارد از منبعی استفاده کرده است که مؤلفش برای او ناشناخته بوده است. احتمال دیگر آن است که بگوییم: این احادیث از طریق شفاهی به مرحوم کلینی رسیده است.

ما این اسناد را دسته بندی کرده و درباره هر دسته سخن خواهیم گفت:

اساتید نامعلوم

اسنادی هستند که با تعبیرهای «بعض أصحابنا»، «عده من أصحابنا» و «غیر واحد من أصحابنا» آغاز می‌شود. کسانی که این افراد از آن‌ها روایت می‌کنند یا مهمل هستند یا اصلاً معلوم نیستند. هرچند در سه سند اول، ممکن است منبع کتاب یکی از راویان معلوم باشد، چون هر سه کتاب دارند. این اسناد عبارت‌اند از:

«بعض أصحابنا رفعه عن محمد بن سنان».^۱

«بعض أصحابنا رفعه عن مفضل بن عمر»؛^۲

«بعض أصحابنا عمن ذكره عن ابن محبوب».^۳

«بعض أصحابنا عن علی بن العباس».^۴ علی بن العباس مهمل است.

«بعض أصحابنا عن محمد بن عبدالله».^۵ محمد بن عبدالله مهمل است.

«عده من أصحابنا عن الحسين بن الحسن بن يزيد...».^۶ راوی نامبرده و سایر راویان

همه مهمل هستند.

«عده من أصحابنا عن عبدالله البرّاز».^۷ راویان همه مهمل و صرفاً روایت در یک نسخه

آمده است.

«غیر و أحد من أصحابنا القميين، عن محمد بن محمد العامري عن أبي سعيد غانم

الهندي».^۸ همه راویان مهمل هستند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۷۰، ح ۱۲۳۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۶۱، ح ۲۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۷۷، ح ۱۲۳۵.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۰۲، ح ۱۵۲۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۳۶۷.

۶. همان، ج ۲، ص ۳۲۹، ح ۱۰۵۲.

۷. همان، ج ۱، ص ۶۵، ح ۳۵.

۸. همان، ج ۲، ص ۶۴۷، ح ۱۳۵۹.

اساتید و راویان مهمل یا مبهم^۱

۱. «الحسن بن خفیف عن أبيه قال».^۲ حسن و پدرش هر دو مهمل هستند.
۲. «محمد بن محمود أبو عبد الله القزويني عن عدّة من أصحابنا منه جعفر بن محمد الصيقل بقزوين عن أحمد بن عيسى العلوي عن عباد بن صهيب البصري».^۳ راویان این سند جز عباد بن صهیب که کتاب دارد و ثقة است،^۴ مهمل هستند. البته ممکن است این پرسش به ذهن بیاید که چرا کتاب عباد بن صهیب منبع نیست؟ با توجه به اینکه این سند یک بار در الکافی آمده، احتمال مذکور شایسته اعتنا نیست.
۳. «محمد بن الحسن عن عبد الله بن الحسن العلوي».^۵ این دو هیچ یک کتاب ندارند.
۴. «محمد بن الحسن عمّن ذكره عن محمد بن خالد».^۶ محمد بن الحسن کتاب ندارد. مروی عنه او هم مبهم است. تنها محمد بن خالد صاحب کتاب است که با توجه به عدم تکرار، اثبات منبع بودن کتاب وی مشکل است.
۵. «محمد بن الحسن عن بعض أصحابنا عن علي بن الحكم».^۷ محمد بن الحسن کتاب ندارد. مروی عنه او هم مبهم است. تنها علی بن الحكم صاحب کتاب است که با توجه به عدم تکرار، اثبات منبع بودن کتاب وی مشکل است.
۶. «القاسم بن العلاء رفعه عن عبد العزيز بن مسلم».^۸ قاسم جلیل القدر است،^۹ اما

۱. مبهم قید راویان است، نه اساتید.

۲. کلینی، الکافی، ص ۶۷۱، ح ۱۳۷۷.

۳. همان، ج ۱، ۱۱۹، ح ۱۳۲.

۴. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة، ص ۲۹۳.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۲۳۲؛ ص ۲۹۱، ح ۳۲۴؛ ص ۳۳۷، ح ۳۵۲؛ ص ۳۶۹، ح ۳۹۰.

۶. همان، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۴۴۰.

۷. همان، ج ۲، ص ۳۳۷، ح ۱۰۵۹؛ ج ۳، ص ۱۰۴، ح ۱۵۲۸.

۸. همان، ج ۱، ص ۴۸۹، ح ۵۲۷.

۹. طوسی، الغیبه، ص ۳۱۰-۳۱۵.

کتاب ندارد. عبدالعزیز بن مسلم هم مهمل است.

۷. «القاسم بن العلاء قال: ولد لی عده بنین...»^۱ قاسم کتاب ندارد.

۸. «الحسین بن الحسن العلوی: کان رجل من ندماء...»^۲ ظاهراً وی همان حسین بن

حسن حسنی اسود، ابو عبدالله رازی است که طوسی در رجال او را به فضل ستوده است.^۳

۹. «الحسین بن الحسن الحسنی عن ابوالطیب المثنی یعقوب بن یاسر قال»^۴ حسین

در این سند، حسین بن حسن علوی است. ابوالطیب هم مهمل است.

۱۰. «الحسن بن علی العلوی قال»^۵.

۱۱. «احمد بن مهران رفعه عن ابی عبدالله الحسین بن علی علیه السلام»^۶ وی کتاب ندارد.

۱۲. «الحسن بن الفضل بن زید الیمانی قال»^۷ وی مهمل است.

۱۳. «الحسین بن أحمد قال حدّثنی أبو کریب و ابوسعید الأشج»^۸ حسین بن أحمد

مالکی و هر دو مروی عنه کتاب ندارند.

۱۴. «علی بن ابراهیم الهاشمی عن جدّه محمد بن الحسن بن محمد بن عبدالله»^۹.

علی بن ابراهیم، همان جوانی است که فردی ثقه است؛ اما کتاب هایش تاریخی است^{۱۰} و با موضوع روایت که اخلاقی است، سازگار نیست. محقق در پاورقی احتمال داده است

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۵۸، ح ۱۳۶۵.

۲. همان، ص ۶۷۶، ح ۱۳۸۶.

۳. طوسی، الرجال، ص ۲۲۰.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۹، ح ۱۳۲۸.

۵. همان، ص ۶۷۰، ح ۱۳۷۴.

۶. همان، ص ۴۹۰، ح ۱۲۴۶.

۷. همان، ص ۶۶۲، ح ۱۳۶۹.

۸. همان، ص ۵۰۹، ح ۱۲۶۷.

۹. همان، ج ۳، ص ۶۸۰، ح ۲۴۳۶.

۱۰. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶۳.

که وی با علی بن ابراهیم جعفری که محمد بن یحیی از او روایت می‌کند، یکی باشد؛ اما به هر حال، اثبات کتاب داشتن در موضوع روایت مشکل است. نکته دیگر هم تکرار کم است که احتمال نقل شفاهی را تقویت می‌کند.

۱۵. «أبو بكر الجبال عن محمد بن عيسى القطان المدائني».^۱ هر دو نفر مهمل هستند.

اسناد وجاده‌ای

چندین سند وجاده‌ای در بخش اصول الکافی است که چگونگی ارتباط کلینی با این افراد معلوم نیست. هرچند این احتمال وجود دارد که کلینی به صورت وجاده یا از طریق ناشناخته برای خودش به کتاب‌های علی بن ابی حمزه و ابن محبوب دسترسی داشته است:

۱. در سند «علی بن ابی حمزه عن بعض أصحابه»^۲ علی بن ابی حمزه از مشایخ ابن ابی عمیر است^۳ و می‌دانیم که میان ابن ابی عمیر و کلینی دو واسطه است.^۴

۲. «ابن محبوب عن عبدالله بن سنان»^۵

۳. «ابن فضال عن عبدالله بن المغيرة»^۶

جمع‌بندی

در این فصل به سه محور پرداخته شده است: منابع مردّد، اساتید نامعلوم، اساتید و راویان مهمل یا مبهم و اسناد وجاده‌ای. در ۱۱ سند که منبع مردّد است، میان استاد

۱. کلینی، ج ۴، ص ۷۱۸، ح ۳۶۷۶.

۲. همان، ص ۵۸۴، ح ۳۴۷۲.

۳. نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۵۰.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۷۵، ح ۴۵؛ ص ۷۹، ح ۵۵ و

۵. همان، ج ۲، ص ۴۷۱، ح ۱۲۳۱.

۶. همان، ص ۲۰۲، ح ۹۳۴.

کلینی و استاد استاد کلینی و در دو مورد مؤلفان قدیمی‌تر؛ یعنی سلیم بن قیس و ابن حریش رازی می‌باشد. ۱۲ مورد از این افراد پیش از این معرفی نشده بودند که در این فصل به تفصیل شخصیت، آثار، طرق به آثار، اعتبارسنجی طرق، قواعد بازایی و احادیث مربوط به هر کتاب تبیین شده است.

۲۶ سند دیگر که هر دو نفر از اساتید و اساتید اساتید کلینی هستند، دوباره بررسی نشده‌اند؛ چراکه در همین فصل یا در فصل‌های پیشین به تفصیل به آن‌ها پرداخته‌ایم. این ۲۶ سند را در انجام آورده‌ایم.

در هشت سند اساتید کلینی نامعلوم هستند. در ۱۵ سند اساتید و راویان در سند مهمل یا مبهم هستند. در سه سند چگونگی ارتباط کلینی با نفر اول سند معلوم نیست که ذیل عنوان وجاده‌ای ذکر شده‌اند.

نتایج

در این پژوهش ۱۵ قاعده بازیابی منابع مفقود الکافی در بخش اصول به دست آمد. حل ناسازگاری میان برخی قواعد و همراهی بعضی از قواعد با همدیگر از یافته های مرتبط با مبحث قواعد به شمار می رود.

هشت استاد کلینی با آثارشان، ۳۱ نفر از اساتید اساتید کلینی با کتاب هایشان و سه نفر از اساتید با بیش از دو واسطه از منابع قطعی الکافی هستند که در مجموع ۴۲ مؤلف است. ۱۲ منبع میان اساتید و اساتید کلینی مردّد است که در صورت عدم تردید، تعداد منابع قطعی به ۵۴ عدد می رسد. ۲۶ منبع دیگر میان اساتید و اساتید اساتید مردّد است که تعدادشان در آمار محاسبه شده است. تکلیف هشت سند با اساتید نامعلوم، ۱۴ سند با اساتید و راویانی مهمل و مبهم و سه سند وجاده ای روشن نشده است.

منابع بازیابی شده و طرق به آن ها اعتبارسنجی شده و میزان اعتبار آن ها روشن شده است.

احادیث متعلق به هر منبع، مشخص شده است. ذیل هر عنوان جدولی آمده و هر حدیث بر اساس شماره ای که در چاپ الکافی دار الحدیث آمده به کتابی مرتبط شده است.

با بازپژوهی منبع، بخشی از آن منبع مفقود، شناخته شده و هویتی مستقل به خود خواهد گرفت. نیز با بررسی اسناد، محتوا و قرائن و شواهد می توان اعتبار آن منبع را سنجید.

البته یادآوری این نکته لازم است که برای بازیابی یک منبع نیاز است همه کتاب های حدیثی منبع شناسی شود، سپس به بازیابی و در مواردی بازسازی منبع دست زد.

در این پژوهش احادیث منبع در بخش اصول الکافی بازیابی شده است که این خود زمینه‌ای است برای بازیافتن هویت مستقل منبع. به عنوان نمونه، مقدار قابل توجهی از النوادر سهل بن زیاد در این بازیابی مشخص شده است. دو کتاب التوحید و النوادر سهل بازیابی شده است. النوادر سهل فاقد مباحث توحیدی و دربردارنده مباحث امامت، اخلاقی، قرآن پژوهی، دعایی و آداب معاشرت بوده است؛ بنابراین کلینی در موضوعات متنوع از کتاب‌های سهل استفاده کرده و برای آن اعتباری ویژه قائل است.

متن مفقود سنجه‌ای برای اعتبار منبع استفاده‌کننده از الکافی به شمار می‌رود. کتاب المحاسن احمد بن محمد بن خالد برقی از منابع الکافی است. شیخ صدوق این کتاب را در فهرست منابع کتاب من لایحضره الفقیه شمرده و آن را در زمره کتاب‌های مشهوری دانسته که بدان اعتماد شده و مرجع است. نقل‌های فراوان کلینی از المحاسن که اثری مرجع و مشهور است، موجب اعتبار الکافی می‌شود. این نتیجه را در ذیل نام احمد بن محمد بن خالد برقی یادآور شدیم.

با شناخته شدن منابع الکافی، به شناختی دقیق و جامع‌تر از منبع بازیابی و بازپژوهی شده دست یافته‌ایم. برای نمونه، کتاب أخبار السید اسحاق بن محمد، شامل اخباری تاریخی درباره امام حسن عسکری علیه السلام است. دو ویژگی این احادیث؛ یعنی مکاتبه‌ای بودن احادیث و اخبار از غیب در احادیث، ما را به شناخت بهتری از کتاب أخبار السید اسحاق بن محمد می‌رساند.

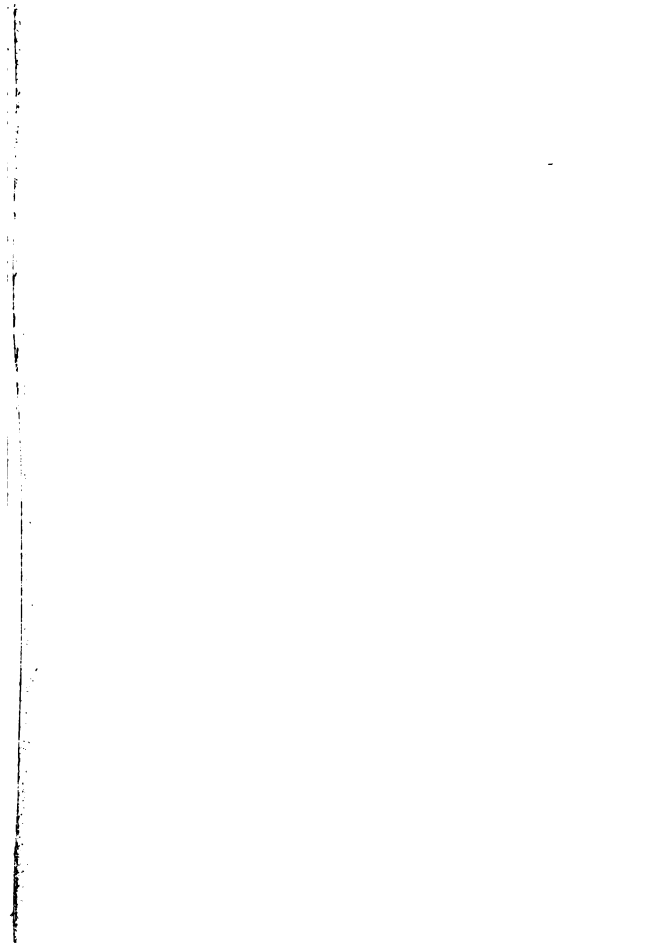
با اثبات اینکه مجموعه‌ای از احادیث از منبع مکتوب گرفته شده‌اند، کمینه در موارد بسیاری نیاز به بررسی سندی نیست؛ البته اگر ناقل کتاب در انتقال اثر صرفاً راوی بوده، این فایده صدق می‌کند؛ البته اگر راوی نقشی فراتر از انتقال داشته و روایت او با آن اثر از سایر روایات متمایز باشد، به بررسی سندی نیازمندیم. نمونه‌ای را در ذیل کتاب عبدالعظیم حسنی بحث کرده‌ایم.

بیشتر خاورشناسان باورمندند که تاریخ اندیشه به زمان منابع مکتوب آن باز می‌گردد.

با وجود اشکالاتی که این باور دارد، می‌توان بر پایه آن تاریخ اندیشه‌های اسلامی را به آن‌ها نشان داده، با شناخت منابع مکتوب کتاب تاریخ اندیشه به زمانی جلوتر از کتاب موجود خواهد رفت. به عنوان مثال، اتان کلبرگ، باور شیعی وجود دو غیبت صغری و کبری برای امام زمان را اندیشه‌ای مربوط به کلینی دانسته است. او این انگاره شیعی را تنها در زمان کلینی می‌پذیرد که پیش از آن در میان شیعه وجود نداشته است. با بازیابی منابع کتاب الکافی و منابع الکافی می‌توان ثابت کرد که این باور به زمانی قدیم‌تر برمی‌گردد. کلینی آن را از کتاب حسن بن علی کوفی و حسن از کتاب عبدالرحمان بن کثیر هاشمی گرفته است؛ بنابراین اندیشه دو غیبت داشتن امام قائم علیه السلام به نیمه نخست قرن دوم برمی‌گردد. تفصیل این بحث در ذیل نام حسن بن علی کوفی آمده است.

شناخت منابع مفقود، پربار نشان دادن تراث شیعه در قرون نخستین و غنای فرهنگ شیعی را به دنبال دارد. در همین نوشتار منابع مکتوب شناسایی شده است. بازیابی بخشی از این منابع از قرن‌های دوم، سوم و چهارم هجری از میراث شیعه، نشان از اهتمام عالمان این مذهب به ثبت داشته‌های حدیثی دارد.

با شناسایی منبع مفقود و مورد اعتماد می‌توان احادیث آن منبع را بر احادیث سایر منابع ضعیف ترجیح داد. این امر اختلاف نسخ و حتی اختلاف فتوا را کم خواهد کرد. نمونه‌های این نتیجه در ذیل علی بن ابراهیم در کتاب قرب الإسناد وی و همچنین نیز ذیل نام علی بن حسن بن علی بن فضال ذکر شده است.



فهرست منابع

منابع فارسی

۱. اعجاز‌نگری، محمد، نظریه ابتناء کتب حدیثی موجود شیعه بر مکتوبات سه قرن اول هجری با تأکید بر کتاب کافی (رساله دکتری)، قم، جامعه المصطفی العالمیه (مجمع آموزش عالی امام خمینی)، اسفندماه ۱۳۹۵ ش.
۲. آقایی، سید علی، تاریخ‌گذاری حدیث، تهران، حکمت، ۱۳۹۳ ش.
۳. بیات مختاری، رضا، خورشید شرق در سده سوم، قم، کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۲ ش.
۴. حجت، هادی، جوامع حدیثی شیعه، تهران، سمت، ۱۳۹۱ ش.
۵. حسینی شیرازی، سید علیرضا، ابراهیم بن هاشم، رود آبی، قم، ۱۴۰۰ ش.
۶. رحمان ستایش، محمدکاظم و جدیدی‌نژاد، محمد رضا، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۵ ش.
۷. صبا، ایرج، شیوه بهره‌گیری از کتابخانه‌ها و منابع اطلاعاتی، تهران، سمت، ۱۳۸۴ ش.
۸. عمادی حائری، سید محمد، بازسازی متون کهن حدیث شیعه، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۸ ش.
۹. غلامعلی، مهدی، سندشناسی، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۵ ش.
۱۰. مدرسی طباطبایی، سید حسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه، سید علی قرائی و رسول جعفریان، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. مردانی، مهدی، کتاب زید بن وهب جهنی، قم، دلیل ما، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. موتسکی، هارالد، حدیث اسلامی، ویرایش مرتضی کریمی نیا، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۰ ش.

منابع عربی

۱۳. آملی، شمس‌الدین محمد، نفائس الفنون فی عرائس العیون، تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، اردن و ریاض، بیت الأفكار الدولیه، بی‌تا.
۱۵. ابن حبان، ابوحاتم محمد، الثقات، تصحیح: محمد عبدالرشید، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیه، ۱۴۰۸ ق.
۱۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تغلیق التعلیق علی صحیح البخاری، تحقیق: سعید عبدالرحمن موسی الغزفی، بیروت، المکتب الإسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۱۷. _____، لسان المیزان، تحقیق: عبدالفتان ابوسنه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م.

١٨. هدى السارى مقدمة فتح البارى، تحقيق: عبدالعزيز بن باز، رياض، المكتبة السلفية، ١٣٧٩ق.
١٩. ابن زين الدين، حسن، متقى الجمان فى الاحاديث الصحاح والحسان، تصحيح: على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين، ١٣٤٢ش.
٢٠. ابن شهر آشوب، محمد بن على، معالم العلماء، تحقيق: سيد محمد صادق بحر العلوم، بيروت، دار الأضواء، بى تا.
٢١. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، علوم الحديث، تحقيق: طارق بن عوض الله، دار ابن القيم و دار ابن عثان، رياض و قاهره، ١٤٢٩ق.
٢٢. ابن غضائرى، احمد بن حسين، الرجال، تحقيق: سيد محمدرضا حسینی جلالی، قم، دارالحديث، ١٤٢٢ق.
٢٣. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، تصحيح: عبدالحسين امينى، نجف، مرتضوى، ١٣٥٦-١٩٩٧م.
٢٤. ابن وهب كاتب، اسحاق بن ابراهيم بن سليمان بن وهب، البرهان فى وجوه البيان، تحقيق: احمد مطلوب و خديجه حديثي، بغداد، دانشگاه بغداد، ١٣٨٧ق/١٩٤٧م.
٢٥. ابن عساكر، على بن حسين بن هبة الله، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: على شيرى، بيروت، دار الفكر، ١٤١٨ق.
٢٦. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمّة، تبريز، بنى هاشمى، ١٣٨١ق.
٢٧. استرآبادى، محمد امين، الفوائد المديته، قم، جامعه مدرسين، ١٤٢٦ق.
٢٨. انصارى، فريد، أبحاث فى البحث فى العلوم الشرعيه، مراكش، الدار البيضاء، قرقان، ١٤١٧ق.
٢٩. بحراني، سيد هاشم، البرهان فى تفسير القرآن، قم، مؤسسه بعثت، ١٣٧٤ش.
٣٠. بحراني، يوسف، الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهره، قم، جامعه مدرسين، ١٣٤٣ش.
٣١. برقى، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقيق: سيد جلال الدين محدث ارموى، قم، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧١ش.
٣٢. بهابى، محمد بن حسين، مشرق الشمسين و اكسير السعادين، تحقيق: سيد مهدي رجائى، مشهد، بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى، ١٤٢٩ق.
٣٣. جمعى از محدثان، الأصول الستة عشر، تحقيق: ضياء الدين محمودى و ديگران، قم، دار الحديث، ١٤٢٣ق.
٣٤. حاكم نيشابورى محمد بن ابى عبدالله، معرفة علوم الحديث، تحقيق: احمد بن فارس السلوم، بيروت، دار ابن حزم، ١٤٢٤ق.
٣٥. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٩ق.
٣٦. حرانى، محمد على بن شبيب، تحف العقول، تصحيح: على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين، ١٣٤٣ش.
٣٧. حلى (علامه)، حسن بن يوسف بن مطهر، خلاصة الأقوال، تصحيح: سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف، دار الذخائر، ١٤١١ق.

۳۸. _____، **منتهی المطلب فی تحقیق المذهب**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ق.
۳۹. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۷ق.
۴۰. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۹ق.
۴۱. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
۴۲. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، نجف، مؤسسه اسلامی آیت‌الله خویی، بی‌تا.
۴۳. داوری، مسلم، أصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، تنظیم: محمد علی صالح معلم، قم، مؤسسه فرهنگی صاحب الامر علیه السلام، ۱۴۲۹ق.
۴۴. ذهبی، شمس الدین محمد، تاریخ الإسلام، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۳ م.
۴۵. _____، دیوان الضمفاء و المتروکین، بیروت، دار القلم، ۱۹۸۸ م/ ۱۴۰۸ق.
۴۶. زراری، ابوغالب احمد بن محمد، رساله أبی غالب الزراری إلی ابن ابنه فی ذکر آل أعین، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۴۷. سزگین، فؤاد، تاریخ التراث العربی، ترجمه: محمود فهمی حجازی، جامعه محمد بن سعود، ریاض، ۱۴۱۱ق.
۴۸. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الأنساب، تحقیق: عبدالرحمان معلمی یمانی، قاهره، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
۴۹. سید رضی، محمد بن حسین، خصائص الأنمه، تحقیق: محمدهادی امینی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق.
۵۰. _____، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
۵۱. سیستانی، سید محمد رضا، قبسات من علم الرجال، گردآوری: سید محمد بگاء، بیروت، دار الموضح العربی، ۱۴۳۷ق/ ۲۰۱۶م.
۵۲. شبیری، سید محمد جواد، توضیح الأستاذ المشکله، قم، دار الحديث، ۱۳۸۷ش.
۵۳. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۳۱ق.
۵۴. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی بن بابویه، اعتقادات الإمامیه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۵۵. _____، الامالی، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
۵۶. _____، التوحید، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ش.
۵۷. _____، الخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۵۸. _____، علل الشرائع، قم، داوری، ۱۳۸۵ش.
۵۹. _____، عیون أخبار الرضا، تصحیح: مهدی لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸ش.
۶۰. _____، فضائل الأشهر الثلاثة، تصحیح: غلامرضا عرفانیان یزدی، قم، داوری، ۱۳۹۶ش.
۶۱. _____، کتاب من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.

۶۲. _____، کمال الدین و تمام التعمه، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ش.
۶۳. _____، معانی الأخبار، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۶۴. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، تصحیح: حسن کوجه باغی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۶۵. طباطبایی بروجردی، سید حسین، ترتیب أسناد الکافی، تحقیق: محمود دریاب نجفی، قم، مؤسسه آیت الله بروجردی، ۱۳۸۵ش.
۶۶. _____، ترتیب اسانید الکافی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۶۷. طوسی، محمد بن حسن، إختیار معرفة الرجال، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۶۸. _____، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ش.
۶۹. _____، الأمالی، تحقیق: مؤسسه بعثت، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۷۰. _____، الرجال، تصحیح: جواد قیومی، قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۷۱. _____، المَعَدَّة فی أصول الفقه، تصحیح: محمدرضا انصاری قمی، قم، ۱۴۱۷ق.
۷۲. _____، الغیبه، تصحیح: تهرانی عباد الله و علی احمد ناصح، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۷۳. _____، تهذیب الأحکام، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۷۴. _____، فهرست کتب الشیعه، تصحیح: سید عبدالعزیز طباطبایی، قم، کتابخانه محقق طباطبایی، ۱۴۲۰ق.
۷۵. عاملی، حسین بن شهاب الدین، هداية الأبرار، تحقیق: رؤوف جمال الدین، نجف، ۱۳۹۷ق.
۷۶. عاملی، حسین بن عبدالصمد، وصول الأخبار إلى أصول الأخبار (چاپ شده در رسائل فی علم الدرايه، ج ۱)، تحقیق: ابوالفضل حافظیان، قم، دار الحديث، ۱۴۲۴ق.
۷۷. عکبری، عبدالکریم، نظریة الإعتبار فی العلوم الإسلامیه، المعهد العالمی للفکر الإسلامی، ورجینیا، ۱۴۲۹ق.
۷۸. عمیدی، نامر هاشم، الشیخ کلینی البغدادی و کتابه الکافی (الفروع)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۷۹. فیض کاشانی، محمد مرتضی (محسن)، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۳۰ق.
۸۰. قاسمی، جمال الدین، قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، قاهره، دار الکتب العلمیه، ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م.
۸۱. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، تحقیق: عبدالله نعمه، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ق.
۸۲. کلباسی، ابوالمعالی محمد، الرسائل الرجالیه، تصحیح: محمد حسین درایتی، قم، دار الحديث، ۱۴۲۲ق.
۸۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دار الحديث، ۱۳۸۷ش.
۸۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لآخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸۵. _____، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۸۶. _____، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، تصحیح: سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۶ق.
۸۷. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین، تحقیق: سید حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهازدی، تهران، کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
۸۸. مسجدی، حیدر، دراسة فی شخصیه سهل بن زیاد و روایاته، قم، دار الحديث، ۱۳۹۵ش.
۸۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۹۰. _____، تصحیح اعتقادات الامامیه، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۹۱. نجاشی، احمد بن علی، فهرست مصنفی الشیعه، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ش.
۹۲. نعمانی، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ش.
۹۳. نوری، حسین بن محمدتقی، خاتمة مستدرک، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیه السلام، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.
۹۴. وحید بهبهانی، محمدباقر، فوائد الوحید علی منهج المقال (چاپ شده با منهج المقال)، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۲۲ق.

مقالات

۹۵. باقری، حمید، «منبع معتبر و نشانه های آن نزد محدثان متقدم امامی»، پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۴۷، شماره ۱، ۱۳۹۳ش.
۹۶. پاکتچی، احمد، «روش بازشناسی متون کهن حدیثی»، پیام صادق، شماره ۳۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۰ش.
۹۷. جدیدی نژاد، محمد رضا، «روش دستیابی به منابع الکافی»، آینه پژوهش، شماره ۱۲۳، مرداد و شهریور ۱۳۸۹ش.
۹۸. جلالی، مهدی و علیه رضا داد، «روایت شیخ کلینی از مستثنیات ابن الولید در نوادر الحکمه»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۶۴، دوره ۱۷، تابستان ۱۳۹۱ش.
۹۹. حسینی، سید علیرضا، «مفهوم شناسی توثیق و تضعیف»، تا اجتهاد، پیش شماره ۵ و ۶، سال دوم، زمستان ۹۱ و بهار ۹۲ش.
۱۰۰. حمادی، عبدالرضا و سید علیرضا حسینی، «جایگاه نقد محتوایی در اعتبارسنجی احادیث شیعه»، پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۴۷، شماره ۱، سال ۱۳۹۳ش.
۱۰۱. حمادی، عبدالرضا، «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی»، حدیث پژوهی، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش.
۱۰۲. سرخه ای، احسان، «کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی»، علوم حدیث، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۸.

۱۰۳. _____، «کاربرد له روایات در فهرست شیخ طوسی و ارتباط آن با کتب نوادر»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۸۱ ش.

۱۰۴. شبیری، سید محمدجواد، «پژوهشی جدید در کتاب الکافی»، شناختنامه کلینی و الکافی، ج ۱، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۷ ش.

۱۰۵. _____، «مصادر الشیخ الطوسی فی کتابه تهذیب الأحکام»، نشریه علوم الحدیث، شماره ۶، ۱۴۲۰ ق.

۱۰۶. فرزند وحی، جمال و مینا یعقوبی، «اعتبارسنجی منابع کتاب الکافی»، سراج منیر، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۱ ش.

۱۰۷. قربانی، محمد، «اسناد پر تکرار نشانی از منابع مکتوب الکافی»، حدیث حوزه، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.

۱۰۸. کلبرگ، اتان، «امامیه تا اثنا عشریه»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۰۳.

۱۰۹. ملکی، محمود، «اجازات الشیخ بهاء الدین العاملی»، کتاب شیعه، شماره ۷ و ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.

وبگاه

dorous.ir ۱۱۰

نمايه آیات

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ، ٦٩	نساء/ ٨٣
وَمَنْ أَخْيَاَهَا فَكَأَنَّمَا أَخْيَا النَّاسَ جَمِيعًا، ٦٩	مائده/ ٣٢
أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقَكُمْ، ٥٢	نور/ ٦١
وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ، ٧	ذاریات/ ٥٦

نمایه اشخاص

ابن حریش رازی ← الحسن بن العباس بن حریش
الرازی

ابن حسكه قمی، ۱۱۴، ۲۱۴

ابن داود ← محمد بن احمد بن داود قمی

ابن سعید ← حسین بن سعید

ابن سماعه ← حسن بن محمد بن سماعه

ابن شاذان ← محمد بن علی بن شاذان قزوینی

ابن طاووس، ۴۱

ابن عائشه، ۲۸۲

ابن عبدالحمید ← ابو جعفر محمد بن عبدالحمید
عطار

ابن عبدون ← احمد بن عبدالواحد

ابن عقده ← احمد بن محمد بن سعید

ابن فضال ← حسن بن علی بن فضال

ابن فضال ← علی بن حسن بن علی بن فضال

ابن قولویه ← جعفر بن محمد ابوالقاسم

ابن متویه ← ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن

سعد اشعری قمی

ابن محبوب ← حسن بن محبوب

ابن مسکان، ۳۱

ابن نوح ← أبو العباس أحمد بن علی بن نوح

السیرافی

ابن همام ← محمد بن ابوبکر همام بن سهیل

اسکافی

أبان بن أبي عياش، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳

أبان بن عثمان، ۳۲

ابراهيم بن الحسين، ۱۵۴

إبراهيم بن عمر اليماني، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵

إبراهيم بن محمد الثقفي، ۳۱

إبراهيم بن مهزم، ۹۰

إبراهيم بن مهزيار، ۸۷، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸

ابراهيم بن هاشم، ۸۸، ۹۴، ۱۰۰، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۴۸، ۱۴۹

۱۴۷، ۳۲۶، ۳۲۰، ۳۱۵، ۳۱۱، ۲۸۳، ۲۷۷، ۲۱۹

ابن أبي جيد ← أبو الحسين علي بن أحمد أبي
جيد القمي

ابن أبي زاهر ← أحمد بن أبي زاهر

ابن أبي عمير، ۱۸، ۵۷، ۷۱، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۶۸، ۱۷۸

۳۳۱، ۲۲۳

ابن أبي هراسه ← أبو سليمان أحمد بن نصر بن

سعید الباهلی المعروف بابن أبي هراسه

ابن ادريس ← محمد بن منصور بن أحمد بن

ادريس حلی، ۴۱

ابن الجندی ← أحمد بن محمد بن موسى ابن

الجندی

ابن العزمی، ۱۶۴

ابن بابويه ← علی بن الحسين بن موسى بن بابويه

ابن بطله ← محمد بن جعفر بن مؤدب ابن بطله

ابن جمهور ← حسن بن محمد بن جمهور

ابن الوليد ← محمد بن الحسن بن الوليد

ابن شاذان ← محمد بن علي بن شاذان قزوینی

ابن شهر آشوب، ١٥١

ابن غضائری ← احمد بن حسين بن عبدالله

غضائری

ابن غضائری ← حسين بن عبدالله غضائری

أبو أحمد القاسم بن محمد الهمدانی، ١٤٢

أبو إسحاق إبراهيم بن إسحاق الأحمری ←

ابو اسحاق ابراهيم بن اسحاق احمری نهاوندی

أبو الجارود، ١٦٤

أبو الحسن العباس بن أحمد بن الفضل بن محمد

الهاشمی الصالحی، ١٩٥

أبو الحسن الموصلي، ١٦٥، ٧٢، ٧١

أبو الحسن بن داود ← محمد بن احمد بن داود

قمی

أبو الحسن علی بن حاتم ← علی بن ابی سهل

حاتم

ابو الحسن علی بن عبد الواحد خمري، ١٥١

أبو الحسن علی بن يحيى بن جعفر السلمی الحذاء،

٢٨١

أبو الحسن موسى ← موسى بن جعفر عليه السلام

أبو الحسن ← موسى بن جعفر عليه السلام/ علی

بن موسى عليه السلام

أبو الحسين بن الجندی ← أحمد بن محمد بن

موسی ابن الجندی

أبو الحسين علی بن احمد أبي جيد القمي، ١١٤،

١٣٦، ١٤٣، ١٥٢، ١٦٠، ١٧١، ١٩٦، ١٩٧، ٢١٤، ٢٣٠،

٢٣٩، ٢٤٢، ٢٤٦، ٢٤٩، ٢٥٣، ٢٥٦، ٢٨٦، ٣٠١،

٣٠٦، ٣٠٩، ٣١٤

ابو الحسين علی بن أحمد بن محمد بن طاهر

الأشعري القمي ← أبو الحسين علی بن احمد

أبی جيد القمی

أبو الصباح الكناني، ٣٠

أبو العباس أحمد بن علي بن نوح السیرافي، ١٨، ١٩،

١١٧، ١٥٤، ١٣٢، ١٣٦، ١٥١، ١٥٣، ١٥٤، ١٥٧، ١٦٩،

١٧٠، ١٧١، ١٨٥، ٢٠٧، ٢١٧، ٢٢٦، ٢٢٧، ٢٣٦،

٢٥٩، ٢٨١، ٢٩٢، ٢٩٣، ٣٠١

أبو العباس الرزاز ← ابو العباس محمد بن جعفر رزار

أبو القاسم علی بن حبشی بن قونی بن محمد

الکاتب، ٢٩٢، ٢٩٥

أبو القاسم علی بن شبل، ١٤٢، ١٤٣

أبو المفضل محمد بن عبدالله الشيباني، ١٥٧، ١٥٩،

١٦٠، ٢٠٢، ٢٠٤، ٢١٢، ٢٣٠، ٢٥١، ٢٦٧، ٢٩٢، ٢٩٣،

٣٠١، ٣٠٥

أبو جعفر بن بابويه ← شيخ صدوق

أبو جعفر محمد [بن جعفر] بن بطة القمي ←

محمد بن جعفر بن مؤيد ابن بطة

أبو جعفر محمد بن الحسن بن علی بن مهزيار، ٢٧٢،

٢٧٥

أبو جعفر محمد بن الحسين بن سفيان البزوفري،

٢٣٠، ٢٣١

أبو خديجة، ٩٠، ١٣٨

أبو سعيد الأدمي ← سهل بن زياد ابو سعيد آدمي

رازي

أبو سعيد غانم الهندي، ٣٢٨

أبو سليمان أحمد بن نصر بن سعيد الباهلي

المعروف بابن أبي هراسة، ١٤٣، ١٤٤

أبو طالب الأتباري، ١٩٢، ٢٩٤

أبو عبدالله الحسين بن عبيد الله ← حسين بن

عبيد الله غضائری

أبو عبدالله القزويني ← محمد بن علي بن شاذان

قزوینی

١٢٨، ١٢٩، ١٤٠، ١٨١، ١٨٢، ١٨٣، ١٨٦، ١٩٢، ١٩٥،
 ١٩٧، ٢٠٢، ٢٠٣، ٢١٤، ٢٣٥، ٢٣٦، ٢٩٠،
 ابوالحسن كوفي — محمد بن جعفر ابوعبدالله بن
 عون اسدي
 ابوالطيب المشني يعقوب بن ياسر، ٣٣٠
 ابوالعباس محمد بن جعفر زراري، ٢٥٨، ٢٢٩، ٢٥١،
 ٢٦٣، ٢٣٢
 ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعري، ١٩، ٦٣، ٨٧، ١١٠،
 ١١١، ١١٣، ١١٤، ١١٥، ١٤٠، ١٤٨، ١٥٢، ١٥٥، ١٦٠،
 ١٦٨، ١٦٩، ١٧١، ١٧٢، ١٧٣، ٢٠٢، ٢٣٨، ٢٥٣،
 ٢٦٣، ٢٧٣، ٢٧٤، ٢٧٦، ٢٧٧، ٢٨٦، ٣٠٦، ٣٢٤،
 ٣٢٥
 ابوبكر الحبال، ٣٣١
 ابوبكر محمد بن عمر بن محمد بن سالم جماعي،
 ٨٨، ١٠٦، ١٨١
 ابوثابت، ٢٢٤
 ابوجعفر محمد بن اورمه، ٨٧، ٢٤٧، ٢٤٩، ٢٨٣
 ابوجعفر محمد بن عبدالحميد عطار، ٨٦، ٢٥٠، ٢٥١،
 ٢٨٣،
 ابوذر، ٢٧٣
 ابوزكريا محمد بن سليمان حمزاني، ١١٤، ٢١٤
 ابوسعيد الأشج، ٣٣٠
 ابوطالب عبدالله بن صلت قمي، ٨٦، ٢١١، ٢١٢، ٢١٣،
 ٢٨٣، ٣٢٤
 ابوعبدالله احمد بن محمد كوفي عاصمي، ٨٣، ١٥٣،
 ١٥٤، ٢٨٣، ٢٤٤، ٢٨٧
 ابوعبدالله النسائي، ١٣٥
 ابوعبدالله رازي، ٣٣٠
 ابوعلی اشعري — احمد بن ادریس ابو علی اشعري
 قمي
 أبو عيسى عبيدالله بن الفضل بن محمد بن هلال

أبو عبدالله بن شاذان — محمد بن علي بن شاذان
 قزوینی
 أبو عبدالله محمد بن أحمد الصفواني، ٢٢٠
 أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان — شيخ
 مفيد
 أبو عبدالله — جعفر بن محمد عليه السلام
 أبو عبيدة الحذاء، ٣٢
 أبو علي أحمد بن الحسين بن إسحاق شعبة
 الحافظ، ٢٨١
 أبو علي الواسطي، ١٦٥
 أبو علي بن همام — محمد بن ابوبكر همام بن
 سهيل اسكافي
 ابو علي، احمد بن اسحاق اشعري، ١٥٠، ١٥١، ١٥٢،
 ١٥٣، ١٧٧، ٢٨٣، ٣١٩، ٣٢٣
 أبو غالب الزراري — احمد بن محمد بن محمد بن
 سليمان ابوغالب زراري
 أبو كرب، ٣٣٠
 أبو محمد الحسن بن أحمد بن القاسم العلوي
 المحمدي، ٢٢٠
 أبو محمد هارون بن موسى التلعكبري، ١١، ١٣٣،
 ١٤٣، ١٨٥، ٢١٩، ٢٦٢
 أبو منصور ظفر بن حمدون البادراني — أبو منصور
 ظفر بن حمدون بن شداد البادراني
 أبو نصر قنبر بن علي بن شاذان، ٢١٨
 ابواسحاق ابراهيم بن اسحاق احمری نهاوندی،
 ١٢٢، ١٢٣، ١٤٤، ١٤٥، ١٤٦، ١٤٧، ٢٨٣
 ابوالحسن علي بن بلال المهلبی، ٢٢١
 ابوالحسن علي بن محمد بن علي بن سعد اشعري
 قمی، ٢١٣، ٢١٥، ٢٨٣، ٣٢٤
 ابوالحسن علي بن محمد، علان كليني، ٤٥، ٥٨،
 ٨٣، ٨٤، ٨٨، ٩١، ٩٦، ٩٧، ١٠٠، ١٠١، ١٢٦، ١٢٧،

أحمد بن عبدالله بن أمية — أحمد بن عبدالله ابن

بنت البرقي

أحمد بن عبدالله بن مهران، ۲۸، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۹۶،

۱۰۰، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۵۷، ۳۳۰

أحمد بن عبدالله — أحمد بن عبدالله ابن بنت

البرقي

أحمد بن عبدالواحد، ۱۱۷، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۹،

۱۸۵، ۱۹۲، ۲۱۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۳، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۵،

۲۹۶

أحمد بن عبيدالله بن خاقان، ۸۰

أحمد بن علي السيرافي — أبو العباس أحمد بن

علي بن نوح السيرافي

أحمد بن علي بن إبراهيم، ۲۲۶

أحمد بن علي بن النعمان، ۲۴۹

أحمد بن عيسى العلوي، ۳۲۹

أحمد بن محمد السيارى، ۸۹، ۹۵، ۱۰۹

أحمد بن محمد الكوفي — أبو عبدالله أحمد بن

محمد كوفي عاصمي

أحمد بن محمد الهمداني — أحمد بن محمد بن

سعيد

أحمد بن محمد بن أبي نصر، ۳۱، ۷۱، ۷۲، ۱۶۵، ۱۶۸

أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد، ۱۷۱، ۱۷۲،

۲۲۳

أحمد بن محمد بن جعفر بن سفيان بن البيزوفري،

۱۰۴، ۲۹۳، ۳۰۷

أحمد بن محمد بن خالد — أحمد بن محمد بن

خالد برقي، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۶۰، ۶۲،

۶۶، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۸، ۷۹، ۹۳، ۱۲۱، ۱۵۵،

۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۱،

۱۸۹، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۳۶،

۲۵۱، ۲۷۸، ۲۸۳، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۹، ۳۳۴

الطائي البصري، ۲۴۹

أبو منصور ظفر بن حمدون بن شداد البادراني، ۱۴۲،

۱۴۳

أحسن سرخه‌ای، ۲۴

أحمد ابن أبي عبدالله — أحمد بن محمد بن خالد

برقي

أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع انصاري صيمري، ۱۱،

۱۸۵

أحمد بن أبي زاهر، ۳۰۲، ۳۰۳

أحمد بن أبي عبدالله البرقي — أحمد بن محمد بن

خالد برقي

أحمد بن إدريس أبو علي اشعري قمي، ۱۷، ۱۹، ۲۵،

۶۶، ۸۳، ۸۵، ۸۸، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۴۰،

۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۱۷،

۲۱۸، ۲۲۱، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۵۳، ۲۵۴،

۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۵، ۲۸۶، ۳۰۶،

۳۰۷، ۳۱۷، ۳۲۵، ۳۲۶

أحمد بن إسحاق بن سعد — أبو علي، أحمد بن

إسحاق اشعري

أحمد بن الحسين — أحمد بن حسين بن عبيدالله

غضائري

أحمد بن النضر، ۸۸، ۱۰۶

أحمد بن جعفر بن سفيان — أحمد بن محمد بن

جعفر بن سفيان بن البيزوفري

أحمد بن جعفر، ۲۱۷

أحمد بن حسين بن عبيدالله غضائري، ۱۴۱، ۱۵۱،

۱۷۸، ۱۸۱، ۱۹۳، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۲۶، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۷،

۲۶۶، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲،

أحمد بن حمدان القزويني، ۱۳۳

أحمد بن عائذ، ۹۰، ۱۳۸

أحمد بن عبدالله ابن بنت البرقي، ۱۵۹، ۱۶۱

۳۱۵، ۲۷۳، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۲۵

احمد بن محمد ← ابو علی احمد بن محمد بن

یحیی العطار القمی

احمد بن محمد ← ابو عبدالله احمد بن محمد

کوفی عاصمی

احمد بن محمد ← احمد بن محمد بن عیسی

اشعری

احمد بن محمد ← مشترک بین برقی و اشعری

احمد بن محمد ← احمد بن محمد بن خالد برقی

احمد بن مهران ← احمد بن عبدالله بن مهران

احمد بن هلال ابو جعفر عبرتانی، ۸۶، ۱۷۷، ۱۷۸،

۲۸۳، ۱۸۰، ۱۷۹

احمد بن هوده، ۱۴۴

احمد پاکتچی، ۲۱

احمد موسوی مددی، ۲۱، ۲۵، ۲۸۰

احمری ← ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق احمری

نهاوندی

اسحاق بن ابراهیم بن سلیمان بن وهب، ۱۱

اسحاق بن عمار، ۱۷۶

اسحاق بن محمد نخعی، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۲۸۳، ۳۳۴

اسماعیل بن مخلد السراج، ۲۲۸

اسماعیل بن مزار، ۲۳۴

اسماعیل بن مهران، ۲۰۰، ۲۳۴، ۲۸۶

اشعری ← احمد بن محمد بن عیسی اشعری

اشعری ← حسین بن محمد ابو عبدالله اشعری

أم الفضل، ۱۱۸

امام ابو محمد حسن عسکری علیه السلام، ۱۱۶، ۱۵۰، ۱۷۸،

۱۸۳، ۱۹۳، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۳۵، ۲۴۱، ۳۳۴

امام جواد علیه السلام، ۱۵۰، ۱۶۸، ۲۵۹، ۲۷۱، ۳۰۸

امام حسین علیه السلام، ۳۱۱

امام رضا علیه السلام ← علی بن موسی الرضا علیه السلام،

احمد بن محمد بن خالد ← احمد بن محمد بن

خالد برقی

احمد بن محمد بن سعید، ۲۵۶، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰،

۳۱۱

احمد بن محمد بن سلیمان الزراری ← احمد بن

محمد بن محمد بن سلیمان ابو غالب زراری

احمد بن محمد بن علی^۱، ۱۶۶

احمد بن محمد بن عمران، ۱۸۵

احمد بن محمد بن عیسی اشعری، ۱۹، ۳۱، ۳۲، ۳۴،

۵۴، ۵۷، ۶۳، ۶۶، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۸۳، ۸۶، ۹۰، ۱۰۶،

۱۰۹، ۱۵۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵،

۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۹۳، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۳،

۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۲۵، ۳۲۶

احمد بن محمد بن محمد بن سلیمان ابو غالب

زراری، ۱۱، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱،

۱۶۲، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۲۹، ۲۶۱،

۲۶۳، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۹۵، ۲۹۶

احمد بن محمد بن موسی ابن الجندی، ۱۷۹، ۱۷۸،

۱۸۵

احمد بن محمد بن یحیی العطار القمی، ۱۹، ۱۱۴،

۱۳۷، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۸، ۱۸۹، ۱۹۸، ۲۰۲،

۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۸،

۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۶۲، ۲۷۳، ۲۸۶، ۳۰۳،

۳۰۷، ۳۰۹

احمد بن محمد عاصمی کوفی ← ابو عبدالله احمد

بن محمد کوفی عاصمی

احمد بن محمد، ۱۰۶، ۱۶۹، ۲۱۴، ۲۵۴

احمد بن محمد، ۱۹، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۹۰، ۱۳۷، ۱۷۳،

۱. این نام تصحیف شده و صحیح آن احمد [بن محمد

بن خالد] عن محمد بن علی [الصیرفی] است.

- امام زمان علیه السلام ← امام عصر علیه السلام،
امام صادق علیه السلام ← جعفر بن محمد علیه السلام
امام عصر علیه السلام ۱۵۰، ۸۹، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۸۰، ۱۹۱، ۲۲۰، ۲۲۱،
۲۹۰، ۲۳۵، ۳۳۵
امام قائم علیه السلام ← امام عصر علیه السلام
امام کاظم علیه السلام ← موسی بن جعفر علیه السلام
امام هادی، ۱۵۰، ۱۶۸، ۲۴۸، ۲۷۱
أیوب بن صفوان، ۹۴
أیوب بن نوح، ۹۴، ۱۲۳
بحرانی ← محقق بحرانی
بخاری ← محمد بن اسماعیل بخاری
برقی ← احمد بن محمد بن خالد برقی
بزنتی ← احمد بن محمد بن أبی نصر
بکر بن صالح، ۲۷۰
پیامبر ← رسول الله
تلعکیری ← أبی محمد هارون بن موسی التلعکبری
ثامر هاشم عمیدی، ۲۵
جابر بن یزید الجعفی، ۲۸۱۱۶۴
جبرئیل، ۹۰
جراذینی، ۱۹۸
جرمی، علی بن الحسن طائی، طاطری، ۱۸۱، ۱۸۲
جعفر بن ابی طالب، ۲۶۹
جعفر بن عبدالله المحمدی، ۲۵۶
جعفر بن علی بن الحسن الکوفی، ۱۸۹
جعفر بن محمد ابوالقاسم معروف به ابن قولویه ←
جعفر بن محمد ابوالقاسم
جعفر بن محمد الصیقل، ۳۲۹
جعفر بن محمد بن مالک الفزاری الکوفی، ۹۰، ۹۷،
۱۸۲، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸
جعفر بن محمد بن مسرور، ۲۶۷
جعفر بن محمد علیه السلام ۱۸۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۹، ۸۱، ۹۰،
- ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۳۸، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۶، ۱۹۰، ۱۹۱،
۲۰۰، ۲۶۰، ۲۲۸
جمیل بن صالح، ۷۳
حر عاملی، ۲۳
حریر بن عبدالله سجستانی، ۱۷، ۲۲۵
حسن بن احمد بن قاسم، ۲۲۰
الحسن بن الحسن، ۸۷
الحسن بن العباس بن حریش الرازی، ۳۰۸، ۳۰۹،
۳۱۰، ۳۳۲
حسن بن الفضل بن زید الیمانی، ۳۳۰
حسن بن حسین، ۲۸
حسن بن حمزة بن علی بن عبدالله العلوی، ۱۸، ۱۱۷،
۱۲۰، ۱۳۲، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۸۹، ۲۰۴، ۲۲۰،
۲۳۱، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۷۰، ۳۰۱
حسن بن خفیف، ۳۲۹
حسن بن سعید، ۴۳
حسن بن علی (بن أبی حمزة) البطائنی، ۷۷، ۲۸۶،
۳۳۱
حسن بن علی العلوی، ۳۲۸
حسن بن علی الوشاء، ۹۰، ۱۳۸، ۲۰۳، ۲۶۸، ۲۶۹
الحسن بن علی بن ابراهیم، ۱۲۹
حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره کوفی، ۱۸۸، ۱۸۹،
۱۹۰، ۱۹۱، ۲۷۲، ۲۸۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۵
حسن بن علی بن فضال، ۹۰، ۱۵۵، ۲۸۹، ۳۳۵، ۱۷۶،
۳۳۱، ۲۸۸
الحسن بن علی بن مهزیار، ۲۷۴، ۲۷۵
الحسن بن علی بن یقطین، ۱۶۳، ۱۶۴
حسن بن علی کوفی ← حسن بن علی بن عبدالله
بن مغیره کوفی
حسن بن محبوب، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۵۷، ۷۰،
۷۶، ۷۷، ۸۷، ۹۸، ۱۵۵، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۷۳،

١٦٩، ١٧١، ١٨٥، ١٨٩، ٢١٤، ٢٣١، ٢٤٠، ٢١٩

٢٤٣، ٢٧٢، ٢٦٢، ٢٩٣، ٣٠٣، ٣٠٧

حسين بن علي عليه السلام ٩٠، ١٣٩، ١٤٣، ٣١١

الحسين بن علي العلوي، ٨٥، ٨٦، ٢٠٥، ٢٠٧

حسين بن علي بن سفيان، ١٥٣، ١٥٤، ٢٢٧، ٢٩٢

٢٩٣

حسين بن محمد ابوعبدالله اشعري، ٤٥، ٦٣، ٨٠

٨١، ٨٥، ٨٩، ٩٠، ١٠٧، ١٠٨، ١٠٩، ١٣٨، ١٤٠، ١٥٢

١٥٣، ١٨٦، ١٨٧، ٢٠٣، ٢١٤، ٢١٩، ٢٢٧، ٢٢٨

٢٦٧، ٢٦٨، ٢٦٩، ٣١٩، ٣٢٤، ٣٢٦

حسين بن محمد بن هدية ← حسين بن أحمد بن

موسى بن هدية

حسين بن محمد ← حسين بن محمد ابوعبدالله

اشعري

حسين مدرسي طباطبائي، ٢١

حضرت قائم ← امام عصر

حكمت بشير ياسين، ٢١

حلي ← عبيدالله بن علي حلي

حصاد بن عيسى، ١٧، ٥٧، ٢٢٣، ٢٢٥، ٣١٣، ٣١٤

٣١٥

حمدان ← محمد بن احمد، ابوجعفر قلاسي

معروف به حمدان

حمزة بن القاسم، ١١١، ١١٢

حمزة بن حرمان، ١٦٦

حمزة بن محمد العلوي، ٩١، ١١٨، ٢٠٠، ٢١٨

حمزه ← حمزة بن القاسم

حميد باقري، ٢٤

حميد بن زياد، ٢٦، ٢٥، ٢٩١، ٢٩٢، ٢٩٤، ٢٩٥، ٢٩٦

٣٠٥، ٣٠٤

حميري ← أبو العباس عبدالله بن جعفر الحميري

خصيبي، ٢٠٦

٢٠٠، ٢٧٨، ٣٢٨، ٣٣١

حسن بن محمد بن اسماعيل، ١٧٢

حسن بن محمد بن جمهور، ١٩٢، ١٩٣، ٢٨٣

حسن بن محمد بن سماعه، ٢٦، ٢٩١، ٢٩٤، ٢٩٥

٢٩٦

حسن بن موسى الخشاب، ٣٠٤، ٣٠٥

حسين بن أبان، ١٦٥

حسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المكتوب/

المؤذّب، ١٣٣، ٢٣٧

حسين بن إبراهيم، ١٣٤

حسين بن احمد بن عبدالله بن وهب مالكي اسدي،

٨٥، ٨٦، ١٧٩، ٣٣٠

حسين بن أحمد بن موسى بن هدية، ١١٢، ٢٢٩، ٢٤٩

٢٧٢

حسين بن إسحاق الناجر، ٢٧٤، ٢٧٦، ٢٧٨، ٢٧٩

حسين بن الحسن الحسني ← حسين بن الحسن

العلوي

حسين بن الحسن العلوي، ٦٤، ١٤٤، ١٤٥، ١٤٦، ٢٨٢

٣٣٠

حسين بن الحسن بن أبان، ٢٤٩

حسين بن الحسن بن يزيد، ٣٢٨

حسين بن حسن حسني اسود ← حسين بن الحسن

العلوي

حسين بن حسن، ٨٥، ١٠٦

حسين بن سعيد، ١٦، ١٩، ٣١، ٤٣، ١٦، ١٩، ٧٩، ٨٧

١٦٨، ١٧٥، ١٧٦، ٢٤١، ٢٤٨، ٢٥٥، ٢٧١، ٢٧٥

٢٧٩، ٢٧٨

حسين بن عبيدالله ← حسين بن عبيدالله غضائري

حسين بن عبيدالله الصغير، ١٠٥

حسين بن عبيدالله غضائري، ١١٢، ١٠٤، ١١٤

١٥٢، ١٤٣، ١١٧، ١٥٩، ١٣٦، ١٣٣، ١٤٣، ١٤٨، ١٥٨

- خلف بن حماد، ۷۹
 خویی، ۲۸، ۲۹
 داود بن کوره ابوسلیمان قمی، ۱۹، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲
 رأس الجالوت، ۷۱، ۱۶۵
 رسول الله ﷺ، ۲۰، ۳۲، ۴۲، ۹۰، ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۶۴
 رضا قربانی زرین، ۲۳، ۲۶، ۲۷
 زرارۀ، ۲۲۵
 ززاری ← احمد بن محمد بن محمد بن سلیمان
 ابوغالب ززاری
 زید شحام، ۲۲۶
 سرگین ← فؤاد سرگین
 سعد بن عبدالله بن ابی خلف ← ابوالقاسم سعد بن
 عبدالله اشعری
 سعدان بن مسلم، ۷۴، ۱۶۶
 سعدآبادی ← علی بن الحسین السعدآبادی
 الحسن القمی
 سعید بن سعد بن سلیمان، ۲۸۱
 السکونی، ۹۳، ۹۹، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱
 سلمان، ۲۷۴
 سلمۀ بن الخطاب، ۳۰۶، ۳۰۷
 سلیم بن قیس، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۳۲
 سلیمان مولیٰ طربال، ۲۰۶
 سمعانی، ۲۸۰
 سهل بن جمهور، ۸۶، ۲۰۵، ۲۰۷
 سهل بن زیاد ابوسعید آدمی رازی، ۳۲، ۳۴، ۶۳،
 ۷۳، ۷۶، ۹۱، ۹۸، ۱۰۱، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۸۳،
 ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۸۳، ۳۰۸،
 ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۲۴، ۳۳۴
 سهل بن عبدالله تستری، ۲۸۲
 سیابۀ، ۱۶۶
 سیاری ← احمد بن محمد السیاری
- سید رضی، ۱۲
 شاخت ← یوزف شاخت
 شبیری زنجانی، سید موسیٰ، ۲۲۶
 شبیری، سید محمد جواد، ۲۲، ۲۵، ۵۳، ۷۴
 شمس الدین آملی، ۱۲
 شوشتری، ۱۶۱
 شوئلر، ۲۱
 شیخ الطائفه ← شیخ طوسی
 شیخ بهایی، ۲۳
 شیخ صدوق، ۴۲، ۷۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۶۱،
 ۱۶۲، ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۰،
 ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۵۳،
 ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۶،
 ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۳۴
 شیخ طوسی، بیشتر صفحات
 شیخ مفید، ۱۲، ۲۸، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸،
 ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۸۵،
 ۱۸۹، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۱،
 ۲۶۲، ۲۷۳، ۲۶۷، ۲۷۲، ۳۱۲، ۳۱۵
 صاحب بن عباد، ۲۰۴
 صالح بن ابی حماد رازی، ۶۴، ۶۵، ۱۳۰، ۲۰۱، ۲۰۲،
 ۲۰۳، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۳
 صالح بن السندی، ۲۹۷، ۲۹۸
 صالح بن عقبه، ۲۴۰
 صدوق ← شیخ صدوق
 صفوان بن یحیی، ۲۲۳
 ضریس، ۱۶۶
 عاصمی احمد بن محمد ← ابو عبدالله احمد بن
 محمد کوفی عاصمی
 عباد بن صهیب البصری، ۳۲۹
 عباس بن احمد ← أبو الحسن العباس بن احمد بن

الفضل بن محمد الهاشمي الصالحى

عباس بن معروف، ٢٧٣، ٢٧٥، ٣٠٠، ٣٠١

عباس بن موسى الوراق، ٧١

عبد الرحمن بن كثير هاشمى، ١٩٠، ٣٣٥

عبد الجبار بن شيران، ٢٨١

عبد الرحمان بن حجاج، ٢٢٣

عبد الرزاق، ٢١، ٦٢

عبد الرضا حمادى، ٢٤

عبد العزيز بن مسلم، ٣٢٩

عبد العظيم بن عبد الله الحسنى، ٨٢، ٨٤، ٨٧، ٢٠٤

٢٠٥، ٢٠٦، ٢٠٧، ٢٠٨، ٢٨٣

عبد الله البرزاز، ٣٢٨

عبد الله بن إبراهيم بن محمد الجعفرى، ٨٢، ٨٣، ١٠٠

٢٦٩، ٢٧٠، ٢٨٣

عبد الله بن الحسن العلوى، ٣٢٩

عبد الله بن الحكم الأرمنى، ٨٢، ٨٣، ١٠٠، ٢٧٠

عبد الله بن العلاء المذارى، ١٧٨

عبد الله بن الفضل بن هلال، ٢٢٩

عبد الله بن المغيرة، ٣١، ١٧٦

عبد الله بن بكير، ٨٩

عبد الله بن جعفر الحميرى، ١٩، ٨٧، ١٤٨، ١٦١، ١٧٣

١٧٨، ٢٠٨، ٢٠٩، ٢١٠، ٢١٢، ٢٧٣، ٢٧٦، ٢٧٧، ٢٨٣

عبد الله بن سنان، ٧٦، ٧٧، ٣٣١

عبيد الله بن موسى الرويانى أبو تراب، ٢٠٤

عبيد بن زرارة، ٨٩

عبيد الله بن أبى زيد بن يعقوب، ١٩٢، ٢٩٢

عبيد الله بن على حلبى، ١٦، ٢٢، ٢٦

عثمان بن عيسى، ١٥٥، ١٨٠، ٣١٣

القطار ← محمد بن يحيى أبو جعفر قطار قمى

علان كلينى ← أبو الحسن على بن محمد، علان

كلينى

على بن إبراهيم الهاشمى، ٣٣٠

على بن إبراهيم بن هاشم قمى، ١٨، ١٩، ٣١، ٣٢، ٣٤

٤٥، ٥٧، ٦٥، ٦٦، ٧١، ٧٩، ٨١، ٨٥، ٨٨، ٩٣

٩٤، ٩٦، ٩٩، ١٠٥، ١١٦، ١١٧، ١١٩، ١٢٠، ١٢١، ١٢٣

١٢٤، ١٢٩، ١٣٦، ١٤٠، ١٤٧، ١٤٨، ١٤٩، ١٥٥، ١٦١

١٦٢، ١٦٣، ١٦٩، ١٧٠، ١٧٣، ١٧٥، ٢١٨، ٢١٩، ٢٢٠

٢٢٥، ٢٢٦، ٢٣٩، ٢٥٧، ٢٦٤، ٢٦٥، ٢٧٠، ٢٧٧

٢٧٩، ٢٨٥، ٢٩٧، ٢٩٨، ٢٩٩، ٣٠٠، ٣٠١، ٣١١

٣١٥، ٣٢٠، ٣٢٣، ٣٢٦، ٣٣٠، ٣٣٥

على بن أبى سهل حاتم، ١٤٢، ٢٩٣، ٢٩٤، ٢٩٥

على بن أبى طالب امير المؤمنين عليه السلام، ٧١، ٧٢، ١٢١

١٢٣، ١٢٤، ٢٨٢، ٣١١

على بن أحمد بن قتيبة النيشابورى ← على بن

محمد بن قتيبة النيسابورى

على بن أحمد بن موسى دقاق، ١٣٣، ١٣٤، ٢٠٥

٢٣٦

على بن أحمد ← أبو الحسين على بن أحمد أبى

جيد القمى

على بن أسباط، ١٦٦، ٢٠٦

على بن إسماعيل، ٩٠، ١٣٩

على بن الحسن بن على الكوفى ← حسن بن على

بن عبد الله بن مغيرة كوفى

على بن الحسن بن فضال ← على بن حسن بن

على بن فضال

على بن الحسين عليه السلام، ١٦٦، ٣١١

على بن الحسين الدقاق، ٨٨، ١٣٧

على بن الحسين السعدآبادى أبو الحسن القمى،

١٥٨، ١٥٥، ١٥٨، ١٥٩، ١٦٠، ١٦١، ٢٠٥، ٢٠٦

على بن الحسين السعدآبادى ← على بن الحسين

السعدآبادى أبو الحسن القمى

- على بن الحسين بن موسى بن بابويه، ١١٤، ١١٨، ١٦٠،
 ١٧٣، ١٧٩، ١٨٩، ٢٦٧
 على بن الحكم، ٣٠، ٥٧، ٣٢٩
 على بن العباس، ١٣٠، ٣٢٨
 على بن الفضل، ٢٠٤
 على بن بلال ← أبو الحسن على بن بلال المهلبى،
 ٢٢١
 على بن حاتم ← على بن ابي سهل حاتم
 على بن حبشى ← ابي القاسم على بن حبشى بن
 قزنى بن محمد الكاتب
 على بن حسان، ٩٢، ١٩٠، ١٩١
 على بن حسن بن على بن فضال، ٨٢، ٢٨٧، ٢٨٨،
 ٢٨٩، ٢٩٠، ٢٩٦
 على بن حسين سعد آبادى ← على بن الحسين
 السعدآبادى أبو الحسن القمى
 على بن رثاب، ٣٢
 على بن عبدالله بن الصلت، ٢١٢
 على بن عبدالله بن جهضم، ٢٨١
 على بن محمد القلاتسى، ١١٢
 على بن محمد بن ابي القاسم عبدالله بن عمران
 برقى، ٦٤، ٦٦، ١٣١، ١٤٥، ١٤٦، ١٦٢
 على بن محمد بن الزبير، ٢٨٨، ٢٩٠، ٢٩٦
 على بن محمد بن بندار ← على بن محمد بن ابي
 القاسم عبدالله بن عمران برقى
 على بن محمد بن سعد ← أبو الحسن على بن
 محمد بن على بن سعد اشعري قمى
 على بن محمد بن عبدالله بن أذينة، ٦٤، ٩٥، ١٤٠،
 ١٤٤، ١٤٥، ١٤٦، ١٦١، ٣٢٤
 على بن محمد بن عبدالله ← على بن محمد بن
 ابي القاسم عبدالله بن عمران برقى
 على بن محمد بن عبدالله ← على بن محمد بن
- عبدالله بن أذينة
 على بن محمد بن قتيبة النيسابورى، ٢١٧، ٢١٨،
 ٢١٩، ٢٢١
 على بن محمد بن قولويه، ١١٢
 على بن محمد علان ← أبو الحسن على بن محمد،
 علان كلينى
 على بن محمد قاسانى، ٢٩٩
 على بن محمد ← أبو الحسن على بن محمد بن
 على بن سعد اشعري قمى
 على بن محمد ← أبو الحسن على بن محمد، علان
 كلينى
 على بن موسى بن بابويه ← على بن الحسين بن
 موسى بن بابويه
 على بن موسى بن جعفر كميدانى، ١٩، ٨٥، ١٦٩،
 ١٧٠، ١٧٢، ١٧٦
 على بن موسى الرضا، ١٦٨، ٢٧١، ٢٩٣، ٢٨٩، ٢٩٠
 على بن مهزيار، ١٦، ١٧، ٨٧، ٢٧١، ٢٧٢، ٢٧٣، ٢٧٤،
 ٢٧٥، ٢٧٦، ٢٧٨، ٢٨٣، ٣٢٥
 على شاه حسيني، ٢٤
 على بن ابي طالب امير المؤمنين
 عليرضا حسيني، ٢٤
 عمادى حائرى، ٢٥
 عمر بن أذينة، ٣١٣، ٣١٤، ٣١٥
 عمران بن موسى الأشعري، ٣٠٥
 عمرو بن عثمان، ٣١
 عياشى، ١٨١
 عيسى بن أيوب، ٢٧٦، ٢٧٩
 غلابى ← محمد بن زكريا بن دينار غلابى
 فاطمه $\frac{٥}{١٠}$ ، ٩٠، ١٣٩
 فضالة بن أيوب، ٣١، ٢٧٩

محمد بن احمد بن علی بن الصلت، ۸۵، ۸۶، ۲۱۲.

۲۱۳، ۲۲۲، ۲۳۳

محمد بن أحمد بن یحیی، ۹۷، ۱۹۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰.

۲۳۱، ۲۶۰، ۲۸۳، ۳۲۶

محمد بن احمد، ابوجعفر قلانسی حمدان، ۲۳۴.

۲۳۵، ۲۸۳، ۳۲۰

محمد بن اسحاق خفاف، ۸۵، ۹۵، ۱۲۲

محمد بن اسماعیل بخاری، ۶۳

محمد بن اسماعیل برمکی، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۸۳.

۳۲۴

محمد بن اسماعیل بن بزیع، ۲۳۹، ۲۸۳

محمد بن اسماعیل نیشابوری بندقی، ۸۰، ۸۵، ۸۶.

۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵

محمد بن الحسن بن الولید، ۴۲، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۴۳.

۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۰، ۱۷۳، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۹.

۲۱۴، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۵۳.

۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۷، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۸۶، ۲۹۹.

۳۰۹، ۳۱۳، ۳۰۹

محمد بن الحسن بن فروخ، صفار، ۹۲، ۱۴۳، ۱۷۱.

۱۷۳، ۲۲۶، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۶۳، ۲۷۳.

۲۷۴، ۲۸۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۹

محمد بن الحسن بن محمد بن عبدالله، ۳۲۸، ۳۳۰.

محمد بن الحسن بن ابی الخطاب، ۵۷، ۸۰، ۸۹.

۹۸، ۱۲۲، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷.

۲۸۳، ۳۲۲

محمد بن الولید، ۲۳۴

محمد بن أرمرة — ابوجعفر محمد بن أرمرة

۱۰۰، ۱۰۱، ۲۵۶

محمد بن جعفر بن بطه — محمد بن جعفر بن

مؤدب ابن بطه

فضل بن شاذان بن خلیل نیشابوری ۱۶، ۸۰، ۸۶.

۲۰۱، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵

۲۵۹، ۲۸۳

فضیل بن یسار، ۷۳

فؤاد سرگین، ۲۱، ۶۲

فیض کاشانی، ۲۳

قاسم بن اسماعیل الأنباری، ۸۹

قاسم بن الربیع الصحاف، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۸۳

القاسم بن الربیع بن بنت زید الشحام، ۲۲۷

قاسم بن العلاء، ۳۲۹

قزوینی — محمد بن علی بن شاذان قزوینی

کراجکی، ۱۲

کلینی، محمد بن یعقوب، بیشتر صفحات

لوط بن یحیی، ۲۸۱

المأمون، ۱۱۸

محدث نوری، ۲۰، ۲۳۷

محقق بحرانی، ۲۰، ۲۳

محمد بن هوذة — احمد بن هوذة

محمد بن إبراهيم بن إسحاق الطالقانی، ۲۸۹، ۲۹۰

محمد بن ابوبکر همام بن سهیل اسکافی، ۱۷۸.

۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۶۲

محمد بن أبی القاسم ماجیلویه، ۲۵۶، ۳۱۳، ۳۱۴

محمد بن أحمد السنانی، ۱۳۳، ۲۳۶

محمد بن احمد النهدي، ۲۳۵، ۳۲۶

محمد بن أحمد بن الجنید أبی علی، ۱۵۴

محمد بن أحمد بن ثابت، ۲۹۵

محمد بن احمد بن داود قمی، ۱۱، ۱۹، ۱۳۲، ۱۳۳.

۱۶۹، ۱۷۰

محمد بن احمد بن داود — محمد بن احمد بن

داود قمی

- محمد بن عقیل کلینی، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸،
 محمد بن علی بن ابراهیم، ۱۲۹
 محمد بن علی بن ابوالقاسم ← محمد بن علی
 ماجیلویه
 محمد بن علی بن الحسین (ابن بابویه) ← شیخ
 صدوق
 محمد بن علی بن شاذان قزوینی، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۵۲،
 ۱۶۹، ۱۷۸، ۲۲۶، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۵۱، ۲۶۲،
 ۲۷۳، ۲۹۵، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۰۹
 محمد بن علی بن محبوب، ۱۸۹
 محمد بن علی صیرفی ابوسمینه، ۸۲، ۸۳، ۸۶،
 ۱۵۵، ۹۶، ۱۰۰، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۶، ۲۸۳، ۲۸۶،
 ۳۱۳، ۳۱۴
 محمد بن علی ماجیلویه، ۱۱۸، ۲۵۷
 محمد بن عماره، ۳۱
 محمد بن عمران بن الحجاج السبعی، ۱۰۹
 محمد بن عمرو الزیات، ۹۰، ۱۳۹
 محمد بن عیسی اشعری، ۵۴
 محمد بن عیسی القطان المدائنی، ۳۳۱
 محمد بن عیسی بن عبید یقطینی، ۵۶، ۶۵، ۹۹،
 ۱۲۰، ۲۳۴، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵،
 ۲۸۳، ۳۲۳
 محمد بن قولویه، ۱۱۰، ۱۱۲
 محمد بن محمد العامری، ۳۲۸
 محمد بن محمد بن ابی رافع عصام کلینی، ۱۱
 محمد بن محمد بن نعمان، ابن المعلم ← شیخ
 مفید
 محمد بن محمد، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۴۷، ۱۸۹، ۱۹۵،
 ۱۹۶، ۲۶۷، ۲۷۲
 محمد بن محمود ابوعبدالله القزوینی، ۳۲۹
 محمد بن مروان، ۳۲
- محمد بن جعفر بن عون ابوعبدالله اسدی کوفی، ۶۴،
 ۶۵، ۸۶، ۹۷، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۸۱، ۱۸۳،
 ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۵۱، ۲۸۸،
 ۳۱۰، ۳۲۴
 محمد بن جعفر بن مؤدب ابن بطه، ۱۵۷، ۱۵۸،
 ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۹، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۲۱،
 ۲۳۰، ۲۵۱، ۲۶۷، ۳۰۱، ۳۰۵، ۲۹۸، ۳۰۹
 محمد بن جعفر رزازی ← ابوالعباس محمد بن جعفر
 رزازی
 محمد بن جمهور العمی، ۲۶۷، ۲۶۸
 محمد بن جمهور ← محمد بن جمهور العمی
 محمد بن حسان، ۸۲، ۸۳، ۱۰۰، ۲۷۰، ۲۸۵، ۲۸۶
 محمد بن حسن بن علی بن مهزیار ← أبو جعفر
 محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار
 محمد بن حسن طائی رازی، ۶۴، ۶۵، ۸۵، ۸۶، ۹۱،
 ۱۰۰، ۱۲۸، ۱۴۸، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۳۱۰، ۳۲۹
 محمد بن خالد برقی، ۳۱، ۵۷، ۳۲۹
 محمد بن زکریا بن دینار غلابی، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳
 محمد بن سالم الجعابی ← ابوبکر محمد بن عمر
 بن محمد بن سالم جعابی
 محمد بن سلیمان جد ابوغالب زراری، ۱۷۹
 محمد بن سلیمان حمرائی ← ابوزکریا محمد بن
 سلیمان حمرائی
 محمد بن سنان، ۷۲، ۱۶۴، ۱۶۸، ۳۲۸
 محمد بن صندل، ۸۸، ۱۳۷
 محمد بن عبد الله (بن جعفر)، ۲۱۰
 محمد بن عبد الجبار، ابن ابی صُهبان، ۱۷، ۶۶، ۸۹،
 ۱۰۶، ۱۳۸، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۸۳، ۳۱۷
 محمد بن عبد الحمید ← ابوجعفر محمد بن
 عبد الحمید عطار
 محمد بن عبدالله مسمعی، ۱۱۳

معلّى بن محمد بصري، ٩٠، ١٠٩، ١٣٨، ٢٠٣، ٢٦٦،

٢٦٧، ٢٦٨، ٢٨٣، ٣١٩

مفضل بن عمر، ١٩٠، ٣٢٨

موتسكى، ٢١، ٦٢

موسى بن ابراهيم محاربي، ٨٥، ١٢٢

موسى بن جعفر عليه السلام، ٩٧، ١٦٦، ١٨٨، ١٩١، ٢٠٠

موسى بن زنجويه، ٨٢، ٨٣، ١٠٠، ٢٧٠

موسى بن المتوكل ← محمد بن موسى بن المتوكل

موسى بن بكر، ١٦٦

نجاشى، بیشتر صفحات

نضر بن سويد، ٧٩

نعمانى، ١٢، ٢٥، ٩٣

التوفلى، ٩٣، ٩٩، ١١٩، ١٢٠، ١٢١

وحيد بهياني، ٢٠، ٢٣

الوشاء ← حسن بن على الوشاء

هارون بن مسلم، ٩١، ١٢٣، ١٢٤

هارون بن موسى تلعبكبرى ← أبى محمد هارون بن

موسى التلعبكبرى

هشام بن سالم الجوالقى، ٧٩، ٢٠٦

ياسر، ٨٨

يحيى بن المبارك، ٢٠٠

يحيى بن المثنى، ٨٩

اليسع بن حمزة، ٨٨، ١٣٧

يعقوب بن شعيب، ٧٢

يعقوب بن يزيد، ١٦٤

ينيل، ٢٠

يوزف شاخ، ٢٠، ٤٦، ٦٢

يوسف بن عمر، ١٥٥

يونس بن عبد الرحمن، ٣٢، ٣٣، ٩٩، ١٤٧، ٢٣٤،

٢٥٩، ٢٦٠، ٢٦٥

محمد بن موسى الهمداني، ١١٣

محمد بن موسى بن المتوكل، ٧٢، ١٤٨، ١٦٠، ٢٠٥،

٢٠٦، ٢١٠، ٢٧٣

محمد بن همام ← محمد بن ابوبكر همام بن

سهيل اسكافى

محمد بن يحيى ابوجعفر عطار قمى، ١٩، ٣١، ٤٥،

٥٧، ٥٨، ٥٩، ٦٠، ٦١، ٧٥، ٨٠، ٨٣، ٨٨، ٩٠،

٩٤، ٩٧، ١٠٥، ١٠٩، ١١٤، ١١٦، ١٣١، ١٣٥، ١٣٦،

١٣٧، ١٣٨، ١٤٠، ١٥٢، ١٥٣، ١٦٨، ١٦٩، ١٧٠، ١٧١،

١٧٢، ١٧٣، ١٧٥، ١٨٦، ١٨٧، ١٨٩، ١٩٠، ١٩١، ١٩٦،

٢١٠، ٢١٤، ٢١٩، ٢٣٠، ٢٣١، ٢٣٢، ٢٣٧، ٢٣٩،

٢٤٠، ٢٤١، ٢٤٤، ٢٤٥، ٢٥٣، ٢٥٤، ٢٧٣، ٢٧٤،

٢٧٦، ٢٨٦، ٢٧٨، ٢٧٩، ٣٠٢، ٣٠٣، ٣٠٦، ٣٠٧،

٣١٠، ٣١١، ٣١٥، ٣١٩، ٣٢٢، ٣٢٤، ٣٢٥، ٣٢٦،

٣٣١

محمد بن يحيى الفارسى، ٨٥

محمد بن يحيى ← محمد بن يحيى ابوجعفر عطار

قمى

محمد بن يحيى العطار ← محمد بن يحيى

ابوجعفر عطار قمى

محمد قربانى، ٢٣، ٢٦

محمد تقى مجلسى، ٢٣، ١٩٤

محمد رضا جديدى نژاد، ٢٢

محمد كاظم رحمان ستايش، ١٠

محمد مهدي احسانى فر، ٢٤

مختار بن محمد، ٨٥، ١٢٢

مسعدة بن صدقه، ٩١، ١٢٣، ١٢٤

معاوية بن حكيم، ٢٣٨

معاوية بن عمار، ٢٢٣

معاوية بن وهب، ٣٠

نمایه کتاب‌های مفقود

اثبات الرجعه، ۲۱۶	الإمامه (سعد بن عبدالله)، ۱۱۱
إثبات إمامة عبدالله، ۲۸۸	الإمامه (عبدالله بن جعفر حمیری)، ۲۰۸
الأجود، ۲۸۱	الإمامه (فضل بن شاذان)، ۲۱۶
أحادیث الشمس والقمر، ۳۰۲	الإمامه (محمد بن احمد بن یحیی)، ۹۷، ۲۳۳، ۲۲۹
احتجاج الشيعة على زيد بن ثابت، ۱۱۱	الإمامه (محمد بن الحسين بن ابی الخطاب)، ۲۴۶
أخبار الأئمة و موالیدهم، ۹۰، ۹۷، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸	الإمامه (محمد بن عیسی)، ۲۶۱
أخبار السيد، ۱۸۱، ۱۸۲، ۳۳۴	الإمامه (معلی بن محمد)، ۲۶۶
أخبار القسام، ۵۸، ۸۸، ۹۱، ۹۶، ۱۰۱، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸	الأمل و الرجاء، ۲۶۲
۲۹۰، ۲۳۵، ۱۳۰، ۱۲۹	الأنبیاء (علی بن ابراهیم)، ۱۱۷
أخبار بنی اسرائیل، ۲۸۸	الأنبیاء (علی بن حسن بن علی بن فضال)، ۲۸۸
أخبار زید، ۲۸۱	الأنبیاء (علی بن مهزیار)، ۲۷۱، ۲۷۲
أخبار فاطمة و منشؤها و مولدها، ۲۸۱	أهل الاستطاعة، ۹۱
إختیار القرائات و روایاته، ۱۱۷	الأیمان و النذور و الکفارات، ۲۴۱
الأربع مسائل فی الإمامة، ۲۱۶	الأیمان و النذور، ۲۴۸
الأرواح، ۲۰۸	الإیمان و درجاته و زیادته و نقصانه، ۲۶۶
الاستطاعة (سعد بن عبدالله)، ۱۱۱	الإیمان، ۲۱۶
الاستطاعة (فضل بن شاذان)، ۲۱۶	الأدب (محمد بن علی ابوسمینه)، ۲۵۵
أسماء آلات رسول الله و أسماء سلاحه، ۲۸۸	الأدب (عباس بن معروف)، ۳۰۰
الأشربة، ۲۴۱، ۲۴۸	البداء، ۳۰۲
أصفیاء امیر المؤمنین، ۲۸۸	البشارات (حسن بن محمد بن سماعة)، ۲۹۵
الأظله، ۱۶۸	البشارات (علی بن حسن بن علی بن فضال)، ۲۸۸
الأعراض، ۲۱۶	البشارات (علی بن مهزیار)، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳
افتتاح الصلاة، ۳۰۶	بصائر الدرجات (سعد بن عبدالله)، ۱۱۰، ۱۱۱
الإمامة کبیر، ۲۱۶	بصائر الدرجات (صفار)، ۲۴۴

- بعد الإسناد، ٢٤١
 البيع، ٢٩٥
 التأديب، ٢٩٩
 تبيان أصل الضلالة، ٢١٤
 التجارات و الأجارات، ٢٧٢، ٢٤٨
 التجارات، ٢٤١
 التجميل و المروءة، ٢٧٢، ٢٤٨
 التجميل، ٢٤١، ٢٤٣
 التفسير (على بن مهزيار)، ٢٧٩، ٢٧٢
 التفسير (محمد بن علي ابوسمينه)، ٢٥٥
 التفسير (علي بن ابراهيم)، ٢٨، ٩٢، ١١٦، ١٢١، ١٢٣، ١٢٤
 التفسير (علي بن حسن بن علي بن فضال)، ٢٨٨
 التفسير (معلي بن محمد)، ٢٤٦
 تفسير الباطن، ٢٤٨
 تفسير القرآن، ٢٤٨، ٢٤٢
 تفسير عم يتساءلون، ٢٥٦
 تفسير يس، ٣٠٦
 التفسير (عبدالله بن صلت)، ٢١١
 التقيه (صفار)، ٢٤١
 التقيه (علي بن مهزيار)، ٢٧٢
 التقيه (محمد بن اورمه)، ٢٤٨
 التنبيه في الجبر و التشبيه — التنبيه من الحيرة و التيه
 التنبيه من الحيرة و التيه، ٢١٧
 التنزيل من القرآن و التحريف، ٢٨٨
 التوحيد (احمد بن محمد بن عيسى)، ١٦٨
 التوحيد (سهل بن زياد)، ١٩٣، ١٩٥، ٢٠٠، ٣٣٤
 التوحيد (علي بن ابراهيم)، ٩١، ١١٧
 التوحيد (محمد بن اسماعيل برمكي)، ٢٣٨
 التوحيد (محمد بن الحسين بن ابي الخطاب)، ٩٨، ٢٤٦، ٢٤٧
 التوحيد في كتب الله، ٢١٦
 التوحيد من كتب الله المنزلة الأربعة و هو كتاب الرد على يزيد بن بزيغ الخارجي، ٢١٦
 التوحيد و البداء و الإزاده و الاستطاعة و المعرفه، ٢٠٨
 التوحيد و الشرك، ١١٧
 التوقيعات، ٢٤١
 الثلاث و الأربع، ٢٩٢
 ثواب الأعمال (سلمة بن الخطاب)، ٣٠٦
 ثواب الأعمال (محمد بن حسان)، ٢٨٦
 ثواب الأعمال (محمد بن عيسى)، ٢٤١
 ثواب الحج، ٢٣٨، ٢٤٠
 ثواب القرآن، ٢٨٦
 ثواب إنّا أنزلناه، ٢٨٦
 الجامع في الفقه، ٢٩٩
 الجامع في أنواع الشرائع، ٢٩٢
 الجبر و الاستطاعة، ٩١، ١٣٢
 الجبر و التفويض، ٣٠٢
 الجبل، ٢٨١
 جمع فيه مسائل متفرقة للشافعي و أبي ثورو الإصفهاني و غيرهم سماها تلميذه علي بن محمد بن قتيبة كتاب الديباج، ٢١٧
 الجمعة و العيدين، ٣٠٢
 الجمل الكبير، ٢٨٠
 الجمل المختصر، ٢٨١
 الجنائز (ابراهيم بن اسحاق)، ١٤٢
 الجنائز (حسن بن محمد بن سماعه)، ٢٩٥
 الجنائز (صفار)، ٢٤١
 الجنائز (علي بن حسن بن علي بن فضال)، ٢٨٨

- الجنائز (محمد بن اورمه)، ۲۴۸
 الجنة و النار (عبدالله بن جعفر حمیری)، ۲۰۸
 الجنة و النار (علی بن حسن بن علی بن فضال)، ۲۸۸
 جوامع الحج، ۱۱۱
 جواهر الاسرار، ۱۴۲
 الجواهر، ۳۰۶، ۲۱۶
 الجهاد، ۲۴۱
 الحج (احمد بن محمد بن عیسی)، ۱۶۸
 الحج (حسن بن محمد بن سماعه)، ۲۹۵
 الحج (سلمة بن الخطاب)، ۳۰۶
 الحج (صفار)، ۲۴۱، ۲۴۰
 الحج (علی بن حسن بن علی بن فضال)، ۲۸۸
 الحج (علی بن مهزیار)، ۲۷۲
 الحج (محمد بن اورمه)، ۲۴۸
 الحج، (محمد بن اسماعیل بن یزید)، ۲۳۸، ۲۴۰
 الحجة، ۱۷۶
 الحدود (حسن بن محمد بن سماعه)، ۲۹۵
 الحدود (صفار)، ۲۴۱
 الحدود (علی بن مهزیار)، ۲۷۲
 الحدود (محمد بن اورمه)، ۲۴۸
 الحديثین المختلفین، ۲۰۸
 حذو النعل بالنعل، ۲۱۶
 حروف القرآن، ۲۷۲
 الحروف، ۲۷۱، ۲۷۲
 حقوق المؤمن و فضله، ۲۴۸
 الحيض (حسن بن محمد بن سماعه)، ۲۹۵
 الحيض (سلمة بن الخطاب)، ۳۰۶
 الحيض (علی بن ابراهیم)، ۱۱۷
 الحيض (علی بن حسن بن علی بن فضال)، ۲۸۸
 الحيض و النفاس، ۲۸۸
 خروج صاحب فح و مقتله، ۲۷۰
 خروج محمد بن عبدالله و مقتله، ۲۷۰
 الخصال فی الإمامة، ۲۱۶
 خطب امیرالمؤمنین (صالح بن ابی حماد)، ۲۰۲
 خطب امیرالمؤمنین (عبدالعظیم حسنی)، ۲۰۴
 خطب امیرالمؤمنین (علی بن ابراهیم)، ۱۲۵
 الخمس (حمید بن زیاد)، ۲۹۲
 الخمس (صفار)، ۲۴۱
 الخمس (علی بن حسن بن علی بن فضال)، ۲۸۸
 الخمس (علی بن مهزیار)، ۲۷۲
 الخمس (محمد بن اورمه)، ۲۴۸
 الدعاء (حمید بن زیاد)، ۲۹۲
 الدعاء (صفار)، ۲۴۱
 الدعاء (علی بن حسن بن علی بن فضال)، ۲۸۸
 الدعاء (علی بن مهزیار)، ۲۷۲
 الدعاء (محمد بن اورمه)، ۲۴۸
 الدلائل (حسن بن محمد بن سماعه)، ۲۹۵
 الدلائل (حمید بن زیاد)، ۲۹۲
 الدلائل (عبدالله بن جعفر حمیری)، ۲۰۸، ۲۵۵
 الدلائل (علی بن حسن بن علی بن فضال)، ۲۸۷
 دلائل الانمه، ۹۶، ۲۵۸
 الدلائل (محمد بن علی ابوسمینه)، ۹۶، ۱۰۰، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۵۸
 الدواجن، ۱۴۲
 الديات (حسن بن محمد بن سماعه)، ۲۹۵
 الديات (صفار)، ۲۴۱
 الديات (علی بن مهزیار)، ۲۷۲
 ذم من خالف الحق و أهله، ۲۹۲
 الرجال، ۲۸۸
 الرجعة حديث، ۲۱۶
 الرحمة، ۱۱۰، ۱۱۳

- الزكاة (صفار)، ٢٤١
الزكاة (على بن حسن بن علي بن فضال)، ٢٨٨
الزكاة (على بن مهزيار)، ٢٧٢
الزكاة (محمد بن أورمه)، ٢٤٨
الزكاة (محمد بن عيسى)، ٢٤١
الزهد (حسن بن محمد بن سماعه)، ٢٩٥
الزهد (صفار)، ٢٤١
الزهد (محمد بن أورمه)، ٢٤٨
الزهد (على بن حسن بن علي بن فضال)، ٢٨٨
الزهد (على بن مهزيار)، ٢٧٢، ٢٧٩
زهر الرياض، ٢٤٩
زيارة أبي عبدالله، ٢٩٥
السنن، ٢١٦
السهو (حسن بن محمد بن سماعه)، ٢٩٥
السهو (سلمة بن الخطاب)، ٣٠٦
سيرة القائم، ٢٦٦
الشراء والبيع، ٢٩٥
الشرائع، ١١٦
شرح المودة في الدين، ٢٦٦
الشري، ٢٩٥
الشهادات (صفار)، ٢٤١
الشهادات (على بن مهزيار)، ٢٧٢
الشهادات (محمد بن أورمه)، ٢٤٨
الشيخ والشيخة، ٢٨٦
صفات النبي، ٢٨٨
صفة الرسل والأنبياء والصالحين، ٣٠٢
الصفوة والنور والرحمة، ٢٥٠
الصفين الكبير، ٢٨١
الصفين، ٢٨١
الصلاة (حسن بن محمد بن سماعه)، ٢٩٥
الصلاة (سلمة بن الخطاب)، ٣٠٦
الرد على أحمد بن الحسين، ٢١٦
الرد على أحمد بن يحيى، ٢١٦
الرد على الأصم، ٢١٦
الرد على الباطنية والقرامطة، ٢١٦
الرد على البائسة، ٢١٦
الرد على البيان بن رثاب، ٢١٦
الرد على الثنوية، ٢١٦
الرد على الحسن البصري في التفضيل، ٢١٧
الرد على الحشوية، ٢١٧
الرد على الدامغة في النبوة، ٢١٦
الرد على الغالية المحمدية، ٢١٦
الرد على الغلاة (صفار)، ٢٤١
الرد على الغلاة (على بن مهزيار)، ٢٧٢
الرد على الغلاة (فضل بن شاذان)، ٢١٧
الرد على الغلاة (محمد بن أورمه)، ٢٤٨
الرد على الفلاسفة، ٢١٦
الرد على القرامطة، ٢١٦
الرد على المرجئة، ٢١٧
الرد على المنانية، ٢١٦
الرد على الواقفه، ٣٠٤
الرد على أهل الاستطاعة، ١٣٢
الرد على أهل التعطيل، ٢١٦
الرد على أهل القدر، ٢٤٦
الرد على علي بن إبراهيم بن هاشم في معنى هشام و
يونس، ١١١
الرد على محمد بن كرام، ٢١٦
رسالة في معنى هشام ويونس، ١١٧
رسائل على بن أسباط، ٢٧١، ٢٧٢
الزكاة (أحمد بن أبي زاهر)، ٣٠٢
الزكاة (حريز بن عبدالله)، ١٧
الزكاة (حماد بن عيسى)، ١١٧

- الصلاة (صفار)، ٢٤١
 العتق والتدبير و المكاتبه، ٢٤١
 الصلاة (على بن حسن بن على بن فضال)، ٢٨٨
 العتق، ٢٥٥
 الصلاة (على بن مهزيار)، ٢٧٢
 عجائب بنى اسرائيل، ٢٨٨
 الصلاة (محمد بن اورمه)، ٢٤٨
 العدد، ١٤٢
 الصوم (على بن حسن بن على بن فضال)، ٢٨٨
 العروس و هو كتاب العين، ٢١٦
 الصوم (على بن مهزيار)، ٢٧٢
 العظمة و التوحيد، ٢٠٨
 الصيام (ابراهيم بن اسحاق)، ١٤٢
 عقاب الأعمال، ٣٠٦
 الصيام (سلمة بن الخطاب)، ٣٠٦
 العقاب، ٢٨٦
 الصيام (صفار)، ٢٤١
 العقيقة، ٢٨٨
 الصيام (على بن حسن بن على بن فضال)، ٢٨٨
 علل الصلاة، ١٥٠، ١٥١
 الصيام (محمد بن اورمه)، ٢٤٨
 علل الصوم، ١٥٠، ١٥١
 الصيام (حسن بن محمد بن سماعه)، ٢٩٥
 العلل، ٢١٦، ٢٨٨
 الصيد و الذبائح (صفار)، ٢٤١
 غرر الأخبار، ١٨٤
 الصيد و الذبائح (على بن مهزيار)، ٢٧٢
 الغبة (ابراهيم بن اسحاق)، ١٤٢
 الصيد و الذبائح (محمد بن اورمه)، ٢٤٨
 الغبة (حسن بن محمد بن سماعه)، ٢٩٥
 الضياء فى الرد على المحدثيه و الجعفرية، ١١١
 الغبة (فضل بن شاذان)، ٢٢١
 الضياء، ٢٤١
 الغبة و الحيرة، ٢٠٨
 الطب (على بن حسن بن على بن فضال)، ٢٨٧
 الفترة و الحيرة، ٢٠٩
 الطب (محمد بن احمد بن يحيى)، ٢٢٩
 الفتن و الملاحم، ١٨٤
 الطب (محمد بن على ابوسمينه)، ٢٠٨
 الفرائض (حميد بن زياد)، ٢٩٢
 الطرائف، ٢٤١
 الفرائض (سعد بن عبدالله)، ١١١
 الطلاق (حسن بن محمد بن سماعه)، ٢٩٥
 الفرائض (صفار)، ٢٤١
 الطلاق (على بن حسن بن على بن فضال)، ٢٨٨
 الفرائض (محمد بن اورمه)، ٢٤٨
 الطلاق (على بن مهزيار)، ٢٧٢
 الفرائض (حسن بن محمد بن سماعه)، ٢٩٦
 الطلاق (محمد بن اورمه)، ٢٤٨
 الفرائض الأوسط، ٢١٦
 الطلاق (فضل بن شاذان)، ١٦، ٢١٦
 الفرائض الصغير، ٢١٦
 الطهور، ٢٩٥
 الفرائض الكبير، ٢١٦
 العبادات، ٢٩٥
 فرق الشيعة، ١١١
 عبد المطلب و أبى النبى، ١١١
 فضائل العرب، ١٦٨
 العتق و التدبير (على بن مهزيار)، ٢٧٢
 فضائل القرآن، ٢٨٦
 العتق و التدبير (محمد بن اورمه)، ٢٤٨

- فضائل المؤمنين و برهم، ٢٧٢
 فضائل أمير المؤمنين (على بن ابراهيم)، ١١٧
 فضائل أمير المؤمنين (معلی بن محمد)، ٢٦٦
 الفضائل، ٢٧٢
 فضل أبي طالب، ١١١
 فضل الدعاء و الذكر، ١١١
 فضل العرب (سعد بن عبدالله)، ١١١
 فضل العرب (عبدالله بن جعفر حمیری)، ٢٠٨، ٢٠٩
 فضل العلم و العلماء، ٢٩٢
 فضل القرآن، ٢٤١
 فضل الكوفة، ٢٣٤، ٢٨٧
 فضل النبي، ١١١، ١٦٨
 فضل أمير المؤمنين، ٢١٦
 فضل قم و الكوفة، ١١١
 فهرست كتب ما رواه (سعد بن عبدالله)، ١١١
 الفیء و الخمس، ٢٦١
 القائم (على بن مهزيار)، ٢٧٢
 القائم (فضل بن شاذان)، ٢١٦
 القبلة، ٢٩٥، ٣٠٦
 قرب الاسناد (عبدالله بن جعفر حمیری)، ٢٠٨، ٤٨
 ٢٦١
 قرب الاسناد (على بن ابراهيم)، ٩٢، ١١٦، ١٢٣، ١٢٤
 ٣٣٥
 قرب الإسناد إلى أبي جعفر بن الرضا (عبدالله بن جعفر حمیری)، ٢٠٨
 قرب الإسناد إلى الرضا (عبدالله بن جعفر حمیری)، ٢٠٨
 قرب الإسناد إلى صاحب الأمر (عبدالله بن جعفر حمیری)، ٢٠٨
 قضایا امیرالمؤمنین (ابراهيم بن هاشم)، ١٤٧
 قضایا امیرالمؤمنین (معلی بن محمد)، ٢٦٦
 القياس، ٢٠٨
 قیام اللیل، ١١١
 كتاب الامامه، ١١١
 كتاب الحسنی، ٢١٧
 كتاب المتعین: متعة الحج و متعة النساء، ٢١٧
 كتاب ما بین هشام بن الحكم و هشام بن سالم، ٢٠٨
 كتاب ما روى في أولاد الأنمه، ٢٤١
 الكفر و وجوهه، ٢٦٦
 الكوفه، ٢٨٧
 كتاب ما نزل في القرآن في أمير المؤمنين، ٢٤٨
 اللباس، ٢٩٥
 اللطيف، ٢١٦
 اللؤلؤه (محمد بن الحسين بن ابی الخطاب)، ٢٤٦
 اللؤلؤه (محمد بن عیسی)، ٢٦١
 ما روى في الحمام، ٢٨
 ما يفعل الناس حين يفقدون الإمام، ٣٠٢
 المآكل، ١٤٢
 المتعه، ١١١، ١٤٢، ١٦٨، ٢٨٨
 المثالب (صفار)، ٢٤١، ٢٤٨، ٢٧٢، ٢٨٨
 المثالب (على بن حسن بن على بن فضال)، ٢٨٨
 المثالب (على بن مهزيار)، ٢٧٢
 المثالب (محمد بن اورمه)، ٢٤٨
 مثالب رواة الحديث، ١١١
 مثالب هشام و یونس، ١١١
 المثلثه، ٢١٦
 مجالس هشام، ١٨١
 المحمدية و الجعفرية، ١١٠
 محنة الإسلام، ٢١٦
 المختصر، ٢٨١
 مدينة العلم، ١٢
 المروءة (صفار)، ٢٤١

- المروءة (محمد بن عیسی)، ۲۶۱، ۲۶۳
 المرءة (معلی بن محمد)، ۲۶۶
 المزار (سعد بن عبدالله)، ۱۱۱
 المزار (صفار)، ۲۴۱
 المزار (علی بن مهزیار)، ۲۷۲، ۲۷۸
 المزار (محمد بن احمد بن یحیی)، ۲۲۹
 المزار (محمد بن اورمه)، ۲۴۸
 مسائل أبی محمد و توقیعات، ۲۰۸
 مسائل البلدان، ۲۱۶
 مسائل الرجال لابی الحسن الثالث، ۱۵۰
 مسائل الرجال و مکاتباتهم بأبا الحسن، ۲۰۸
 المسائل المجریة، ۲۶۱، ۲۶۲
 مسائل فی العلم، ۲۱۶
 مسائل لأبی محمد الحسن، ۲۰۸
 المسائل و التوقیعات، ۲۰۸
 المسائل و الجوابات، ۲۱۷
 المسائل، ۲۶۲
 المسح علی الخفین، ۲۱۶
 المسوخ، ۱۶۸
 المشذر: جوابات مسائل سأله عنها محمد بن بلال، ۱۱۷
 المعرفة (علی بن حسن بن علی بن فضال)، ۲۸۷
 المعرفة (محمد بن عیسی)، ۲۶۱، ۲۶۳
 معرفة الهدی و الضلالة، التعری و الحاصل، ۲۱۶
 المعرفة و البداء، ۲۴۶
 المعیار و الموازنة، ۲۱۷
 المغازی، ۱۱۷
 مقالات الإمامیه، ۱۱۱
 مقتل الحسين (ابراهيم بن اسحاق)، ۱۴۲
 مقتل الحسين (احمد بن محمد بن عیسی)، ۲۲۹
 مقتل الحسين (محمد بن زکریا غلابی)، ۲۸۱
 مقتل الحسين (محمد بن یحیی)، ۹۰، ۱۳۵، ۱۳۸
 ۱۷۰
 مقتل الحسين بن علی (سلمة بن الخطاب)، ۳۰۶
 مقتل أمیرالمؤمنین، ۲۸۱
 المکاسب (صفار)، ۲۴۱
 المکاسب (علی بن مهزیار)، ۲۷۱
 المکاسب (محمد بن اورمه)، ۲۴۸
 الملاحم (صفار)، ۲۴۱
 الملاحم (علی بن حسن بن علی بن فضال)، ۲۸۸
 الملاحم (علی بن مهزیار)، ۲۷۱
 الملاحم (فضل بن شاذان)، ۲۱۶، ۲۲۹، ۲۳۳
 الملاحم (محمد بن احمد بن یحیی)، ۹۷
 الملاحم (محمد بن اورمه)، ۲۴۸
 الملاحم (معلی بن محمد)، ۲۶۷
 من روی عن الصادق، ۲۹۲
 مناسک الحج، ۲۸۸
 المناقب (صفار)، ۲۴۱
 المناقب (علی بن ابراهیم)، ۱۱۷
 المناقب (محمد بن اورمه)، ۲۴۸
 مناقب الشیعة، ۱۱۱
 مناقب رواة الحديث، ۱۱۱
 المنتخبات، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳
 الموارث (صفار)، ۲۴۱
 الموارث (علی بن مهزیار)، ۲۷۲
 المواعظ، ۲۸۷
 المواقیب (حسن بن محمد بن سماعه)، ۲۹۵
 المواقیب (سلمة بن الخطاب)، ۳۰۶
 المواقیب فی الصلاة، ۲۳۴
 مولد الحسين بن علی و مقتله، ۳۰۶
 المؤمن، ۲۴۱
 ناسخ القرآن و منسوخه و محكمه و متشابهه، ۱۱۱

- الناسخ والمنسوخ (احمد بن محمد بن عيسى)،
١٦٨
- الناسخ والمنسوخ (على بن ابراهيم)، ١١٦
- النجاح فى عمل شهر رمضان، ٢١٧
- النجوم ومواليد الأئمة وأعمارهم، ١٥٣
- النذور والكفارات والأيمان، ٢٧٢
- النسبة بين الجبرية والثنوية، ٢١٧
- نفى ابى ذر، ١٤٢
- النقض على أبى عبيد فى الطلاق، ٢١٧
- النقض على الاسكافى فى تقوية الجسم، ٢١٦
- النقض على من يدعى الفلسفة فى التوحيد و
الأعراض والجواهر والجزء، ٢١٦
- النكاح (حسن بن محمد بن سماعه)، ٢٩٥
- النكاح (صفار)، ٢٤١
- النكاح (على بن حسن بن على بن فضال)، ٢٨٨
- النكاح (محمد بن اورمه)، ٢٤٨
- النوادر (ابراهيم بن اسحاق)، ١٤٢
- النوادر (ابراهيم بن هاشم)، ١٤٧، ١٤٩
- النوادر (احمد بن ابى زاهر)، ٣٠٢
- النوادر (احمد بن ادريس)، ١٠٣
- النوادر (احمد بن محمد بن عيسى)، ١٧٠، ١٦٨، ٥٤
- ١٧٢، ١٧٣
- النوادر (احمد بن هلال)، ١٧٨
- النوادر (جعفر بن محمد بن مالك)، ١٨٤
- النوادر (حسن بن على كوفى)، ١٨٨
- النوادر (حسن بن موسى الخشاب)، ٣٠٤
- النوادر (حسين بن محمد اشعري)، ١٠٧، ١٠٨، ١٠٩
- النوادر (حمدان قلاتسى)، ٢٣٤، ٢٣٥
- النوادر (حميد بن زياد)، ٢٩٢
- النوادر (سعد بن عبدالله)، ١١١
- النوادر (سلمة بن الخطاب)، ٣٠٦
- النوادر (سهل بن زياد)، ١٩٣، ١٩٥، ٣٣٤
- النوادر (صالح بن ابى حماد)، ١٣٠، ٢٠٢
- النوادر (عباس بن معروف)، ٣٠٠
- النوادر (على بن محمد بن سعد)، ٢١٣
- النوادر (على بن مهزيار)، ٢٧٢
- النوادر (محمد بن الحسين بن ابى الخطاب)، ٢٤٦
- النوادر (محمد بن عبد الحميد)، ٢٥٢
- النوادر (محمد بن عيسى)، ٢٦١
- النوادر (محمد بن يحيى)، ١٣٥
- نوادير الحكمه، ١٩٦، ٢٢٩، ٢٣١، ٢٣٢، ٢٣٣، ٢٦١
- نوادير الصلاه، ٣٠٦
- الواحد، ١٩٢
- الواضح المكشوف فى الرد على أهل الوقوف، ٢٦١
- الوافدين، ٢٨١
- الوصايا (حسن بن محمد بن سماعه)، ٢٩٥
- الوصايا (على بن مهزيار)، ٢٧٢
- الوصايا (محمد بن اورمه)، ٢٤١
- الوصايا (محمد بن على ابوسمينه)، ٢٤٨
- الوصايا (محمد بن عيسى)، ٢٦١
- وصايا الأئمة، ٢٤٦
- الوضوء (صفار)، ٢٤١
- الوضوء (على بن حسن بن على بن فضال)، ٢٨٨
- الوضوء (على بن مهزيار)، ٢٧٢
- الوضوء (محمد بن اورمه)، ٢٤٨
- الوعيد، ٢١٦
- وفاة أبى عبدالله، ٢٩٥
- وفاة النبى (سلمة بن الخطاب)، ٣٠٦، ٣٠٧
- وفاة النبى (على بن حسن بن على بن فضال)، ٢٨٨
- الوقت، ٢٩٥
- يوم و ليله (احمد بن هلال)، ١٧٨، ١٧٩
- يوم و ليله (عبد العظيم حسنى)، ٢٠٤

نمایه کتاب‌های چاپی

- ابجدیات البحث فی العلوم الشرعیه، ۴۶
 اختیار معرفة الرجال، ۱۵۰، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۹۱، ۲۰۲، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۳۴، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵
- تاریخ گذاری حدیث، ۶۲، ۴۶
 تاریخ مدینه دمشق، ۴۳
 تحف العقول، ۲۸۲
 ترتیب اسانید الکافی، ۱۱، ۴۵
- ارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۱۲، ۲۲۰، ۲۲۱
 الاستبصار، ۱۲، ۴۵، ۶۵، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۲۱۹
 اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ۲۹
 اعتقادات الامامیه، ۳۱۲
- تفصیل وسائل الشیعه، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۴۳، ۶۳، ۶۵
 تنقیح المقال، ۱۴۷
 التوحید (صدوق)، ۷۲، ۱۶۵، ۲۰۷
- توضیح الاسناد المشکله، ۴۵، ۷۳، ۷۴، ۷۸، ۲۰۵
 تهذیب الاحکام، ۱۲، ۱۶، ۴۵، ۶۵، ۷۵، ۷۶، ۱۰۴، ۱۰۵
 ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۶، ۱۴۴، ۲۱۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳
- الثقات، ۲۸۰
 ثواب الأعمال، ۲۶۱، ۲۸۶، ۳۰۶
- الجامع الصحیح، ۶۳
 جوامع حدیثی شیعیه، ۴۵
 الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهره، ۲۰، ۲۳
- حدیث اسلامی، ۲۱، ۶۲
 خاتمه مستدرک، ۲۰، ۲۳، ۴۱، ۱۱۸، ۲۰۴، ۲۳۷
- الخصال، ۳۸، ۱۴۸، ۱۶۱
 خصائص الانمه، ۱۲
 خلاصة الاقوال، ۱۹، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۹۵، ۱۹۷
- خورشید شرق در سده سوم، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱
- الامالی (صدوق)، ۱۹۱، ۲۲۷، ۲۵۷، ۲۸۲، ۲۹۰
 الامالی (طوسی)، ۱۴۱، ۱۴۲، ۲۸۲
 الانساب (سمعانی)، ۲۸۰
 بازسازی متون کهن حدیث شیعیه، ۱۵، ۲۲، ۲۵، ۴۰، ۱۹۰
- بازشناسی منابع اصلی رجال شیعیه، ۲۸، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۳۶، ۱۷۲، ۲۲۹، ۲۵۶، ۲۹۳
- بحار الانوار، ۶۳
 البرهان فی تفسیر القرآن، ۴۳
 البرهان فی وجوه البیان، ۱۲
 بصائر الدرجات، ۴۹، ۶۶، ۶۷، ۹۲، ۲۲۶، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴
- پیام صادق، ۲۱
 تاریخ الاسلام، ۱۱
 تاریخ التراث العربی، ۶۲، ۶۳
 تاریخ بغداد، ۱۷۹

الفوائد المدنية، ٢٠، ٢٥

فوائد الوحيد على منهج المقال، ٢٠، ٢٣، ٢٨

فهرست اسماء مصنفى الشيعة، ١١، ١٥، ١٧، ١٨، ١٩،

٢٧، ٢٨، ٣١، ٣٥، ٣٧، ٣٨، ٤٣، ٤٤، ٨٣، ٩١، ٩٢،

٩٧، ٩٨، ١٠٣، ١٠٤، ١٠٧، ١٠٨، ١١٠، ١١١، ١١٢، ١١٤،

١١٦، ١١٧، ١١٨، ١١٩، ١٢٤، ١٢٧، ١٣١، ١٣٢، ١٣٣، ١٣٥،

١٤١، ١٤٢، ١٤٣، ١٤٧، ١٥٠، ١٥١، ١٥٢، ١٥٣، ١٥٤،

١٥٥، ١٥٧، ١٥٨، ١٥٩، ١٦٠، ١٦١، ١٦٢، ١٦٨، ١٦٩،

١٧٠، ١٧١، ١٧٢، ١٧٨، ١٧٩، ١٨١، ١٨٢، ١٨٤، ١٨٥،

١٨٨، ١٨٩، ١٩٢، ١٩٣، ١٩٥، ١٩٦، ١٩٧، ٢٠١، ٢٠٢،

٢٠٤، ٢٠٨، ٢٠٩، ٢١٠، ٢١١، ٢١٢، ٢١٣، ٢١٦، ٢١٧،

٢٢٠، ٢٢١، ٢٢٦، ٢٢٧، ٢٢٨، ٢٢٩، ٢٣٤، ٢٣٥،

٢٣٦، ٢٣٨، ٢٣٩، ٢٤٠، ٢٤١، ٢٤٢، ٢٤٤، ٢٤٦،

٢٤٧، ٢٤٨، ٢٤٩، ٢٥١، ٢٥٣، ٢٥٥، ٢٥٦، ٢٥٨،

٢٥٩، ٢٦٠، ٢٦٢، ٢٦٣، ٢٦٦، ٢٦٧، ٢٧٠، ٢٧١،

٢٧٢، ٢٧٣، ٢٧٨، ٢٨٠، ٢٨١، ٢٨٥، ٢٨٦، ٢٨٧،

٢٨٨، ٢٩١، ٢٩٢، ٢٩٣، ٢٩٥، ٢٩٩، ٣٠٠، ٣٠١، ٣٠٢،

٣٠٣، ٣٠٤، ٣٠٥، ٣٠٦، ٣٠٧، ٣٠٨، ٣٠٩، ٣١٢، ٣١٣،

٣١٤، ٣٢٩، ٣٣٠، ٣٣١

فهرست كتب الشيعة، ١١، ١٧، ٣٠، ٣٣، ٣٥، ٤٣، ٤٤،

٩١، ٩٢، ٩٧، ١٠٣، ١٠٤، ١٠٨، ١١٠، ١١٣، ١١٤، ١١٦،

١١٧، ١١٨، ١٢٧، ١٣٢، ١٣٣، ١٤١، ١٤٣، ١٤٧، ١٤٨،

١٥٠، ١٥١، ١٥٢، ١٥٣، ١٥٤، ١٥٥، ١٥٨، ١٥٩، ١٦٠،

١٦١، ١٦٨، ١٦٩، ١٧٠، ١٧١، ١٧٢، ١٧٨، ١٨٢، ١٨٤،

١٨٥، ١٨٨، ١٨٩، ١٩٠، ١٩٣، ١٩٦، ٢٠٢، ٢٠٤،

٢٠٩، ٢٠٨، ٢١١، ٢١٢، ٢١٣، ٢١٤، ٢١٦، ٢١٧، ٢٢٠،

٢٢٨، ٢٣٠، ٢٣١، ٢٣٨، ٢٣٩، ٢٤١، ٢٤٢، ٢٤٣،

٢٤٦، ٢٤٧، ٢٤٨، ٢٤٩، ٢٥١، ٢٥٢، ٢٥٣، ٢٥٥،

٢٥٧، ٢٥٩، ٢٦٠، ٢٦٢، ٢٦٦، ٢٦٧، ٢٧٣،

٢٧٤، ٢٧٨، ٢٨٦، ٢٨٧، ٢٩٠، ٢٩١، ٢٩٢، ٢٩٥،

٢٩٦، ٢٩٨، ٣٠٠، ٣٠١، ٣٠٢، ٣٠٣، ٣٠٤، ٣٠٨،

دراسة فى شخصية سهل بن زياد و رواياته، ١٩٢

ديوان الضعفاء و المتروكين، ٢٨٠

الرجال (ابن غضائرى)، ١٨١، ١٨٤، ٢٠٦، ٢٢٦، ٢٣٤،

٢٣٦، ٢٤٨، ٢٥٥، ٢٦٦، ٢٧٠، ٢٨٦، ٣٠٨، ٣٠٩،

٣١٢، ٣١٤

الرجال (برقى)، ١٥٠

الرجال (طوسى)، ١١٠، ١١٢، ١١٤، ١١٨، ١٢٧، ١٣٣، ١٣٥،

١٤١، ١٤٣، ١٥٠، ١٥١، ١٥٢، ١٦٩، ١٧٠، ١٧٨، ١٨٤،

١٩٤، ١٩٨، ٢٠١، ٢٠٨، ٢١٤، ٢١٩، ٢٣٥، ٢٤٧، ٢٥١،

٢٥٢، ٢٥٩، ٢٨٨، ٢٩٢، ٢٩٦، ٣٠٣، ٣٠٥، ٣٣٠

رسالة ابى غالب الزرارى، ١٠٨، ١١١، ١٥٨، ١٦١، ١٦٨،

١٧٣، ١٧٨، ١٧٩، ١٨٤، ١٨٦، ٢٧٢، ٢٧٥،

٢٩٦

الرسائل الرجالية، ٢٩

رسائل فى دراية الحديث، ٩٣

روضة المتقين، ٢٠، ٢٣، ١٩٤

سند شناسى، ٥٦

شناختنامه كلينى و الكافى، ٢٥

الشيخ الكلينى البغداى و كتابه الكافى، ٢٢

شيوه بهره گيرى از كتابخانه ها و منابع اطلاعاتى، ٢٣

الطرائف، ٢٦١

العدة فى اصول الفقه، ٢٢

عقاب الأعمال، ٣٠٦

علل الشرائع، ٨٣، ٢١٧

علوم الحديث، ٤١، ٧٤

عيون أخبار الرضا، ١١٣

غرر الأخبار، ١٨٤

الغيبه (طوسى)، ١٥٠، ٢٢٣، ٣٢٩

الغيبه (نعمانى)، ١٢، ٢٥، ٩٣

فتح البارى، ٧٤

فضائل الأشهر الثلاثة، ٢٠١، ٢٩٠

- المصنّف، ۲۱، ۶۲
 معالم العلماء، ۱۵۰، ۱۵۱، ۲۱۶، ۲۱۷
 معانی الاخبار، ۲۸۲
 معجم البلدان، ۱۴۲، ۲۸۱، ۲۸۲
 معجم رجال الحديث، ۲۸، ۲۹، ۱۰۷، ۱۵۵، ۱۶۸، ۱۷۲، ۲۳۴، ۲۲۱، ۱۹۴
 معرفة علوم الحديث، ۲۶۱
 ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار، ۲۳
 منتقى الجمال فی الاحادیث الصحاح والحسان، ۴۱
 منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۴۵
 منهج المقال، ۲۳، ۲۸، ۲۹
 میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ۲۱، ۲۵
 نسخه فهرست مصنفی الشیعه، ۲۴۹
 نظریة الاعتبار فی العلوم الاسلامیه، ۴۱
 نفائس الفنون فی عرائس العیون، ۱۲
 نهج البلاغه، ۱۲۴
 الوافی، ۲۳، ۶۵
 وصول الاخبار الى اصول الاخبار، ۱۲، ۹۳
 هداية الاربار، ۲۰
 الهدایة الكبرى، ۲۰۶
 هدی الساری، ۷۴
- ۳۱۴، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۰۹
 قاموس الرجال، ۱۶۲، ۲۱۷
 قبسات من علم الرجال، ۲۲۳
 قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، ۷۴
 القواعد المنهجية فی التنقیب عن المفقود من الكتب والاجزاء التراثية، ۲۱
 کامل الزیارات، ۲۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۲۴۹، ۲۷۲
 الکامل فی التاریخ، ۴۳
 کتاب زید بن وهب جهنی، ۴۰
 کتاب من لا یحضره الفقیه، ۱۲، ۱۶، ۴۲، ۴۵، ۷۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۳، ۱۸۹، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۵۳، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۷۴، ۲۹۰، ۳۳۴
 کتب التراث بین الحوادث والانبعاث، ۲۱
 کشف الغمه، ۹۶، ۲۵۸
 کنز الفوائد، ۱۲
 کمال الدین و تمام النعمة، ۲۱۲
 لسان المیزان، ۱۱
 المحاسن، ۱۴، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۵
 مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ۱۱، ۲۰
 مستطرفات السرائر، ۳۰
 مشرق الشمسين و اکسير السعادتین، ۲۳

نمایه قواعد

ابهام راوی، ۱۹۳، ۲۰۸

اخذ از کتاب موجود، ۱۲۰

اضمار، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۳۷، ۱۴۹، ۱۶۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۹۹،

۲۵۴، ۲۶۸

اعمال مروئ عنه، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۵۴،

۲۸۳

تردید، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۸

تعلیق، ۱۰۵، ۱۲۱، ۱۳۷، ۱۴۹، ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۸۳، ۲۰۰،

۲۰۳، ۲۴۰، ۲۶۴، ۲۶۸

تکرار کم، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۲۲، ۱۳۸،

تناسب سند، ۱۲۳

تناسب محتوا، ۱۵، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۶،

۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۰۰، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۵،

۲۲۲، ۲۳۳، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۹

حدیث ذیلی، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۶۴، ۱۹۹،

۲۶۴

شبه عده، ۱۱۶، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۱،

۱۹۹، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۴۵، ۲۵۴، ۲۵۸،

۲۷۷، ۳۱۰

عده من أصحابنا، ۱۱۵، ۱۶۳، ۱۷۵، ۱۸۷، ۱۹۸

عطف، ۱۲۱

کتاب نداشتن راوی، ۱۴۵، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۱۳،

۲۲۲، ۲۳۵، ۲۵۲، ۲۷۷، ۲۸۳

کتاب نداشتن مروئ عنه، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۷

متعارف نبودن طریق، ۱۰۶، ۱۲۳

منابع الکافی (بخش اصول)؛ بازیابی و اعتبارسنجی

ارزیابی تاریخی و اعتبارسنجی الکافی و احادیث آن به شناخت منابع الکافی و اعتبارسنجی آن‌ها وابسته است. کشف روش و قواعد بازیابی برای دستیابی به منابع لازم است. این نوشتار به این سه مهم در بخش اصول الکافی می‌پردازد. روش و قواعد بازیابی با مقایسه اسناد کتاب المحاسن که از منابع الکافی است و سندهای الکافی و مدد گرفتن از فهرست‌های نجاشی و طوسی صورت گرفته است. ۱۵ قاعده بازیابی، حل ناسازگاری میان برخی قواعد و همراهی بعضی از قواعد با همدیگر از یافته‌های مرتبط با مبحث قواعد به شمار می‌رود. آثار هشت استاد کلینی، کتاب‌های ۳۱ نفر از اساتید اساتید کلینی و نوشتارهای سه نفر از اساتید با بیش از دو واسطه از منابع قطعی الکافی هستند. ۱۲ منبع میان اساتید و اساتید اساتید کلینی مرّد است که چون نام یکی از مؤلفان جدید است، در صورت عدم تردید تعداد منابع قطعی به ۵۴ عدد می‌رسید. ۲۶ منبع دیگر نیز میان اساتید و اساتید اساتید کلینی مرّد است که به دلیل تکرار نام آن‌ها در اسناد پیشین به آمار اضافه نشدند. تکلیف هشت سند با اساتید نامعلوم، ۱۴ سند با اساتید و راویانی مهمل و مبهم و سه سند وجاده‌ای روشن نشده است. طرق به منابع بازیابی شده و خود منابع اعتبارسنجی شده‌اند. عدد احادیث مربوط به هر منبع نیز تعیین شده است.

مصادر الكافي (قسم الأصول)؛ إحياء و تقييم

التقييم التاريخي ومعرفة قيمة كتاب الكافي وأحاديثه يعتمد على معرفتنا بمصادره و قيمتها العلمية. و للتعرف على هذه المصادر ينبغي استكشاف منهج وأسس التوصل إليها. البحث الحاضر يتولى دراسة هذه الأمور الثلاثة في نطاق أصول الكافي. أما منهج وقواعد استكشافها فهو من خلال مقارنة أسانيد الكافي مع أسانيد المحاسن الذي هو أحد مصادر الكافي الى جانب الاستعانة بفهرستي النجاشي والشيخ الطوسي. ومما تجدر الإشارة إليه أننا استخرجنا ١٥ قاعدة في هذا المجال، مضافاً لرفع التنافي و التهافت بين بعضها وكشف التناقض بين بعضها الآخر، وهذا ما يمكن عدّه من نتائج البحث.

إنّ كتب ثمان من مشايخ الكليني و ٣١ شخصاً من مشايخ مشايخه، مضافاً لكتب ثلاث من مشايخه بأكثر من واسطتين تعدّ جميعاً من مصادر الكافي دون ريب. كما أنّ ١٢ مصدراً منها مردّد بين مشايخ الكليني و مشايخ مشايخه؛ باعتبار أنّ اسم أحد مؤلفيها جديد، مع أنّ المصادر التي نثق بنقله عنها تبلغ ٥٤ مصدراً. كما أنّ ٢٦ مصدراً منها مردّد بين مشايخ الكليني و مشايخ مشايخه؛ ولتكرّر أسمائهم في الأسناد السابقة لم نذكرهم في الإحصائية. هذا و لم يتّضح لنا حال ثمان أسانيد لمشايخه غير المعلومين و ١٤ سنداً لمشايخه و الرواة المهملين و ثلاث أسانيد وصلت بالوجادة. و قد تمّ تقييم هذه المصادر مضافاً لتقييم طرقها، كما ذكرنا عدد أحاديث كلّ منها.

Al-Kafi sources: section of Usul retrieval and validation

Historical evaluation and validation of al-Kafi and its hadiths depend on the recognition of al-Kafi resources and their validation. Discovering methods and rules for recovery is needed. This article deals with these three important issues in al-Usul section of al-Kafi Book. The methods and rules of retrieval in this study are based on the comparison between the documents of al-Mahasin as a source of al-Kafi and documents of al-Kafi using fihristis of Najashi and Tusi. Fifteen retrieval rules, the resolution of incompatibility between some rules, and the co-operation of some of the rules together, are among the findings of the present study concerning the discussion of the rules. The works of eight teachers of Kulayni, books by 31 teachers of Kulayni's teachers and papers of three teachers with more than two intermediaries are among the definitive sources of al-Kafi. Twelve sources among Kulayni's teachers and teachers of teachers are indefinite due to the name of a new author among them; otherwise, the number of definite sources would reach 54. Another twenty other sources among Kulayni's teachers and teachers of teachers are indefinite and not added to the statistics due to the repetition of their names in previous documents. Eight documents with unknown teachers, 14 documents with unclear teachers and narrators, and three ambiguous documents have not been verified. The chains of authorities of the sources have been evaluated and sources themselves are validated. The number of hadiths per source is also set.

